اطلاعات

چهارشنبه ۲۳ مرداد ۱۳۹۲ ـ ۶ شوال ۱۴۳۴ـ ۱۴ آگوست ۲۰۱۳ـ شماره ۲۵۶۶۴ ـ ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه – ۲۰۰ تومان

مهلت انتخاب رشته کنکور ۹۲ تمدید شد

* داوطلبان می‌توانند تا فردا نسبت به تکمیل فرم انتخاب رشته تحصیلی خود اقدام کنند
* افرادی که در کنکور شرکت نکرده‌اند هم می‌توانند انتخاب رشته کنند!

صفحه ۳

۳۰ کشته در تازه‌ترین جنایت تکفیری‌های عراق

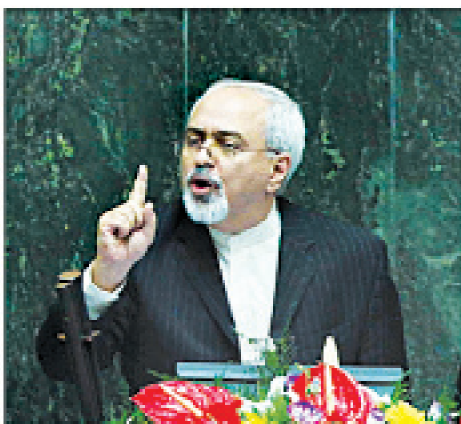
* انفجارهای شدید عراق ۱۳۳ زخمی داشت
* روسیه از سیاست‌های ضد تروریستی دولت عراق حمایت کرد
* ۲ سرکرده القاعده هنگام فرار از زندان ابوغریب بازداشت شدند

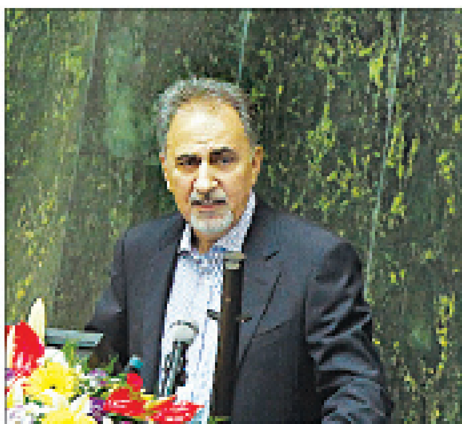
صفحه ۱۶

پاسخ‌های متین و مستدل وزرای پیشنهادی به ابهامات نمایندگان

* دکتر نجفی وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش: اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی و سیاست‌های کلی آموزش و پرورش، مهم‌ترین برنامه‌ام است
* آموزش، ابزار و تربیت هدف است و اگر تربیت نادیده گرفته شود، اصل آموزش و پرورش مهمل است
* بخشی از بلایایی که سر آموزش و پرورش آمده، ناشی از شعارزدگی، عوام‌زدگی و سیاست‌زدگی‌ها است
* جهانگیرزاده موافق وزیر اطلاعات: آقای علوی با چهار دوره عضویت در مجلس، حضور در تدوین قانون وزارت اطلاعات و سابقه حضور در نهادهای نظامی دارای بینش امنیتی است
* دکتر علوی وزیر پیشنهادی اطلاعات دخالت نکردن در حریم خصوصی افراد و نهادینه کردن امنیت پایدار بدون امنیتی کردن کشور را از جمله رویکردهای ملی خود در مدیریت وزارت اطلاعات برشمرد
* دکتر طیب‌نیا وزیر پیشنهادی امور اقتصاد و دارایی: سیاست پولی دولت تدبیر و امید معطوف به کنترل تورم از طریق کنترل نقدینگی در میان مدت خواهد بود
* دکتر ظریف وزیر پیشنهادی امور خارجه: رویکرد اعتدال در سیاست خارجی دولت مبتنی بر واقع‌بینی، خودباوری و خودآگاهی است
* هدف سیاست خارجی، دفاع عزتمند، خودباورانه و هوشمندانه از منافع و مصالح کشور است
* دکتر واعظی وزیر پیشنهادی ارتباطات: با واسپاری امور و خصوصی‌سازی موافقم
* دکتر هاشمی وزیر پیشنهادی بهداشت: اقتصاد پایدار بدون داشتن انسان‌های سالم از نظر روحی و جسمی امکانپذیر نیست

صفحه ۲


دکتر ظریف


دکتر نجفی


دکتر علوی


دکتر هاشمی


دکتر طیب نیا


دکتر واعظی

طرح ۱۱ ماده‌ای آمریکا برای دخالت نظامی در سوریه

* یک پایگاه خبری اسرائیل هدف از سفر فرمانده ارتش آمریکا به منطقه را آماده‌سازی مقدمات برای دخالت نظامی در سوریه اعلام کرد
* ایجاد منطقه پرواز ممنوع، ایجاد منطقه حائل ۴۰ کیلومتری از مرزهای اسرائیل و اردن تا حومه دمشق و اعلام «درعا» به عنوان پایتخت سوریه آزاد، از جمله مفاد طرح ۱۱ ماده‌ای آمریکاست
* روسیه: ایران بازیگر مهم منطقه است و می‌تواند در حل بحران سوریه تأثیرگذار باشد
* آمریکا ۱۵ میلیون دلار دیگر به مخالفان سوری کمک کرد
* ارتش سوریه برای عملیات بزرگ در سراسر این کشور آماده می‌شود

سرویس خارجی: پایگاه خبری «دبکا» نزدیک بـه منابع نظامی و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی در گزارشی هدف از سفر اخیر مارتین دمپسی، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا به خاورمیانه را آماده‌سازی آخریـن مقدمات بـرای دخالت نظامی ایالات متحده در سوریه اعلام کرد.

دمپسی در این سفر قرار است صحبت‌هایی جدی بـا بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر، موشه یالون وزیر جنـگ و بنـی گانتز رئیس ستاد مشترک ارتش اسرائیل داشته باشد.

قرار اسـت نتیجه این گفتگوها زمینه‌های لازم برای تصمیم نهایی بـاراک اوبامـا رئیـس جمهوری آمریکا در خصوص دخالت نظامی در سوریه را فراهم کند.

طرح آمریکا شـامل عربسـتان سـعودی، امارات، اسرائیل، اردن

بقیه در صفحه ۱۶

۱۰ درصد سهام عدالت سهامداران از نیمه دوم امسال قابل معامله است

* سهام عدالت شرکت‌هایی که در حال حاضر در بورس معامله می‌شود، در سایت بورس قابل مشاهده است
* اسامی مشمولین استان آذربایجان شرقی برای دریافت کد سهامداری به شرکت سپرده‌گذاری مرکزی ارسال شده و اطلاعات مشمولان استان کردستان هم بزودی ارسال خواهد شد
* قیمت معاملاتی هر برگه سهام عدالت همانند سایر سهام‌های موجود در بازار با توجه به مکانیزم عرضه و تقاضا تعیین می‌شود
* معاون سازمان خصوصی‌سازی: با افزایش سرمایه شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی، هر برگه سهام عدالت به ۱۰ هزار سهم ۱۰۰ تومانی تبدیل می‌شود تا قابل معامله در بازار سهام شود
* اوایل نیمه دوم امسال درج نماد شرکت‌ها در فرابورس آغاز خواهد شد

صفحه ۴

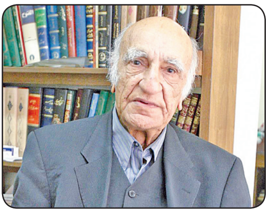
محک — خوش بود گر محک تجربه آید به میان... ابوالقاسم ـ قاسم زاده
مجلس بی صدا یا پر سر و صدا — صفحه ۲

یادداشت: جاسوسی، جنگ غیرمستقیم روسیه و آمریکا — نادر مازوجی — صفحه ۱۶

گزارش: کمبود بودجه چالش اصلی بخش سلامت — صفحه ۵



نظرها و اندیشه ها: مودونم و نموگوم! — دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی — صفحه ۶



اقتصادی: گذری بر دستاوردهای هدفمندی یارانه‌ها — صفحه ۷



روابط بین الملل: سایه سنگین «عبدالله صالح» بر یمن — صفحه ۱۲



ویژه فرهنگی ضمیمه اطلاعات امروز

محک

خوش بود گر محک تجربه آید به میان...

ابوالقاسم - قاسم زاده

مجلس بی‌صدا یا پرسروصدا!

نهاد مجلس در اغلب نظام‌های سیاسی مردمی‌ترین نهاد سیاسی - اجتماعی شناخته شده است. جدا از برخی از کشورهایی که هنوز به صورت تشریفاتی و فرمایشی مجلس دارند و کسی این کشورها و نظام حاکم بر آن را در حدود تعریف مردم‌سالاری ارزیابی نمی‌کند و نمی‌شناسد، همه مجالس در بسیاری از کشورها - بخصوص در کشورهایی که از تنوع احزاب با گرایش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خاص برخوردارند - مجالس نقد و تصویب، رد و قبول و در یک کلام پرسروصدا و جنجالی هستند. بخش عمده گزارش‌های خبری و اوضاع و احوال به روز کشورها از درون نشست‌های مجالس و رد و قبول و نظرپردازیِ نمایندگان در رسانه‌های عمومی انعکاس پیدا می‌کند و می‌توان نوشت که مجلس در اغلب نظام‌ها نبض سیاسی را در کشورها زنده نگه می‌دارد.

در برخی از مجالس علاوه بر طنزپردازی نمایندگان نسبت به یکدیگر و دیدگاه‌های سیاسی هم، گاهی جنجال و غوغای اختلاف‌ها به برخوردهای فیزیکی هم می‌رسد که نمونه‌های آن را در گزارش‌های خبری و خارجی رسانه ملی ما دیده‌اید.

در روال مردم‌سالاری (دمکراسی)، مجالس فعال، مجالس پرسروصدا هستند و مجلس بی‌صدا را مجلس فرمایشی و بی‌خاصیت می‌خوانند.

این قاعده یا برداشت، از گذشته‌های دور قبل و بعد از انقلاب در کشور ما شناخته شده است. این دو گزاره «وکیل الدّوله» یا «وکیل الرّعایا - وکیل مردم»، نشسته در یاد مردم از نمایندگان مجلس و ادوار مجالس در گذر ایام است. مردم در انتخاب نماینده خود برای مجلس و هویت مجلس شاخص‌هایی دارند که حق‌گویی، حق‌طلبی، ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی، اهل میزان بودن، حراست از کیان نظام و کشور و دفاع از حق و حقوق مردم بخشی از این شاخص‌ها است. مردم مجلسی بی‌صدا، ساکت و تمکین‌پذیر نمی‌خواهند. مجلس باید صدای ملت باشد و دادخواهی جایگاه آن است. اصلی‌ترین مسئولیت و وظیفه آن در قانون اساسی، تدوین و تصویب قوانین و نظارت بر حسن اجرای آن دیده شده است. مجلس در میان مجموعه شرح وظایفش یک شاخص بارز باید داشته باشد و آن اخلاق‌مداری است. وقتی نام مجلس شورای ملی به مجلس شورای اسلامی تغییر کرد، بار و ارزش این شاخص مضاعف شد. اگرچه مجلس را ملی بخوانید یا اسلامی بنامید از جایگاه اخلاق‌مداری آن کاسته نمی‌شود، اما در مشروطه، تاج مجلس شورای ملی که ابتدا آن را عدالتخانه نامیدند، علما و مجتهدین بنامی بودند که علاوه بر فقاهت مشهور به انسان‌های صالح و اخلاق‌مدار بودند.

در همین دیروز در جلسه علنی بررسی صلاحیت وزرا برای کسب رأی اعتماد، پرسروصدا شدن مجلس طبیعی بود و شاید براساس همان معیار نوشته شده، لازمه مجلس غیرتشریفاتی و فرمایشی است، اما پرسش مردم بعد از شنیدن سخنرانی‌ها این است: آیا اخلاق در برخی از این گفته‌های نمایندگان رعایت شد؟! اگر چنین بوده، چرا برخی از حقوقدان‌های برجسته ما نوشته‌اند بخشی از مطالب گفته شده در سخنرانی، عنوان توهین، افترا و اشاعه اکاذیب دارد! چرا در جلسه، چندین نماینده، ماده ۷۶ قانون آئین‌نامه داخلی مجلس را تذکر دادند؟ ماده ۷۶ آئین‌نامه داخلی مجلس می‌گوید: «چنانچه به تشخیص هیأت رئیسه نماینده‌ای در سخنان خود در جلسه علنی به کسی نسبت ناروا داده یا هتک حرمت نماید فرد مزبور می‌تواند با دفاع از خود به صورت مکتوب به اتهام وارده پاسخ گوید. پاسخ ارسالی در صورتی که بیش از دو برابر اصل مطلب اظهار شده نبوده و متضمن توهین و افترا نباشد در نخستین فرصت در جلسه علنی قرائت خواهد شد.»

حق استفاده از موضوع ماده ۷۶ برای هرکسی صرف‌نظر از موقعیت اجتماعی و سمت او ممکن است ایجاد شود و ملاک تشخیص ناروا بودن نسبت داده شده یا تحقق هتک حرمت، نظر هیأت رئیسه است. اگر هیأت رئیسه چنین نظری داشت پاسخ ارسالی ناچار باید در جلسه علنی قرائت شود. چنانکه چنین شد. اگرچه در اصل ۸۶ قانون اساسی آمده است:

«نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند و...» اما همه نمایندگان در شروع کار نمایندگی مردم متن سوگندنامه مندرج در قانون اساسی را می‌خوانند و قسم‌نامه را امضاء می‌کنند. شکستن حریم اخلاق و سقوط در وادی تهمت و افترا، نقض آشکار این سوگندنامه است.

مردم، مجلس زنده، فعال، پرجوش و البته پرسروصدا می‌خواهند، اما جامعه از نمایندگان درس اخلاق نیز می‌گیرد. هر وقت جنجال‌آفرینی در مجلس ظهور و بروز پیدا می‌کند اولین قربانی آن «اخلاق‌مداری» است. هر وقت تسویه حساب فردی و سیاسی و گرایش تشکیلاتی در مجلس ظاهر می‌گردد، هتک حرمت و تهمت و افترا سر برمی‌آورد. مجلس را خانه ملت می‌نامند. سکوی سخنرانی مجلس در خانه ملت، سکوی اخلاق، آرامش‌بخشی، وحدت ملی و امیدواری به آینده باید باشد. مجلس شورای اسلامی، عدالتخانه ملت است و عدالت برادر اخلاق است. حرمت آن را نگهداریم.

پیام تسلیت دکتر روحانی به مناسبت درگذشت مادر ۳ شهید

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی رئیس جمهوری اسلامی ایران درگذشت والده مکرمه شهیدان، محمدتقی، اسماعیل و عوض صادق‌زاده را تسلیت گفت.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، متن پیام دکتر روحانی به این شرح است:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

اناالله و انااليه راجعون

درگذشت بانوی مومنه مرحومه هاجر اخگر، مادر گرانقدر شهیدان محمدتقی، اسماعیل و عوض صادق‌زاده که با همت بلند خویش مردان غیور و شجاعی را تربیت و روانه میدان جهاد و شهادت کرد، موجب تاثر و تالم خاطر شد.

بی‌تردید مادری که برای رضای خدای متعال از عزیزترین سرمایه‌های زندگی خویش گذشت تا ارواح قدسی عزیزانش حافظ و پاسدار میهن اسلامی‌مان باشد، از جایگاه ممتاز و برجسته‌ای در رضوان الهی برخوردار خواهد بود.

اینجانب ضمن تسلیت درگذشت این مادر والامقام و آرزوی رحمت و مغفرت واسعه الهی برای روح طیبه‌اش، همنشینی آن بانوی مکرمه را با فرزندان شهیدش از خداوند سبحان مسألت می‌نمایم.

عراقچی: نیروگاه اتمی بوشهر به زودی رسما تحویل ایران می‌شود

سرویس سیاسی - اجتماعی: سخنگوی وزارت امور خارجه اعلام کرد: نیروگاه اتمی بوشهر تا چند هفته دیگر رسماً به ایران تحویل می‌شود.

سیدعباس عراقچی در نشست هفتگی با اصحاب رسانه در پاسخ به پرسشی درباره ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای توسط روسیه در ایران افزود: فاز نخست ساخت نیروگاه هسته‌ای بوشهر انجام شد و برای اجرای فازهای بعدی نیروگاه بوشهر و ساخت نیروگاه‌های دیگر هسته‌ای مذاکره با روسیه ادامه دارد که امیدواریم به نتیجه برسد.

سفر رئیس جمهوری به قرقیزستان و نیویورک

عراقچی در پاسخ به پرسشی درباره سفر دکتر روحانی به قرقیزستان، با بیان این که اجلاس سران پیمان شانگهای ۲۲ شهریور در بیشکک قرقیزستان برگزار می‌شود، گفت: از آقای روحانی برای شرکت در این اجلاس دعوت شده است، ولی ایشان هنوز تصمیم نهایی خود را نگرفته‌اند.

وی شرکت در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک را هم فرصت مغتنمی برای حضور رئیس جمهوری در عرصه بین‌المللی ذکر کرد و گفت: درباره سفر به نیویورک هم هنوز رئیس جمهوری تصمیم نگرفته است.

ارتقای سطح مذاکرات با ۱+۵

سخنگوی وزارت امورخارجه در پاسخ به پرسشی درباره زمان و مکان برگزاری مذاکره با ۱+۵ و احتمال ارتقای سطح مذاکرات گفت: درباره مذاکرات با ۱+۵ هنوز تحولی رخ نداده است و تا زمانی که کابینه مستقر نشود و افراد در مسئولیت‌های خود قرار نگیرند، تاریخی برای مذاکرات مشخص نخواهد شد. درباره سطح ارتقای سطح مذاکرات هنوز هیچ چیز قطعی نیست و مطمئن نیستم تصمیمی در این باره گرفته شده باشد و باید منتظر ماند.

عراقچی درباره درخواست ترکیه از ایران برای کمک به یافتن دو خلبان ربوده شده در لبنان ضمن تائید این خبر، افزود: وزیر امورخارجه ترکیه چند روز پیش با دکتر صالحی تماس گرفت و درخواست مساعدت ایران برای یافتن خلبان‌های ربوده شده ترک را در لبنان داشتند.

وی با محکوم کردن ربایش انسان‌ها با هر هدف، در هرکجا و توسط هرکس، تصریح کرد: برای حل این مشکل اگر امکاناتی داشته باشیم قطعاً دریغ نخواهیم کرد.

بقیه در صفحه ۱۶

پاسخ‌های متین و مستدل وزرای پیشنهادی به ابهامات نمایندگان

سرویس سیاسی - اجتماعی: نمایندگان مجلس دیروز در دو نوبت صبح و عصر در ادامه بررسی صلاحیت وزیران پیشنهادی دولت یازدهم که از روز دوشنبه آغاز شده است در مورد وزیران پیشنهادی آموزش و پرورش، ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات، اطلاعات، اقتصاد و دارایی، خارجه و بهداشت و درمان و آموزش پزشکی دیدگاه‌های موافق و مخالف خود را مطرح کردند. براساس گزارش خبرنگاران ما در جلسه صبح دیروز که دکتر روحانی رئیس جمهوری هم حضور داشت، هرکدام از نمایندگان موافق و مخالف نظر خود را ارائه کردند.

همچنین در جلسه دیروز مقرر شد که به دلیل طولانی شدن روند بررسی صلاحیت‌های اعضای کابینه، جلسه عصر امروز مانند روز قبل تا ۱۹ ادامه یابد، تا رأی‌گیری وزرا فردا انجام شود.

آنچه در پی می‌آید، گزارش کامل جلسات صبح و عصر دیروز مجلس است.

در جلسه صبح دیروز مجلس، مهرداد لاهوتی نماینده مردم لنگرود در مجلس به عنوان دومین نماینده موافق وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش به دفاع از برنامه‌های این وزارتخانه پرداخت.

وی گفت: سرکشی دکتر نجفی به خانواده‌های حوادث سال ۸۸ مصوبه شورای شهر تهران بود و گزارش آن به مقام معظم رهبری ارجاع شد که مسئول دفتر ایشان به انضمام نامه‌ای، این گزارش را به اطلاع اعضای شورای امنیت ملی رساند.

این عضو کمیسیون عمران مجلس با اشاره به برنامه‌های بیستگانه وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش گفت: دکتر نجفی از ۲۲ محور برنامه پنجم توسعه در بیست محور برنامه دارد. این میزان توجه به قانون برنامه در کانون توجه هیچ وزیری نیست.

وی تاسیس شوراهای آموزش و پرورش، واگذاری تصدی‌گری‌های دولت به استانداران و فرمانداران و مردم، تاسیس سه پژوهشکده، یک دانشگاه، سازمان کودکان استثنایی و هزاران مدرسه را در دوران مسئولیت نجفی در وزارت آموزش و پرورش و سایر مسئولیت‌های دولتی اجرا شده دانست.

وی متذکر شد: آموزش و پرورش امروز نیازمند تغییر و تحول است و دکتر نجفی با برنامه‌هایی که در دست دارد، اجرای سند بنیادین آموزش و پرورش را به صورت تدریجی با تدبیر در دستور کار دارد.

دکتر محمد علی نجفی وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش، در دفاع از برنامه‌های خود با تأکید بر لزوم تدوین یک برنامه راهبردی برای آن وزارتخانه مهم‌ترین برنامه خود را اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی و سیاست‌های کلی آموزش و پرورش که به تأیید مقام معظم رهبری رسیده و در سال ۹۲ ابلاغ شده است دانست و گفت: این‌ها سندهای مادری هستند که لااقل در ۲۰ سال آینده باید مبنای برنامه‌ریزی در آموزش و پرورش باشد و برای اجرای آن باید نیروهای کارشناس و توانمند تربیت کنیم.

وی سپس گفت: من، به هیچ عنوان قصد تغییر سند تحول بنیادین را ندارم، بلکه معتقدم که باید مجمعی از نخبگان تشکیل شود و در صورت لزوم بخش‌هایی از این سند را اصلاح کند.

وی اضافه کرد: از اکنون باید این بررسی‌ها آغاز شود تا در ۵ سال آینده که سند باید بازنگری شود، در اختیار شورای انقلاب فرهنگی قرار گیرد؛ یعنی در سال ۱۳۹۵ باید نتیجه آن به شورای مزبور اعلام شود.

علاوه بر این‌ها ۵۹ برنامه پیش‌بینی شده که به غیر از ۲ مورد، ۵۷ مورد مستند به سیاست‌های کلی و سند تحول است و اتهام مخالفت من با سند تحول که آقای زاکانی مطرح کرد، نادرست است.

نجفی درباره ترویج تربیت دینی در آموزش و پرورش، افزود: آموزش، ابزار و تربیت هدف است و اگر تربیت نادیده گرفته شود، اصل آموزش و پرورش مهمل است.

وی یادآور شد: نسبت تربیت به آموزش و پرورش و کل فرآیند آموزشی و پرورشی، مثل نسبت شیرینی به قند است، بنابراین من، چگونه می‌توانم مخالف تربیت باشم؟

وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش آنگاه گفت: در آن زمان صحبت از تعمیم و تلفیق فعالیت‌های پرورشی داشتیم، نه حذف این گونه فعالیت‌ها. صحبت از آن بود که معلم، مدیر و ناظم هم وظیفه تربیتی دارد، ولی امروز می‌گویند که معاون پرورشی در زمان من منحل شده است.

وی اضافه کرد: آقای امیرآبادی، به عنوان مخالف گفت که من زمینه‌سازی کردم تا وزیر بعدی آن را منحل کند؛ در حالی که دو سال بعد از پایان خدمت وزیر بعدی (آقای مظفر) بنا به دلایلی، معاونت پرورشی منحل شد، حال می‌گویند من ۶ سال پیش از انحلال این معاونت برنامه‌ریزی کرده بودم که منصفانه نیست.

نجفی سپس تأکید کرد: ما به پرورش در آموزش و پرورش هویت دادیم؛ یعنی هم هویت فنی و تربیتی و هم هویت علمی.

من، معتقدم که تعلیم و تربیت باید «دین‌محور» باشد و این با آموزش دین در مدارس متفاوت است، زیرا آموزش دین جزیی از این تفکر است و روح، جان و همه اجزای آموزش و پرورش، باید دین و تعالیم دینی باشد، ضمن آن که این دین و روح دینی که باید در تعلیم و تربیت دمیده شود، مبتنی بر تعالیم دینی باشد و جنبه تحمیلی نداشته باشد.

بر این مبنا انتخاب دانش‌آموز و تقویت حفظ دین در او اصل است، گرچه این انتخاب باید آزادانه باشد، زیرا با تحمیل نمی‌شود دانش‌آموز را دیندار کرد و نتیجه آن دین‌گریزی خواهد بود.

وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش همچنین یادآور شد: من به خاطر آن که حکومت دینی است، ۳۵ سال است که در کشور خدمت می‌کنم. کسی که تحصیل خود را در معتبرترین دانشگاه آمریکا نیمه‌کاره گذاشته و به ایران آمده است، آن هم در شرایطی که بهترین پیشنهادهای کار در آمریکا را داشتم، به عشق خدمت به انقلاب و به عشق کار با شهید چمران به ایران آمدم، آن وقت می‌گویند که من، حکومت دینی را قبول ندارم و رئیس جمهوری نمی‌شوم، زیرا حکومت اسلامی را قبول ندارم.

نجفی سپس اظهار داشت: در زمان وزارتم ۳ نفر از برجسته‌ترین روحانیان یعنی آقایان: قرائتی، اژه‌ای و محمدیان معاون من بودند، آن وقت می‌گویند که با حوزه علمیه ارتباط نداشتی و معاونان تو غربزده و تحصیل‌کرده غرب بودند.

وی یادآور شد: اکنون ۸۰ درصد از فرهنگیان از بازگشت من به آموزش و پرورش دفاع می‌کنند، آن وقت می‌گویید که من ۹ سال کار غیرارزشی در آن وزارتخانه کردم و هیچ‌کس نفهمید؟

مخالفان، حتی اقدام من در اضافه کردن حقوق فرهنگیان را که در اثر تورم مستهلک شد، به عنوان نقطه ضعف من اعلام کرده‌اند.

نجفی سپس اعلام کرد: دستگاه آموزش و پرورش در دوران من، به عنوان برجسته‌ترین دستگاه قرآنی شناخته شد، دارالقرآن‌ها در زمان من راه‌اندازی شد.

وی افزود: من کاندیدای ریاست جمهوری نشدم، زیرا نمی‌خواستم به میان مردم بروم و از خودم تعریف کنم. ولی من فرهنگ نماز و نمازخانه ایجاد کردن را ترویج کردم. آقای حداد عادل که آن زمان معاون پژوهشی وزارتخانه و مسئول کتاب‌های درسی بود می‌تواند بگوید که آیا ما فرهنگ دینی را تضعیف کردیم؟

نجفی، در پاسخ به انتقادهای مخالفان که او را عامل انحلال مراکز تربیت معلم می‌دانند، اظهار داشت: این حرف یک تهمت است، زیرا بنا به گفته یکی از همکاران، مراکز تربیت معلم در دوران خدمت من از ۶ مرکز به ۶۰ مرکز رسید، ضمن آن که به این مراکز هویت داده شد.

برنامه‌های این مراکز را در شورای برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی به تصویب رساندم. در آن دوران ۵۷ هزار دانشجوی تربیت‌معلم داشتیم. از ۱۵ رشته این مراکز ۱۳ رشته در شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی تصویب شده بود.

وی سپس گفت: معتقد بودم که تمامی مراکز تربیت معلم در قالب دانشگاه فرهنگیان ساماندهی شود و این دانشگاه پس از ۱۶ سال که پیشنهاد آن را دادم در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شد.

هنوز هم معتقدم که این دانشگاه باید وجهه علمی داشته باشد، حال آنانی که خلاف این را می‌گویند در واقع در خدمت پوشاندن حق و باطل هستند.

وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش سپس رضایت شغلی فرهنگیان را مبتنی بر پارامترهای گوناگون دانست و گفت: یکی از پارامترها افزایش حقوق است، بنابراین یگانه‌دلیل حمایت فرهنگیان از وزارت من، مسأله مادی نیست.

وی افزود: این که معلم را بدون آموزش و آشنایی با کتاب برای اولین سال سر کلاس ششم ابتدایی می‌فرستید و نمی‌تواند جوابگوی دانش‌آموزان باشد، نوعی خرد کردن معلم و از بین بردن رضایت شغلی اوست.

نجفی همچنین گفت: اگر قرار است نظام «۳-۳-۶» اجرا شود که من هم معتقد به آن هستم، پیشاپیش باید کتاب آن تهیه شود، معلم آموزش یابد و فضا آماده شود.

وی سپس تأکید کرد: بخشی از بلایایی که سر آموزش و پرورش آمده، ناشی از همین شعارزدگی، عوام‌زدگی و سیاست‌زدگی‌هاست.

نجفی همچنین اعلام کرد: من به تک‌تک موارد برنامه ۵۹ ماده‌ای خودم معتقدم و خود را متعهد به اجرای آن می‌دانم، مگر آن که اشکال کارشناسی داشته باشد.

وی سپس با اظهار تأسف از پاسخگویی به برخی اتهام‌های سیاسی که از سوی مخالفان مطرح شد، اعلام کرد: من به عنوان عضو شورای شهر به اتفاق چند همکار دیگر به دیدار خانواده‌هایی که در جریان انتخابات سال ۸۸ خسارت دیده بودند که از جمله آنان زنی بود که شوهرش به هنگام مراجعه به داروخانه تیر خورده بود، رفتیم تا به او کمک کنیم و گزارش آن را ۲ بار به مقام معظم رهبری دادیم و ایشان آن را به شورای عالی امنیت ملی ارجاع دادند، حال ما بدهکار شده‌ایم؟

نجفی سپس گفت: نظام جمهوری اسلامی، یک نظام ولایی است و در رأس یا جان یا محور و یا اساس آن مقام معظم رهبری است. بنده و سایر عزیزانی که قبول کرده‌اند که آسایش خود و خانواده‌شان را فدا کنند و وارد میدان اجرا شوند، پایبند منویات این ولایتند، آخر این چه سوالی است که می‌پرسید: آیا پایبند رهبری هستی یا نه؟ این وزارت برای ما چه دارد که بخواهیم دروغ بگوییم؟

وی افزود: من بنا به این که دکتر روحانی به من تکلیف کردند قبول کردم و شق دوم، اصرار فرهنگیان بود؛ به طوری که از دیروز تا حالا ۵۶۰ «اس.ام.اس» دریافت کرده‌ام. حدود ۷۰۰ ایمیل دریافت کرده‌ام و خیلی از آنان گفته‌اند که برای آمدن من ختم قرآن نذر کرده‌اند، حال این فرهنگی کسی است که من دست رد به سینه او بزنم؟ شما اگر می‌خواهید رأی منفی بدهید یا ندهید، مربوط به وجدانتان است و حجت شرعی باید داشته باشید.

نجفی بار دیگر گفت: من دست رد به سینه این فرهنگی و گفته دکتر روحانی نمی‌زنم و در این چند روز به سؤال‌های نمایندگان پاسخ داده‌ام، حال، شما می‌پرسید که آیا مقام معظم رهبری را قبول دارید، آن هم وقتی در سال ۶۷ به آموزش و پرورش آمدم، ایشان رئیس جمهوری بودند و توسط آقای محمدخان در وزارت امور اقتصادی و دارایی گفته بودند «پیشنهاد آقای موسوی، نخست‌وزیر را بپذیر و بعد با من صحبت کن.»

وی افزود: من استاد دانشکده ریاضی دانشگاه صنعتی شریف بودم و حرف سیاسی در کلاس نزدم.

نجفی در مورد ارتباط با حوادث پس از انتخابات سال ۸۸، اعلام کرد: در مورد حوادث سال ۸۸ من جزو فعالان سیاسی کشور بودم، در فعالیت‌های انتخاباتی سال ۱۳۸۸ شرکت داشتم. پس از انتخابات ۸۸ از سوی دفتر مقام معظم رهبری به من تلفن شد و گفتند که در جلسه‌ای که در حضور ایشان تشکیل شده است، حاضر شوم. بنده در آن جلسه از سوی هیچ ستادی شرکت نکردم، بلکه آنان بنده را دعوت کردند. در آن جلسه پیشنهادهایی شد و در پایان جمع‌بندی ایشان آن بود که ما، نباید خلاف قانون کاری انجام دهیم، زیرا قانون، شورای نگهبان را مسئول این کار کرده است و در آن جلسه رهبر معظم انقلاب از جمله به آقای کدخدایی فرمودند که شما بروید و بررسی کنید، زیرا حرف شما فصل‌الخطاب است.

نجفی آنگاه تأکید کرد: حتی پیش از آن که رهبری در ۲۹ خرداد ۸۸ در نماز جمعه سخنرانی کنند، من مطیع آن فرمایشات بودم. بنده در هیچ یک از راهپیمایی‌های قبل و بعد از ۲۹ خرداد شرکت نکردم.

وی افزود: ما، در تمام این مدت تلاش کردیم آب بر فتنه بریزیم و آن را خاموش کنیم یا لااقل آن را کم کنیم، اما در مقابل، کسانی با هر انگیزه‌ای سعی کردند بنزین روی فتنه بریزند که ریختند و هنوز متاسفانه درگیر آن هستند.

نجفی سپس یادآور شد: در مصاحبه‌ای که متن آن موجود است گفته بودم که وقتی خلافی به نظام نسبت داده می‌شود، مانند ماجرای کهریزک، دو حالت دارد یا این که خلاف اتفاق افتاده و ربطی به نظام ندارد و دو یا سه نفر آدم خودسر آن را انجام داده‌اند، ولی مخالفان می‌گویند که شما گفتید که «آقای کروبی خوب کاری کرده که این حرف را گفته است.»

وی اضافه کرد: در جلسه شورای شهر در حضور مهندس چمران و برخی اعضای شورای شهر نیز خواستار بررسی این مسأله شدم و گفتم که اگر موضوع بررسی شود و دروغ بودن آن ثابت شود، بهتر از آن است که آن را لاپوشانی کنیم.

در مورد مخالفت با تغییر نام خیابان آیت‌الله حق‌شناس به نهم دی هم گفتم که ایشان از علمای بزرگ دینی بوده‌اند و ما، می‌توانیم میدان دیگری را به نام نهم دی نامگذاری کنیم.

نجفی در ادامه، افزود: من، هیچ توقعی از مجلس ندارم، اگر رأی بیاورم، آن را به فال نیک می‌گیرم و با قوت و بدون منت این مسئولیت را می‌پذیرم و برای سوختن پای نظام و فدا شدن پای مردم آماده‌ام.

بررسی صلاحیت وزیر ارتباطات وفناوری اطلاعات

در بررسی صلاحیت وزیر پیشنهادی ارتباطات و فناوری اطلاعات، باقر حسینی، کاتب و سبحانی‌فر به عنوان موافق و نعمتی و زارعی به عنوان مخالف سخن گفتند.

رمضانعلی سبحانی‌فرد در موافقت با وزیر پیشنهادی ارتباطات و فناوری اطلاعات گفت: آقای واعظی تخصص و تحصیلات لازم در این حوزه را دارد و با شناخت کامل از زیرساخت‌های انسانی و ساختاری وزارتخانه می‌تواند از ظرفیت‌های آن به خوبی بهره ببرد.

وی گفت: یکی از وزارتخانه‌های زیرساختی و زیربنایی همین وزارتخانه است و خدمات‌دهی‌اش در سایر بخش‌های جامعه بی‌نظیر است. یعنی از بازاری، تجار، کسبه و کشاورز گرفته تا زنان خانه‌دار، بچه و پیر و جوان از این خدمات استفاده می‌کنند. امروز بیش از ۳۰ درصد از اینترنت بهره‌برداری می‌کنند تلفن همراه هم در دسترس همه است.

اشراف واعظی به حوزه ارتباطات

نماینده مردم زابل در مجلس هم در دفاع از وزیر پیشنهادی ارتباطات گفت: سابقه مثبت ایشان در وزارت خارجه در سمت‌های مهمی چون معاونت اروپا و آمریکا و معاونت اقتصادی و همچنین تجربه و شناخت خوب‌شان از تحولات و رخدادهای جهانی فرصتی است تا با پرداختن به مسائل بین‌المللی و حضور موثر در مجامع و مراکز تصمیم‌گیری به دفاع از حقوق کشور در موضوعاتی مثل فضای فرکانسی، مدارات ماهواره‌ای و منابع اینترنتی اقدام کنند.

حسینی با اشاره به برنامه ارائه شده واعظی برای تصدی پست وزارت ارتباطات گفت: مهمترین نقطه قوت برنامه ایشان توجه به اسناد بالادستی و برنامه پنجم توسعه است بنابراین مخالفانی که معتقد بودند برنامه ایشان جامعیت ندارد باید این نکته را مدنظر قرار دهند که نمی‌شود مخالف اسناد بالادستی و برنامه پنجم توسعه برنامه ارائه کرد.

برنامه ارجاع ودیعه‌های مردم

نماینده مردم اسدآباد در مجلس هم به برخی برنامه‌های ارائه شده توسط وزیر پیشنهادی ارتباطات و فناوری اطلاعات انتقاد کرد.

بهروز نعمتی به عنوان اولین مخالف وزیر پیشنهادی ارتباطات و فناوری اطلاعات گفت: مخالفت بنده با دکتر واعظی به معنای مخالفت با همه وزرای پیشنهادی و مخالفت سیاسی و جنجالی نیست، بلکه دلیل مخالفت من، مباحث کارشناسی و مخالفت با برنامه‌های ایشان است و فکر می‌کنم برنامه‌هایی که ایشان ارائه کردند، دارای نقاط ضعف جدی است که این برنامه‌ها باید مورد نقد و تجدیدنظر قرار گیرد.

نعمتی افزود: موضوع بعدی که اهمیت ویژه‌ای دارد و وزرای دیگر نیز به آن نپرداختند، میلیاردها تومان ودیعه مردم است که نزد مخابرات گذاشته شده، این پول حق‌الناس است و نباید آن را نادیده گرفت.

این عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس همچنین به موضوع واگذاری شرکت مخابرات و سهام آن اشاره کرد و خطاب به وزیر پیشنهادی ارتباطات گفت: آیا شما این واگذاری را محق می‌دانید؟

وی در ادامه بیان کرد: موضوع مورد توجه دیگر اجرای ماده ۸۶ بودجه درخصوص رسیدگی به حقوق کارگزاران است. آنها سال‌هاست که سرگردان هستند و متاسفانه هیچ‌گاه دولت مصمم به رفع مشکلات آنها نبوده است. حال من از شما می‌پرسم آیا رویه و منش شما همین گونه است و یا به آنها رسیدگی می‌کنید؟

گفته های زارعی

یک نماینده اصولگرای مجلس با تاکید بر این که وزیر پیشنهادی ارتباطات، تخصصی در حوزه مربوط به این وزارتخانه ندارد و شخصیتی سیاسی است گفت: آقای واعظی باید در مورد حوادث پس از انتخابات مواضع خود را شفاف‌تر بیان کند.

علی اصغر زارعی نماینده مردم تهران که در مخالفت با وزیر پیشنهادی ارتباطات و فناوری اطلاعات صحبت می‌کرد گفت: آقای واعظی از سال ۵۸ تا ۶۵ به مدت هفت سال در مخابرات بود، اما از سال ۶۵ تا ۹۲ که حدود ۲۷ سال از آن می‌گذرد در مسائل روابط بین‌الملل و عرصه‌های سیاسی فعالیت داشته است.

وزیر پیشنهادی ارتباطات و فناوری اطلاعات، با بیان این که برنامه بنده در چهار محور قرار می‌گیرد، اظهار داشت: تفکر بنده با واسپاری و خصوصی‌سازی موافق است.

دکتر محمود واعظی در دفاع از برنامه‌های خود در جلسه علنی دیروز مجلس گفت: توسعه "آی سی تی "منجر به ارائه انواع خدمات ارزش افزوده و ارتقای بهره وری، کاهش هزینه‌ها، کاهش بروکراسی و رفت و آمدهای زائد شهری و بین شهری و بهبود شاخص‌های محیط زیستی و رفاه عام جوامع و مردم شده و همچنین سبب خلق کسب و کارهای نوین، ایجاد اشتغال گسترده دانش پایه، ارتقای نظام نوآوری و مدیریت دانش و علوم و افزایش دانش علوم اجتماعی می‌شود.

وی ادامه داد: در جهان امروز توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان یکی از شاخص‌های کلیدی سنجش میزان رشد و توسعه یافتگی کشورها تلقی می‌شود.

وزیر پیشنهادی ارتباطات و فناوری اطلاعات با بیان این که برنامه خود را به چهار بخش تقسیم‌بندی کرده است، اظهار داشت: ما بنا داریم اعمال حاکمیت ملی و حفاظت از حقوق شهروندان و پاسخگویی به مردم را در اولویت برنامه‌های خود قرار دهیم. فضای رقابتی را در لایه‌های دسترسی شبکه تلفن‌های ثابت تقویت کنیم و از سوی دیگر حضور فعال و موثری در مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای داشته باشیم.

واعظی خاطرنشان کرد: ارتقا و تدوین و تنظیم نظام‌نامه حاکم بر فضای کسب و کار و تبیین روابط بین ارائه‌دهندگان خدمات با مردم، ایجاد توازن خدمات در حوزه ملی بر اساس توجه ویژه به مناطق محروم مرزی و روستایی با بکارگیری حداکثری ظرفیت‌ها و امکانات موجود محور نخست برنامه‌های بنده است.

وی با اشاره به محور دوم برنامه‌های خود، افزود: تکمیل و توسعه زیرساخت و شبکه، تامین زیرساخت‌های ارتباطی و فناوری اطلاعات و افزایش پهنای باند اینترنتی، توسعه متوازن شبکه و افزایش ترافیک برای فراهم کردن خدمات مورد نیاز به صورت ایمن و پایدار و با کیفیت مطلوب، تدوین برنامه‌ای جامع و تامین زیرساخت‌های مورد نیاز برای ایجاد شبکه ملی اطلاعات و پیاده سازی دولت الکترونیک، توسعه شبکه‌های مرزی و اتصال به شبکه‌های کشورهای مجاور به عنوان ترانزیت و تبدیل شدن ایران به هاب منطقه محورهای دوم برنامه اینجانب است.

وزیر پیشنهادی ارتباطات و فناوری اطلاعات در ادامه بیان کرد: محور سوم برنامه من توسعه صنعت و تحقیقات، ساماندهی جایگاه نهادی، حمایت و تقویت مرکز تحقیقات مخابرات ایران به عنوان اصلی‌ترین نهاد پژوهشی کشور در حوزه آی سی تی تعریف و اجرای پروژه‌های پژوهشی و تحقیقاتی در حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات و فناوری فضایی با مشارکت دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی داخلی و بین‌المللی، حمایت از تولید ملی و بنگاه‌های بخش خصوصی مبتنی بر تحقیقات و نوآوری‌های بومی شرکت‌های دانش‌بنیان است.

واعظی افزود: تقویت کارت‌های آی سی تی برای تامین نیازهای ملی و صادرات خدمات فنی و مهندسی، نرم‌افزار و تجهیزات در چارچوب مقابله با کاستن اثرات تحقیق، استفاده بهینه و مطلوب از فناوری‌های نوین به عنوان نیروی پیش‌برنده توسعه اقتصادی کشور و افزایش سهم آی سی تی در تولید ناخالص داخلی با استفاده از ظرفیت‌های بخش ارتباطات و فناوری اطلاعات، فراهم آوردن بستر مناسب برای دستیابی به علوم، فناوری‌های نوین و بهنگام، زیرساخت‌ها و صنایع پیشرفته فضایی با حداکثر استفاده از توان ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی برای ارتقای اقتدار ملی و توسعه کاربردها و خدمات فضایی از جمله موارد محور سوم است.

وی با بیان این که محور چهارم این برنامه در باره توسعه خدمات و ارائه خدمات به شهروندان است، گفت: افزایش پهنای باند و تامین دسترسی پرسرعت دستگاه‌های اجرایی، بنگاه‌های اقتصادی، پژوهشگران و خانوارها به شبکه ملی اطلاعات و افزایش خدمات الکترونیکی شامل دولت الکترونیک، تجارت الکترونیک، سلامت الکترونیک و آموزش و فراگیری الکترونیکی با توجه به پیوست‌های فرهنگی، ساماندهی و گسترش خدمات گسترده و متنوع ارتباطات و فناوری اطلاعات با رویکرد رقابتی برای تمامی نقاط کشور به ویژه مناطق روستایی و نواحی کمتر توسعه یافته و مناطق مرزی برای کاهش شکاف دیجیتالی از جمله مباحث در محور چهارم برنامه بنده است.

وزیر پیشنهادی ارتباطات و فناوری اطلاعات خاطرنشان کرد: فراهم‌سازی دسترسی روستاهای کشور به شبکه ارتباطی بر اساس خدمات تکلیفی uso، ارتقای ظرفیت و تنوع خدمات نوین شبکه پستی و ساماندهی زیربخش پست با استفاده از ظرفیت‌های الکترونیکی برای افزایش رضایت ذینفعان و ساماندهی اپراتورهای پستی، توسعه خدمات پست بانک در روستاهای کشور و افزایش تعداد تنوع و کیفیت خدمات با رویکردهای توسعه بانکداری الکترونیکی از جمله موارد دیگر در محور چهارم برنامه است.

وی همچنین با بیان اینکه باید در سطح وزارت مدیریت کلان اجرا شود، گفت: کمتر وزارتخانه‌ای در ایران و دنیا پیدا می‌شود که یک وزیری داشته باشد که به تمامی تخصص‌های آن وزارتخانه اشراف داشته باشد.

وی افزود: برای آشنایی با تخصص و مبانی می‌توانیم از کارشناسان خوب استفاده کنیم و امروزه در وزارت ارتباطات با چهار تخصص مختلف که هر کدام از آنها زیربخش‌هایی هم دارند مواجه هستیم که این تخصص‌ها شامل تخصص مخابرات، آی تی به معنای فناوری اطلاعات، تخصص فضایی و پست می‌شوند که من می‌توانم ادعا کنم که بنده به مبانی این چهار تخصص آشنایی دارم.

واعظی یادآور شد: با این آشنایی که بنده به این تخصص‌ها دارم می‌توانم با زبانی مشترک با متخصصان مخابرات صحبت کنم و قطعا در تصمیم‌گیری‌ها به من کمک خواهد کرد.

وزیر پیشنهادی ارتباطات و فناوری اطلاعات به موضوع جدایی و واگذاری شرکت مخابرات بر اساس اصل ۴۴ اشاره کرد و گفت: نسبت به اینکه این کار به درستی انجام شده یا اشکالاتی داشته قضاوتی نمی‌کنم و آن را به متولیان این کار واگذار می‌کنم اما اصولا تفکر بنده با واسپاری و خصوصی‌سازی موافق است.

وی گفت: اجرای درست اصل ۴۴ و خصوصی‌سازی باعث شکوفایی کشور می‌شود که این از رئوس برنامه‌های من خواهد بود.

واعظی در ادامه سخنان خود در مجلس خاطرنشان کرد: رسیدگی به مطالبات روستاها و مناطق محروم بسیار مهم و حائز اهمیت است و باید به آن توجه کرد و من وظیفه خود می‌دانم که این موضوع را سرلوحه کارهای وزارت ارتباطات قرار دهم و در برنامه‌ها هم توجه به مناطق کمتر توسعه یافته آمده است.

وی همچنین در ارتباط با واگذاری شرکت مخابرات تصریح کرد: سهام بخشی از شرکت مخابرات به ستاد اجرایی فرمان امام (ره) واگذار شده است که مسئولیت آن برعهده جناب آقای مخبر است وامیدواریم با توجه به تعامل و شناخت ایشان از شرایط مخابرات مسائل حول محور این واگذاری برطرف شود.

واعظی در بخش دیگری از سخنان خود در ارتباط با نگرانی برخی از نمایندگان پیرامون سازمان فضایی و مرکز تحقیقات مخابرات گفت: بنده طی مشورت‌هایی که با رئیس جمهوری و برخی از کارشناسان داشتم به این نتیجه رسیدیم که باید طبق قانون عمل کرد و برای ساماندهی به این بخش قانون بهترین برنامه را ارائه کرده است، همچنین در ارتباط با وضع نابسامان دبیرخانه شورای عالی مجازی هم دغدغه شخصی دارم که باید هرچه سریعتر به آن رسیدگی شود.

وزیر پیشنهادی ارتباطات و فناوری اطلاعات در بخش پایانی سخنان خود در ارتباط با مواضع سیاسی‌اش گفت: مواضع من در طول انقلاب مشخص بوده و هیچ وابستگی به جریانات تندروی چپ و راست نداشته‌ام، همچنین در زمان تحصیل در آمریکا در انجمن اسلامی دانشجویان حضور داشتم و در جریان انتخاباتی سال ۸۸ در هیچ ستاد انتخاباتی حضور نداشتم.

بررسی صلاحیت وزیر پیشنهادی اطلاعات

نمایندگان مجلس بررسی صلاحیت وزیر اطلاعات را به عنوان سومین وزیر پیشنهادی از کابینه حسن روحانی در دستور کار قرار دادند.

ابتدا بیرانوند به عنوان مخالف حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمودعلوی، وزیر پیشنهادی اطلاعات سخن گفت.

بهرام بیرانوند به عنوان مخالف وزیر پیشنهادی اطلاعات با بیان این که ماموریت ذاتی وزارت اطلاعات حفظ سلامت نظام، مقابله با جریان‌های براندازی خارجی و داخلی، فساد سازمان یافته است، گفت: طبیعتا رسیدگی به تمامی این موارد احتیاج به تخصص دارد که اگر مدیران وزارتخانه تسلطی به این فضا نداشته باشند روند خسارت‌بار خواهد بود.

مقابله با تحریم‌ها، تورم و بیکاری

نماینده مردم ماهنشان در مجلس هم گفت که اهمیت وزارت اطلاعات و وزارت کشور اقتضا می‌کند که وزرای پیشنهادی این دو وزارتخانه از رای بالایی برخوردار شوند.

رضا عبداللهی که در موافقت با وزیر پیشنهادی اطلاعات در جلسه علنی صبح دیروز مجلس سخن می‌گفت، اظهارنظر کرد: در شرایطی که اقتصاد ما با رکود تورمی مواجه است و شاهد تورم بالا در حد ۳۱ تا ۳۲ درصد هستیم و نرخ بیکاری دو رقمی است، همه از جمله وزارت اطلاعات باید بستر سرمایه‌گذاری را فراهم کنند، زیرا سرمایه و سرمایه‌گذار به جایی می‌روند که احساس امنیت کنند، اما در غیر این صورت رشد اقتصادی رو به رشد نیست و گرانی و تورم تشدید می‌شود.

وی اضافه کرد: هدف تحریم‌های ظالمانه خارجی متوقف کردن تولید، کاهش تولید، افزایش بیکاری و گرانی است که مقابله با آن نیازمند بستر آرامی است که وزارت اطلاعات با حضور شخصیتی عارف، اندیشمند و متفکر مثل آقای علوی می‌تواند به این مهم کمک کند و در این راستا باید از فضای امنیتی دور شویم.

رای اعتماد قدرتمند به "علوی"

یک عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس گفت که رای اعتماد قدرتمند نمایندگان به وزیر پیشنهادی اطلاعات نشانگر اعتماد مجلس به دستگاه اطلاعاتی کشور و حمایت ویژه از آنهاست.

جواد جهانگیرزاده در موافقت با وزیر پیشنهادی اظهارنظر کرد: بدون تردید نقش وزارت اطلاعات با توجه به شرایط چند دهه گذشته جمهوری اسلامی نقش برجسته‌ای است و وجود دشمنان مختلف خارجی و جریان های مساله‌دار داخلی اهمیت وزارت را چند برابر کرده است.

وی افزود: ما به امنیت ملی در مقابل جاسوسان بین‌المللی و شیطنت‌های منطقه‌ای نیاز داریم و می‌طلبد که وزارت جسارت لازم را در برابر اینها داشته باشد.

حمید رسایی در مخالفت با وزارت حجت‌الاسلام سید محمود علوی وزیر پیشنهادی اطلاعات گفت: یکی از اشکالات وارد بر ایشان با وجود سوابق خوب در سایر حوزه‌ها آشنا نبودن با حوزه عمل وزارت اطلاعات است؛ سئوالم این است که چرا برخی دوستانی که سابقه و پیشینه وزارت اطلاعات را داشتند توسط رئیس جمهوری معرفی نشدند ولی حجت‌الاسلام علوی معرفی شد که هیچ‌سابقه‌ای در این وزارتخانه ندارد؟

وی تصریح کرد: وزیر اطلاعات باید درباره صلاحیت‌های مجلس دهم نظر دهد، بنابراین باید برای تعیین وزیر پستی که مهمتر از نمایندگی است دقت شود.

توجه ویژه به وزارت اطلاعات

یک عضو فراکسیون اصولگرایان مجلس تاکید کرد که یکی از شروط لازم برای تحقق حماسه اقتصادی، ایجاد بستر امن در کشور است که این مستلزم توجه ویژه به وزارت اطلاعات است.

هادی قوامی به عنوان موافق وزیر پیشنهادی اطلاعات با بیان این که برنامه پیشنهادی رئیس جمهوری از تنوع بالایی برخوردار است، گفت: مهم‌ترین جایی که می‌تواند فضا را برای عملیاتی کردن برنامه رئیس جمهور ی آماده کند، وزارت اطلاعات است.

وی افزود: طبیعتا در وهله اول برای مقابله با بیکاری، تورم و توزیع نابرابر درآمدها باید شرایط امنی را در کشور ایجاد کرد. اگر بتوان فضا را برای توسعه اقتصاد در کشور فراهم کنیم می‌توانیم بر مشکلات فائق آییم. باید وزیری همچون آقای علوی در مسند وزارت اطلاعات باشد که بتواند چنین محیطی را ایجاد کند.

وزیر پیشنهادی اطلاعات، شخصیتی جامع و تحصیلکرده

یک‌نماینده‌اصولگرای‌مجلس‌با بیان این که وزیر پیشنهادی اطلاعات فردی تحصیلکرده و کاردان است گفت: چرا برخی از نمایندگان فکر می‌کنند که وزیر اطلاعات نباید شخصیت تحصیلکرده باشد؟

جواد هروی به عنوان موافق وزیر پیشنهادی اطلاعات که وقت خود را با قوامی دیگر موافق وزیر تقسیم کرده بود، با بیان این که آقای علوی دارای شخصیت توانا و تحصیلکرده و داناست، گفت: ما امروز احتیاج به فردی توانا و متخصص داریم که در حساس‌ترین وزارتخانه منصوب کنیم این موضوع واضح است که هرگاه در کشور امنیت برقرار بوده چرخه اقتصاد و تولید چرخیده است.

این نماینده اصولگرای مجلس با بیان این که باید وزیری توانا برای حل مشکلات مناطق مختلف روی کار آید، گفت: امکانات اطلاعاتی در مناطق مرزی و محروم بعضا ضعیف است که حتی می‌توان گفت اختلاف بین گروه‌های اجتماعی و مذهبی که به دلیل عدم رعایت و کیاست از طرف دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی ما را دچار مشکل کرده است که طبیعتا با وجود وزیری متخصص، دانا و آگاه این مشکلات قابل حل شدن است.

گفته های وزیر پیشنهادی اطلاعات

وزیر پیشنهادی اطلاعات عدم دخالت در حریم خصوصی افراد و نهادینه کردن امنیت پایدار بدون امنیتی کردن کشور را از جمله رویکردهای ملی خود در مدیریت وزارت اطلاعات بیان کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمود علوی در جلسه علنی بعدازظهر دیروز مجلس و در جریان دفاع از برنامه خود برای تصدی وزارت اطلاعات ضمن قدردانی از رئیس جمهوری برای انتخاب وی، گفت: وزارت اطلاعات که من برای سکانداری آن پیشنهاد شدم، نهادی خطیر و حساس است و نقشی بی‌بدیل در همه عرصه‌ها دارد.

وی با اشاره به تصویب قانون وزارت اطلاعات در دوره‌های اول مجلس، یادآور شد: این حساسیت همچنین مورد توجه قرار گرفته و پس از تصویب قانون وزارت، ماده واحده‌ای به آن افزوده شد که شرط تحصیل در حد اجتهاد و چند شرط دیگر را در مورد وزیر اضافه کرده است و این نشان می‌دهد مجلس برای وزیر اطلاعات بیشتر به نقش راهبردی توجه داشته که تضمینی بر حرکت وزارت در چارچوب شرع، قانون و بر محور ارزش‌های اخلاقی باشد.

وزیر پیشنهادی اطلاعات ادامه داد: شرط تحصیلات در حد اجتهاد برای وزیر به معنی اعمال نظر فقهی وی در وزارت نیست بلکه مشی فقهی رهبری در فرآیند فعالیت وزارت اثرگذار است و این شرط تحصیل در حد اجتهاد شرطی لازم برای درک و شناخت دیدگاه فقهی مقام معظم رهبری و اعمال آن در وزارتخانه است.

وی همچنین در ادامه به حضور ۱۰ ساله خود در درس خارج فقه مقام معظم رهبری اشاره کرد و در بخش دیگری از سخنانش گفت: برخی گفتند آقای روحانی تناسب را در انتخاب وزرا رعایت نکرده است، اتفاقا ایشان تناسبات را خوب در نظر می‌گیرد و تصمیماتش بی‌حکمت نیست. از جمله این که ایشان برای استقبال از مهمانان خارجی به من گفتند به استقبال رئیس‌جمهوری سودان برو! این سخن مزاح‌گونه علوی با خنده حضار مواجه شد.

علوی در ادامه یادآور شد: آنچه ریاست‌جمهوری را به پیشنهاد این حقیر برای وزارت اطلاعات وا داشت استحضار ایشان از پیشینه من در ارتباط با ماموریت‌های وزارت اطلاعات بود. من در کمیسیون خاص تدوین قانون وزارت اطلاعات در مجلس حضور داشتم و هنوز جزئیات آن جلسات را در ذهن دارم.

وزیر پیشنهادی اطلاعات در ادامه یادآور شد: من در ادوار اول، دوم و چهارم مجلس مخبر و نایب رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی بودم که کمیسیون تخصصی وزارت اطلاعات بود. همچنین در مجلس هشتم نایب رئیس کمیسیون سیاست خارجی بودم که پیوند تنگاتنگی با بخشی از وظایف وزارت داشت. همچنین در سال‌های ۶۸ تا ۷۰ معاون نظارت و بازرسی سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع بودم که ماموریت‌های آن با بخشی از ماموریت‌های وزارت اطلاعات سنخیت دارد و سه دوره سه ساله ریاست عقیدتی سیاسی ارتش را بر عهده داشتم.

وی یادآور شد: پس از پیشنهاد من به عنوان وزیر اطلاعات از سوی آقای روحانی اضافه بر شناخت کلی که از فرآیند شکل‌گیری وزارت و فراز و فرودهای آن داشتم، در جلساتی با همه کسانی که دستی در وزارتخانه داشتند بر وضع وزارت اشراف کلی یافته و برنامه خود را برای اداره این وزارتخانه تقدیم مجلس کردم.

وزیر پیشنهادی اطلاعات در ادامه در پاسخ به شبهه‌ای در مورد دو نسخه‌ای بودن برنامه ارائه شده از سوی وی، اظهار نظر کرد: یکی از این نسخه‌ها در واقع پیشنهاداتی بود که برای استفاده در تدوین برنامه تنظیم شده بود و آن را به اشتباه منتشر کرده بودند که این نسخه اصلا چارچوب برنامه را ندارد، اما من در برنامه خود اهدافم را در ارتباط با سازمان وزارت و عناوین برنامه‌های اجرایی بازگو کردم.

علوی ادامه داد: برای تحقق این موضوع مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام و ابلاغی رهبری، اجرایی شدن فرمان هشت ماده‌ای امام (ره) در صیانت از حقوق مردم و فرمان هشت ماده‌ای مقام معظم رهبری در مبارزه با مفاسد اقتصادی همت کاملی در وزارت اطلاعات به کار گرفته خواهد شد.

وی تلاش در تعامل و هماهنگی با جامعه اطلاعاتی، دولت، رئیس جمهوری، ارائه مشاوره اطلاعاتی به مدیران نظام، افزایش اعتماد مردم به وزارت، عدم دخالت در حریم خصوصی افراد، نهادینه کردن امنیت پایدار بدون امنیتی کردن کشور و به کارگیری دیپلماسی هوشمندانه و پنهان در سیاست خارجی با کمک دستگاه مربوطه را از جمله رویکردهای ملی خود در مدیریت وزارت اطلاعات بیان کرد.

وزیر پیشنهادی اطلاعات درباره رویکردهای درون‌سازمانی خود در وزارت اطلاعات هم تصریح کرد: حفظ جایگاه و نقش حاکمیتی وزارت اطلاعات در پرتو هدایت و رهنمودهای رهبری و در مرحله بعد حفظ استقلال وزارت و جلوگیری از تاثیرپذیری آن از جریان‌های سیاسی، تقویت نگاه ملی و فراجناحی، رعایت موازین شرعی، قانونی و اخلاقی در اقدامات اطلاعاتی، صیانت از پرسنل و سازمان در مقابل تهدید و آسیب حفاظتی، تدوین منشور اخلاق حرفه‌ای، توسعه و حفظ سرمایه انسانی با آموزش مستمر، مهارت‌آفرینی و بهره‌گیری از فناوری و روزآمد کردن دستگاه در فرآیند اطلاعاتی و ایجا نشاط و امید در بین کارکنان از جمله این رویکردهاست.

وزیر پیشنهادی اطلاعات گفت: در نشستی که با آقای علیزاده - شورای نگهبان - داشتم ایشان به صراحت گفت من مدرکی که مبنای ردصلاحیت شما باشد پیدا نکردم. آقایان اسماعیلی و امیری از اعضای شورای نگهبان نیز اظهارات مشابهی داشتند.

وی افزود: وزارت اطلاعات مهم‌ترین سازمان امنیتی کشور و ضامن اخلاق در جامعه است و بنده حاکمیت اخلاق در این وزارتخانه را در دستور قرار خواهم داد تا تهمت، سوءظن و افترا به ساحت این وزارتخانه راه نیابد.

وزیر پیشنهادی اطلاعات، نیروی انسانی متدین، متعهد، متخصص و متبحر را از ظرفیت‌های وزارت اطلاعات برشمرد و افزود: وزارت اطلاعات علاوه بر تامین نیروی انسانی مورد نیاز بخشی از نیاز دستگاه‌های اجرایی به نیروی انسانی کیفی را نیز تامین می‌کند از این رو نیازی به جذب نیرو از بیرون نیست، نه با اتوبوس، بلکه با دوچرخه به وزارت اطلاعات می‌روم و با همکاری کارکنان این وزارتخانه وظایف سازمانی را انجام می‌دهم.

این سخنان وزیر پیشنهادی اطلاعات تشویق و احسنت احسنت اکثریت نمایندگان مجلس را در پی داشت.

علوی در ادامه افزود: مرزبندی در هر زمینه‌ای به ویژه خودی و غیرخودی، دوست و دشمن، فتنه و انحراف تابعی از مهندسی مقام معظم رهبری خواهد شد که برای ما نقشه راه و حجت شرعی است. ما بر اساس رهنمودهای دین مبین اسلام "فعل مسلمان بر صحت" را ملاک عمل و از پایه‌های این وزارتخانه قرار می‌دهیم مگر آنکه عکسش اثبات شود.

وی تاکید کرد: بنده اصل ممنوعیت تجسس بر اساس حدیث نبوی و آیه قرآن را از پایه‌های بنیادین وزارت اطلاعات قرار خواهم داد مگر در جایی که امکان فتنه وجود داشته باشد. وزارت اطلاعات نقش به سزایی در همگرایی یا واگرایی مسئولان نظام دارد. این طلبه کوچک با تمام توان خود در تحکیم بزرگان نظام عمل خواهم کرد.

علوی با بیان این که ماموریت‌های ذاتی ایجاب می‌کند کادرهای نظام را از نظر اطلاعاتی رصد کنیم، گفت: باید از کادرهای نظام از جمله نمایندگان صیانت شود. در مقام خدمت و تصمیم‌گیری نیز سرویس اطلاعاتی به نمایندگان داده خواهد شد تا از حاصل کار وزارت اطلاعات برای تصمیمات بهتر استفاده شود.

وی برخورد قهرآلود را آخرین راه‌حل و تقدم امنیت نرم بر امنیت سخت را از سیاست‌های آینده‌اش برای وزارت اطلاعات برشمرد. در حیطه عملیاتی وزارت اطلاعات است که امنیت نرم را بر امنیت سخت مقدم دارد و بنده تمام تلاشم را در این زمینه به کار خواهم بست.

علوی خطاب به نمایندگان تاکید کرد: در محضر عصاره‌های فضائل نظام اعلام می‌کنم که نتیجه تابع پرونده‌های بررسی شده و قطعی شده خواهم بود نه عکس آن.

وی خاطرنشان کرد: این برادر شما با تمام وجود ملزم به تحقق بخشیدن به راهبردی است که رئیس‌جمهوری در جلسه افطاری مجلس آنها را اعلام کرد، اگر شان مجلس زیر سئوال رفته باشد باید این شان به مجلس بازگردانده شود.

بقیه در صفحه ٤

حدیث روز

امام صادق علیه السلام:

ما مِن إنسانٍ يَطعَنُ فی عَینِ مُومِنٍ إلّا ماتَ بِشَرّ میتَهٍ و کانَ قمِناً أن لا يَرجِعَ إلَی خَیرٍ.

هر که پیش روی مومنی به او طعنه زند مرگ بدی در انتظار او بوده و سزاوار است روی خیر و سعادت را نبیند.

کوتاه فرهنگی

افتتاح گالری فردوس در موزه سینما

«گالری فردوس»موزه سینمای ایران با ماموریت کشف و معرفی استعدادهای جوان هنری آغاز به کار کرد.

به گزارش خبرگزاری برنا به نقل از روابط عمومی موزه سینمای ایران، موزه سینمای ایران به منظور بهره‌گیری شایسته از فضاهای نمایشگاهی عمارت باغ فردوس با هدف معرفی استعدادهای تازه در عرصه هنرهای تجسمی بخشی از تالار مقرنس عمارت را به نمایشگاه آثار هنرمندان جوان اختصاص داد.هنرمندان جوان می توانند با ارسال تقاضا و لوح فشرده آثار خود از امکانات این نمایشگاه (گالری) برخوردار شوند.

نگارخانه نهاوند میزبان آثار ۲ هنرمند

نگارخانه نهاوند از جمعه ۲۵ مرداد آثار دو هنرمند شامل سارا مشاعی و فاطمه علیمردانیان را به نمایش می گذارد.

نمایشگاه آثار این دو هنرمند تا ۳۱ مرداد ادامه خواهد داشت و علاقه‌مندان می‌توانند از ساعت ۱۶ تا ۲۰ به نشانی گالری نهاوند بلوار میرداماد، بالاتر از ایستگاه مترو، شماره ۲۱۴ مراجعه کنند.

نمایشگاه نقاشی آبرنگ و رنگ روغن استاد سیف الله درخشان

نمایشگاهی از آثار نقاشی آبرنگ و رنگ روغن استاد سیف الله درخشان ساعت ۱۵ جمعه ۲۵ مرداد در موزه هنرهای زیبای سعدآباد گشایش می یابد.

به گزارش روابط عمومی مجموعه سعدآباد ،در این نمایشگاه ۳۰ اثر از نقاشی های هنرمند معاصر سیف الله درخشان با تکنیک آبرنگ و رنگ روغن از ۲۵ مرداد به مدت ۱۰ روز در طبقه همکف موزه هنرهای زیبای مجموعه سعدآباد به نمایش گذاشته می شود.

علاقمندان به هنر نقاشی می توانند از ساعت ۱۵ جمعه ۲۵ مرداد تا ۵ شهریور (به جز روزهای دوشنبه) از این نمایشگاه در موزه هنرهای زیبا واقع در مجموعه فرهنگی تاریخی سعدآباد دیدن کنند.

نمایشگاه عکس «نیمه ظرف» از امروز در سرای هنر نیاوران

نمایشگاه عکس مصطفی خمسه با عنوان «نیمه ظرف» عصرامروز چهارشنبه ۲۳ مرداد در سرای هنر نیاوران افتتاح می‌شود.

این نمایشگاه شامل ۳۵ قطعه عکس از طبیعت حاشیه تهران و رودخانه سد لتیان است که دو نگاه متفاوت به طبیعت را به نمایش می گذارد.

نمایشگاه عکس «نیمه ظرف» از امروز ۲۳ مرداد ، ساعت ۱۷ در سرای هنر فرهنگسرای نیاوران افتتاح می‌شود و تا ۶ شهریور هر روز از ساعت ۱۵ تا ۲۲ میزبان علاقه‌مندان خواهد بود.

تاریخ بیهقی در بوته نقد جدید

بیست و نهمین مجموعه درس گفتارهایی درباره بیهقی در روزهای چهارشنبه ۲۳و ۳۰مرداد ساعت ۱۶ و ۳۰ دقیقه به «تاریخ بیهقی در بوته نقد جدید» اختصاص دارد.

به گزارش ایسنا، این نشست‌ها با سخنرانی دکتر فروغ صهبا، عضو هیأت علمی دانشگاه اراک و نویسنده دو کتاب درباره تاریخ بیهقی، در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار می‌شود. دکتر صهبا در این دو جلسه بر مبنای تاریخ‌گرایی نوین به تاریخ بیهقی می‌نگرد و توجهش بیش‌تر به گفتمان‌های فراتاریخی است که تاریخ بیهقی را شکل می‌دهد.

بیهقی با به کار گرفتن قریحه و ذوق ادبی، اثرش را از یک اثر تاریخی محض به یک اثر ادبی تاریخی تبدیل کرده است. او نه فقط یک اثر تاریخی جدید، بلکه اثر ادبی، اخلاقی و انتقادی‌ای آفریده است که از هر زاویه که به آن بنگریم، تحقیق خاص خود را می‌طلبد.

علاقه‌مندان می‌توانند برای حضور در این درس‌گفتار به مرکز فرهنگی شهر کتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم مراجعه کنند.

سید محمد خاتمی به تماشای «فرزند چهارم » نشست

مهتاب کرامتی بازیگر فیلم از حضور سیدمحمدخاتمی در مراسم نمایش فیلم تشکر کرد

تأثر سیدمحمد خاتمی هنگام تماشای صحنه های تأثیرگذار فیلم

فیلم سینمایی «فرزند چهارم» به نویسندگی و کارگردانی وحید موسائیان شامگاه دوشنبه ۲۱ مرداد با حضور سید محمد خاتمی، احمد مسجد جامعی، ساعد باقری(شاعر)، سهیل محمودی(شاعر)، عبدالجبار کاکایی(شاعر)، حسین محب اهری، فریدون شهبازیان، مهتاب کرامتی، افشین هاشمی، سید محمود دعایی، کارگردان، بازیگران و عوامل این فیلم در یک اکران خصوصی در سینما فرهنگ به نمایش در آمد.

بعد از نمایش فیلم نیز پشت صحنه هایی از «فرزند چهارم» به نمایش گذاشته شد و عوامل فیلم و کارگردان درباره مشکلات خود و ویژگی‌های کار در آفریقا سخن گفتند.

موسائیان کارگردان این فیلم در حاشیه این مراسم در گفتگویی درباره استقبال هنرمندان و مخاطبان از فیلم در این اکران خصوصی از اقبال مردمی ابراز رضایت کرد.

در فیلم «فرزند چهارم» مهتاب کرامتی، مهدی هاشمی، حسین محب اهری و حامد بهداد بازی می کنند .

در پایان این مراسم سید محمد خاتمی با نگارش یادداشت کوتاهی در دفتر یادبود «فرزند چهارم» این اثر را تحسین کرد و چنین نوشت:

«بسم الله الرحمن الرحیم، کار بزرگ هنرمند والانگر جناب آقای موسائیان «فرزند چهارم» اثری ارزنده و ماندگار، با مضمونی بلند و عالی و کارگردانی شایسته و هنرمندی بازیگران بنام. دیدن این اثرفرصتی و غنیمتی بزرگ بود. کار عزیزان را می‌ستایم و برایشان موفقیت روزافزون آرزو می‌کنم.

فیلم سینمایی «فرزند چهارم» به کارگردانی وحید موسائیان یکی از فیلم‌های اکران عید فطر است که در سینماها به نمایش گذاشته شده است. این فیلم که مضمونی انسانی دارد، درباره سفری است به آن سوی آفریقا جایی که شرافت انسانی در گیر و دار جنگ و قحطی سربلند بیرون می‌آید.

فرزند چهارم روایت زن بازیگری است که به حرفه عکاسی روی آورده و برای عکاسی از بچه های سومالی قصد سفر به این کشور را دارد... با اینکه داستان در آفریقا جریان دارد و بیننده با دردهای کشور و مردم سومالی بیشتر آشنا می‌شود، اما داستان حول محور یک زن ایرانی می‌چرخد؛ زنی که با دو ویژگی برجسته نقش‌آفرینی می‌کند؛ از سویی ماجراجو و مدرن است، و از دیگر سو عاشق فرزند؛ کسی که روزی بازیگر سینما بوده و حالا عکاسی می‌کند، در صحنه‌های خطرناک تیراندازی و درگیری مسلحانه با شجاعت عکس می‌گیرد و حتی به کمک دیگران می‌شتابد، و درعین‌حال در حسرت داشتن فرزند به‌سر می‌برد.

برج میلاد میزبان جشنواره موسیقی مقاومت شد

سالن اصلی برج میلاد و تالارهای جنبی آن میزبان پنجمین جشنواره موسیقی مقاومت شد.

به گزارش خبرنگار ما ، محمد گلریز دبیر پنجمین جشنواره موسیقی مقاومت در ادامه گفت: در بخش رقابتی ۲۵ اثر کلاسیک ایرانی، ۲۶ اثر کلاسیک غیرایرانی، ۲۵ اثر پاپ، ۴۲ ترانه از ۱۳ شاعر به دبیرخانه ارسال شده است که در هر بخش ۶ اثر انتخاب شده تا در سالن اصلی برج میلاد و تالارهای جنبی اجرا داشته باشند.

او در همین‌باره توضیح داد: از هر بخش هر روز دو گروه به اجرای برنامه می‌پردازند و رونمایی از سه آلبوم موسیقی از دیگر برنامه‌های ماست که آلبوم «پلاک عاشقی» ساخته‌ی رمضان عظیمی، «یک خیابان سهم یک افسانه نیست» ساخته کارن همایونفر و «بدرقه» ساخته مهدی عباسی از این جمله هستند.

وی درباره بخش پاپ جشنواره نیز گفت: رضا یزدانی، مازیار فلاحی، بابک جهانبخش، شهرام شکوهی و بهنام صفوی هر کدام اجرای زنده خواهند داشت و سه قطعه اجرا می کنند.

به گونه‌ای که دو قطعه با مضمون مقاومت ساخته شده و یک قطعه‌ی دیگر را هم به انتخاب خودشان می خوانند.

این خواننده‌ی انقلابی بخش دیگری از سخنانش را به بخش بین‌الملل جشنواره اختصاص داد و گفت: قرار شده است دو گروه به جشنواره بیایند که یک گروه از لبنان انتخاب شده و همچنین خواننده ترکیه‌ای «مورات ککیلی» با گروه‌اش به ایران می‌آید و کنسرت مشترکی با کامران رسول‌زاده برگزار می‌کند و قصدشان اجرای قطعه‌ای در زمینه بیداری اسلامی است.

شایان ذکر است،سایت ایران کنسرت بلیت‌فروشی کنسرت‌های جشنواره را آغاز کرده است و تنها کنسرت‌های سالن اصلی بلیت‌فروشی می‌شوند.

سومین نمایشگاه بازی‌های رایانه‌ای گشایش یافت

سومین نمایشگاه بازی‌های رایانه‌ای تهران دیروزدر مصلای امام خمینی(ره) آغاز به کار کرد.

به گزارش معاونت ارتباطات بنیاد ملی بازی های رایانه ای، نمایشگاه سوم بازی های رایانه ای ، ساعت ۱۰ صبح با حضور دکتر سید محمد حسینی وزیرفرهنگ و ارشاد، دکتر بهروز مینایی مدیرعامل بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای، جمعی از مدیران فرهنگی ، هنرمندان و فعالان عرصه گیم در شبستان مصلای امام خمینی (ره) آغاز به کار کرد.

نمایشگاه سوم بازی های رایانه ای در فضایی بالغ بر ۲۴ هزار متر مربع و در قالب بخش های مختلف برپا می شود.فضای نمایشگاه امسال در مقایسه با سال گذشته بیش از ۳۰ درصد افزایش یافته است.

در دوره سوم نمایشگاه بازی های رایانه ای تهران، ۱۵ دانشگاه حضور می یابند. همچنین برپایی بخش خانواده، دنیای بدون گیم، بخش بازی سازان مستقل، غرفه اسرا (نظام رده بندی سنی گیم) با هدف آشنایی خانواده ها با گیم و تهیه بازی رایانه ای به تناسب سن فرزندان از برنامه های این رویداد است.

در این نمایشگاه در بخشی با عنوان «تولیدات»، آخرین بازی های تولید شده ایرانی و ساخته های خارجی مورد تایید بنیاد ملی بازی های رایانه ای عرضه می شود.

«پنجره» از بخشهای جدیدی است که در قالب سومین نمایشگاه بازی‌های رایانه ای به مخاطبان این عرصه معرفی می شود.

در این بخش روند تولید بازی های ایرانی در دو دهه اخیر در معرض دید علاقه مندان قرار خواهد گرفت.

برپایی ۳۰ کارگاه آموزشی، فروشگاه نمونه بازی های رایانه ای با تنوع بیش از ۵۰ عنوان گیم و مسابقات بازی های رایانه ای برای علاقه مندان از دیگر بخش های این رویداد فرهنگی است.

ترویج نظام ملی رده بندی سنی بازیهای رایانه ای ESRA، نمایش توانمندیهای متخصصان و هنرمندان ایرانی، توسعه همکاری‌های بین‌المللی به ویژه با کشورهای اسلامی در زمینه صنعت بازی‌های رایانه‌ای، ارتقاء سطح دانش فنی و تامین امکانات و تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تولید در کشور و معرفی ایران به عنوان قلب بازی سازی منطقه از اهداف برگزاری سومین نمایشگاه بین المللی بازی های رایانه ای تهران به شمار می رود.

سومین نمایشگاه بازی های رایانه ای تهران از ۲۲ تا ۲۶ مردادماه از ساعت ۱۰ صبح تا ۲۰ در مصلای امام خمینی (ره) برپا خواهد بود.

معرفی کتاب

به رنگ آینه

(یادنامه شاعر معاصر استاد عباس کی‌منش «مشفق کاشانی»)

کتاب «به رنگ آینه» (یادنامه شاعر معاصر استاد عباس کی‌منش «مشفق کاشانی») به اهتمام رضا حمیدی و با مقدمه دکتر سیدمحمد حسینی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شد.

این کتاب که در همایش نکوداشت استاد مشفق کاشانی رونمایی شد، در چند فصل با این عناوین منتشر شده است: مقدمه (سیدمحمد حسینی)، سر سخن (رضا حمیدی)سالشمار مشفق کاشانی، گفت‌وگو، در آیینه نقد و نظر (با مطالبی از مهرداد اوستا، سیدمحمدعلی جمالزاده، محمود شاهرخی، حمید سبزواری، سیدعلی موسوی گرمارودی، منوچهر آتشی، محمدعلی بهمنی، حسین منزوی، محمدعلی مجاهدی، رضا اسماعیلی، دکتر محمدرضا سنگری، پرویز بیگی حبیب‌آبادی و... مشفق در آیینه شعر شاعران، در مکتب استاد (مجموعه سخنرانی‌ها، مقالات و آراء مشفق کاشانی)، کتابشناسی استاد مشفق کاشانی، گزیده اشعار (غزل، قصیده، مثنوی و ترانه)، نوسروده‌ها به اشعار چاپ نشده استاد مشفق کاشانی، فهرست اعلام و به روایت اسناد و تصاویر.دکتر سیدمحمد حسینی در بخشی از مقدمه کتاب نوشته است: «... و راز ماندگاری عباس کی‌منش، مشفق کاشانی شدن اوست. او به راز نوشیدن آب حیات به میزان ظرفش، پی برد؛ جرعه جرعه خورد؛ به مستی این باده، عربده‌جویی نکرد و دل نیازرد؛ بی‌حاشیه در جاده سلامت، بی‌غرامت، ره به منزل اقبال برد! هیناً لک...»رضا حمیدی دبیر همایش نکوداشت استاد مشفق کاشانی هم در «سر سخن» کتاب نوشته است: «استاد عباس کی‌منش مشهور به «مشفق کاشانی» به حق از سخن‌سرایان نیکوسرشت و زبان‌دان و شعرشناس روزگار ما است. زبان پاکیزه و طبع گهرخیزش، سرمایه‌ای است بزرگ و معنوی برای شعر معاصر فارسی، غزل مشفق، آشیانهٔ شوق است و کاشانهٔ مهر. با شعر او می‌توان سپهر معنا را تا آستانهٔ وصل پیمود و جهان را آنچنان دید که عاشقان بیدل می‌بینند. شعر مشفق، پیمانهٔ شوق است و زبانش، سخنگوی دل‌های بیدار...»

این کتاب در تیراژ ۲۱۵۰ نسخه و ۸۶۲ صفحه منتشر شده است.

مشفق کاشانی: جهشی که طی ٤ سال دوران وزارت آقای حسینی صورت گرفت ، اعجاب‌انگیز است

شاعر معاصر استاد عباس کی‌منش مشهور به «مشفق کاشانی» در آئین نکوداشت خود گفت: برای برگزاری این مراسم نکوداشت از سید محمد حسینی تشکر می‌کنم، در این چند ساله اخیر خدمات همه مسئولان دلسوز جمهوری اسلامی مورد عنایت است، از جمله وزرای اسبق وزارت ارشاد، اما یک نکته وجود دارد و آن این است که این جهشی که در زمان ٤ ساله وزارت حسینی روی داده اعجاب انگیز و بی نظیر است، این سخنی گزاف نیست، تجلیل از یکصد هنرمند در رشته‌های مختلف، اهدای نشان و درجه هنری کاری بود کارستان، که در طول سال ها نظیر نداشت.

این شاعر تصریح کرد: نکته دوم که آن را از صدق دل می گویم این است که حسینی سخنش از صنعت اعجاز و ایجاز برخوردار است. در جلسات متعددی که بودم، ندیدم سخنی تکراری بگوید، این مزیتی در شخصیت ادبی وی است. مشفق کاشانی در این مراسم ضمن قدر دانی از برگزار کنندگان عنوان کرد: واقعیت این است که من زبان و بیانم عاجز از سپاس در قبال این بزرگواری است، و شرمندگی‌هایم بسیار است که اگر بخواهم بیان کنم سخن طولانی می‌شود و ممکن است من هم نام برخی را فراموش کنم.مشفق تصریح کرد: اگر ما جشنواره‌ها، کنگره‌ها و مراسم تجلیل از هنرمندان و شاعران را در این ٤ سال بررسی کنیم، خواهیم دید که با سال‌های پیش از آن برابری می کند و حتی فزونی دارد و این ، جز نتیجه تلاش حسینی نیست.

کوتاه آموزشی

مهلت انتخاب رشته کنکور ۹۲ تمدید شد

مشاور عالی سازمان سنجش آموزش کشور از تمدید مهلت انتخاب رشته کنکور سراسری سال ۹۲ خبر داد و گفت: به منظور فراهم کردن تسهیلات لازم برای افرادی که تاکنون نسبت به تکمیل فرم انتخاب رشته اقدام نکرده اند، مهلت تکمیل فرم انتخاب رشته تا پنجشنبه تمدید شد.

دکتر حسین توکلی در گفتگو با مهر افزود: تاکنون حدود ۳۰۰هزار نفر توانسته اند فرم انتخاب رشته را تکمیل کنند که با توجه به مجاز به انتخاب رشته بودن حدود ۹۰۰ هزار نفر هنوز تعداد زیادی از افراد موفق به تکمیل فرم انتخاب رشته نشده اند .وی اضافه کرد: افرادی که موفق به ثبت نام و همچنین تکمیل فرم انتخاب رشته کنکور ۹۲ نشده اند تا ساعت ۲۴ روز پنجشنبه ۲۴ مردادماه فرصت دارند نسبت به تکمیل فرم انتخاب رشته اقدام کنند.توکلی اظهار داشت: افراد غایب جلسه کنکور و سایر افرادی که در کنکور ۹۲ شرکت نکرده اند، نیز می توانند با ثبت نام در سایت سازمان سنجش، فرم انتخاب رشته را دریافت کرده و نسبت به تکمیل آن اقدام کنند.

جزئیات پذیرش بدون آزمون در دوره های علمی کاربردی

معاون سنجش و خدمات آموزشی دانشگاه جامع علمی کاربردی، جزئیات پذیرش بدون آزمون دانشجو را در دوره تحصیلات تکمیلی اعلام کرد.

علی صدر در گفتگو با مهر، درباره پذیرش بدون آزمون دانشجو در دوره کارشناسی حرفه ای و مهندسی فناوری، اظهار داشت: ثبت نام برای پذیرش بدون آزمون دانشجو در دوره کارشناسی حرفه ای و مهندسی فناوری از سه شنبه ۲۲ مرداد آغاز شد و داوطلبان می توانند برای دریافت دفترچه و کارت اعتباری ثبت نام، به سامانه سازمان سنجش به نشانی www.sanjesh.org مراجعه کنند .

وی ادامه داد: پذیرش داوطلبان بر اساس معدل کل فوق دیپلم و با توجه به اولویت های رشته ای که انتخاب می کنند، همچنین نوع مدرک فوق دیپلم و اولویتهای بومی، غیربومی و سهمیه ها صورت می گیرد.

معاون سنجش و خدمات آموزشی دانشگاه علمی کاربردی اعلام کرد که معافیت تحصیلی به پذیرفته شدگان پسر تعلق می گیرد .

به گفته صدر، دوره های کارشناسی حرفه‌ای و مهندسی فناوری دانشگاه علمی کاربردی جزء دوره های تحصیلات تکمیلی محسوب می‌شوند به این دلیل که تکمیل کننده دوره های کاردانی به شمار می آیند.

نیازی به اخذ وجه اجباری برای هوشمند سازی مدارس نیست

رییس مرکز آمار اطلاعات و فناوری وزارت آموزش و پرورش با بیان اینکه تاکنون اسامی ۱۱ میلیون و ۲۸۹ هزار و ۵۰۹ دانش‌آموز در سامانه ثبت‌نام وارد شده است، گفت: آموزش و پرورش برای استان‌ها ضرب‌الاجل پایان ثبت‌نام دانش‌آموزان را مشخص کرده است و تمامی استان‌ها تا پایان مرداد ماه فرصت دارند تا نسبت به ثبت‌نام همه دانش‌آموزان اقدام کرده و اسامی را به مرکز آمار ارائه دهند.

به گزارش ایسنا، یوسف نوری از افزایش تعداد مدارس هوشمند در سال تحصیلی جدید خبرداد و گفت: تعداد ۱۰ هزار مدرسه دیگر برای مهر امسال هوشمندسازی می‌شود و بدین ترتیب تعداد مدارس هوشمند به ۴۰ هزار مدرسه افزایش خواهد یافت.رییس مرکز آمار اطلاعات و فناوری وزارت آموزش و پرورش با اشاره به این که استان های آذربایجان غربی، اردبیل و بوشهر به ترتیب دارای بیشترین مدارس هوشمند در کشور هستند، گفت: در سال گذشته مدیران مدارس بدلیل کمبود اعتبارات و به منظور هوشمندسازی مدارس خود از والدین دانش‌آموزان وجوهی دریافت می‌کردند که در صورت تخصیص اعتبارات امسال، هوشمند سازی مدارس توسط آموزش و پرورش انجام خواهد شد، لذا نیازی به اخذ وجه اجباری برای هوشمند سازی نیست.

افزایش ۵۰ درصدی کلاس های هنرستان ها

مدیر کل دفتر فنی و حرفه ای و کار و دانش آموزش و پرورش از توسعه ۵۰ درصدی تعداد کلاس های هنرستان ها برای سال تحصیلی جدید خبر داد.

به گزارش مهر، محمد شریف زاده با بیان این مطلب گفت: با توجه به افزایش ۲۴۳ رشته به کار و دانش و ٤٤ رشته در فنی و حرفه ای، نیازمند توسعه کلاس ها در هنرستان ها هستیم که برای سال تحصیلی جدید حدوداً ۳۵۰ کلاس به کلاس های درس پایه دوم اضافه می شود.وی ادامه داد: براساس برنامه پنجم برای توسعه هنرستان ها در آموزش و پرورش، برنامه ریزی برای توسعه هنرستان ها، تجهیز و افزایش رشته های مورد نیاز متناسب با بازار کار انجام شده است و در هر سال شاهد ارتقا و توسعه هنرستان ها خواهیم بود.

بیستمین جشنواره بین‌المللی هنرهای تجسمی جوانان شهریور برگزار می‌شود

سرویس فرهنگی ـ هنری: بیستمین جشنوارهٔ هنرهای تجسمی جوانان در ۹ رشته از اول تا پنجم شهریور در علی‌آباد کتول استان گلستان برگزار می‌شود.

به گزارش خبرنگار ما، در نشست خبری که به همین مناسبت، دیروز در موزهٔ هنرهای معاصر تهران برگزار شد. اصغر امیرنیا مدیرکل مرکز هنرهای تجسمی با بیان اینکه بسیاری از هنرمندان حرفه‌ای کنونی کشور ما همان کسانی هستند که سالها پیش و در دورهٔ جوانی‌شان در این جشنواره شرکت کرده و خوش درخشیده‌اند، گفت: در جشنوارهٔ امسال، جوانان به صورت مجازی بهترین آثار پیشین خود را ارائه دادند و هیأت داوران از میان حدود ۳۴۰۰ اثر از ۷۴۰ نفر، هنرمندانی را که براساس آثارشان قابلیت حضور در جشنواره را داشتند انتخاب کردند.

امیرنیا با اشاره به اینکه جشنوارهٔ هنرهای تجسمی کودکان و نوجوانان و جشنواره هنرهای تجسمی جوانان در جهت سرمایه‌گذاری برای توسعه هنرهای تجسمی کشور در آینده برگزار می‌شود و اینکه شرکت کنندگان در این دو جشنواره می‌توانند آینده‌سازان عرصهٔ هنرهای تجسمی کشور را تشکیل دهند، گفت: برگزاری این جشنواره‌ها برای نوجوانان و جوانان در راستای برنامهٔ سند چشم‌انداز ۲۰ ساله ایران است که مورد تاکید مقام معظم رهبری نیز است و افق آن در سال ۱۴۰۴ آشکار خواهد شد یعنی زمانیکه نوجوانان و جوانان کنونی در سنین ۲۵ تا ۴۵ ساله هستند.

مدیر مرکز هنرهای تجسمی در ارتباط با جشنوارهٔ هنرهای تجسمی جوانان گفت: حضور هنرمندان جوان خارج از کشور در کنار جوانان ما در این جشنواره فرصتی است تا جوانان ما با ایده‌ها و شیوهٔ کار و تفکر آنها آشنا شوند و آنها را مورد استفاده قرار دهند و به امید آن هستیم که هنر ایرانی سکانش در آینده‌ای نزدیک به دست کسانی سپرده شود که دارای تعهد و تخصص کافی باشند.

امیرنیا در بخش دیگری از سخنانش تعداد میهمانان خارجی جشنواره را ۱۲ نفر اعلام کرد و افزود: این هنرمندان جوان مانند هنرمندان ایرانی در سنین ۱۶ تا ۲۴ سال و از کشورهای صربستان، بلاروس، لبنان، قزاقستان و هندوستان هستند، البته تعدادی از میهمانان نیز شامل جوانانی می‌شوند که در ایران به تحصیل آکادمیک یا حوزه‌ای مشغولند و از اینان نیز دعوت شده است.

وی در ادامه، از حضور دو داور خارجی در کنار داوران ایرانی جشنواره خبر داد و این دو را از استادان دانشگاه‌هایی در لبنان و صربستان معرفی کرد و در پایان سخنانش نیز به برگزاری نمایشگاهی از آثار خلق شده در جشنواره امسال هنرهای تجسمی جوانان در دانشگاه آزاد علی‌آباد کتول پس از پایان جشنواره اشاره کرد و گفت: به دلیل محدودیت مکانی و ظرفیت‌های اعتباری از نمایش تمامی آثار معذوریم و در حدود ۱۸۰ اثر از میان آثار خلق شده انتخاب می‌شوند و به نمایش در می‌آیند.

غلامرضا منتظری، مدیرکل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گلستان و دبیر جشنواره نیز در این نشست درباره ویژگی‌های جشنواره هنرهای تجسمی جوانان، تفاوت‌های جشنواره بیستم با جشنواره‌های پیشین و برنامه‌های اصلی و جانبی این جشنواره پرداخت و توضیح داد:این جشنواره تنها رخداد تجسمی کشور است که به صورت حضوری و با استرس‌ها و جاذبه‌های مخصوص خود برگزار می‌شود.

تمامی استانها نمایندگانی را در این رخداد دارند و تجلی باشکوه رنگین‌کمانی اقوام ایرانی را در این جشنواره می‌توان به تماشا نشست که از کثرت به وحدت می‌رسند و از سویی دیگر این جشنواره بزرگترین اجتماع جوانان در جهان اسلام است.

منتظری سپس به تفاوت این جشنواره با جشنواره‌های قبلی اشاره کرد و گفت: تغییر مکان جشنواره از گرگان که دوره‌های گذشته جشنواره آنجا برگزار می‌شد به علی‌آباد کتول تفاوت این دورهٔ جشنواره است و این تغییر به دلیل ظرفیت‌های بهتری بود که در علی‌آباد کتول به نسبت دیگر شهرهای استان گلستان ایجاد شده بود که شامل وجود دانشگاه آزاد اسلامی هنر در این شهر بود که تا مقطع دکتری امکان ادامهٔ تحصیل در آن فراهم است. از سویی دیگر وجود چشم‌اندازهای زیبا در این منطقه است که یکی از آنها وجود زیباترین آبشار خزه‌ای در این شهر است.علاوه بر اینها تغییر محل برگزاری به علی‌آباد کتول در راستای سیاست تمرکززدایی است البته به شرطی که کیفیت فدای کمیت نشود.

از طرفی برگزاری نخستین نشست علمی ـ پژوهشی «هنر اسلامی» همزمان با برگزاری جشنوارهٔ هنرهای تجسمی جوانان در علی‌آباد کتول که یک روزه و در اول شهریور برگزار می‌شود علت دیگر انتخاب این شهر برای برگزاری جشنواره بود تا نتایج این همایش در اختیار شرکت‌کنندگان در جشنواره نیز قرار گیرد.

منتظری همچنین تصریح کرد که در جشنوارهٔ امسال حضور افتخاری ۱۰ جوان با آثارشان را خواهیم داشت که در دوره‌های گذشته جشنواره خوش درخشیده‌اند. او افتتاح نخستین و بزرگترین نگارخانه خصوصی استان گلستان را همزمان با برگزاری جشنواره از دیگر رویدادهای جنبی این جشنواره بیان کرد و در ادامه گفت: در این جشنواره ۲۰۳ نفر از هنرمندان داخلی و خارجی در ۹ رشته طراحی، نقاشی، خوشنویسی، عکاسی، تصویرسازی، حجم، کاریکاتور، پوستر و نگارگری به رقابت می‌پردازند. در این جشنواره همچنین ورک شاپ خیابانی با عنوان «ما ایستاده‌ایم» خواهیم داشت که ۳۰ هنرمند اعم از داخلی و خارجی روی بوم ۲۰متری نقاشی خواهند کرد.

منتظری زمان مراسم افتتاحیهٔ جشنواره را ساعت ۹ صبح دوم شهریور در مزار شهدای این شهر اعلام کرد و در ادامه گفت: عصر روز دوم نیز کارگاه آموزشی با حضور دو استاد هنرهای اسلامی برگزار خواهد شد و ۲ روز نیز برای آفرینش آثار شرکت کنندگان تعیین شده است و عصر روز سوم نیز شاهد مراسم اختتامیه خواهیم بود.

پیکر سید ابراهیم بحر العلومی منتقد و بازیگر سینما تشییع شد

پیکر سید ابراهیم بحرالعلومی روزنامه‌نگار، منتقد، بازیگر و مدرس دانشگاه دیروز از تالار وحدت به سمت قطعه هنرمندان بهشت زهرا(س) بدرقه شد.

به گزارش ایسنا، در این مراسم، هنرمندان، سینماگران، منتقدان و روزنامه‌نگاران مختلفی که سابقه همکاری با زنده‌یاد بحرالعلومی را داشتند، حاضر شدند و ضمن تسلیت به خانواده این هنرمند فقید درباره او سخن گفتند.مصطفی شایسته تهیه‌کننده و پخش‌کننده سینما با اشاره به سابقه همکاری‌اش با مرحوم بحرالعلومی از ۲۰ سال قبل، یادآور شد: بنده به‌عنوان تهیه‌کننده در فیلم‌های «پارتی»، «بی‌پولی» و... در خدمت ایشان بودم و شهادت می‌دهم او خصوصیات منحصر به فردی داشت که مجموع آن خصوصیات را در یک نفر در سینما کمتر دیده‌ام.امروز جای خالی سید ابراهیم بحرالعلومی را احساس می‌کنم.

سپس مسعود ده‌نمکی کارگردان سینما که سابقه آشنایی او نیز با زنده‌یاد بحرالعلومی به سال‌ها قبل باز می‌گردد، در سخنانی گفت: همه چیز رفتنی است و فقط خداست که باقی می‌ماند. شاید شغل ما به نوعی است که این معنی بیشتر در آن هویدا می‌شود.

در ادامه این مراسم، سیداحمد میرعلایی – مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی – که به نمایندگی از وزیر ارشاد و رئیس سازمان سینمایی در مراسم تشییع زنده‌یاد بحرالعلومی حضور داشت، درباره‌اش گفت: شاید امروز وقتی به پیکر سید بحرالعلومی نگاه می‌کنیم، همه حسرت می‌خوریم که یک نفر دیگر هم رفت و اصلا به این فکر نمی‌کنیم که روزی این قرعه به نام خودمان هم می‌افتد که شاید اگر چنین فرضی می‌کردیم خیلی از منیت‌ها را کنار می گذاشتیم.وی ادامه داد: متاسفانه امروز شیطان در برخی از ما رسوخ کرده و «ما» جای خود را به منیت داده است. خوش به‌حال امثال سیدبحرالعلومی که با منیت از این دنیا خداحافظی نکردند و «ما» بودند.پس از این سخنان پیکر سید ابراهیم بحرالعلومی به سوی بهشت زهرا(س) تشییع شد تا در قطعه هنرمندان آرام بگیرد.

برگزاری جشنواره «مونولیو» در تماشاخانه «آو»

سرویس فرهنگی، هنری: جشنواره ۱۰۰ روزه مونولیو از دوم شهریور فعالیت خود را در تماشاخانه «آو» شروع می کند.

به گزارش خبرنگار ما، محمدحسن معجونی مدیر گروه تئاتر لیو در جمع خبرنگاران درباره برگزاری دور جدید فستیوال مونولیو و پیوستن گروه آو به این جشنواره گفت: «ما قبلاً این جشنواره را از اردیبهشت شروع می کردیم و آن را تا زمستان ادامه می‌دادیم. اما امسال این جشنواره را به صورت یک فستیوال ۱۰۰ روزه در تماشاخانه «آو» برگزار خواهیم کرد.»وی افزود: «ویژگی مهم این فستیوال، حضور حرفه‌ای‌ها در آن است. سال گذشته ما از فستیوال‌های مونولوگ دانشجویی حمایت می‌کردیم و به آن‌ها اجازه حضور در این فستیوال را می‌دادیم. اما امسال با زیاد شدن تعداد آن‌ها تصمیم گرفتیم «مونولیو» جایی برای حرفه‌ای‌ها و نیمه‌حرفه‌ای‌ها باشد.معجونی درباره اضافه شدن گروه تئاتر «آو» به این مجموعه گفت: «گروه آو در این جشنواره شریک ما به حساب می‌آید. این گروه، فضای غیرتئاتری را بدون کمک دولتی به یک فضای تئاتری تبدیل کرده است. ما در سال اول برگزاری مونولیو در خانه هنرمندان بودیم اما امسال فکر کردیم که مونولیو یک جشنواره خصوصی است و باید در یک مکان خصوصی هم اجرا شود. در اینجا هر دو گروه لیو و آو یک تجربه مشترک را ادامه می‌دهند.»وی توضیح داد: «هر یک از اجراهای مونولیو شنبه‌ها در دو سانس ۱۸ و ۲۰ در محل تماشاخانه آو به صحنه می‌روند. همچنین به اجراهای سولو، معرفی آن‌ها و عکاسی می‌پردازیم و در هر ماه سه بولتن خواهیم داشت که با مطالب تئوریک، معرفی بعضی از متن‌ها و چاپ بعضی از متن‌های نمایشی، فستیوال را به لحاظ آموزشی حمایت می‌کنند.»

فستیوال «مونولیو» از دوم شهریور با حضور گروه لیو سایه، گروه آو، نسیم احمدپور، گروه ۸٤، حسین ذوقی، آزاده شاهمیری، گروه پاپتی‌ها و الکاهدایت، حسن معجونی و اشکان جنابی در تماشاخانه آو در میدان فاطمی، خیابان جهانمهر برگزار می‌شود.

آخرین گزارش‌ها از معاملات بازار مسکن

گرانی مسکن در پایتخت موجب شده است که پیش فروش واحدهای مسکونی بیشتر از گذشته مورد توجه قرار گیرد.

به گزارش مهر، با گرانی مسکن، پیش فروش آپارتمان ها رونق بیشتری پیدا کرده است و متقاضیان سعی در پیش خرید واحدهای مسکونی دارند، زیرا این واحدها که معمولا چند ماه تا چند سال بعد تحویل آنها می شود، قیمت ارزان‌تری دارد و در درازمدت می تواند سود بیشتری را نصیب آنها کند.

پس از آن، خریداران باید زمان تحویل واحدها را در نظر بگیرند، براین اساس متقاضی باید برروی زمان تحویلی که از سوی سازنده اعلام می شود توافق داشته باشد، زیرا تحویل این واحدها حداقل سه ماه بطول می انجامد و حتی برخی از آنها تحویل های چند ساله دارند و در واقع خریدار باید این شرط را مدنظر داشته باشد.

براساس گزارش مهر، در بلوار ابوذر فلکه دوم مقداد یک واحد از آپارتمانی ۹ واحدی با متراژ ۹۰ متر، طبقه ۵ ، نوساز و شمالی با تحویل ۳ ماهه با نرخ ۳۷۰ میلیون تومان به فروش می رسد و در مخصوص - سینا یک واحد ٦٤ متری دو خوابه تک واحدی در مرحله جواز، متری ۲ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان قیمت گذاری شده است.

در رودهن خیابان پاسداران دو واحد ۱۰۰ متری و دوخوابه در مرحله اجرای سقف و تحویل ١٤ ماهه متری یک میلیون و ۹۰۰ هزار تومان پیش فروش می شود و در ولنجک بلوار دانشجو دو واحد ۸۰ متری و ۱۲۵ متری، هر مترمربع ۱۰ میلیون تومان قیمت گذاری شده است.تقاطع بزرگراه نواب – کمیل یک واحد از ۱۵ واحد با متراژ ۸۰ متر و تحویل ٤ ماهه با نرخ متری ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان پیش فروش می شود و واحدی دیگر در پاسداران – لویزان با متراژ ۹۰ مترمربع ،دو خوابه و تحویل آذر، هر مترمربع ٤ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان است.

در چیتگر جنب دریاچه، پیش فروش یک واحد ٦٣ متری تحویل سال ٩٦ با قیمت ۱۵۰ میلیون تومان پیش فروش می شود و در پونک کوهسار ٤ واحد ٦٥، ٨٥ و ١٠٠ متری با قیمت هر مترمربع ۲ میلیون و ٦٠٠ هزار تومان قیمت گذاری شده است.

در قیطریه ۲ واحد ۸۵ و ۱۱۰ متری، دو خوابه با امکانات کامل، لابی و بالکن و تحویل ۷ ماهه متری ۸ میلیون و ٦٠٠ هزار تومان پیش فروش می شود و در دارآباد، واحدی به مساحت ۱۱۷ مترمربع با نرخ پایه ٦ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان به فروش می رسد.

یک واحد ۹۱ متری دو طبقه با تحویل ٦ ماهه در منطقه گیشا با قیمت هر مترمربع ٦ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان پیش فروش می شود و در منطقه ۲۲ آزادشهر یک واحد ٧٦ متری یک خوابه و تحویل ۱۰ ماهه متری ۵ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است.

واحدی ۹۰ متری با تحویل سه ماهه در پونک با زمان تحویل ۳ ماهه، متری ۵ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان قیمت گذاری شده است و در شریعتی زرگنده یک واحد ٦٠ متری با تحویل ۲ ماهه متری ۷ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان پیش فروش می‌شود. همچنین در نظام آباد، بخت آزاد یک واحد ۸۱ متری با پارکینگ و انباری و تحویل ۷ ماهه متری ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان به فروش می رسد.

خرید و فروش مسکن ویژه همچنان ممنوع است

در همین حال ،از سوی دیگر ،با توجه به مصوبه دولت دهم مبنی بر آزادسازی خرید و فروش واحدهای مسکن مهر، برای متقاضیان و خریداران مسکن ویژه تهران این شبهه ایجاد شد که معاملات مسکن ویژه هم آزاد شده یا احتمالا آزاد می‌شود که فریبرز واحدی مدیرکل اداره راه و شهرسازی استان تهران در این باره به ایسنا گفت: معاملات مسکن ویژه تهران همچنان ممنوع است و آزاد شدن معاملات واحدهای مسکن مهر ربطی به مسکن ویژه ندارد.

قدرت خرید وام مسکن فقط ۳ متر مربع است

در همین زمینه رئیس اداره طرح و برنامه بانک مسکن هم اظهار داشت :تسهیلات خرید مسکن فقط بر ۷ درصد قیمت مسکن تأثیرگذار بوده و رویکرد بانک مسکن افزایش سقف وام خرید مسکن است.

نادر قاسمی در گفتگو با فارس اضافه کرد: وام خریدی که در حال حاضر می‌توان با آن فقط۳ تا ٤ متر خانه خرید، نمی‌تواند چندان بر بازار و قدرت خرید تأثیرگذار باشد. اما به هر حال اگر دولت و وزیر جدید مساعدت نشان دهد، بانک مسکن هم آمادگی پرداخت و افزایش وام خرید را دارد.

۱۰ درصد سهام عدالت سهامداران از نیمه دوم امسال قابل معامله است

در مرحله اول ۱۰درصدازسهام عدالت از محل سود شرکت های تخصیص داده شده به این سهام قابل خرید و فروش خواهد بود وبقیه سهام در وثیقه دولت باقی می‌ماند تا در سالهای آتی به‌تناسب سود دریافتی از محل شرکت‌های تخصیص داده شده، آزاد شود.

سهام شرکت‌هایی که در حال حاضر در بورس معامله می‌شوند و در سبد سهام عدالت قرار دارند، در سایت بورس قابل مشاهده است.

حسن محمدتبار معاون سازمان خصوصی‌سازی در گفتگو با تسنیم ضمن اعلام این مطالب با اشاره به تهیه دستورالعمل نحوه ورود شرکت‌های سرمایه گذاری استانی به بازار سرمایه توسط دبیرخانه شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل ٤٤ قانون اساسی گفت:با توجه به دستورالعمل مذکور، سازمان خصوصی سازی می‌بایست حداکثر ظرف یک ماه اسامی مشمولین سهام عدالت را به شرکت سپرده گذاری مرکزی برای اخذ کد سهامداری ارسال کند که تاکنون دو استان ارسال شده است.این سازمان همچنین در حال اصلاح نهایی قراردادهای واگذاری سهام به شرکت‌های سرمایه گذاری استانی است که اقدامات اجرایی آن شروع شده است. پس از اصلاح قراردادهای واگذاری، شرکت‌های سرمایه گذاری استانی می‌بایست اقدام به افزایش سرمایه متناسب با سهام واگذار شده و تعداد مشمولین استان مربوطه خود کنند تا امکان معاملاتی شدن سهام آنها در بازار سهام فراهم آید.

وی با اشاره به اینکه با انجام اقدامات فوق، امکان بازگشایی نمادهای شرکت‌های سرمایه گذاری استانی دربازار فرابورس ایران فراهم می‌شود، گفت: تاکنون از ٤٥ میلیون و ۳۰۰ هزار مشمول شناسایی شده و دعوت‌نامه ارسال شده، حدود ٤١ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر اقدام به ثبت‌نام نهایی کرده و سهامدار نهایی شناخته شده‌اند.وی ادامه داد:اسامی مشمولین استان آذربایجان شرقی که حدود ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر است، در هفته گذشته به شرکت سپرده گذاری مرکزی برای دریافت کد سهامداری ارسال شده است. پس از استان آذربایجان شرقی اطلاعات مشمولین استان کردستان هم بزودی به شرکت سپرده گذاری مرکزی ارسال می‌شود و طی یک ماه آینده هم اطلاعات مشمولین تمامی استان‌ها برای اخذ کد به شرکت سپرده گذاری مرکزی ارسال خواهد شد.

معاون سازمان خصوصی سازی با اظهار اینکه در سه مرحله، سهام ٦٢ شرکت به‌مبلغ ٤٤هزار و ٤٠٠ میلیارد تومان،به پرتفوی سهام عدالت اختصاص داده شده که به‌تناسب مشمولین هر استان به شرکت‌های سرمایه گذاری هر استان تخصیص داده شده است، گفت، سهام ٦٢ شرکتی که به سبد سهام عدالت تخصیص داده شد، از هشت صنعت مهم و دارای مزیت کشور بوده که این شرکت‌ها هم با رشد بازار سهام رشد قیمتی داشته و سبب رشد قیمت برگه‌های سهام در اختیار مشمولین شده است.وی همچنین با تاکید بر اینکه قیمت معاملاتی هر برگه سهام عدالت در بازار همانند سایر سهام‌های موجود در بازار سهام با توجه به مکانیزم عرضه و تقاضا تعیین خواهد شد،گفت: نکاتی که دارندگان سهام عدالت باید مورد توجه قرار دهند، این است که سهام خود را با عجله نفروشند و از مزایای رشد قیمتی بازار سهام استفاده کنند. زیرا بهترین سهام‌ها در سبد سهام عدالت وجود دارد و همان‌گونه که طی این سالها رشد قیمتی داشته‌اند، در سالهای آینده هم رشد قیمتی را تجربه می کند.

محمدتبار با بیان اینکه هر برگ سهام عدالت در زمانی که توزیع شد، یک میلیون تومان بود، گفت: با اجرای افزایش سرمایه شرکت‌های سرمایه گذاری استانی، این برگه‌ها به ۱۰ هزار سهم ۱۰۰ تومانی (معادل یک میلیون تومان) تبدیل می‌شود تا قابل معامله در بازار سهام باشد. وی تصریح کرد: با توجه به اینکه برای هر خانوار حداکثر ۵ میلیون تومان سهام عدالت در نظر گرفته شد، اگر خانواری ۱۰نفره است به هر نفر ۵۰۰ هزار تومان تعلق گرفت که با اجرای افزایش سرمایه به هر شخص از خانوار ۱۰ نفره (به‌عنوان مثال) ۵ هزار سهم ۱۰۰ تومانی تعلق می گیرد.این مقام مسئول با اشاره به اینکه در نهایت پذیرش شرکت‌ها در فرابورس انجام خواهد شد خاطرنشان کرد: با برنامه ریزی انجام شده در اوایل نیمه دوم امسال درج نماد شرکت‌ها در فرابورس آغاز خواهد شد و معاملات سهام به‌نحوی که ثبات بازار سرمایه حفظ شود، هم آغاز خواهد شد.همچنین در سالهای آتی بخشی از سهام وثیقه شده به‌تناسب اقساط دریافتی آزاد خواهد شد.

نفت، طلا، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۱۰۶/۴۶ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۱۰۹/۵۷ دلار
هر بشکه نفت اوپک	۱۰۵/۸۳ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۳۳۱/۳۰ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۱۰۳۰۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۱۰۶۲۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶ گرم)	۵۶۵۰۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۳۶۵۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۲۳۷۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۱۰۴۰۰۰ تومان
هر گرم نقره خام (عیار ۹۹۹)	۲۲۰۰ تومان
دلار آمریکا (نرخ بانکی)	۲۴۷۹/۴ تومان
دلار آمریکا (نرخ غیر بانکی)	۳۲۰۰ تومان
یورو (نرخ بانکی)	۳۲۹۹/۶ تومان
یورو (نرخ غیر بانکی)	۴۲۳۰ تومان
پوند انگلستان (نرخ بانکی)	۳۸۳۳/۵ تومان
پوند انگلستان (نرخ غیر بانکی)	۴۹۳۰ تومان
درهم امارات (نرخ بانکی)	۶۷۵/۱ تومان
درهم امارات (نرخ غیر بانکی)	۸۷۰ تومان

کاهش درآمد دولت از محل واردات خودرو

گمرک ایران از کاهش درآمد دولت از محل واردات خودرو خبر داد.

محمدرضا نادری معاون فنی گمرک ایران در گفتگو با ایسنا با اشاره به اینکه با وجود رشد واردات خودرو در چهار ماه نخست امسال، درآمد حاصل از اخذ تعرفه واردات خودرو کاهش یافته است، اظهار داشت: در قانون بودجه امسال ۲۰ هزار میلیارد تومان درآمد از محل واردات خودرو پیش‌بینی شده است، اما با روند فعلی این درآمد محقق نخواهد شد.

وی افزود: هم‌اکنون تعرفه واردات برای خودروهای با حجم موتور کمتر از ۲۵۰۰ سی‌سی ٤٠ درصد و بالاتر از آن ۷۰ درصد است.

نامبرده با اشاره به احتمال آزاد شدن واردات خودروهای بالای ۲۵۰۰ سی‌سی گفت: در هر صورت تولید داخلی خودرو به شدت کاهش یافته است و از سوی دیگر برای تحقق درآمد حاصل از واردات خودرو باید به خودروهای با حجم موتور بالای ۲۵۰۰ سی‌سی هم مجوز واردات داده شود.

وی از انباشت خودروهای با حجم موتور بیش از ۲۵۰۰ سی‌سی در گمرک‌ها خبر داد و افزود: قبلا خودرو از مناطق ویژه و آزاد وارد و سپس ثبت سفارش می‌شد که این خودروها عمدتا با ارز متقاضی وارد می‌شدند. از چند ماه پیش که ثبت سفارش خودروهای با حجم موتور بالای ۲۵۰۰ سی‌سی متوقف شده این خودروها هم در گمرک متوقف شده‌اند و به آنها اجازه ترخیص داده نمی‌شود.معاون فنی گمرک با اشاره به ارائه پیشنهاد بازنگری در فهرست کالاهای اولویت ۱۰ به وزارت صنعت، معدن و تجارت گفت: در جلسه‌ای که گمرک با سازمان توسعه تجارت داشت، گمرک آمادگی خود را برای بازنگری در اولویت ۱۰ کالاهای وارداتی اعلام کرد. در هر صورت وزیر صنعت، معدن و تجارت تصمیم‌گیرنده اصلی درباره بازنگری در کالاهای اولویت ۱۰ یا حتی حذف این اولویت است.

ثبات بازار ارز پایدار خواهد ماند

در چند ماه گذشته اقدامات بسیار مثبتی در دولت دهم برای کنترل رشد قیمت ارزهای خارجی در بازار صورت گرفت که خوشبختانه بسیاری از آنها موفقیت‌آمیز بود. اگر گاهی هم در بازار تکانه‌های قیمتی به وجود می‌آمد، نه به دلیل شرایط داخل که با شرایط خارجی ایجاد شده بود. به همین دلیل در صورتی که تکانه‌های تحریمی ادامه پیدا نکند،انتظار می رود ثبات در بازار ارز بوجود آید و در نتیجه نرخ ارز ثابت بماند.

به گزارش خبرنگار اقتصادی اطلاعات، سیدشمس‌الدین حسینی وزیر اقتصاد دولت دهم در مراسم خداحافظی خود با خبرنگاران با بیان این‌که بخش نقل و انتقالات ارزی به عنوان اصلی‌ترین هدف مورد هجمه تحریم‌ها واقع شده است، تاکید کرد:نظام بانکی ایران در چند سال گذشته که تحت فشارهای بسیاری بوده، عملکرد قابل قبولی از خود نشان داده است و میزان بالای صادرات و همچنین واردات کالاهای اساسی نشان می‌دهد نظام بانکی علیرغم تمامی فشارها نسبت به انجام وظایف اصلی خود عملکرد کاملا موفقی داشته است.

وی اظهار داشت: عملکرد تیم دولت در بخش‌های مختلف ستودنی بود. اما نظام بانکی ما با توجه به فشارهای مضاعفی که در سال‌های اخیر تحمل کرد، قطعا باید نمره ایثار بگیرد.

حسینی همچنین به عملکرد خود به عنوان وزیر اقتصاد نمره صبر دادو گفت: اصلی‌ترین نکته‌ای که باید در برنامه‌های اصلاح ساختار اقتصاد مورد توجه قرار گیرد، توجه به پذیرش اجتماعی طرح‌ها است.طرح هدفمندی یارانه‌ها به ما نشان داد برای اجرای چنین طرح‌های بزرگ و پیچیده‌ای باید قبل از هر چیز پذیرش اجتماعی لازم را در بین مردم به وجود آورد. چون در غیر این صورت نهادهای اقتصادی باید هزینه‌های مضاعفی بپردازند.

وی خطاب به وزیر امور اقتصادی و دارایی دولت یازدهم گفت: به وزیر اقتصاد آینده توصیه می کنم نسبت به افزایش سطح دانش عمومی اقتصاد در جامعه اقدام شود تا وزارت اقتصاد در اجرای برنامه‌های راهبردی خود توانایی بیشتری به دست آورد.نامبرده با بیان این‌که باید به وزیر اقتصاد آینده و تیمش فرصت داد گفت: مشخص کردن زمان‌های دقیق برای از بین رفتن مشکلات اقتصادی کار درستی نیست باید به دولت آینده وقت دهیم تا با تمرکز و تسلط کافی بر امور اقتصادی وظایف و مسوولیت‌های خود را انجام دهد و برنامه‌های وعده داده شده به مردم را عملیاتی کند.

معاینه فنی خودرو در بیمه شخص ثالث ضروری است

برای مدیریت ریسک بیمه‌های شخص ثالث، انجام معاینه فنی خودروها قطعا ضروری بوده و لازم است که مقاطع بازدیدهای فنی خودرو بیشتر شود.

جواد سهامیان مقدم مدیرعامل بیمه ایران در گفتگو با ایسنا با بیان اینکه بیمه فقط به معنای پوشش و پرداخت هزینه‌ها نیست، گفت: یکی از وظایف بیمه‌ها مدیریت ریسک و کاهش خطرات است و باید در این حوزه از راهکارهای جلوگیری از وقوع خطرات استفاده شود.

وی اظهار کرد: در واقع مدیریت ریسک به این معناست که فاکتورها و عواملی که می‌تواند در کاهش ریسک موثر باشد،از زوایای مختلف بررسی شده و از وقوع حوادث جلوگیری کند، حال گاهی در حوزه بیمه شخص ثالث به خود بیمه‌گذار برمی‌گردد یا حوزه تولید کننده و خودروسازان و گاهی به قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌ها که باید اصلاح شود.مدیرعامل بیمه ایران اظهار کرد: در حوزه بیمه شخص ثالث معاینه فنی قطعا در مدیریت ریسک تاثیر گذار است و ضرورت انجام آن قبل از بیمه کردن خودروها وجود دارد.وی به انجام معاینه فنی خودرو و تست سلامت آن حداقل یکبار در سال تاکید کرد و گفت: معاینه فنی پنج ساله به درد نمی‌خورد. چرا که یک اتومبیل ممکن است از کارخانه سالم بیرون بیاید، اما بعد از مدت کوتاهی دچار نقص فنی شود .لذا لازم است که مقاطع بازدیدهای معاینه فنی بیشتر شود.

شرکت‌های کنترل ترافیک و کیفیت هوای تهران به بخش خصوصی واگذار می‌شود

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: مصوبه ساماندهی سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته به شهرداری دیروز در جلسه شورای شهر بررسی شد. اعضای شورا به واگذاری شرکت‌های کنترل کیفیت هوا و کنترل ترافیک شهر تهران رأی دادند.

به گزارش خبرنگار اطلاعات، در جلسه پانصد و شصت و هفتم، یگانه عضو مخالف این واگذاری، دکتر معصومه ابتکار، رئیس کمیته محیط‌زیست بود که تأکید کرد: موضوعات وابسته به سلامت شهروندان، مانند پایش وضع هوای تهران، بسیار اهمیت دارد و اگر به بخش خصوصی واگذار شود، در جنبه‌های حاکمیتی آن اخلال ایجاد می‌شود.

او ادامه داد: بهتر است سازمانی زیر نظر شهرداری شکل بگیرد که وظیفه اصلی‌اش پایش هوا باشد و البته این سازمان نباید زیرمجموعه سازمان دیگری فعالیت کند، چنان که، تاکنون شرکت کنترل کیفیت هوا، زیرمجموعه معاونت حمل و نقل و ترافیک و جزء اولویت‌های هشتم، نهم و دهم آن بود که اصلاً در فهرست اولویت‌ها، گم می‌شد.

سخنان ابتکار با مخالفت رئیس کمیسیون برنامه و بودجه روبه‌رو شد.خادم گفت: این صحبت‌ها تعصب‌های محیط‌زیست و موضوعات شخصی شماست که بهتر است در شرایط جدید، حالا که بسیاری امور به دست شما می‌افتد، بروید و سازمان حفاظت محیط‌زیست را اصلاح کنید.او تأکید کرد: تقریباً ۵۰ جلسه برای واگذاری سازمان‌ها و شرکت‌های شهرداری به بخش خصوصی داشته‌ایم و همچنان جلسه‌ها ادامه دارد که این موضوع بی‌احترامی به شوراست، ما که در دوره بعدی نیستیم، اما نگه داشتن مصوبات پنج ساله شورا کار درستی نیست.

مهندس مهدی چمران، رئیس شورا پس از این اظهارات، مصوبه واگذاری شرکت‌ها را به رأی گذاشت و با دفاع ابتکار از مواضع خود موافقت نکرد.

در ادامه جلسه دیروز، اعضای شورا از خانواده سه کوهنورد مفقود شده در رشته کوه قراقروم که قله برودپیک را فتح کرده بودند، تقدیر کردند.احمد مسجدجامعی عضو کمیسیون فرهنگی و اجتماعی با قدردانی از خانواده‌های مجتبی جراهی، آیدین بزرگی و پویا کیوان، پیشنهاد کرد با توجه به این که این ورزشکاران چهره ملی هستند، بهتر است که مکانی به نام آنان نامگذاری شود؛ تیم کوهنوردی برودپیک با گروه‌های ورزشی خارجی برخورد بسیار خوبی داشت که بازتاب جهانی پیدا کرد و حتی می‌توان نامگذاری مکانی در قراقروم را هم به نام آنان، پیگیری کرد.

تعرفه‌های پستی ۳۰ درصد افزایش یافت

تعرفه‌های پستی برای سال ۹۲ به طور میانگین ۳۰ درصد افزایش یافت.

محمدحسن کرباسیان مدیرعامل شرکت پست در گفتگو با فارس از افزایش ۳۰ درصدی تعرفه‌های پستی در سال ۹۲ خبر دادو گفت:افزایش تعرفه در سرویس‌های پستی متفاوت است، اما به طور میانگین تعرفه‌ها ۳۰ درصد افزایش یافته است.وی ادامه داد: کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات با برخی پیشنهادات تعرفه‌ای پست موافقت کرد و بسیاری از درخواست‌ها را هم تعدیل کرد..

اخبار کوتاه اقتصادی

ایران در پرداخت اقساط بانک جهانی قصوری ندارد

ایران برای پرداخت اقساط خود به بانک جهانی از هیچ اقدامی دریغ نکرده و پرداخت نشدن اقساط ربطی به قصور دولت دهم ندارد.

بهروز علیشیری رئیس سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی فنی ایران در گفتگو با ایسنا تصریح کرد: صحبت‌هایی که درباره اقدام نکردن دولت برای پرداخت اقساط شش ماهه اخیر به بانک جهانی می‌شود، به هیچ وجه صحت ندارد.

اگر بانک جهانی اعلام کرده که اقساط ایران را دریافت نکرده، به دلیل بحث‌های حسابداری درون بانک بوده است.

وی در این باره توضیح داد: با توجه به تحریم‌های اخیر نقل و انتقال پول برای ایران با دشواری‌های بسیاری روبرو بوده است و پرداخت نشدن اقساط اخیر هم دقیقا به همین دلیل بوده است.

۷/۵ میلیون تن گندم امسال باید وارد شود

مدیرعامل شرکت بازرگانی دولتی ایران با بیان اینکه امسال ۷/۵ میلیون تن گندم باید وارد کشور شود، گفت: تاکنون ۱/۵ میلیون تن گندم وارد کشور شده است.

عباس قبادی در گفتگو با فارس در باره میزان خرید تضمینی گندم افزود: تا به امروز ٤ میلیون تن گندم از محل تولید داخلی خرید تضمینی شده است.

مدیرعامل شرکت بازرگانی دولتی ایران گفت: همان طور که رئیس جمهوری گفته‌اند، امسال باید ۷/۵ میلیون تن گندم وارد کشور شود که تاکنون ٤/٥ میلیون تن وارد شده است.

میزان سالانه قاچاق ۱۹ میلیارد دلار برآورد می شود

براساس آمارهای ارائه شده توسط ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، سالانه ۳ درصد از کل کالاهای قاچاق کشف می شود و حجم قاچاق برآوردی توسط این ستاد بالغ بر ۱۹ میلیارد دلار است.

وزارت اقتصاد در گزارشی ضمن اعلام این مطلب اعلام کرد: اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی یکی از چالش‌های بسیار مهم کشورهای مختلف جهان به ویژه کشورهای در حال توسعه در مواجهه با مشکلات اقتصادی بوده است.

بر اساس این گزارش، گسترش بخش غیررسمی اقتصاد ضمن افزایش نبود شفافیت موجب کاهش درآمدهای مالیاتی می شود. براساس مطالعات موجود، دولت از حدود ٢٤ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور به دلیل فعالیت های غیررسمی، نامنظم، ثبت نشده و قاچاق نمی‌تواند مالیاتی دریافت کند.

پاسخ‌های متین و مستدل وزرای پیشنهادی به ابهامات نمایندگان

بقیه از صفحه ۲

وزیر پیشنهادی اطلاعات افزود: انقلاب اسلامی در طول عمر پربرکت خود با دشمنی دشمنان فراوانی روبرو بوده است که در خصومت ازیکدیگر پیشی گرفته‌اند، آنها از سازوکارهای مختلفی علیه جمهوری اسلامی ایران استفاده کرده‌اند، ولی ناکام مانده‌اند دلیل این ناکامی در چشم‌های بینای نظام یعنی وزارت اطلاعات نهفته است و ما یقینا عرصه را بر نفوذ دستگاه‌های نفوذی دشمن تنگ‌تر خواهیم کرد.

علوی با تاکید بر این که وزارت اطلاعات در این دوره سازمانی نخواهد بود که از آن ترسیده شود، گفت: وزارت اطلاعات در این دوره بنیادی مردمی خواهد بود که مردم به آن دل می‌بندند، توانمندی‌های کنونی وزارت اطلاعات آن را به مقتدرترین دستگاه نظام مبدل کرده است، امیدوارم ادامه دهنده راه موفق وزرای اطلاعات از جمله حجج‌الاسلام ری‌شهری، فلاحیان، دری نجف‌آبادی، یونسی، محسنی‌اژه‌ای و مصلحی باشم و بنده از همه این عزیزان تشکر می‌کنم.

وی خطاب به مخالفانش، گفت: از رسایی و بیرانوند از صمیم دل تشکر می‌کنم و امیدوارم از نگاه واقع‌بین و انتقاد سازنده خویش بنده را همواره بهره‌مند سازند. شخصیت نمایندگان برای بنده عزیز است و رای مثبت و منفی شما برای من محترم است ،اما در صورت رای مثبت این برادر خود را یاری کنید.

علوی نحوه مواجهه مقام معظم رهبری با ردصلاحیت خود را تسکین‌دهنده تلخی این عمل بیان کرد و افزود: ملاطفت رهبری نسبت به بنده مرهمی شفابخش بر این زخم بود. بوسه‌های ایشان مرهمی بر زخم و تلخی این حادثه بود.

وی افزود: نوع واکنش بنده به این حادثه تلخ اهمیت داشت، بنده خود را پایبند به ساختار سیاسی نظام دانستم و ردصلاحیتم هیچ تاثیری در خدمت‌رسانی‌ام به نظام نخواهد گذاشت، در مصاحبه با خبرگزاری ایسنا گفتم در هر شرایطی سرباز نظام و رهبری هستم، در ارتباط با صلاحیتم حرف‌های زیادی برای بیان دارم ولی در فضای فعلی سخنی به میان نمی‌آورم.

وزیر پیشنهادی اطلاعات در پایان تاکید کرد: آرزوی سوء استفاده دشمنان نظام را بر دل آنان می‌گذارم.

بررسی صلاحیت وزیر پیشنهادی اقتصاد

قاضی‌پور و موسوی‌نژاد که با تقسیم وقت خود دو مخالف وزیر پیشنهادی اقتصاد بودند، به ارائه نظر خود پرداختند.همچنین رضا عبداللهی و حمیدرضا فولادگر نظر خود را به عنوان موافق مطرح کردند.

نادر قاضی‌پور گفت: بنده برای شماری از وزرا به عنوان موافق و مخالف ثبت نام کردم تا نقطه نظرهای خود را به اطلاع وزرا برسانم و باید بگویم که ما نمایندگان مردم در خانه ملت پیگیر جدی مطالبات بحق مردم براساس قانون اساسی و قوانین جاری در راستای سیاست‌های کلی ابلاغی هستیم.

قاضی‌پور اظهار داشت: باید پایان خدمت کار این افراد معلوم شود و مردم بدانند که کجا خدمت کرده‌اند، زیرا اما پایان خدمت می‌خواهیم.

وزارت اقتصاد، لوکوموتیو حماسه اقتصادی

نماینده مردم دشتستان در مجلس هم با اشاره به این که وزیر پیشنهادی امور اقتصادی و دارایی مورد تائید بیشتر اقتصاددانان مجلس است، گفت: وزارت اقتصاد لوکوموتیو حماسه اقتصادی پس از حماسه سیاسی است که باید به جایگاه آن توجه ویژه‌ای شود.

مهدی موسوی‌نژاد که در مخالفت با وزیر پیشنهادی امور اقتصادی و دارایی صحبت می‌کرد، گفت: آقای طیب‌نیا یک انسان شایسته، خلاق و اقتصاددان و ارزشمند است که مورد تائید بیشتر اقتصاددانان مجلس است و آقای مصباحی‌مقدم هم مطرح کرده است که دو دهه با وی آشنایی دارد.

طیب نیا طبیب تورم است

در ادامه، رضا عبداللهی نماینده ماهنشان وعضو کمیسیون برنامه و بودجه در موافقت با وزیرپیشنهادی اقتصاد گفت:در بیشتر محافل علمی، دکتر طیب نیا را به عنوان طبیب تورم می شناسند.

این عضو کمیسیون برنامه و بودجه افزود: کشور ما نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر امتیاز بالایی دارد: منابع طبیعی، موقعیت جغرافیایی ونفت و گاز که ظرفیت‌های بالایی است ، البته منهای سال ۹۲ و شش ماهه سال ۹۱ که با محاسبات من ٢٤٠ تا ۲۵۰ میلیارد دلار ارزش نفت و گاز ما بود، اما چرا وضع رشد اقتصادی ما این گونه است ؟چرا بیکاری و تورم به این شکل است؟ زیرا آقای قاضی‌پور و دوستان به نسخه‌های ما توجه نکردند.

حمیدرضا فولادگر نماینده مردم اصفهان هم درموافقت از گزینه پیشنهادی برای وزارت اقتصاد گفت: تا زمانی که افراد در مسیر امام (ره) و رهبری حرکت کنند باید از آنها حمایت کنیم.

او ادامه داد: من از سال های ٤٨ و ٤٩ از دوره دبستان، راهنمایی و دبیرستان با آقای طیب‌نیا همراه بودم. ایشان بنا بر توصیه شهید بهشتی وارد رشته اقتصاد شد و از بهترین دانشگاه کشور یعنی دانشگاه تهران در مقاطع لیسانس، کارشناسی ارشد و دکترا رتبه اول را داشت..

این نماینده مجلس افزود: دکتر طیب‌نیا از همان دوران تحصیل در امور اقتصادی به خصوص تورم صاحب‌نظر و رساله‌اش هم در همین مورد بود، برنامه ایشان هم با رئوس ثروت‌آفرینی، اشتغال‌زایی، مهار بیکاری، برطرف کردن تورم و شکاف اقتصادی شکل گرفته است.

نماینده مردم اصفهان با اشاره به طرح‌های ویژه سرمایه‌گذاری خارجی، ساماندهی نظام بانک و بیمه و گمرک ادامه داد: همه این موارد در برنامه دکتر طیب‌نیا گنجانده شده و در صفحه ۹ برنامه او هم مباحث خصوصی‌سازی را می بینیم.

طیب‌نیا: نوسانات نرخ ارز را کاهش می‌دهیم

وزیر پیشنهادی امور اقتصادی و دارایی دراین جلسه ابتدادر باره اجرای مرحله دوم هدفمندی یارانه‌ها، گفت: پس از اصلاح بازار پول و بازار ارز و برقراری تعادل و آرامش در بازارها و ارزیابی عملکرد مرحله نخست با تاکید بر پرداخت‌های نقدی، افزایش کارآیی بنگاه‌ها و استفاده از منابع حاصله برای توسعه نظام تامین اجتماعی و به ویژه بیمه بهداشت و بیمه بیکاری اقدام خواهد شد.

دکترعلی طیب‌نیا افزود: اقتصاد ما از کاستی‌های ساختاری رنج می‌برد، اقتصاد مبتنی بر درآمد نفتی توان اقتصاد و رونق تولید را با آسیب‌های جدی مواجه و فشارهای ناشی از تحریم این نارسایی‌های مزمن را تشدید کرده است.

وی ادامه داد: تاکید بر بهره‌وری، اصلاح الگوی مصرف، همت مضاعف و کار مضاعف، جهاد اقتصادی، رونق تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی و حماسه سیاسی و اقتصادی کلید واژه‌های هوشمندانه در کلام مقام معظم رهبری است که سامان‌بخشی به این کاستی‌های تاریخی را هدف قرار داده است.

وزیر پیشنهادی امور اقتصادی و دارایی همچنین اظهار داشت: در این جایگاه شریف و در برابر نمایندگان معظم ملت ایران اعلام می‌کنم که نیازمند دستیابی به یک توافق جمعی و یک اجماع ملی هستیم تا جلوه‌ای ناب و فراموش ناشدنی از عزم ملی را در سامان‌بخشی اصولی به اقتصاد کشور و رونق تولید آشکار سازیم.

طیب‌نیا خاطرنشان کرد: برای سامان‌بخشی به اقتصاد و روشن کردن چراغ تولید باید مجموعه وزارت امور اقتصادی و دارایی و تمامی سازمان‌های زیرمجموعه آن با نگاهی راهبردی درچارچوب این هدف هماهنگ و هم جهت شوند، برای رونق روزافزون تجارت و کسب و کار ایران نیازمند مواردی هستیم.

وی گفت: نظام گمرکی نوین، الکترونیکی و سریع، نظام بانکی خدمتگزار تولید، نظام بیمه‌ای کارآمد، متنوع و رقابتی، نظام مالیاتی جامع و شفاف، بازار سرمایه توسعه یافته با ابزارهای متنوع، نظام سیاستگذاری منسجم و قاعده مند، محیط کسب و کار قانونمند، شفاف و مشوق، سرمایه‌گذاری خارجی کافی، هدایت شده و رو به رشد، بخش خصوصی توانمند متشکل و مشارکت‌کننده و زیرساخت‌های فراهم برای جامعه و اقتصاد الکترونیکی از جمله این موارد هستند.

وزیر پیشنهادی امور اقتصادی و دارایی با بیان اینکه برای توسعه بخش خصوصی ارتقای رقابت‌پذیری فعالیت‌های اقتصادی، کاهش انحصار و بهبود محیط کسب و کار ضرورت دارد، خاطرنشان کرد: تاکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصل ٤٤ در واگذاری بنگاه‌های دولتی به بخش خصوصی واقعی، توسعه نهادهای حقوقی، مالی، قانونی و سیستم‌های نظارتی و تنظیمی مورد نیاز و تحکیم حقوق مالکیت فردی راهکارهای اولویت‌دار دولت است.

طیب‌نیا با اشاره به برنامه‌های خود در حوزه سیاست‌های مالی، گفت: حداقل کردن اثر نوسانی درآمد حاصل از فروش نفت بر مخارج دولت، کاهش تدریجی وابستگی طراز عملیاتی بودجه دولت، استفاده از منابع صندوق توسعه ملی برای تامین مالی ارزی طرح‌های سرمایه‌گذاری، تخصیص درآمد حاصل از صادرات نفت برای توسعه زیرساخت‌های مولد و پربازده و استقرار نظام بودجه‌ریزی عملیاتی از راهکارهای دولت خواهد بود.

وی افزود: در عرصه سیاست‌های پولی و بانکی، تقویت نقش تنظیمی و نظارتی و افزایش درجه استقلال بانک مرکزی در انتخاب ابزارهای پولی در دستور کار دولت قرار خواهد گرفت.

وزیر پیشنهادی امور اقتصادی و دارایی همچنین بیان کرد: سیاست پولی دولت تدبیر و امید معطوف به هدف کنترل تورم در میان مدت از طریق کنترل نقدینگی خواهد بود، کنترل پایه پولی هم از طریق حذف اثرگذاری منابع پایه پولی، اثرپذیری منابع پایه پولی از سیاست‌های مالی و عملیات بودجه‌ای دولت و کاهش تدریجی بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی از دیگر تصمیمات دولت خواهد بود.

طیب‌نیا در باره برنامه‌های دیگر اقتصادی دولت، اظهار داشت: هدایت پس‌انداز خانوارها به سمت تولید از طریق ایجاد انگیزه در بازار پول و سرمایه همگام با کنترل تورم از دیگر تعهدات دولت است، همچنین بهره گیری صحیح از ظرفیت عقود مالیه اسلامی، توسعه زمینه رقابت در نظام بانکی کشور، تقویت بازار سرمایه از طریق توسعه ابزارها و نهادهای لازم، بهره گیری از روش‌های متنوع، تامین مالی مسکن به ویژه تشکیل بازار اوراق رهنی، فعال کردن نهاد ساماندهی مطالبات معوق از دیگر برنامه‌های دولت یازدهم در عرصه سیاست‌های بانکی است.وی درباره برنامه خود در زمینه سیاست‌های ارزی و تجاری، گفت: دولت خود را متعهد می‌داند با اعمال کنترل بر رشد نقدینگی و رفع تدریجی نبود قطعیت‌های غیراقتصادی، نوسانات نرخ ارز را کاهش دهد، همچنین سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز همگام با کنترل تورم را در یک فرآیند تدریجی اجرا کند و به ایجاد ثبات در نرخ حقیقی ارز و جلوگیری از تقویت مصنوعی آن برای توسعه صادرات غیرنفتی پایبند باشد.

وزیر پیشنهادی امور اقتصادی و دارایی درباره سیاست دولت در زمینه هدفمندی یارانه‌ها، گفت: سیاست دولت در این باره ادامه مرحله نخست یارانه‌ها مطابق قانون و تامین کسری منابع سال جاری از محل اجرای احکام قانون بودجه است؛ همچنین درباره اجرای مرحله دوم باید گفت که بعد از اصلاح بازار پول و بازار ارز و برقراری تعادل و آرامش در بازارها و پس از ارزیابی عملکرد مرحله نخست با تاکید بر هدفمندی پرداخت‌های نقدی، افزایش کارآیی بنگاه‌ها و استفاده از منابع حاصله برای توسعه نظام تامین اجتماعی و به ویژه بیمه بهداشت و بیمه بیکاری اقدام خواهد شد.

طیب‌نیا خاطرنشان کرد: در زمینه تعادل و هماهنگی در تیم اقتصادی دولت لازم به ذکر است که شاید برای نخستین بار بعد از انتخاب جناب آقای دکتر روحانی به عنوان رئیس‌جمهوری، کارگروهی متشکل از اقتصاددانان برجسته و مجرب تشکیل و اولویت‌ها و خطوط راهنما و جهت‌گیری‌های کلی سیاست‌های اقتصادی دولت تنظیم شد که بر اساس این سند هماهنگی در رویکرد سیاست‌های اقتصادی،هماهنگی در تصمیم‌گیری راجع به سیاست‌های اقتصادی و هماهنگی در اجرای آن مدنظر است و قطعا انتخاب تمامی اعضای ستاد اقتصادی دولت و رئیس‌کل بانک مرکزی بر اساس این برنامه و به صورت کاملا هماهنگ صورت خواهد گرفت.

وی با بیان اینکه انشاءالله یکی از هماهنگ‌ترین کابینه‌ها تشکیل خواهد شد، تصریح کرد: اهتمام به اصلاحات ساختاری و نهادی و بازنگری و اصلاح سیاست‌های اقتصادی و مقابله موثر با تحریم‌ها، اجرای گریزناپذیر و به هم پیوسته هر برنامه موفق برون‌رفت از شرایط کنونی است و به یقین متناسب با ماهیت این عوامل چنین برنامه‌ای ترکیبی از لایه‌های کوتاه‌مدت، میان مدت و بلند مدت را در خود دارد.

وی یادآور شد: وزارت امور اقتصادی و دارایی نقشی مهم و موثر در تدوین و از آن مهمتر اجرای چنین برنامه‌ای دارد که در صورتی که با رای مثبت نمایندگان مجلس مورد اعتماد مردم برای پذیرش این مسئولیت قرار گیرم خود را متعهد به ارتقای ظرفیت‌های این وزارتخانه برای ایجاد چنین نقشی می‌دانم.

طیب‌نیا همچنین گفت: اینجانب در صورت مفتخر شدن به رای اعتماد نمایندگان خود را متعهد می‌دانم که در همه حال اجرای قانون را نصب‌العین خود و تحت تصدی قرار داده و به سهم خود در چارچوب نهادینه‌سازی قانون‌گرایی و قانون‌مداری تلاش کنم، سیاست‌های کلی نظام را به عنوان چارچوب کلان و راهبردی تصمیمات، برنامه‌ها و فعالیت‌های امور اقتصادی و دارایی در نظر داشته و مراقبت‌های لازم را در جهت نیل به اهداف سند چشم‌انداز و هدف‌های مورد نظر و تایید نظام جمهوری اسلامی در حوزه ماموریت خود به عمل آورم.

بررسی صلاحیت وزیر پیشنهادی امور خارجه

نادر قاضی‌پور نماینده ارومیه به عنوان مخالف با وزیر پیشنهادی امور خارجه اظهار داشت: اصول سیاست خارجی براساس حفظ استقلال، تمامیت ارضی، دفاع از تمامی حقوق مسلمانان، ایستادگی در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و استکبار پایه‌گذاری شده است که ما در مقابل تمامی مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان متعهد هستیم. سوال این است که آقای ظریف آیا شما به این اصول اعتقاد دارید؟

این نماینده مجلس همچنین اظهار داشت: آقای ظریف شما برای گرفتن غرامت از عراق برای هشت سال دفاع مقدس چه می‌کنید و چه طور می‌خواهید این کار را انجام دهید؟ برنامه شما برای افزایش اعتبار رابطه با کشورهای اسلامی مشخص نیست، در حالی که چشم امید ملت‌های مسلمان و کشورهای اسلامی به ایران است.

همچنین نصرالله پژمان‌فر نماینده مردم مشهد به عنوان مخالف وزیر پیشنهادی امور خارجه اظهار داشت: در برنامه پیشنهادی آقای ظریف تعامل و تفاهم با برخی از کشورهایی آمده است که آنها ارتباطشان را با ما قطع کردند و این سئوال مطرح می‌شود که آیا این ارتباط یک‌سویه می‌تواند به جایی برسد و به نظر می‌رسد ایشان فضایی انفعالی برای وزارت خارجه ترسیم کرده است..

خصومت صهیونیست‌ها و افراطیون راست آمریکایی

نماینده مردم زاهدان در مجلس با اشاره به سوابق و تخصص محمدجواد ظریف در حوزه سیاست خارجی، گفت: او بهترین گزینه برای تصدی وزارت امور خارجه است.

ناصر کاشانی در موافقت با وزیر پیشنهادی امور خارجه، اظهار داشت: اهمیت وزارت امور خارجه به عنوان متولی و متصدی دیپلماسی کشور برای حفظ تمامیت ارضی، امنیت ملی و منافع ملی کشور بر کسی پوشیده نیست. بسیاری بر این عقیده‌اند که دستگاه دیپلماسی آیینه تمام نمای حکومت در خارج از مرزهای آن است به همین دلیل دولت‌های جهان سعی دارند از میان نیروهای متخصص خود زبده‌ترین و کارآمدترین‌ها را برای اداره این دستگاه مهم به کار گیرند.

نماینده مردم زاهدان در مجلس در بخش دیگری از اظهارات خود تصریح کرد: ظریف در صورت کسب رای اعتماد نخستین وزیر خارجه بعد از انقلاب است که تخصص علمی متناسب با حوزه مسئولیتش دارد. تحصیلات وی تا مرحله دکترا در زمینه روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل بوده و تالیفات متعدد در کارنامه علمی و پژوهشی او موجود است.

وی در ادامه به نقل قولی از علی‌اکبر ولایتی پرداخت و گفت: به گفته آقای ولایتی دبیرکل اسبق سازمان ملل در یکی از دیدارهای خود با ایشان درخواست کرده بود که دکتر ظریف در سازمان ملل مامور به خدمت شود تا این سازمان از توانایی‌های وی بهره مند شود. همین امتیاز و توانایی‌ها که موجب افتخار نظام است خصومت و خباثت دشمنان نظام مخصوصا صهیونیست‌ها و افراطیون راست آمریکایی را برانگیخته به طوریکه در روزهای اخیر با ادعای بی‌پایه به تخریب شخصیت او پرداختند.

برنامه پیشنهادی ظریف کامل و جامع

یک عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس از نمایندگان خواست که رای بالایی به وزیر پیشنهادی امور خارجه دهند زیرا به گفته وی، سفیر جمهوری اسلامی باید از پشتوانه قوی داخلی برخوردار باشد.

علی‌اصغر دستغیب که در موافقت با وزیر پیشنهادی امور خارجه سخن می‌گفت، اظهار داشت: خوشحالم که برای نخستین بار تصدی وزارت خارجه در اختیار فردی است که تخصص را در کنار تجربه دارد و این یک مزیت فوق‌العاده برای دستگاه دیپلماسی خواهد بود.

وی افزود: ما فکر می‌کردیم آقای ظریف فقط یک دیپلمات متخصص است امااو مدیری توانمند در حوزه‌های مختلف است.

دستغیب یادآور شد: آقای روحانی به دلیل آشنایی با این حوزه از بین مجموع مدیران و دیپلمات‌هایی که در اطراف ایشان بود، آقای ظریف را انتخاب کرد تا بتواند ماموریت‌هایی که هم مستقیم مرتبط با سیاست خارجی است و بحث‌های داخلی را به خوبی انجام دهد.

وی تصریح کرد: برنامه پیشنهادی دکتر ظریف برنامه‌ای کامل و جامع است، این برنامه دارای راهبردها و راهکارهایی است و شاید هر کس دیگری جای آقای ظریف بود این را در اختیار ما قرار نمی‌داد، زیرا ابزار نظارت را هم برای ما باز کرده است و سردرگمی که در سفارتخانه‌ها یا ماموران وجود دارد با این برنامه از بین می‌رود.

ظریف: دولت باید فقط یک سیاست خارجی داشته باشد

وزیر پیشنهادی امور خارجه با تاکید بر اینکه همه باید قدرت ایران را باور کنیم، گفت: پیام مشارکت گسترده مردم در انتخابات به جهان، عزم مردم ایران برای تعامل با جهان بدون ذره‌ای کوتاه آمدن از حقوق حقه ایران است تا از این مسیر مصالح و منافع نظام تامین شود.

محمدجواد ظریف وزیر پیشنهادی امور خارجه در جلسه علنی نوبت عصر دیروز در دفاع از برنامه‌های پیشنهادی خود گفت: ایران اسلامی قدرتمند است، ما باید قدرت ایران را باور کنیم.

وی افزود: مشارکت گسترده مردم در انتخابات و پذیرش رویکرد رئیس جمهور این پیام روشن را به جهان دارد که عزم بزرگ مردم ایران برای تعامل با جهان بدون ذره‌ای کوتاه آمدن از حقوق حقه ایران براساس اصل عزت، حکمت و مصلحت است تا از این مسیر مصالح و منافع نظام در جهت آرمان و منافع ملی تامین شود که از دیدگاه نظری منافع آرمانی و ملی کشور را هم راستا می‌دانم.

وزیر پیشنهادی امور خارجه با بیان این که در چند سال اخیر توطئه‌گران، تحریم‌ها و فشارهای ناروایی را به مردم ایران تحمیل کردند، گفت: علی‌رغم تمامی این فشارهای بی‌منطق، مردم با هوشیاری و خودباوری و با تقویت انسجام ملی در انتخابات اخیر، استقلال و عزت ایران عزیز را تضمین کرده‌اند.

ظریف اضافه کرد: احترام به مردم سالاری دینی و تبعیت از آرای مردم و احترام و اراده آنها و رعایت ارزش‌های اسلامی و اصول اخلاقی می‌تواند الگویی از حکمرانی خوب و موفق به کشورهای اسلامی ارائه کند.

وی با اشاره به بیانات مقام معظم رهبری گفت: سخنان حکیمانه مقام معظم رهبری بر این پایه است که رای مردم حق‌الناس است، این موضوع بعد جدید و بی‌نظیری را بر مفاهیم مردم‌سالاری و حقوق بشر افزود و مسئولیت در برابر خالق قادر و بصیر علاوه بر پاسخگویی و شفافیت در برابر مردم را به ادبیات این حوزه مهم علوم انسانی اضافه کرد.

وی اضافه کرد:این مفهوم واقعی واصیل گفتمان انقلاب اسلامی و یادگار امام راحل است که در ساختار معنایی جهان در حال گذار امروزی، قدرت بی‌نظیر، خودساخته و غیرقابل انکاری را به جمهوری اسلامی در سطح منطقه و فراتر از آن داده است، پس ما باید این قدرت بی‌نظیر را باور کنیم، البته نه در شعار بلکه در عمل.

وزیر پیشنهادی امورخارجه تاکید کرد: طبیعتا با این خودباوری و اعتمادبه نفس در صحنه روابط بین‌المللی، حضور فعال، سازنده و تاثیرگذار خواهیم داشت؛ایران در منطقه‌ای واقع شده است که از گسترش افراطی‌گری، ناامنی و بی‌ثباتی رنج می‌برد، ولی خود لنگرگاه ثبات، امنیت و آرامش خودجوش و نه متکی به قدرت خارجی را دارد، طبیعتا با این سرمایه عظیم اجتماعی و مردم‌سالاری دینی می‌توان نقش بی‌بدیلی در فرآیند اعتدال و آرامش در منطقه ایجاد کرد.

ظریف گفت: مشارکت ایران در فرآیندهای سیاسی در منطقه‌ای ناامن و در عین حال استراتژی عاملی اساسی در جلوگیری از جنگ، خشونت و افراطی‌گری است، قدرت و موقعیت سیاسی و استراتژیک ایران می‌تواند و باید در خدمت پیشرفت همه‌جانبه، هدفمند و توسعه پایدار اقتصادی و بهبود وضعیت رفاه و معیشت مردم ایران قرار گیرد.

وی اضافه کرد: داشتن نیروی انسانی متخصص، کارآمد، وسعت سرزمینی، منابع سرشار انرژی ذخایر فراوان معدنی، راه‌های مواصلاتی، فناوری و علم و دانش، چشم‌انداز توسعه ایران و قدرت ما را بیش از پیش درخشان می‌کند.

این عضو کابینه پیشنهادی حسن روحانی گفت: دولت تدبیر و امید همکاری‌های توسعه‌ای و اقتصادی خود را با کشورها و نهادهای موثر در اقتصاد جهانی از موضع استقنا برای پیشرفت و بهبود معیشت مردم به کار خواهد گرفت.

ظریف خطاب به نمایندگان گفت: رویکرد اعتدال در سیاست خارجی دولت مبتنی بر واقع‌بینی، خودباوری و خودآگاهی است.برای ایجاد تفاهم و اعتماد متقابل به منظور ارتقای ظرفیت و توان ملی کشور و امنیت توسعه آن به کار گرفته می‌شود. وی گفت: در این تعامل سازنده آرمان‌ها، منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی تفکیک‌ناپذیرند و به عنوان اهداف اصلی و غیر قابل تفکیک به شمار می‌آیند.

سیاست خارجه باید از ادعاهای هزینه‌ساز به دور باشد

وزیر پیشنهادی امور خارجه در بخش دیگری از دفاعیات خود گفت: دولت فقط باید یک سیاست خارجی داشته باشد زیرا هیچ دولتی نمی‌تواند با بیش از یک سیاست خارجی کارش را در این دنیای پرآشوب به پیش ببرد و به همین دلیل است که قانون سیاست خارجی را در اختیار رهبری قرار داده که از دعواهای جناحی به دور باشد.

ظریف پیگیری مستمر برنامه‌ها و ایجاد اعتماد متقابل را از ابزار لازم سیاست خارجی بیان و خاطرنشان کرد: این اعتماد نمی‌تواند یکسویه باشد بلکه دوسویه است، جهان باید اعتماد مردم بزرگ ما را به خود کسب کند. هدف سیاست خارجی، دفاع عزتمند، خودباورانه و هوشمندانه از منافع و مصالح کشور است با زبانی متقاعدکننده و رفتاری متین و حکمت‌آمیز.

بقیه در صفحه ۱۳

نامه آیت‌الله دری نجف‌آبادی به رئیس مجلس

برادر گرامی آقای دکتر لاریجانی ریاست محترم مجلس شورای اسلامی «دام عزه»

سلام علیکم و رحمه‌الله...

با آرزوی توفیق برای مجلس محترم و هیأت محترم وزیران پیشنهادی و ریاست محترم جمهوری متأسفانه در صحبت‌های آقای رسائی بصورت غیرمستقیم نسبت به وزارت اطلاعات و دستگاه‌های امنیتی کشور و سپاه و بسیج و ناجا در سالهای ٧٦ و ٧٧ تحلیل‌های غلط و ناصوابی ارائه شد که اولاً خلاف واقع و بدور از حقیقت است. ثانیاً برخلاف مصالح کشور می‌باشد. و ثالثاً تعرّض به اشخاصی که خود حضور و امکان دفاع و توضیح ندارند، کار صحیح و اخلاقی نمی‌باشد و برخلاف رهنمودهای امام راحل قدّس سرّه می‌باشد. رابعاً تحلیل و مقایسه‌ها نیز دور از واقعیت بوده و نباید برای تخریب وزیر پیشنهادی، خدمات دیگران را زیر سؤال برد و آنان را تخریب کرد.

اینجانب در صورت نیاز و صلاح آمادگی لازم برای ارائه توضیحات کافی دارم.

خداوند به همه ما توفیق خدمت، اخلاص و حسن عاقبت عنایت فرماید.

انشاءالله موفق باشید

بمنه و کَرَمه

ارادتمند ـ دری نجف‌آبادی ۹۲/۵/۲۲

کمبود بودجه، چالش اصلی بخش سلامت

براساس ماده ۳۲ قانون برنامه پنجم توسعه کشور، منابع مالی نظام درمانی باید طوری باشد که تا پایان برنامه، سهم هزینه‌های مستقیم مردم به حداکثر معادل ۳۰ درصد هزینه‌های سلامت کاهش یابد و این در حالی است که سهم مردم از سهم پرداختی ها بیش از ۷۰ درصد است و از بودجه نا کافی بخش بهداشت ودرمان حکایت دارد .

کارشناسان معتقدند ،عدم تخصیص بودجه کافی، مشکلات زیادی را برای بهداشت و درمان کشور به وجود آورده است و این در شرایطی است که سال گذشته بخش قابل توجهی از اعتبارات بهداشت و درمان به حوزه های دیگر تعلق گرفت، تا جایی که حدود ۶۰۰۰ میلیارد تومان از در آمد هدفمند سازی یارانه ها به بودجه سلامت اختصاص یافت، اما حتی یک ریال آن هم پرداخت نشد.

آنان همچنین می گویند ۱۵ هزار میلیارد تومان از بودجه های عمومی و دولتی بوده و ۲۵ هزار میلیارد آن از جیب مردم پرداخت شده است.حال آن که این اعتبارات باید برای تحقق شاخص عدالت در سلامت، کاهش سهم هزینه‌های مستقیم مردم به حداکثر ۳۰ درصد از هزینه‌های سلامت، ایجاد دسترسی عادلانه مردم به خدمات بهداشتی و درمانی، کمک به تامین هزینه‌های تحمل‌ناپذیر درمان، پوشش دارو، درمان بیماران خاص و صعب‌العلاج، تقابل وابستگی گردش امور واحدهای بهداشتی درمانی به درآمدهای اختصاصی و کمک به تربیت، تامین و پایداری نیروی انسانی متخصص مورد نیاز، هزینه شود

بودجه انقباضی

دکتر عابد فتاحی – عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی در مصاحبه با خبر گزاری مهر اظهار داشته است: امسال ۲ نشست با کمیسیون برنامه و بودجه مجلس داشتیم و در آن‌ها، مطالبات و نیازهای واقعی حوزه بهداشت و درمان کشور را بازگو کردیم.

وی با اشاره به سهم ۱۰ درصدی حوزه سلامت از محل هدفمند سازی یارانه‌ها،می‌گوید : این سهم برای امسال ۶۰۰ میلیارد تومان برآورد شده بود که متاسفانه هنوز این مبلغ به وزارت بهداشت و درمان پرداخت نشده است.

دکتر فتاحی با اشاره به گلایه های کمیسیون برنامه و بودجه مجلس از ضعف مدیریت حوزه سلامت در نظارت بر بودجه‌ای که به آنها اختصاص داده می‌شود، می‌افزاید : دوستان برنامه و بودجه در نشست‌هایی که با آنها داشتیم، معتقد بودند بعد از تزریق بودجه به حوزه سلامت، آن‌طور که باید بر توزیع و هزینه کرد این بودجه نظارت نمی شود.

وی همچنین به نتیجه جلسه این کمیسیون با کمیسیون برنامه و بودجه مجلس اشاره می‌کند و می گوید : در این نشست ها گفته شد که بودجه سلامت در سال ۱۳۹۲ فوق العاده انقباضی خواهد بود و از همین رو به ما هشدار دادند که از حالا به فکر باشید و بودجه را بر اساس واقعیت ها ببندید.

وی با تاکید بر اینکه بودجه وزارت بهداشت و درمان در سال جاری به مراتب بدتر از بودجه سال گذشته است، یاد آوری

***اولین ایراد مهم و حیاتی در بودجه سال ۱۳۹۲ وزارت بهداشت و درمان کسری اعتبار حاصل از هدفمندکردن یارانه‌ها و اختصاص نیافتن سهم ۱۰ درصدی وزارت بهداشت و درمان از اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌هاست قانونی که بیشترین مشکلات را به نظام بهداشت و درمان کشور تحمیل کرده و زمینه‌ساز افزایش هزینه‌های درمانی برای مردم، افزایش هزینه‌های عمومی بیمارستان‌های دولتی و خصوصی و کسری اعتبار انباشته شده برای وزارت بهداشت و درمان شده است**

می کند : دوستان وزارت بهداشت و درمان با بودجه ای که به آنها اختصاص داده شده است، باید بتوانند علاوه بر پرداخت حقوق و مزایای کارکنان دانشگاههای علوم پزشکی، اعتباراتی نیز برای تامین هزینه‌های بیمارستان‌ها ودیگرموارد اختصاص دهند که خیلی سخت خواهد بود.

اوضاع بحرانی حوزه سلامت

این عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، اوضاع حوزه سلامت کشور را بحرانی می‌داند و با عنوان این مطلب که بار تمامی سختی های حوزه سلامت بر دوش بیماران است، می افزاید : در حال حاضر که مردم به مراکز درمانی دولتی مراجعه می کنند، هزینه زیادی بابت خرید لوازم وتجهیزات مورد نیاز می‌پردازند که با توجه به وضعیت بودجه سلامت پیش بینی می شود که عده‌ای از بیماران از رفتن به بیمارستانهای دولتی هم ناتوان شوند.

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نشان دهنده این است که بودجه امسال نه فقط حال نظام سلامت را خوب می کند، بلکه مرهمی هم بر زخم‌ها و مشکلات ریشه‌ای و تلنبار شده بخش سلامت طی سال‌های پیش رو محسوب نمی‌شود.

بر اساس این گزارش مجموع اعتبارات بخش سلامت در لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ مبلغ ۱۸۶/۴۴۰/۴۳۸ میلیون ریال است که سهم دانشگاه‌های علوم پزشکی از این مبلغ بیش از ۷۰درصد است و مصارف از محل درآمدهای اختصاصی بااعتبار ۶۶۰/۰۱۱/۲۹۳ میلیون ریال، حدود ۵۶درصد از کل اعتبارات دانشگاه‌ها را به خود اختصاص می‌دهد. اعتبار هزینه‌ای با اعتبار ۶۰/۰۳۵/۵۹۲ میلیون ریال، ۴۰درصد از مجموع اعتبارات و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای نیز با اعتبار ۵/۵۷۹/۸۸۸ میلیون ریال، تنها ٤ درصد را شامل می‌شود. سهم فصل سلامت از منابع بودجه عمومی ۷ درصد است که رقم آن در قانون سال ۱۳۹۱، ۹درصد بوده است.

در این گزارش همچنین آمده است؛ کل اعتبارات دانشگاه‌های علوم پزشکی در لایحه، نسبت به سال گذشته ۱۷درصد رشد را نشان می‌دهد، این در حالی است که این رقم در سال ۱۳۹۱ نسبت به قانون سال ۱۳۹۰، ۲۹درصد بود. اعتبار هزینه‌ای دانشگاه‌ها، ترکیبی از ۲ عنوان فرعی، فصل «حقوق و مزایا» و فصل «سایر» است. حقوق و مزایای کارکنان بیمارستان‌ها و دانشگاه‌ها در لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ فقط ۱۰درصد رشد کرده است، در حالی که این رقم در سال گذشته نسبت به سال ۱۳۹۰ حدود ۲۶درصد رشد را شامل می‌شد. این مرکز در گزارش خود آورده است: بودجه سال ۹۲ نظام سلامت انقباضی و دارای مشکلات ریشه‌ای است.

کسری اعتبار حاصل از هدفمندکردن یارانه‌ها

اولین ایراد مهم و حیاتی در بودجه سال ۹۲ وزارت بهداشت و درمان، کسری اعتبار حاصل از هدفمندکردن یارانه‌ها و اختصاص نیافتن سهم ۱۰ درصدی این وزارتخانه از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌هاست. قانونی که بیشترین مشکلات احتمالی را به نظام بهداشت و درمان کشور تحمیل کرد و زمینه‌ساز افزایش هزینه های درمانی برای مردم، افزایش هزینه های عمومی برای بیمارستان‌های دولتی و خصوصی و کسری اعتبار انباشته شده برای وزارت بهداشت و درمان شد.

مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی در گزارش خود اضافه می‌کند: بر اساس بند «ب» ماده (٣٤) قانون برنامه پنجم توسعه، قانونگذار، دولت را موظف ساخته است که علاوه بر اعتبارات بخش سلامت، ۱۰درصد خالص از کل وجوه حاصل از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها به اعتبارات بخش سلامت افزوده شود. هرچند در بخش تقسیم منابع حاصل از هدفمندی یارانه‌ها در ماده واحده اشاره‌ای به ۱۰درصد سهم حوزه سلامت نشده. اما دولت سعی کرده است ذیل جدول اجرای بند «ب» ماده (٣٤) اجرای این ماده قانونی را به تصویر بکشد، اما مجموعه اعتبار در نظر گرفته شده برای اجرای مفاد این ماده در لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ تقریبا ۱/٦ برابر اعتبار مورد نظر قانون برنامه است. لذا از این منظر با محتوای قانون فوق هم راستایی ندارد.»

نبود متولی پزشک خانواده

اجرای برنامه پزشک خانواده دیگر موضوعی است که از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس مورد تاکید قرار گرفته است. این مرکز در گزارش خود آورده است: شاید بتوان گفت تنها وجه مثبت این لایحه در حوزه سلامت، رشد حدود ۸۰۰ درصدی اعتبار برنامه پزشک خانواده نسبت به قانون سال ۱۳۹۱ است، اما به دو دلیل،انتظار می‌رود اجرای موفقیت آمیز و پایدار این برنامه در سال ۱۳۹۲ نیز با چالش روبه‌رو شود. اول اینکه در قانون برای اعتبار این برنامه متولی مشخص نشده است و چنانچه در اختیار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی قرار گیرد، بخشی از آن می‌تواند جهت تسویه‌بدهی‌های سازمان بیمه به وزارت بهداشت و درمان هزینه شود. دومین مساله نیز قرارگیری این اعتبار ذیل ردیف متفرقه است که اصولا موقت است و نه پایدار.

بودجه محدودتر، سختی های بیشتر

دکتر سید علی رضا مرندی عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای‌اسلامی به گزارشگر روزنامه اطلاعات می گوید : بودجه امسال بخش‌سلامت محدودتر از سال‌های گذشته است و از این رو سختی های زیادی را باید پشت سر بگذاریم .

وی با بیان این مطلب که در سال گذشته قرار بود ۱۰ درصد از اعتبارات هدفمند کردن یارانه ها به بخش بهداشت و درمان تعلق گیرد، می افزاید : به نظر می‌رسد که دولت دهم به آن دسته از اعتباراتی که مجلس تصویب کرده بود و متفاوت ازلایحه دولت بود، عمل نکرد. زیرا که هدفمند کردن یارانه جزو برنامه ۵ ساله بود که می‌بایست به صنعت و بهداشت اختصاص می‌یافت که عملا پرداخت نشد و تمامی این مسایل باعث شد که مردم هزینه های درمان را از جیبشان پرداخت کنند ومراقبت‌های بهداشتی هم کمتر شود .

رئیس فرهنگستان علوم پزشکی ایران یاد آوری می کند :در حال حاضر ابهامی در مورد اعتبارات مابه تفاوت دارو، به وجود آمده است که به نظرمی آید از بودجه بهداشت و درمان برداشته شده است و در نتیجه مراقبت‌های اولیه سلامت که جزو اولویت های اول کشور است، خدشه دار می شود. از این رو کودکان خانواده های مستضعف ازمراقبت‌های اولیه بهداشتی محروم می‌شوند.

***کارشناسان معتقدند عدم تخصیص بودجه کافی مشکلات زیادی را برای بهداشت و درمان کشور به وجود آورده و این در حالی است که سال گذشته بسیاری از اعتبارات بهداشت و درمان به حوزه‌های دیگر تعلق گرفت و حتی ۶۰۰۰ میلیارد تومان از درآمد هدفمندسازی یارانه‌ها به بخش سلامت اختصاص یافته، اما حتی یک ریال آن هم پرداخت نشده است**

***دکتر سید علی رضا مرندی -عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی: زمانی که بدون برنامه‌ریزی‌های درست و مدیریت صحیح کاری را انجام می‌دهیم، این کار قطعاً با شکست مواجه می‌شود**

وی همچنین می‌گوید : چندی قبل معاون بهداشتی یکی از دانشگاههای علوم پزشکی با من تماس گرفت و عنوان کرد که تمامی اعتبارات بهداشتی ما را در جاهای دیگر هزینه می‌کنند و این هم مشکل دولت و هم وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی است دولت (دهم) نظراتش را تحمیل کرد و وزارت بهداشت و درمان هم زیر بار این مساله رفت، در حالی که باید با چنگ و دندان اعتبارات را حفظ می‌کردند .

دکتر مرندی اضافه می‌کند: اگر قرار است اولویت بودجه سلامت مشخص شود، مهم‌ترین اولویت در بحث پیشگیری و بهداشت است، زیرا هرچه از بودجه پیشگیری کم کنیم، هزینه‌های درمانی افزایش می‌یابد.

وی یاد آوری می کند : مشکل ما در کشور این است که درک درستی از سلامت نداریم، زیرا اگر درک درستی داشته باشیم هم مجلس، هم دولت و هم وزیر می‌دانند که باید چه کاری انجام دهند. متاسفانه مسئولین ما شناخت درستی از بخش سلامت ندارند و اطلاعاتی هم که به دست می آورند، از پزشکان کسب می کنند و پزشکان هم با مفهوم واقعی سلامت بیگانه هستند. زیرا که در آموزش پزشکی ما سلامت تدریس نشده و فقط بیماری و درمان آن آموزش داده شده است .

این متخصص کودکان با بیان این مطلب که پزشکان ما درمانگرا و درمان محور هستند می گوید :اگر با انجام واکسیناسیون کاری بکنند که میلیون ها نفر بیمار نشوند، به نظر نمی آید. ولی اگر یک پیوند عضو انجام شود. همه رسانه ها خبر آن را پخش می کنند وعلاوه برشهرت، در آمد یک مرکز تحقیقاتی هم به این کار اختصاص داده می‌شود .

وی با بیان این مطلب که اگر از اول روی سلامت و بهداشت سرمایه‌گذاری می کردیم، بیماری‌های مختلف به وجود نمی آمد، می افزاید : اعتبارات در کشور ما محدود است و زمانی که سهم زیادی از اعتبارات را صرف خرید تجهیزات پزشکی و داروهای گران قیمت کردیم، دیگر چیزی برای بقیه مردم باقی نمی‌ماند و آنان به نوعی متضرر می‌شوند .

طرح شبکه بهداشت روستاها

دکتر مرندی با اشاره به این مطلب که طرح شبکه بهداشت درمانی که در سالهای قبل در روستا ها و مناطق محروم پیاده شد، مراقبت های سلامت را برای افراد مستضعف به همراه داشت، یاد آوری می کند : در آن زمان پوشش واکسیناسیون درکشورمان ۲۵ درصد بود، در حالی‌که مراقبت های بهداشتی این شبکه ها باعث شد که این آمار در ظرف چند سال به ۹۵ درصد برسد ویا مرگ و میر نوزادان که در آن زمان سالی ۱۱ هزار نفرشان به علت کزاز جانشان را از دست می دادند، واکسیناسیون نوزادان باعث شد که مرگ و میر شان به صفر برسد .

وی می گوید : در حال حاضر بیماری‌های غیر واگیر مردم را از پای در می‌آورد وآنان را مبتلا به انواع و اقسام سرطان‌ها می کند و هنر این نیست که تکنولوژی جدید را وارد کشور کنیم و یا دارو های گران قیمت سرطان خریداری کنیم. مساله مهم این است که نگذاریم مردم سرطان بگیرند و از این بیماری‌ها پیشگیری کنیم زیرا که ۴۰ درصد از انواع سرطان‌ها قابل پیشگیری است و ۳۵درصد دیگر را هم می توان در مراحل اول تشخیص داد تااز پیشرفت آن جلوگیری شود و در این صورت نیازی هم به داروهای گران قیمت نخواهد بود.

رئیس فرهنگستان علوم پزشکی ایران در پاسخ به این پرسش که آیا تمامی هزینه‌های درمانی برای مردم طاقت فرساست یا نه، می افزاید: زمانی که بدون برنامه ریزی های درست و مدیریت صحیح کاری را انجام می دهیم، چون بودجه دولت محدود است، قطعا کار با شکست مواجه می‌شود. این در حالی است که کارهای مهم باید اولویت بندی شوند و وزیر باید مکلف شود که تمامی این اولویت ها را به ترتیب انجام دهد.

وی با اشاره به این مساله که کمبود واکسن در کشور برای هیچکس مهم نیست، یاد آوری می کند : کمبود داروهای بیماران سرطانی باعث می‌شود داد و فغان همه مسئولان بلند شود و این مسائل به این دلیل است که ما اولویت بندی نکرده‌ایم.

این عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس می گوید : اگر ما درک درستی از برنامه های بخش سلامت داشته باشیم و آن را به دولت و مجلس تفهیم کنیم، قطعا برای تأمین نیازهای این بخش اعتبارات لازم در اختیار مسئولان ذی‌ربط قرار می‌گیرد.

بیتا مهدوی

جدول ۲۲۰۵۶

طراح: غلامحسین باغبان

افقی:

۱ـ نام قدیم جیرفت ـ چشم‌انداز

۲ـ دختر حضرت آدم(ع) ـ سریالی از داریوش فرهنگ

۳ـ یادداشت ـ بی‌پروایی ـ پوستین ـ نام سه تن از فرمانروایان اموی اندلس

٤ـ شکاف ـ نفس خسته ـ لایه محافظ دندان ـ دشمن درخت

۵ ـ منسوب به روم ـ لقب اردشیر پادشاه ساسانی ـ کلام درویش

٦ـ نوعی شیرینی ـ آزاد ـ شهر فردوسی

۷ـ بی خطر ـ تقویت‌کننده ـ مقابل جبر

۸ـ ضمیر مونث فرنگی ـ نرخ و قیمت ـ زهرها ـ حرف نداری

۹ـ دستگاه اعلام خطر سرقت ـ خواب شیرین ـ نهر

۱۰ـ غذای گیاه ـ لوله تنفسی ـ خویشاوندی و قرابت

۱۱ـ یازده ـ وسیله‌ای در اتومبیل، بالشتک لغزشی ـ محافظین ویژه

۱۲ـ سیمی با ولتاژ صفر ـ توبه‌کننده ـ بالای فرنگی ـ دفعه

۱۳ـ جنگ‌ابزار ـ چه وقت؟ ـ غرور ـ شهر ارگ

١٤ـ عامل بیماری‌زا ـ خیّر

۱۵ـ شاعر ایرانی صاحب موش و گربه ـ اندوه و آزردگی ناشی از جدایی و دوری از شخص یا جای دلخواه

عمودی:

۱ـ جانور نسوز! (از دوزیستان) ـ کنایه از هر چیز مورد دلخواه

۲ـ پاکیزه و مرتب ـ پدر و مادر

۳ـ بدنیا آوردن ـ بُعد چهارم ـ دفع مزاحم ـ جزیره‌ای در جنوب ایران

٤ـ زمان ـ مساوی ـ امر به گفتن ـ ام‌البشر

۵ ـ نامی دخترانه ـ زمینه‌سازی‌ها، مقدمه‌چینی‌ها ـ آفت نباتی

٦ـ از انواع ریواس ـ بانگ کلاغ ـ درخت انگور

۷ـ دستور ـ منسوب به ریه ـ شهر عبا

۸ـ گیاه توخالی ـ کشور آفریقایی همسایه الجزایر و نیجر ـ مایل ـ حرف انتخاب

۹ـ گوشواره ـ پروتئین گیاهی ـ جمع نکته

۱۰ـ مزه فلفل ـ از صفات پیامبر اسلام«ص» ـ بدحال و مریض

۱۱ـ پرگویی ـ ماده سختی در ساختمان بدن مهره‌داران ـ پس از شلیک به بیرون پرتاب می‌شود

۱۲ـ محل عبور ـ در میان اقوام بدوی مورد توجه، احترام و تقدیس است ـ حیوان وفادار ـ کلاه پادشاهی

۱۳ـ موادی که به وسیله آب و باد و یخچال‌های طبیعی جابجا می‌شوند ـ نت آخر ـ ساز ابری! ـ تکرار حرف دوازدهم

١٤ـ همانند ـ لقب امام علی(ع)

۱۵ـ بیماری چشمی ـ مداوا

حل جدول ۲۲۰۵۵

دین و فلسفه: تفکیک یا تعامل



دکتر همایون همتی ۵ و پایانی

ضرورت نقد فلسفه

پیداست که چنین گرایشی و چنین نقد علمی و تحلیلی از ناراستیها و کاستیهای یک نوع نظام فلسفی خاص، هرگز به معنای ضدیت با هر نوع فلسفه یا نفی و طرد فلسفه‌ورزی و اندیشه فلسفی نیست و نمی تواند بود. تنها نقدی است بر بخشی از مسائل یا روش پژوهش یک نوع فلسفه خاص که تعمیم آن کاملاً خطا و سخن نارواست. این گونه مخالفتهای نقادانه نسبت به فلسفه چه فلسفه سنتی رایج و چه فلسفه‌های جدید می تواند موجب رشد و شکوفایی اندیشه فلسفی و بالیدن این رشته در میان ما بشود و نه تنها ایرادی ندارد، که باید از آن استقبال کرد. آنچه خطر دارد، ترویج قشری گری و ظاهربینی و سطحی نگری تحت پوشش مخالفت با فلسفه است. نقد فلسفه نه تنها امری نیکو و پسندیده است، بلکه ضرورتی است تردیدناپذیر و کاری است که تعطیل آن خود مخالف و مغایر با روح فلسفه و نظرورزی فیلسوفانه است!

در مغرب زمین آنگاه که مناقشه ارتباط دین و فلسفه به اوج خود رسید، کسانی به ارائه راه حل و پیشنهاد پرداختند و حاصل نظریه‌پردازیها و تأملات در این خصوص، امروز در دانش فلسفه دین به طور عمده در سه دیدگاه خلاصه و مطرح می‌شود:

ـ دیدگاه **عقل گرایی حداکثری** (Strong Rationalism)،
ـ دیدگاه ایمان گرایی (Fideism)،
ـ دیدگاه عقلانیت انتقادی (Critical rationality).[9]

و هر یک از این سه دیدگاه طرفدارانی دارد و مخالفانی، چکیده سخن آن است که دیدگاه عقل گرایی حداکثری یکسره به دفاع از ربط فلسفی بودن پیام دین می‌پردازند و در مقابل آن، دیدگاه ایمان گرایی معتقد است که حیطه ایمان و عقل یا دین و فلسفه جدا و متمایز است. ایمان گرایی دو قرائت عمده دارد: یکی ایمان گرایی افراطی سورن کیرکگارد و دیگری ایمان گرایی معتدل ویتگنشتاین. این دیدگاه بر این باور است که همه باورها و آموزه‌های دینی را نمی توان اثبات عقلانی کرد و ایمان از مقوله تعبّد است و فراچنگ عقل نمی‌افتد و با این تور صید نمی‌شود.

دیدگاه سوم که مبتنی بر عقلانیت انتقادی است، طرفدار ارزیابی عقلانی نظامهای اعتقادی دینی است و دین را به منزله یک «نظام باور» (System of Belief) انگاشته و معتقد است می توان و می باید این نظامهای باور را براساس معیارهای عقلانی مورد ارزیابی قرار داد، هر چند که اثبات قاطع و نهایی آنها امکان‌پذیر نیست. این دیدگاه برخلاف طرفداران عقل گرایی حد اکثری، مدعی است که نظامهای اعتقادات دینی قابل بررسی عقلانی‌اند؛ اما نمی توان انتظار داشت که صحت این اعتقادات را چنان قاطعانه و محکم «اثبات» کند که همگان در مقابل آن مجاب شوند.

دیدگاه نگارنده

البته دیدگاه نگارنده مقاله حاضر با هر سه دیدگاه تفاوتهایی دارد و نیز اشتراکاتی. طبق اعتقاد نگارنده، دین یا بهتر بگوییم نظام اعتقادات دینی قابل اثبات قاطع و نهایی است و داوری و ارزیابی عقلانی دین و آموزه‌های آن کاملاً میسر و امکان‌پذیر است؛ اما در عین حال باور من این است که دین یکسره در محدوده عقل خلاصه نمی‌شود و ابعادی فراعقلانی، شهودی، قلبی و عرفانی نیز دارد که در آنجا «تعبد» کارساز و راهگشاست، نه «تعقل خشک» و استدلال گرایی محض.

دین ابعادی دارد که فراتر از قلمرو عقل است و دارای «رازها» و اسراری است که با عقل تنها نمی توان بدان پی برد. وسیله دیگری برای فهم و کشف و رسیدن به آن لازم است. پس هم عقل گرایی و هم ایمان گرایی و هم عقلانیت انتقادی تا حدودی و نه به طور کلی و عام درست و مقبولند؛ اما حد و مرز آنها را باید شناخت و هر یک را در جای مناسب به کار گرفت.

نقادی عقلانی و تحلیل عقلانی در مورد باورهای دینی کاملاً امکانپذیر است و اگر غیر از این باشد دین را از عقلانیت و محتوای معرفتی تهی ساخته‌ایم و تبدیل به یک معما و چیستان کرده‌ایم یا تا حد چند حکم فقهی و حقوقی قراردادی تنزل داده‌ایم. دین را باید در کلیت آن شناخت و در ارزیابی آن نیز با کلیت آن مواجه شد.

حقیقت آن است که دین ـ چنان که پاره‌ای دین‌پژوهان معاصر همچون نینیان اسمارت گفته‌اند ـ دارای ابعاد گوناگون فلسفی، آیینی، تاریخی، اجتماعی، تجربی، عرفانی، عاطفی، عقلانی و مناسکی است و نباید آن را در یک یا دو بُعد خاص خلاصه کرد. کلیت آن را باید در نظر گرفت. و اگر این تلقی از دین را بپذیریم، آنگاه برای هر بعد از ابعاد دین نیاز به دانش یا دانشهای خاص و تخصص‌های ویژه‌ای هست و فی المثل برای فهم بعد یا ابعاد فلسفی، عقلانی و اعتقادی دین می‌توان و باید از دانش فلسفه کمک گرفت و دیگر نمی توان شعار بی نیازی از فلسفه سر داد، یا از سر غفلت فتوا به مباینت و خصومت دین و فلسفه ـ به نحو کلی و عام ـ داد.

همین طور نباید فلسفه را با دین یکی انگاشت و مغرورانه معرفت دینی را عین معرفت فلسفی به شمار آورد، بلکه دین به ویژه آنچه در دانش ادیان به عنوان «ادیان بزرگ»، «ادیان پیشرفته» و گاه نیز «ادیان توحیدی» نامیده شده، دارای ابعاد مختلف و متنوعی است و برای بررسی و شناخت هر یک نیاز به دانش یا دانشهایی هست.

البته در انتخاب نوع نگرش فلسفی نیز می توان سنجیده و با تأمل عمل کرد و از فلسفه‌های مختلف یاری جست؛ زیرا چنان که به تکرار گفته‌ایم، فلسفه فقط یک نوع نیست که آن نوع هم منحصراً «فلسفه اولی» و مابعدالطبیعه سنتی یا «علم موجود بما هو موجود» باشد، بلکه انواع و اصنافی از فلسفه‌ها وجود دارد که می توان بهترین و تواناترین، کارآمدترین و دقیق‌ترین را برگزید.

و صد البته که تأمل فلسفی تنها در خدمت دین و ابزاری برای فهمیدن نیست، بلکه فی نفسه نیز نگرش و معرفتی است که می تواند بر آگاهی بشر و ژرفای این آگاهی بیفزاید؛ اما یکی از کارکردهای فلسفه نیز می تواند همین باشد که اشاره کردیم؛ زیرا بحث این مقاله درباره رابطه دین و فلسفه است و گرنه اصلاً معنای سخن ما این نیست که فلسفه فقط ابزاری برای فهم دین است و خودش هیچ هویت و منفعت و تأثیری ندارد. خیر، هرگز چنین نیست.

اینجا چون بحث بر سر رابطه یا عدم ارتباط دین و فلسفه است، بر این نکته تأکید کردیم، و گرنه از دانشی مثل فلسفه به خصوص به معنای جدید و معاصر آن و تنوّعاتی که دارد، هرگز نمی توان بی نیاز بود. ساده‌لوحی و خام خیالی است اگر کسی بپندارد می توان از اندیشه فلسفی مستغنی بود. بُن بریدن بر سر شاخ است که هم مضحک است و هم رقت‌انگیز! تنها می‌توان فلسفه خاصی را وانهاد و فلسفه دیگری را به جای آن برگرفت. نفی فلسفه هم خود فلسفه است و دفع فلسفه جز با فلسفه ممکن نیست و از فیلسوفی کردن و فلسفیدن، تفلسف/فلسفه‌ورزی گریزی نیست. هر چند این سخن دیگر اکنون به کلیشه می‌ماند، اما گویا هنوز هم تکرار و تأکید بر آن در جامعه ما ضرورت دارد.

جریانی که در جامعه ما به «تفکیک» معروف گشته است به نظر من نه تنها یک «مکتب» نیست، بلکه به یک پیشنهاد، توصیه، هشدار سطحی و واکنشی در مقابل اندیشه افراطی فلسفه‌زدگان در مقطعی خاص، مانندتر است و نشان از فقدان آگاهی کافی طراحان آن می‌کند که بازنمودن پیامدهای سوء این جریان و کاستیهای فراوان، مفروضات بررسی نشده و پیش‌فرضهای اثبات نشده آن و نوسانهای حیرت‌آور مدافعانش[10] می‌تواند محور و موضوع مقاله‌ای دیگر باشد که به توفیق حضرت کردگار شاید در فرصتی دیگر بدان بپردازیم. حالیا به همین مختصر اشارتی که رفت، بسنده می‌کنیم.

*ماهنامه **اطلاعات حکمت و معرفت**

پی‌نوشتها:

۹ـ بنگرید به عقل و اعتقاد دینی، درآمدی بر فلسفه دین، مایکل پترسون و دیگران، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۶.

۱۰ـ نوسانهای اختفاناپذیر و آشکاری که از نفی و طرد فلسفه و ضدیت صریح و مطلق با آن و تفکیک و مباینت آن با دین تا حد دعوت به آموزش آن و «اجتهاد در فلسفه» و نیز توصیه به حدگرایی و رعایت حد و مرز معرفتها فاصله یافته است، با عقب‌نشینی آشکار و غیرقابل پنهان کردن که از قول به تباین مطلق و عام و کلی به توافق و تساوی و عموم و خصوص یا تطابق جزئی تغییر یافته است!

منابع و مآخذ:

۱ـ عقل و اعتقاد دینی، مایکل پترسون و دیگران، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۶.

۲ـ فلسفه دین در قرن بیستم، چارلز تالیافرّو، ترجمه انشاءالله رحمتی، نشر سهروردی، ۱۳۸۲.

3-Philosophy of Religion, Louis P. Pojman, Newyork, 1998.

4-Philosophy of Religion, Keith E. Yandell, London, 1999.

مودونم و نموگوم!

دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی — بخش دوم

به هر حال، این استاد جمال‌زاده که از من سؤال کرده‌اید: «وارثش کیست تا ته ماندهٔ حق‌التألیفاتش را به او بدهیم»، باید عرض کنم که: هیچ کس؛ زیرا جمال‌زاده بلاعقب ماند و فرزند نداشت. او هشت برادرزاده دارد که در آمریکا هستند و خود جمال‌زاده هم با آنها آمدو رفتی نداشت.

یک خانم جمالی بود که پرستار بود در بیمارستان فیروزآبادی شهرری. یکی دو بار که من از سوئیس به ایران می‌آمدم، مرحوم جمال‌زاده مبلغ کمی، حدود پنجاه و گاهی هشتاد فرانک به من می‌داد که به ایران بیاورم و به این خانم بدهم و گویا تا حدودی به این کمک عمو متکی بود. و شاید نزدیکترین کس به جمال‌زاده در ایران، فعلاً همین خانم باشد. پسرخاله جمال‌زاده هم **امام موسی صدر** بود که خود جمال‌زاده به من گفت: «بارها آقا موسی در ژنو مهمانم بوده و در کو (queaw) بالای کوه از او پذیرایی کرده‌ام.» آقا موسی هم که تکلیفش معلوم و حدش به شارع است و باید از قذافی پرسید که دنیا دست کیست؟!

جمال‌زاده یک برادرزاده داشت به نام خانم منیره فایتلسون که در پاریس از آکتورهای برجستهٔ مؤسسه کمدی فرانسز بود و شوهرش فایتلسون در یک تصادف کشته شد. جمال‌زاده آپارتمان خود را در سوئیس به این برادرزاده بخشید و حق‌التألیف همه کتابهای خود را و در واقع سرمایه زندگی‌اش را که به توصیه مرحوم مهندس ناطق ـ پدر خانم هما ناطق ـ سهام کارخانه سیمان تهران خرید و حق‌التألیف پنجاه کتابش را و تمام کتابهای کتابخانه خود را بخشید به دانشگاه تهران که صرف مخارج تحصیل محصلان بی‌بضاعت شود، و مخلص نیز به همراه دکتر جواد شیخ‌الاسلامی و ایرج افشار رفتیم به سوئیس و کتابها و کاغذهای دیگر جمال‌زاده را از او گرفتیم و تحویل سفارت ایران در سوئیس دادیم که به تهران و به دانشگاه تهران فرستادند و اکنون در کتابخانه مرکزی ذیل عنوان «اهدایی جمال‌زاده» ضبط است.

البته من در همان سوئیس گفتم: «حق این بود که این کتابها را به یکی از دانشگاههای سوئیس بدهید.» اما جمال‌زاده گفت چون در حواشی همه کتابهایش یادداشتهایی دارد که ممکن است به درد کسی بخورد، بهتر است در ایران ضبط شود. تمام سهام کارخانه سیمان او هم تحویل هیأت امنا شد.

هیأت امنای نشر آثار جمال‌زاده

اما هیأت امنای نشر آثار جمال‌زاده و اموال او. آن طور که گفتم، نصّ اول: دکتر علی‌اکبر سیاسی بود و ایرج افشار و مخلص پاریزی به انتخاب یکی از این دو نفر. بعد از فوت مرحوم دکتر سیاسی، از طرف استاد جمال‌زاده، دکتر جواد شیخ‌الاسلامی (مؤلف کتاب معروف احمدشاه قاجار) به این سمت انتخاب شد و بود و بود تا در سنین کم درگذشت. دکتر شیخ‌الاسلامی هم زن و فرزند نداشت هرچند اصلاً زنجانی بود و بلاعقب و استاد دانشکده حقوق دانشگاه تهران بود و در یک آپارتمان در شهرک غرب منزل داشت.

بعد از فوت او، آقای مهندس شکرچی‌زاده ـ استاد دانشکده فنی دانشگاه تهران ـ به این سمت انتخاب شد که خصوصاً در مورد ساختمان «خوابگاه دانشجویان جمال‌زاده» در امیرآباد بسیار مؤثر بود و هنوز هم سمت خود را در این جمع ادامه می‌دهد.

بعد از فوت ایرج افشار که رکن اصلی هیأت امنا بود، استاد دکتر امیدیان یزدی (که معاون دانشگاه بود) به جانشینی او انتخاب شد و همه این جمع به کمک آقای دهخوارقانی (عضو بازنشسته دانشگاه) مسائل مالی بنیاد جمال‌زاده را اداره می‌کنیم. امیدیان قبلاً مدیر کوی دانشگاه بود و در تهیه مقدمات ایجاد ساختمان جمال‌زاده در کوی، همکاری بسیار تحسین‌آمیزی کرده بود.

دکتر علی‌اکبر سیاسی رئیس وقت دانشگاه تهران بود و ایرج افشار و مخلص پاریزی اعضای هیأت امنای آن قرارداد که از سود همان سهام سیمان، یک ساختمان با ظرفیت ۲۵۰ دانشجو در چهار طبقه در کوی دانشگاه تهران ساختیم که بچه‌های مملکت در آن تحصیل می‌کنند و لابد فاتحه هر روز به روح جمال‌زاده می‌فرستند و اگر نفرستند، هم مهم نیست که او کار خود را کرد.

کردیم نامزد به تو بود و نبود خویش
گشتیم هیچ کارهٔ ملک وجود خویش!

دکتر علی‌اکبر سیاسی

حالا که صحبت دکتر سیاسی پیش آمد، باید از مرد دومی صحبت بکنم که مؤسسه‌ای از من نام وارث او را خواسته. می‌دانم که او فرزندانی داشت و یکی از آنها پزشک بود و رئیس دانشکده علوم تغذیه و بهداشت؛ اما از دیگران خبری ندارم. این را می‌دانیم که دکتر علی‌اکبر سیاسی جزء نخستین گروههایی بود که به اروپا رفت و در فرانسه درس خواند و اصلاً یزدی بود، و خودش به من گفته بود که: «اجداد ما خود را از طایفه خواجگان کرمان می‌شمردند»، و داستان ملاقات جد اعلایش را با شاه تعریف می‌کرد که ظاهراً همان است که مربوط می‌شود به خواجه کریم‌الدین پاریزی که من آن را در «سنگ هفت قلم» به تفصیل آورده‌ام.

در کمیسیونهای اولیه‌ای که به اشاره مرحوم دکتر صدیق اعلم ـ رئیس تعلیمات عالیه اوایل پهلوی ـ برای تأسیس یک مؤسسه عالی (دانشگاه بعدی) تشکیل می‌شود، نامی از دکتر سیاسی هم دیده می‌شود. من مقاله‌ای مفصل در باب دکتر سیاسی دارم که در کتاب هشت الهفت، زیر عنوان «ادای دین» چاپ شده است



استادان دانشگاه تهران. نفر وسطی دکتر سیاسی است در کنار استاد فروزانفر

که حق استادی هم به گردن من دارد.

آشنایی من با نام دکتر سیاسی از ایامی است که در دانشسرای مقدماتی کرمان درس می‌خواندم و درسی داشتیم به نام روان‌شناسی پرورشی (۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ش/۱۹۴۴ و ۱۹۴۵م) و کتابی به همین نام که مورد استفاده ما قرار می‌گرفت، همین نام را داشت و دکتر علی‌اکبر سیاسی مؤلفش بود و مرحوم ابوالقاسم پورحسینی که بعدها به ریاست دفتر دانشکده ادبیات منصوب شد و همچنین محمود صرافی، معلمین این درس در کرمان بودند و سؤال مؤسسه امیرکبیر هم احتمالاً مربوط به تجدید چاپ مکرر همین کتاب بوده است.

من در اینجا نمی‌خواهم از احوال دکتر سیاسی چیزی بنویسم؛ زیرا مثنوی هفتاد من کاغذ خواهد شد. او در ایامی که وزیر فرهنگ کابینه قوام‌السلطنه بود، «لایحه استقلال دانشگاه» و «لایحه تعلیمات اجباری ابتدایی» را در مجلس گذراند.

«کوی امیرآباد» را دکتر سیاسی به یکی از بهترین یاران خود سپرد که دکتر احمد بهمنش نام داشت و استاد تاریخ یونان قدیم بود و چند کتاب هم در این مورد دارد که یکی «تاریخ قدیم یونان» و دیگری «فرهنگ اساطیر یونان» نام دارد در دو جلد. بهمنش امیرآباد را سالها در کمال امانت اداره کرد، خصوصاً روزهای اول که مسأله اشیای باقیمانده از آمریکاییها در امیرآباد مورد گفتگوی بسیار شده بود. مخلص پاریزی بیش از سه سال در کوی دانشگاه اقامت داشتم و بسیاری از شعرهای خود را در این کوی گفته‌ام و مقالات بسیار را در همین محیط آرام ترجمه کرده‌ام. امیرآباد همان‌جایی بود که شاه از آن «به لانه زنبور» تعبیر کرده بود. استاد احمد بهمنش نیز فرزند نداشت و بلاعقب بود.

دکتر سیاسی سالهای متمادی رئیس دانشگاه بود، و هم رئیس دانشکده ادبیات، چندی هم وزیر خارجه کابینه حکیمی بود و در ایام انقلاب چند جلسه اولیای امر که مهندس بازرگان باشد و مهندس حفرودی و مهندس سحابی و بسیاری دیگر از سران انقلابی در خانه وسیع او پشت درب ورزشگاه امجدیه (تختی) تشکیل شد (روایت آقای یعقوبی از خدمتگزاران دانشکده) و آخر امر به نخست‌وزیری بازرگان انجامید. «کانون ایران جوان» را هم یک قرن پیش تأسیس کرد که بعدها من عضوش شدم و سخنرانی ورودی من در آن مجمع، «تن آدمی شریف است» بود که بعدها کتاب شد. دکتر سیاسی اواخر عمر به اروپا رفت و نزد دخترش بود و سکته کرد و فلج شد و به ایران آوردندش و تحت درمان بود. اگر قرار هم باشد شرح خدمات فرهنگی او نوشته شود، باید کتابها نوشت. او متولد ۱۲۸۴شمسی بود و در سال ۱۳۶۴ش/۱۹۹۰م در لندن درگذشت.

خدمات علمی ـ فرهنگی سیاسی

دکتر سیاسی جزء اولین دانشجویانی است که برای ادامه تحصیل به فرانسه رفته است، در حالی که از طبقات متوسط و عادی مملکت بود. پدرش اهل یزد و معمار بود و مادرش مامایی می‌کرد و از این راه درآمد مختصری داشت، و وقتی فرزند او به اروپا رفت، مادر نخستین درآمدی که از چند فقره مامایی جمع کرده بود، برای او فرستاد و به فرزندش اطمینان داد که باز هم او را بی‌نصیب نخواهد گذاشت!

خود دکتر سیاسی نوشته است: «... جد بزرگم مرحوم خواجه کریم‌الدین بود که شهرت دارد هر وقت از یزد به اصفهان می‌رفت، پیوسته در املاک خود حرکت می‌کرد... با این همه مردی آزاده و وارسته و سخاوتمند بود و از گشاده‌دستی‌اش داستانها نقل می‌کردند..» (حضورستان، ص۹ به نقل از کتاب خاطرات دکتر سیاسی: گزارش یک زندگی)

دکتر سیاسی داستان این خواجه کریم‌الدین پاریزی و ملاقاتش با شاه را به ناصرالدین شاه نسبت می‌دهد، در صورتی که داستان ملاقات او با شاه‌عباس است و من آن را در کتاب «سنگ هفت قلم» به تفصیل آورده‌ام و وقفنامه‌اش را یعنی یکی از وقفنامه‌های متعدد او را عیناً در همان کتاب افست کرده‌ام. اولاد او در پاریز به اسم کریم‌الدین و خواجه کریم‌الدین معروفند. یک خانواده معروف نیز در یزد نام خانوادگی پاریزی دارند که احتمالاً از اولاد همو باید باشند.

مجله دانشکده ادبیات

ارتباط من با دکتر سیاسی از اینجا شروع می‌شود که در سال ۱۳۳۷ش/۱۹۵۸م من و دکتر ابوالقاسم پورحسینی برای تحصیل در دوره دکتری به تهران آمدیم. او به گروه فلسفه رفت و من در گروه تاریخ بودم و در بخش باستان‌شناسی موزه ایران باستان کار می‌کردم و به اشاره مرحوم مصطفوی و تیمسار آق‌اولی مجله باستان‌شناسی را چاپ می‌کردم که پنج شش شماره هم در آمد و مقاله «قلعه دختر» را اولین بار در این مجله نوشتم.

یک روز، یک شماره از این مجله را نشان مرحوم پرآور کرمانی دادم که معاون کتابخانه دانشکده ادبیات بود، و او گفت: خوب شد تو را دیدم. این آقای محمد خوانساری دوست ما که مدیر مجله دانشکده ادبیات است، می‌خواهد برای فرصت مطالعاتی به اروپا برود و دکتر سیاسی به او گفته: «چون نمی‌خواهم مجله دانشکده ادبیات تعطیل شود، اول یک نفر را به جای خود معرفی کن و بعد برو.»

کار مطبوعات هم مشکل است و معمولاً کسی زیر بارش نمی‌رود. استادان کوتاه می‌آمدند و دکتر سیاسی سخت می‌گرفت. پرآور پیشنهاد کرد که می‌تواند مرا به این کار پیشنهاد بدهد و داد و تصویب شد و دکتر خوانساری به اروپا رفت و من بیش از ده سال مدیر مجله دانشکده ادبیات بودم که فصلنامه بود و سالی چهار شماره منتشر می‌شد.

این دکتر خوانساری هم مرد فاضلی بود و هم انسانی کامل و تا آخر عمر مجرد زیست و زن و بچه نداشت. او هم بلاعقب ماند؛ اما کتابش در تدریس زبان عربی، یکی از امهات کتب درسی به شمار می‌رفت و هر سال تجدید چاپ می‌شد.

باری، من تقریباً هر روز دکتر سیاسی را می‌دیدم؛ به دلیل اینکه نمونه مقالات و حروفچینی را او اصرار داشت که خود ببیند و همیشه دستورات کارگشا می‌داد و اصولاً چاپ مقالات استادان در مجله دانشکده، برای ارتقای آنان نیز امتیاز خاص داشت.

به هر حال مقصودم این است که چون از زندگانی دختر مرحوم دکتر سیاسی در لندن خبری ندارم، بنا بر این آن رشته از میراث‌خواران او را نمی‌توانم نام ببرم، و اولین عذر من در اینجا خواسته می‌شود.

دکتر ذبیح‌الله صفا

سردبیر مجله دانشکده ادبیات مرحوم دکتر ذبیح‌الله صفا استادی از اهل شهمیرزاد و صاحب تاریخ ادبیات در ایران که کتاب تاریخ ادبیات ادوارد برون را پشت سر گذاشت.

دکتر صفا رئیس انتشارات دانشگاه هم بود و کارهای زیاد داشت و تنظیم و تدوین و چاپ و غلط‌گیری مجله کلاً زیرنظر من انجام می‌گرفت و او تنها یک نظارت کلی بر مقالات داشت. ذبیح‌الله صفا نه از زن اول خود، و نه زن دوم که آلمانی بود گویا فرزندی نداشت و بعد از بازنشستگی بقیه عمر خود را در آلمان گذراند و در همان جا درگذشت. او نیز بلاعقب بود.

چند کلمه بیشتر در باب دکتر خوانساری می‌نویسم: این دکتر خوانساری، درس سه چهار استاد را در غیبت آنها می‌داد، و همیشه در جلسه درسش که مسائل تربیتی بود و شامل همه فارغ‌التحصیلان می‌شد، بیش از دویست سیصد دانشجو حضور داشتند.



درسهای تربیتی را مدتی دکتر صدیق‌اعلم می‌داد که کتاب «تاریخ آموزش و پرورش» را نوشته، و دکتر بیژن و دکتر جلالی، و بالاخره دکتر علی‌اکبر سیاسی روان‌شناسی تربیتی و دکتر محمدباقر هوشیار شیرازی اصول آموزش و پرورش را درس می‌دادند.

دکتر محمدباقر هوشیار

این دکتر هوشیار نحوه تدریس خاصی داشت، و آخر سال امتحان عملی هم داشت؛ یعنی چند تا از دانشجویان را با موافقت قبلی یک دبیرستان، می‌برد به یک مدرسه، و در یکی از کلاسها، یکی از این دانشجویان او شروع به تدریس می‌کرد و دکتر هوشیار خودش و دو سه تا دانشجوی دیگر آخر کلاس می‌نشستند. پس از پایان درس، محصلان

◆◆◆

دکتر سیاسی جزء اولین دانشجویانی بود که برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت، در حالی که از طبقات متوسط بود. پدرش معمار بود و مادرش ماما که نخستین درآمدش را برای او فرستاد و اطمینان داد که باز هم بی‌نصیبش نخواهد گذاشت!

◆◆◆

دبیرستان شروع به سؤال می‌کردند و دانشجو جواب می‌داد، و بعد دکتر هوشیار، نمره او را می‌داد.

از جمله مخلص پاریزی به همین روش، راجع به افغانستان صحبت می‌کردم و مختصر تاریخ جغرافی آن مملکت را گفتم و بعد از زبان مشترک و فرهنگ مشترک صحبت کردم و قبلاً یک شماره از مجله آریانا (چاپ کابل) را که همراه برداشته بودم، به بچه‌ها نشان دادم، و این کار تأثیر عجیبی هم در بچه‌ها کرد و هم در دکتر هوشیار. شعری هم که در جلسه پیش بود، همان «یاد آن شب» معروف بود.

یاد آن شب که صبا بر سر ما گل می‌ریخت
بر سر ما ز در و بام و هوا گل می‌ریخت

دکتر هوشیار روش خاصی در حضور و غیاب داشت و چون همه محصلان رشته‌های علوم و ادبیات دانشسرای عالی از فیزیک و شیمی و طبیعی و تاریخ و جغرافی و باستان‌شناسی و ادبیات فارسی و زبانهای انگلیسی و فرانسه و غیر آن می‌بایست این کلاسها را ببینند، تعداد شاگردان گاهی از دویست و حتی سیصد می‌گذشت، و دکتر هوشیار با صدای بلندی که داشت، دو ساعت مداوم تدریس می‌کرد، بعد آخر سر می‌آمد و جلو در می‌ایستاد و کلاه تمام لبه خود را به دست می‌گرفت و هر دانشجو موظف بود اسم خود را روی کاغذ کوچکی نوشته، در این کلاه بیندازد. شب که به خانه می‌رفت، آن اسامی را در دفتر خود وارد می‌کرد، و وای بر کسی که دو بار کاغذ انداخته یا اسم دیگری را نوشته باشد. یک سال امتحان او را عقب می‌انداخت و می‌گفت: برو سال دیگر بیا.

دکتر هوشیار برای تشویق من گفت: «آقای محترم، شما از بهترین وسائل سمعی و بصری برای درس محصلین استفاده کردید.» (آقای محترم تکیه کلام دکتر هوشیار بود برای هرکس که مخاطب او بود)، و سپس اضافه کرد: «نمره قبولی شما را فردا به آقای دکتر سیاسی خواهم داد.» و این بزرگترین امتیاز او بود برای محصلانی که از امتحانشان راضی بود.

دکتر هوشیار تحصیلکرده آلمان بود، و من یک مقاله او را در مجله «علم و هنر» چاپ آلمان در پاریز خوانده بودم که در باب نیروی اتمی جزء لایتجزی نوشته بود که مقصودش نیروی اتم بود. دکتر هوشیار همسر آلمانی داشت و در یک آپارتمان کوچک برابر کافه شهرداری سابق (تئاتر شهر) منزل داشت، و او هم چه کنم که باید بگویم: زبانم لال او هم بلاعقب بود! او اصلاً اهل بوانات فارس بود.

ادامه دارد

معرفی کتاب

الگوی جنگ روانی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران

تألیف: دکتر اصغر افتخاری
ناشر: دانشگاه امام صادق(ع) و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
چاپ اول: ۱۳۹۱
۳۵۶ ص ـ ۱۰۰۰۰ تومان

جنگ روانی یکی از سیاستهای مؤثر در فضای حل و فصل مخاصمات است که اگرچه از دیرباز مورد توجه بازیگران بوده، اما امروزه به دلیل تحول ماهیت قدرت و ساختار جوامع انسانی از اهمیتی دو چندان برخوردار گردیده است. تحول قدرت از «سخت» به «نرم» و پیچیده شدن جوامع بشری به دلیل فعال شدن شبکه روابط فرهنگی و اجتماعی، دو مؤلفه اساسی را شکل می‌دهد که پژوهشگر در اثر حاضر بدانها برای تبیین ضرورت تحلیل الگوی فرهنگی جنگ روانی اشاره داشته است. از این منظر فرهنگ نه یک بعد ساده از قدرت، بلکه نظریه‌ای جامع ارزیابی می‌شود که به سان یک گفتمان در تمامی گونه‌ها و ابعاد قدرت مسلط است. بنابراین پرسش از «ماهیت و ساختار الگوی فرهنگی جنگ روانی غرب بر ضد جمهوری اسلامی ایران «سؤالی با دو ملاحظه نظری و عملیاتی» به شمار می‌آید که مؤلف در اثر حاضر به آن پاسخ داده است.

در بخشی از سخن ناشر بر این کتاب آمده‌است: «اثر حاوی نظریه‌ای علمی در خصوص چیستی جنگ روانی در عصر حاضر می‌باشد که به دلیل ابتنا بر دانش ایرانی و اسلامی از سایر نظریه‌های مشابه متمایز بوده و می‌تواند مورد توجه کارشناسان و اصحاب علم و دانش قرار گیرد. اثر به دلیل ارائه الگویی عملیاتی از نحوه عملکرد غرب در عرصه جنگ روانی، دارای ارزش راهبردی بوده و می‌تواند مورد استفاده دست‌اندرکاران اجرایی و کارشناسان این حوزه نیز قرار گیرد. به گونه‌ای تنظیم و مطالب به گونه‌ای تحلیل شده‌اند که بعد آموزشی موضوع را در کنار ابعاد پژوهشی و کاربردی لحاظ می‌نماید. از این حیث می‌تواند به عنوان متن آموزشی در مقاطع تحصیلی تکمیلی مورد استفاده دانشجویان و دانش‌پژوهان قرار گیرد.»

کتاب در شش فصل زیر تهیه و تدوین شده است: کلیات و مبانی، تبارشناسی و تحلیل زبان‌شناسانه جنگ روانی، تبیین نظریه فرهنگی جنگ روانی، شناخت و تجزیه و تحلیل الگوهای جنگ روانی، جمهوری اسلامی ایران و جنگ روانی غرب، نتیجه‌گیری و توصیه‌های اجرایی.

روزهای خاکستری

نویسنده: ف. پوراسفندیار
ناشر: کتاب فرزانه
چاپ اول: ۱۳۹۰
۲۴۸ص ـ ۷۵۰۰ تومان

«روزهای خاکستری» داستان پسری به نام فرهاد است که دلبسته دختری به نام سیما می‌شود؛ اما به دلایلی ازدواج آن دو امکان پذیر نیست. تا اینکه فرهاد برای ادامه تحصیل به آلمان می‌رود و پس از بازگشت متوجه موضوعی می‌شود که سرنوشت او و سیما را عوض می‌کند. در بخشی از این رمان می‌خوانیم: «وقتی وارد اتاق شد، ساک کوچکش را به گوشه‌ای پرت کرد، لبه تخت نشست و سرش را میان دستهایش گرفت. بغض شدیدی احساس می‌کرد، در حال خفه شدن بود، ناگهان بغضش ترکید و آرام آرام شروع به گریستن کرد. نمی‌دانست چرا آن حال را دارد...

نمی‌دانست چه مدت در خواب بود که صدای تقه در اتاقش را شنید. با رخوت از جا بلند شد و جواب داد. مادرش وارد شد و گفت: «چقدر می‌خوابی دختر؟ انگار یادت رفته امروز روز اول کلاس کامپیوترته یاالله بلند شو که سمیه پایین منتظرته.» و از اتاق خارج شد.

هستی و چیستی تعریف

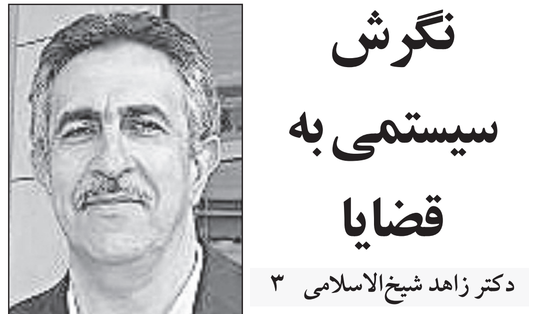
نویسنده: دکتر بهجت واحدی
ناشر: کلک سیمین
چاپ اول: ۱۳۹۲
۳۵۲ ص ـ ۱۸۰۰۰ تومان

«تعریف» از جمله مباحثی است که از دیر باز مورد توجه پژوهشگران و دانشمندان بوده و در تمامی دورانها به صورت بحثی زنده مطرح بوده است. این امر نشأت گرفته از نقش مهمی است که تعریف در تحقیقات و پژوهشهای مختلف ایفا می‌کند. بیان چیستی تعریف، اصناف آن، تدوین قوانین حاکم بر آنها، سنجش ارزش معرفتی هر یک، شیوه‌های اتخاذ تعاریف تعیین معیار دقیق برای صحت و سقم تعاریف و احکامی از این قبیل، برعهده علم منطق است.

مؤلف در اثر حاضر سعی کرد و مروری بر تطورات و تحولات «تعریف»، اعم از متکامل و متاقصی، از زمان سقراط تا قرن حاضر داشته باشد. وی دو امر را تذکر داده است: «اول، شروع از زمان سقراط به این لحاظ است که تمامی نظریات به سرچشمه سقراطی منتهی می‌شوند، نه براساس این باور که سقراط اولین نظریه‌پرداز تعریف بوده و پیش از او هیچ نظریه‌ای بیان نشده است، بلکه آثار به جای مانده از برخی متفکران پیش از سقراط مانند دمکرتیوس و پارمنیدس، نشانگر وجود مباحث مربوط به تعریف در یونان باستان است... دوم، برخی نظریات بدون داوری درباره آنها ذکر شده است، بدین سبب که اولاً آن نظریه‌ها هماهنگ و برخاسته از اصول مورد اعتماد نظریه‌پردازان بوده و نقد و داوری درباره آن بدون توافق در اصول، امری ناممکن است...»

این کتاب در ۱۵ فصل سامان یافته است: سقراط طلایه‌دار تعریف، پرسشها و اقسام آن، اصول موضوعه درباب نظریه حد، مقولات، علل و معلولات، کلی، جزئی و اقسام هر یک، تحدید و تعریف، اکتساب حد، مشارکت، مناسبت و مباینت حد و برهان، اقسام معرف، مناسبت حد و محدود، اقسام خطا و چگونگی امتحان آن، غیرمعرفها یا تعریف ناپذیرها، نقد نظریه ارسطو درباب حد از دیدگاه...

نگرش سیستمی به قضایا



دکتر زاهد شیخ‌الاسلامی ۳

مثال بالا یک نمودار خطی بود که در آن فقط رابطه از متغیر اول به متغیر دوم بیان شده بود. «نمودارهای حلقه‌ای» نمودارهایی هستند که دایره‌وار متغیر دوم را به متغیر اول وصل می‌کنند.

بسته به نحوه تغییر این دو متغیر با هم می‌توانیم دو نوع حلقه داشته باشیم: حلقه اول حلقه افزاینده است که در آن هر متغیر سبب افزایش متغیر دیگر می‌شود و این جریان تا ابد ادامه خواهد یافت. (در عالم واقع هیچ رشدی البته تا ابد ادامه نمی‌یابد و هر سیستمی محدودیتهای خود را دارد) بهره بانکی مثال خوبی در مورد این حلقه است.

در اینجا نرخ بهره، مقدار بهره‌ای را که به یک سرمایه تعلق می‌گیرد تعیین می‌کند. اگر بهره به دست آمده بر سرمایه اولیه انباشت شود (یعنی برداشتی صورت نگیرد)، سبب افزایش بهره بعدی خواهد بود و این جریان دائماً در جهت افزایش سرمایه عمل خواهد کرد. در اینجا دقت کنید اگر به دلیل پایین آمدن نرخ بهره مقدار بهره پایین بیاید، مقدار سرمایه کم نمی‌شود، ولی تغییر سرمایه از تغییری که قبل از پایین آمدن بهره داشت، کمتر خواهد بود و بنابراین استفاده از علامت + برای بیان هم جهت بودن متغیرها قابل توجیه است.

مثال دیگر در این مورد ارتباط فروش کالا با رضایت مشتری است. اگر محصول ما محصول خوبی است، بالا رفتن فروش سبب افزایش تعداد مشتریان راضی می‌شود و افزایش مشتریان راضی سبب ازدیاد شهرت شرکت ما در بازار می‌گردد. این شهرت خوب به‌نوبه خود باعث می‌شود که عده بیشتری به محصولات ما روی آورند و این حلقه موفقیت‌آمیز کماکان ادامه خواهد یافت (البته در عمل این سیستم‌ها همواره با یک حد بالایی از عامل محدودکنندهٔ رشد روبرو خواهند شد مثل اشباع بازار و یا ورود رقبا با محصول بهتر و یا قیمت پایین‌تر)

علامت R در وسط حلقه نمایانگر این است که این حلقه یک حلقه افزاینده است.

نوع دوم از نمودارهای حلقه‌ای، حلقه تعادلی است. این نوع حلقه‌ها معمولاً هدف خاصی را دنبال می‌کنند. در هر مرحله با توجه به تفاوت بین مقدار دلخواه و مقدار واقعی یک متغیر، این حلقه درصدد کاهش این تفاوت برمی‌آید. فرض کنید که شما می‌خواهید همیشه یک مقدار حداقل پول درحساب بانکی خود داشته باشید. این هدف در واقع به صورت راهنمای سیستم مالی شما در یک حلقه تعادلی عمل خواهد کرد.

اگر شما کمبود پولی داشته باشید، یعنی حساب بانکی‌تان از حداقل مورد قبول پایین‌تر باشد، مقداری قرض می‌کنید یا به درآمد خود می‌افزایید. این افزایش، حساب بانکی شما را بالا می‌برد و تفاوت آن را با مقدار دلخواه کم می‌کند. برعکس اگر در حسابتان پول بیشتری از حداقل دلخواه داشته باشید، شاید بخواهید که مقداری از قرضهایتان را ادا کنید. این عمل سبب کاهش حساب بانکی شما و در نتیجه باعث «افزایش» کمبود پول می‌شود.

حرف B در وسط این حلقه نماینده تعادلی بودن آن است.

اکثر سیستم‌های پیچیده شامل دهها و شاید صدها حلقه افزاینده و حلقه تعادلی می‌باشند. دینامیزم این سیستم‌ها و رفتار آنها در طول زمان از طریق ارتباط متقابل این حلقه‌ها صورت می‌گیرد.

با این مقدمه می‌توان، بررسی چند نمونه از این الگوهای ژنریک پرداخت.

الگو: راه حلهایی که در نهایت شکست می‌خورند

مسائلی که با آنها روبرو هستیم، معمولاً از طریق نمودهای ظاهری خود را به ما نشان می‌دهند. این نمودها توجه ما را به ارائه راه حل سریعی معطوف می‌کنند که بتواند آثار ظاهری مسئله را از بین ببرد. نتیجه ناخواسته این راه حل این‌است که مسئله را بدتر می‌کند. در طول زمان نمودهای ظاهری مسئله با شدت بیشتری دوباره آشکار می‌شوند. نمودار زیر این الگو را نمایش می‌دهد:

با افزایش نمود ظاهری مسئله راه حل سریع را به کار می‌بریم که سبب کاهش نمود ظاهری مسئله در یک حلقه متعادلی می‌شود. ارائه راه حل سریع با یک تغییر زمانی سبب بروز نتایج ناخواسته می‌شود. در نهایت سبب بالا رفتن مجدد نمود ظاهری مسئله می‌گردد (حلقه افزاینده).

در بسیاری از شرکتهای تجاری زمانی که سوددهی پایین می‌رود، مدیران اقدام به اخراج و یا تعلیق کارمندان می‌کنند و در نتیجه با کاهش هزینه، سوددهی را به سرعت بالا می‌برند. این عمل با یک تأخیر زمانی سبب کاهش کارایی شرکت (نتیجه ناخواسته) می‌شود و مجدداً سوددهی را از طریق کاهش درآمدها پایین می‌آورد.

الگو: انتقال دردسر

در این الگو مسئله را با یک راه حل موقتی ظاهراً حل می‌کنیم؛ ولی همین عمل توجه ما را از مسئله اصلی و پیدا کردن راه حل بنیادی آن منحرف می‌کند.

این الگو باعث می‌شود که ما به راه حل موقتی اعتیاد پیدا کنیم و وابستگی‌مان به آن هر روز بیشتر شود. چنان که از نمودار زیر ملاحظه می‌شود، عوارض جانبی ناشی از راه حل موقتی به تدریج توانایی ما را در ارائه راه حل بنیادی کاهش می‌دهند. توجه کنید که بین راه حل بنیادی و اثر آن بر نمود ظاهری مسئله یک تأخیر زمانی وجود دارد. این تأخیر زمانی اغلب موجب می‌شود که ما کمتر به راه حلهای بنیادی بپردازیم.

فاصله زمانی بین عمل اصلاح کننده و نتیجه آن گاهی از حوصله مدیرانی که با رفتار سیستم‌های پیچیده آشنا نیستند، خارج است.

ادامه دارد

گذری بر دستاوردهای هدفمندی یارانه‌ها

با وجود اینکه اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها در فاز اول با جدیت استارت خورد،اما در ادامه گام‌های بعدی هم اکنون نزدیک به ۵۰ هزار میلیارد تومان درآمد بودجه در سال جاری معطل اجرای فاز دومی است که قرار بود از تیر آغاز شود و همچنان مانده است.

به گزارش ایسنا، امسال علیرغم چانه‌زنی‌های کارشناسان بودجه‌ای دولت با مجلس، در نهایت در قانون بودجه ۹۲اعتبارات یارانه از ۱۲۰ هزار میلیارد تومان به ۵۰ هزار میلیارد تومان کاهش یافت؛ این در حالی است که از همان ابتدا که بحث کاهش یارانه‌ها و مخالفت با اجرای فاز دوم یارانه‌ها آغاز شد، کارشناسان نسبت به عواقب این کاهش و توقف فاز دوم هشدار داده بودند.ناگفته نماند مطابق قانون هدفمندی یارانه‌ها می‌باید قیمت فرآورده نفتی ظرف پنج سال به۹۰ درصد قیمت‌های بین‌المللی، قیمت گاز طبیعی به ۷۵درصد متوسط قیمت صادراتی و قیمت آب و برق و کالاهای اساسی به سطح بهای تمام شده برسد و برای این که بتوان آثارافزایش هزینه‌ها را نزد خانواده‌ها و تولیدکنندگان جبران کرد، پرداخت‌های نقدی و غیرنقدی به خانوارها و کمک‌های لازم در بخش تولید منظور شود.

این در حالی است که در عمل دولت قیمت حامل‌های انرژی را در بخش خانگی افزایش داد، اما برای کاهش فشار هزینه به بخش تولید از افزایش کمتری در قیمت حامل‌های موردمصرف بنگاه‌های تولیدی استفاده کرد تا به این منظور حمایت‌های غیر مستقیم خود را ازاین بخش همچنان ادامه دهد .

همچنین در بخش توزیع یارانه‌ها ، پرداخت‌های مستقیم به خانوارها انجام گرفت.اما کمک‌هایی هم به بخش‌های تولیدی، شهرداری‌ها، بخش آبفا و غیره انجام و در تولیدهم سعی شد از طریق اعمال قیمت‌هایی همراه با تخفیف حمایت‌های لازم انجام شود.در این خصوص یک گزارش معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری در موردنتایج و دستاوردهای حاصل از اجرای فاز اول هدفمندی یارانه‌ها می گوید:اگر چه در اقتصاد ایران پرداخت یارانه به عنوان یکی از مهم‌ترین سیاست‌های حمایتی مورد توجه بوده است،اما مخدوش‌شدن هدف اصلی یعنی "بهبود توزیع درآمد" به دلیل برخورداری نامتناسب گروه‌های مختلف درآمدی از یارانه‌های پرداختی و هم چنین دلایل عمده دیگری نظیر افزایش بی‌رویه مصرف، فشار بر منابع عمومی بودجه دولت به دلیل رشد جمعیت و افزایش تقاضا برای کالاهای یارانه‌ای، کاهش نسبی تورم حال در مقابل افزایش تورم آینده به دلیل برهم خوردن توازن بودجه‌ای دولت، شکل‌گیری تولیدات براساس مزیت های غیرواقعی، فراهم شدن زمینه فسادهای اقتصادی به ویژه قاچاق کالاهای یارانه‌ای، افزایش هدررفت منابع و تشدید تخریب محیط زیست و ... موید ناکارابودن نظام تخصیص و توزیع یارانه بود و از همین رو قانون هدفمندکردن یارانه‌ها با هدف برطرف کردن این مسائل به اجرا در آمد.

رویکرد اصلی در اجرای این قانون ، پرداختی یارانه نقدی با لحاظ سطح درآمد خانوارها بود، اما محدودیت‌های موجود در خصوص نظام شناسایی خانوارها منجر به آن شد که در ابتدای اجرای طرح، یارانه نقدی به صورت یکسان به تمام خانوارهای متقاضی پرداخت شود.

در مدت زمان اجرای قانون، پرداخت یارانه نقدی (سرانه ماهانه معادل ۴۵۵,۰۰۰ریال) به اعضای خانوار، آثار رفاهی قابل توجهی را بالاخص برای خانوارهای دهک‌های پایین درآمدی و اقشار آسیب‌پذیر به همراه داشته است.

به‌گونه‌ای که براساس اعلام مرکز آمار ایران، ضریب جینی کل کشور از ۰,۴۰۹۹ درسال ۱۳۸۹ به ۰,۳۷ در سال ۱۳۹۰ کاهش یافت. بهبود این شاخص در خانوارهای روستایی بیشتر بوده به گونه‌ای که از ۰,۳۸۰۹ در سال ۱۳۸۹ به ۰,۳۳۹۴ در سال ۱۳۹۰ کاهش یافت. نسبت درآمد ۱۰ درصد ثروتمند به ۱۰ درصد فقیر جامعه در خانوارهای شهری از ۱۲,۴۵برابر در سال ۱۳۸۹ به ۱۰,۱۸ برابر و در خانوارهای روستایی از ۱۲,۶۳ برابر با ۹,۳۸برابر کاهش یافت.

معاونت برنامه ریزی همچنین تاکید می کند که یک نسبت تک رقمی در درآمد اغنیا به فقرادر جمهوری اسلامی ایران برای اولین‌بار صورت پذیرفته و نسبت بسیار مطلوبی از لحاظ معیارهای بین‌المللی است.

تحلیل نتایج و آثار اجرای گام اول قانون هدفمندی را باید در چند بخش انجام داد؛ نخست میزان کاهش مصرف حامل‌های انرژی است. به‌طور کلی بر اثر اجرای قانون و درسال نخست اجرای آن، نه تنها رشد مصرف حامل‌ها متوقف شد، بلکه مصرف اغلب آنها هم کاهش یافته است.

در زمان اجرای هدفمندی، رشد مصرف سالانه بنزین که حدود ۴,۵ تا پنج درصد بود،به منفی ۵,۳ درصد تبدیل شد ، رشد مصرف گاز مایع از ۱,۳ درصد به منفی ۱۹,۸ درصد وبرق از هفت درصد به حدود منفی یک درصد رسید و به این ترتیب کشور به حدود ۱۴,۸میلیارد دلار صرفه‌جویی ارزی از محل کاهش مصرف حامل‌های انرژی دست یافت که دستاوردبزرگی بود.

همچنین اجرای قانون بر متغیرهای کلان اقتصادی از جمله نرخ تورم، رشداقتصادی، نرخ بیکاری و شاخص‌های توزیع درآمد اثر گذار بوده است. اما در عین حال باید قبل از هر چیز شرایط محیطی حاکم بر اقتصاد ایران را در نظر بگیریم. در اواخر سال ۹۰اقتصاد کشورمان با تحریم‌های همه جانبه و کاهش چشمگیر درآمدنفتی روبه‌رو شد که طبیعتا آثار قابل توجهی بر اقتصاد ایران و روند نرخ‌های تورم ورشد تولید و در نتیجه بیکاری گذاشت و بنابراین لازم است آثار ناشی از تحریم ها رااز آثار اجرای طرح هدفمندسازی جدا کرد.

از آذر سال ۹۰ کشورهمراه با کاهش درآمد نفتی با شوک افزایش نرخ ارز روبه‌روو دوباره در مهر سال ۹۱ با شوک دوم نرخ ارز و کاهش واردات کالاها ومواد اولیه و واسطه‌ای مواجه شد، بنابراین به نظر می‌رسد تحولات در متغیرهای کلان اقتصادی در سال ۹۱ بیشتر تحت تاثیر این شوک‌ها بوده است.

مقایسه آمار رشد اقتصادی مرکز آمار نشان می‌دهد نرخ رشد اقتصادی از رقم ۵,۵درصد برای متوسط دوره ۸۹_ ۸۴ به ۳,۲ درصد در سال ۹۰ رسیده است که بدین ترتیب شاهد ۲,۳ درصد کاهش در آن هستیم.هم‌چنین مقایسه نرخ رشد اقتصادی بدون نفت هم بیانگر کاهش ۲,۱ درصدی است. درهمین حال، مقایسه نرخ بیکاری مرکز آمار نشان می‌دهد، این نرخ از متوسط ۱۱,۵ درصددر سال‌های ۸۹ _۸۴ به ۱۲,۳ درصد افزایش یافته است.

در عین حال باید خاطرنشان کرد: رشد صادرات غیرنفتی بدون میعانات گازی به استناد آمار گمرک از ۲۰ درصد متوسط دوره ۸۹ _ ۸۴ به ۲۷ درصد ارتقاء یافته و نرخ رشد واردات هم از نرخ ۱۱ درصد به منفی چهار درصد کاهش رسیده است.هم‌چنین با مدیریت دولت، نرخ رشد نقدینگی کنترل شده به گونه‌ای که از متوسط۲۷,۷ درصد به ۱۹,۴ درصد کاهش یافته است.

به استناد آمار ارائه شده توسط مرکز آمار ایران، در بخش شهری، ضریب جینی از۰,۳۹۷۹طی سال‌های ۸۹ _ ۸۴ به عدد ۰,۳۵۶۸ و در بخش روستایی از ۰,۳۸۷ طی این مدتبه رقم ۰,۳۳۹۴ در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته که در هر دو حوزه شهری و روستایی نشان‌دهنده بهبود شرایط است هم‌چنین نسبت مخارج دهک دهم به دهک اول در مناطق شهریاز حدود ۱۴ برابر به ۱۰ برابر و در مناطق روستایی از حدود ۱۳ برابر به حدود ۹,۴برابر کاهش یافته است.

بر اساس این آمار، سال اول اجرای طرح هدفمند سازی یارانه‌ها با مدیریت مناسبی انجام گرفت و حتی نتایج بهتر از برآوردهای اولیه به دست آمد، اما با توجه به تحریم‌ها و محدویت‌هایی که بعدا برای اقتصاد ایران پیش آمد و به نوبه خود مدیریت طرح را دستخوش محدودیت‌هایی کرد، شاهد نوسانات شدید در متغیرهای اقتصاد کلان بودیم .

با کاهش درآمد ارزی طبیعی است که نرخ ارز بالا رفت، معنی این حرف آن است که قیمت‌های حامل‌های انرژی در مناطق اطراف ایران براساس پول داخلی گران‌تر شد ، قاچاق فرآورده‌های نفتی شکل گرفت و افزایش مصارف در نقاط مرزی به منظور قاچاق فرآورده‌های نفتی افزایش یافت.

از سوی دیگر، با توجه به تثبیت قیمت حامل‌های انرژی در دو سال گذشته و رشد قیمت سایر کالاها و خدمات مطابق تورم، شاهد کاهش قیمت نسبی حامل‌های انرژی نسبت به بقیه کالاها و خدمات هستیم که این مساله باعث افزایش رشدمصرف حامل‌های انرژی در داخل شده و در مجموع شاهد افزایش قاچاق از یک سو وبالا رفتن مصارف داخلی حامل های انرژی از سوی دیگر هستیم، به عنوان نمونه مصرف بنزین دوباره به رشد چهار تا پنج درصد رسیده است.

بررسی وضع مصرف حامل‌های انرژی و سایر کالاهای مشمول اصلاح قیمتی در قانون،موید آن است که مدیریت مصرف به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف قانون، به نحو مطلوبی محقق شده است.

یکی از مهم‌ترین دلایل تحقق این صرفه‌جویی، تعیین دقیق و کارشناسی شیب افزایش قیمت حامل‌های انرژی بود. به گونه‌ای که در تمام مدت زمان اجرای گام اول نیازی به هیچ‌گونه تغییری در قیمت حامل‌ها حاصل نشد.

کنترل قاچاق قابل ملاحظه حامل‌های انرژی و آرد و همچنین جلوگیری از تخریب محیط زیست ناشی از سوخت‌های فسیلی هم از دستاوردهای دیگر اجرای قانون است. ضمن آنکه برای اولین‌بار در طول تاریخ کشور، الگوی مصرف انرژی به نفع بخش‌های تولیدی تغییر یافت. به نحوی که مصرف بخش خانگی کاهش و مصارف بخش‌های صنعت و کشاورزی از گازو برق با افزایش مواجه شد.

بررسی نتایج اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها بر وضع خانوارها حاکی ازافزایش رفاه در جامعه شهری برای دهک‌های اول تا نهم و در جامعه روستایی برای تمامی دهک‌ها است.در این خصوص واریز یارانه نقدی معادل ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومانی به حساب سرپرستان خانوارهای روستایی، ضمن جبران افزایش قیمت‌ها ، سبب افزایش رفاه آنها هم شد. البته در خصوص خانوارهای شهری هم با واریز یارانه نقدی به حساب سرپرستان خانوار، تنها رفاه نیمی از خانوارها کاهش می‌یافت که با لحاظ افزایش دستمزد سالانه فقط رفاه دهک دهم درآمدی خانوار شهری کاهش یافت.

باید اشاره داشت :در صورت ادامه این روند، کشور نیازمند واردات حداقل معادل ۸,۵میلیارددلار فرآورده نفتی است تا بتواند این افزایش تقاضای انرژی را پوشش دهد. بنابراین دولت در سال جاری با هدف مدیریت مصرف انرژی و اجرای گام دوم قانون هدفمندسازی یارانه‌ها، پیشنهاد افزایش قیمت‌ها را در لایحه بودجه سال ۹۲ ارائه کرد.

ایده اصلی هم بدین شکل بود که با توجه به نرخ ارز مبادله‌ای ۲۵۰۰ تومان حداقل نیمی از مسیر قانون به انجام برسد و نیم دیگر در دو سال باقی‌مانده از اجرای قانون و دو ساله پایانی برنامه پنجم به انجام رسد. براین اساس در لایحه‌ای که دولت به مجلس تقدیم کرد، پیشنهاد رشد قیمت‌حامل‌های انرژی به گونه‌ای اصلاح می شد که با احتساب یارانه‌های ردیف‌های بودجه‌ای،در مجموع منابع مالی معادل ۱۲۰ هزار میلیارد تومان به دست می آمد که از این محل ۹۰ هزارمیلیارد تومان صرف باز توزیع موضوع ماده (۷) قانون و در واقع بین مردم و ۱۵ هزارمیلیارد تومان صرف بودجه‌های عمرانی و هزینه‌ای و مخارج دولت و ۱۵ هزار میلیارد تومان هم صرف کمک به بخش‌های تولیدی می‌شد تا بدین ترتیب باافزایش قیمت حامل‌های انرژی مصرف آنها کنترل شده ،کمک‌های لازم به بخش تولید انجام و بودجه‌های عمرانی دولت هم افزایش یافته و در نهایت پرداخت به مردم تا دوبرابر افزایش یابد.در شرایط فعلی در صورت ادامه نیافتن طرح هدفمندی یا انجام ندادن اقدام‌های لازم برای کنترل مصرف و قاچاق فرآورده‌های نفتی مشکلات قابل توجهی ایجاد خواهد شد.در ادامه روند موجود کشورحداقل نیازمند واردات ۸,۵میلیارد دلار فرآورده نفتی است که برای تامین‌آن باید در سال ۹۲ معادل این رقم را از درآمدهای نفتی دولت صرف شود.

بدین ترتیب از یکسو عرضه ارز در بازار معادل این رقم کاهش می‌یابد، چرا که از یک سو صرف واردات فرآورده نفتی شده و از سویی دیگر از سهم درآمدنفتی دولت خرج می‌شود، بنابراین مخارج عمرانی دولت را معادل ریالی این رقم و درحدود ۱۴,۵ هزار میلیاردتومان کاهش خواهد داد و در مجموع با احتساب تخصیص نیافتن ۱۰هزارمیلیارد تومان از محل اجرای فاز دوم، کل مخارج عمرانی دولت نسبت به لایحه تا ۲۴,۵هزار میلیاردتومان کاهش خواهد یافت.

در واقع می‌توان گفت هزینه‌های عمرانی دولت در سال ۱۳۹۲ بسیار ناچیز خواهد شد. از این رو هم‌چنانکه اجرای فاز دوم می‌تواند پیامدهای اقتصادی به همراه داشته باشد، اجرا نشدن آن هم در شرایط فعلی پیامد های دیگری را به همراه خواهد داشت که نباید از آنهاغافل بود.

مصوبه‌ی کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی با این رویکرد که حداقل رشد قیمت حامل‌های انرژی در سال جاری ایجاد شود، پیشنهاد کرد قیمت حامل‌ها به‌طور متوسط ۳۸درصد اضافه شده و سرجمع منابع هدفمندسازی یارانه‌ها با احتساب ردیف‌های بودجه‌ای یارانه‌ها به ۵۰ هزار میلیارد تومان افزایش یابد و از این رقم معادل ۲۲,۵ هزارمیلیاردتومان بین مردم توزیع شود همچنین ۱۳,۵ هزار میلیاردتومان به بخش تولید و ۵۰۰۰ میلیارد تومان برای درمان و در نهایت ۹ هزار میلیارد تومان به دولت داده شود.بدین ترتیب کمیسیون، میزان منابع تخصیصی بابت یارانه نقدی به مردم را تا حدودنصف کاهش داد، به‌طوری که اگر قرار باشد به تمامی کسانی که هم اکنون یارانه دریافت می‌کنند، به‌طور یکسان پرداخت شود، رقم ماهانه هر نفر از ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومان فعلی به ۲۵ هزار تومان کاهش می‌یابد که در این ارتباط پیشنهاد شد با حذف برخی ازمردم با درآمدهای بالا می‌توان رقم پرداختی به گروه‌های کم درآمد را تا سطح ارقام قبلی ثابت نگه داشت.

به نظر می‌رسد با توجه به نبود امکان شناسایی سطح درآمد افراد و وجود احتمال خطا در شناسایی افراد مطابق اشکالاتی که در زمان خوشه‌های درآمدی پیش آمد، نمی‌توان این کار را انجام داد. در واقع به لحاظ مسائل اجتماعی تا زمانی که بانک‌های اطلاعاتی معتبر برای شناسایی در اختیار وجود نداشته باشد، نمی‌توان به راحتی به حذف برخی از اقشار از حوزه یارانه‌ها اقدام کرد .

در صحن علنی مجلس هم رقم ۵۰ هزار میلیارد تومان تصویب شد، اما موضوع برای اصلاح شیوه باز توزیع منابع به کمیسیون برگشت داده شد. پس از بررسی موضوع درکمیسیون و ارائه به صحن مجلس، در نهایت مبلغ ۴۱ هزار میلیارد تومان برای اقشار و ۹هزار میلیارد تومان برای کمک به بودجه دولت تصویب شد، اما از آنجایی که ۹ هزارمیلیارد تومان پیش‌بینی برای بودجه دولت، موجب افزایش حدود ۳۸ درصدی حامل‌های انرژی می‌شود، بدون این‌که کمکی به تولید و درمان شود، انجام آن و تحقق درآمد مذکور بعیدبه نظر می‌رسد.

اقتصاد در یک درس

نویسنده: هنری هزلیت ■ مترجم: محمد حسین وقار ■ ۳۶

همچنین نیازی به بررسی تأثیر سهمیه‌های وارداتی، کنترل ارز، دوجانبه‌گرایی و دیگر ابزارها بر کاهش، انحراف یا ممانعت از تجارت بین‌المللی نیست.

این گونه ابزارها در مجموع همان تأثیر تعرفه‌های بالا یا تعرفه‌های ممانعتی و اغلب تأثیراتی بدتر از آنها را دارند. آنها موضوعات غامض‌تری را پیش می‌آورند، اما نتایج خالص آنها را می‌توان از طریق همان نوع استدلال که هم‌اینک در قبال موانع تعرفه‌ای اعمال کردیم، تشریح کرد.

فصل دوازدهم
تلاش برای صادرات

اشتیاق بیمارگونه برای صادرات، تنها چیزی است که بر ترس بیمارگونه از واردات که گریبانگیر همه کشورهاست، پیشی می‌گیرد. از دیدگاه منطقی درست است، هیچ چیز نمی‌تواند ناسازگارتر از آن باشد. واردات و صادرات باید در درازمدت با هم برابر باشند (با توجه به معنای موسع آن که در عین حال اقلام «نامرئی» مانند درآمد توریسم و هزینه حمل‌ونقل در اقیانوس را در برمی‌گیرد). این صادرات است که هزینه واردات را تأمین می‌کند و بر عکس. هر چه صادرات بیشتری داشته باشیم، باید واردات بیشتری داشته باشیم، مشروط بر آنکه انتظار داشته باشیم، پولی بابت صادرات به ما پرداخت شود. هر چه واردات ما کمتر باشد، صادراتی که می‌توانیم داشته باشیم کمتر می‌شود.

بدون واردات نمی‌توانیم صادراتی داشته باشیم؛ زیرا خارجیان وجهی ندارند که با آن کالاهای ما را بخرند. وقتی تصمیم می‌گیریم وارداتمان را کاهش دهیم، در حقیقت داریم تصمیم می‌گیریم که صادراتمان را هم کاهش دهیم. وقتی تصمیم می‌گیریم صادراتمان را افزایش دهیم، در واقع داریم تصمیم می‌گیریم که وارداتمان را افزایش دهیم.

دلیل این امر ساده است. یک صادرکنندهٔ آمریکایی کالاهای خود را به واردکنندهٔ بریتانیایی می‌فروشد و پول خود را به پوند دریافت می‌کند. اما او نمی‌تواند با پوند بریتانیا دستمزد کارگرانش را بپردازد، برای همسرش لباس بخرد یا بهای بلیت تئاتر را پرداخت کند. برای همه این مقاصد او نیازمند دلار آمریکاست. بنابراین پوند بریتانیا برای او استفاده‌ای ندارد مگر آنکه خود از آن پوندها برای خرید کالاهای بریتانیایی استفاده کند یا آنها را به واردکننده آمریکایی بفروشد تا از آن برای خرید کالاهای بریتانیایی استفاده کند. هر کدام از این کارها را بکند، تا زمانی که به صادرکننده آمریکایی معادل همان مقدار واردات پرداخت نشود، معامله نمی‌تواند کامل شود.

اگر معامله با دلار آمریکا به جای پوند بریتانیا هم انجام شده بود، همین وضعیت وجود می‌داشت. واردکننده بریتانیایی نمی‌تواند به صادرکننده دلار بپردازد مگر آنکه یک صادرکننده بریتانیایی قبلاً در اینجا در نتیجه فروشی به ما اعتباری به دلار ایجاد کرده باشد. خلاصه آنکه ارز خارجی معامله‌ای تهاتری است که در آن در آمریکا، بدهی دلاری خارجیان با اعتبار دلاری‌شان تسویه می‌شود.

در انگلستان بدهکاری خارجیان به پوند با بستانکاری‌شان به پوند تصفیه می‌شود.

دلیلی وجود ندارد که وارد جزئیات فنی همه این چیزهایی بشویم که در هر کتاب درسی خوب راجع به ارز خارجی قابل مطالعه است؛ اما باید خاطرنشان شود که هیچ چیز ذاتاً اسرارآمیز در این مطالب نیست (به‌رغم آنکه اغلب درهاله‌ای از راز پیچیده شده است) و این اساساً با آنچه در تجارت خارجی اتفاق می‌افتد، تفاوتی ندارد. هر یک از ما برای کسب قدرت خرید باید چیزی را بفروشیم، حتی اگر برای بیشتر ما آن چیز خدماتمان و نه کالاهایمان باشد. تجارت داخلی هم اساساً با تسویه چکها و دیگر مطالبات در برابر یکدیگر از طریق اتاقهای تهاتر انجام می‌گیرد.

ادامه دارد

بورس املاک و اموال غیرمنقول راه‌اندازی می‌شود

مدیــر امور ناظرین و تالارهای بورس کالای ایران گفت: مقدمات راه‌انــدازی تابلــوی فرعی بــورس کالا بــرای معامله امــلاک و اموال غیرمنقول در این بورس در حال انجام است.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه (سنا)، عباس یعقوبی درباره راه‌اندازی بورس املاک و اموال غیر منقول در بورس کالا گفت: زیر ســاخت های این بازار فراهم شده اســت ،به طوریکه این بازار به زودی راه اندازی می‌شود.

این مقام مســئول در بــورس کالا درباره آخریــن وضع این بازار گفت: در حال حاضر مسئولان در حال مذاکره با عرضه‌کنندگان هستند و به محض انجام توافقات نهایی اخبار آن به طور مفصل منتشر خواهد شــد.چندی پیش رییس ســازمان بــورس از راه‌انــدازی تابلوی فرعی بــورس کالا با دو هدف خبر داده بود.به گفته علی صالح آبادی یکی از اهــداف تابلوی فرعی بورس کالا فرصت دادن به کالاهایی اســت که شــرایط پذیرش در تابلوی اصلی بورس کالا را از دســت می‌دهند. در این صورت آن کالا، شش ماه فرصت دارد تا شرایط لازم را احراز کرده و دوباره به تابلوی اصلی برگردند.رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار با اشاره به دومین هدف از راه‌اندازی تابلوی فرعی تصریح کرد: امکان معاملات املاک و اموال غیرمنقول در این تابلو فراهم می‌شود.

وی توضیح داد: در حال حاضر دولت، وزارتخانه‌ها، دســتگاه‌های اجرایــی و نهادهــای عمومــی و همچنین اشــخاص و شــرکت های خصوصی، ســاختمان‌های زیــادی دارند و می‌توانند این ســاختمان‌ها را در بــورس کالا به مزایده بگذارند تا این ســاختمان‌ها، در بورس با شفافیت بالا و قیمت مناسب خریداری شود.

در این میان مدیر سرمایه‌گذاری ذوب آهن گفت: طرح توازن ما با راه‌اندازی کک‌سازی شماره سه تکمیل شد و ظرفیت چدن خام ما را به ۳,۶ میلیون تن رســاند.مجتبی فریدونی اظهار کرد: یکی از طرح‌های ما تعمیرات، بازســازی و نوسازی کوره بلند شماره دو بود که نوسازی به صورت کانال انجام شد و از ابتدای مرداد وارد مدار شده است.

وی گفت: تولید کوره بلند شــماره دو حدود ۱,۴ میلیون تن چدن خام اســت که با دو کوره دیگر ظرفیت ما به ۳,۶ میلیون تن چدن خام رسید.مدیر ســرمایه‌گذاری ذوب آهن خاطر نشان کرد: در طرح بعدی که باتری شــماره یک کک‌سازی اســت و ظرفیت ۶۰۰ هزار تن تولید کک را دارد از شــهریور یا مهر راه‌اندازی خواهد شد و هم‌چنین باتری کک‌ســازی شــماره دو در ســال آینده راه‌اندازی خواهد شد.فریدونی افزود: هم‌چنین پیش‌بینی کرده‌ایم که از باتری شماره سه کک‌سازی که ظرفیت ۹۰۰ هزار تن است حدود ۶۰۰ هزار تن تولید داشته باشیم.

بازار در یک نگاه

جدول شاخص‌های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	۵۹۷۵۴/۸	۵۹۹۷۰/۹	۵۹۶۰۶/۹	۱۴۶/۳	۰/۲۵
شاخص ۳۰شرکت بزرگ	۳۰۳۱/۵	۳۰۵۶/۷	۳۰۳۱/۲	۴/۳	۰/۱۴
شاخص آزادشناور	۷۱۳۱۵/۱	۷۱۵۲۶/۱	۷۰۸۱۰/۹	۵۰۰/۴	۰/۷۱
شاخص بازاراول	۴۸۰۰۹/۸	۴۸۰۸۵/۱	۴۷۷۴۲/۳	۲۶۵/۸	۰/۵۶
شاخص بازاردوم	۹۵۶۳۲	۹۶۶۱۴/۳	۹۵۶۳۱/۷	(۶۳۲/۶)	(۰/۶۶)
شاخص صنعت	۴۹۶۶۹/۶	۴۹۸۸۰/۵	۴۹۶۵۷/۱	(۸۱/۶)	(۰/۱۶)

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (سه شنبه ۹۲/۵/۲۲)

مجموع حجم معاملات	۱/۰۶۸/۰۹۴/۵۰۵ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	۲/۶۲۷/۴۳۲ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۹۱۴۷۷ معامله
ارزش بازار	۲/۸۶۰/۲۱۹ میلیارد ریال

پیشنهادات کانون کارگزاران به رئیس جمهوری

بــا هدف ایجــاد توســعه و ارتقاء بازار ســرمایه، پیشنهادات کانون کارگزاران به رئیس جمهوری جدید ارائه شــد.به گزارش ایســنا، همزمان با شروع فعالیت دولت یازدهم، کانون کارگزاران بورس و اوراق بهادار بــه منظور حرکت همگام توســعه اقتصادی و توســعه مالی و همچنین ایفای هر چه بهتر و بیشــتر نقش بازار ســرمایه در اصلاح متغیرهای اقتصادی نظیر نرخ تورم، نرخ بیکاری، رشــد اقتصــادی، تخصیص بهینه منابع و بالا بردن بهره‌وری در قالب نامه‌ای سرگشاده به رئیس جمهوری، موانع و مشــکلات پیش روی بازار سرمایه و راهکارهای توســعه و ارتقاء آن بازار را پیشنهاد داده است.

انتشار ۱۰۰۰ میلیارد تومان صکوک در بازار سرمایه



مدیرعامل شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه با بیان اینکه درسال های اخیر بیش‌از هزار میلیارد تومان صکوک در بازار سرمایه منتشر شــده است، از ورود ابزارهای مالی جدید به بازار سرمایه در آینده نزدیک خبــر داد.

بــه گــزارش پایــگاه اطــلاع رســانی بازار ســرمایه (سنا)، حامد ســلطانی‌نژاد بــه انتشــار اوراق مشــارکت قابل تبدیل به ســهام در بورس اشــاره کرد و گفت: فرآیند پس از معامــلات (Post Trade) این اوراق در شرکت سپرده گذاری آمــاده شــده و در ســایر بخش‌ها نیــز مراحل نهایــی را می‌گذراند تا بزودی، شاهد ورود این ابزار مالی جدید در بازار سرمایه باشیــم.

وی بــا اشــاره بــه اســتقبال شرکت‌های تامین سرمایه از انتشار اوراق مشــارکت قابــل تبدیــل به ســهام گفت: این ابــزار مزیت‌های زیــادی برای بــازار ســرمایه دارد، ازجمله اینکه این روش، مشــارکت در ســرمایه شرکت و ســهامداری اســت که نقطه قوت آن محســوب می‌شــود؛ همچنین اوراق مشارکت قابل تبدیل به ســهم ریســکی را بر ســرمایه‌گذار تحمیل نمی‌کند و در عین حــال، این اختیار را به وی می‌دهــد که درصــورت تمایل، در پایان سررسید، یا سود تضمین شده اوراق را دریافــت کرده و یا اوراق خود را به سهام تبدیل کند.

سلطانی‌نژاد با بیان اینکه بحث قــرارداد اختیار معامله (Option) هــم درحال پیگیری اســت، گفت: این ابــزار نیز بــه‌زودی در بورس منتشــر خواهد شد.این مقام مسئول خاطرنشــان کرد: پــس‌از راه‌اندازی ایــن ابزارهــای مالی متــداول، گام بعــدی معرفــی ابزارهــای مالــی ترکیبــی در بازار ســرمایه است که می‌توان در آینــده از این ابزارها در بازار بهره برد.

مدیرعامل شرکت سپرده گذاری مرکــزی اوراق بهــادار در ادامــه، بــه جایگاه ایــن شــرکت در بازار ســرمایه اشــاره کرد و گفت: همه وقایع بازار ســرمایه چه قبل و چه پــس از معامــلات باید در ســامانه پــس‌از معامــلات ثبت شــود و در همین راســتا، شرکت سپرده‌گذاری در ســال‌های اخیــر، بویــژه در حــوزه نگهــداری دارایی‌های مالی و همچنیــن ورود ابزارهــای مالی مختلف به بازار سرمایه فعالیت‌های بسیار گسترده‌ای داشته است.

ســلطانی‌نژاد همچنین با اشاره به اقدامات صورت گرفته در حوزه پــس‌از معاملات گفــت: مهمترین اقــدام در ایــن زمینــه، طراحــی و پیاده‌ســازی سامانه تسویه و پایاپای در بورس انــرژی و فرابورس بوده که توسط شــرکت ســپرده‌گذاری انجــام شــده اســت.مدیر عامــل شــرکت ســپرده‌گذاری مرکزی در ادامــه، موضوع طراحــی ابزارهای مالــی جدید از جملــه اوراق امتیاز تســهیلات مســکن، قراردادهــای آتی ســکه و آتی ســهام و همچنین راه‌انــدازی بورس‌هــای مختلــف ازجمله بورس اوراق بهادار تهران، فرابورس، انــرژی و بورس کالا را مدنظر قــرار داد و گفــت: در همه این حوزه‌ها، شرکت سپرده‌گذاری مرکزی به عنوان متولی فرآیند پس‌از معاملات، نقش بسیار کلیــدی داشته اســت.وی در پایــان، از مطالعــات گســترده شــرکت ســپرده‌گذاری مرکــزی برای اتصال بازار ســرمایه ایــران به بــورس دنیا خبــر داد و گفت: بررســی‌های زیــادی در این خصوص انجام شده است تا بتوانیم ارتبــاط میان بورس ایران با ســایر بورس‌هــا را ازطریق برقرای ارتباط میان شرکت‌های سپرده‌گذاری این کشورها، فراهم کنیــم.

از ســوی دیگر آمار اطلاعات منتشــر شــده حاکی از آن است که مجموع تولید دوقلوهای سنگ‌آهنی بورس در سه ماهه نخست امسال از مرز ۷,۴ میلیون تن گذشته است.

بر این اســاس تولیــد مجتمع معدنی و صنعتی چادرملو در ســه ماهه نخســت امسال با رشد ۱۴,۱۷ درصدی بالغ بر ۳,۹ میلیون تن شد. این میزان تولید شــامل ۲,۵ میلیون تن کنســانتره آهــن، ۴۳۳ هزار تن ســنگ‌آهن دانه‌بندی شده و حدود ۹۸۷ هزار تن گندله بوده است.

این در حالی اســت که تولید مجتمع معدنی و صنعتی گل گهر در همین مدت با کاهش ۴,۸ درصدی به حدود ۳,۵ میلیون تن رسید. این میزان تولید شــامل ۲,۱ میلیون تن کنسانتره ســنگ‌آهن، ۱۷۸ هزار تن ســنگ‌آهن دانه‌بندی شــده و ۱,۲ میلیون تن گندله بوده است.

همچنین فروش ریالی چادرملو و گل گهــر در ســه ماهه نخســت ۱۳۹۲ بیــش از ۸۸ درصــد افزایش یافت. چادرملو در سه ماهه نخست امســال ســود خالص پس از کسر مالیاتش با افزایش ۴۸ درصدی بالغ بــر ۳۴۸ میلیارد تومان شــد. ضمن اینکه ســود خالــص گل گهر هم با رشــد بیش از ۱۰۳ درصدی از مرز ۳۸۶ میلیــارد تومــان گذشــت. دو شــرکت در ســه ماهه نخست سال جاری توانســتند حدود ۳۰ درصد از برنامه ســودآوری امسال خود را پوشش دهند.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
کنتورسازی‌ایران	۶,۸۰۸	(۲۸۳)
مخابرات ایران	۲,۹۷۰	۵۹
بیمه البرز	۶,۷۱۳	۲۵۷
کابل البرز	۲,۶۰۴	(۱۰۸)
ایران ترانسفو	۴,۰۲۰	(۸۰)
پارس‌سویچ	۴,۳۴۴	(۵۴)
موتوژن	۹,۸۰۰	۷۶
صنایع‌جوشکاب‌یزد	۵,۷۶۷	(۲۴۰)
کارخانجات تولیدی شهید قندی	۳,۵۲۲	(۱۴۰)
بیمه پارسیان	۲,۱۰۰	۶
ایران‌یاساتایرورابر	۱۸,۵۳۰	۷۰۳
ایران تایر	۵,۵۶۱	(۲۳۱)
درخشان تهران	۶,۲۰۴	۲۳۸
سرمایه گذاری پردیس	۱,۶۶۸	۶۴
صنایع لاستیکی سهند	۸,۵۰۰	(۳۱۴)
پلاسکوکار	۱,۵۶۷	۶۰
گروه صنعتی بارز	۷,۰۰۱	(۱۴۹)
س. نفت و گاز و پتروشیمی تأمین	۳,۶۴۰	(۵۲)
تراکتورسازی‌ایران	۳,۶۵۰	۵۳
پمپ سازی ایران	۳,۲۱۱	۱۲۳
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۱,۲۶۴	(۵۰)
گسترش‌صنایع‌وخدمات‌کشاورزی	۴,۰۰۰	(۱۰۱)
کمباین سازی ایران	۱,۲۳۳	۱۴۲
تکنوتار	۲,۴۶۰	(۵)
ح . تکنوتار	۱,۴۷۴	۱۳
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۱,۷۶۵	۶۷
بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۲,۰۲۸	(۳۹)
سخت آژند	۱,۷۰۳	(۴۷)
سامان گستراصفهان	۱,۷۴۹	(۱۹)
سرمایه گذاری شاهد	۱,۶۳۲	(۳۸)
سرمایه‌گذاری مسکن	۱,۹۶۵	(۸۱)
نوسازی‌وساختمان‌تهران	۵,۴۱۱	۲۰۸
افست	۷,۱۰۱	۲۷۳
فیبر ایران	۴,۳۰۰	(۱۲۷)
کارتن ایران	۴,۱۸۰	(۱۴۵)
صنایع کاغذسازی‌کاوه	۱۹,۳۰۰	۵۳۳
حمل و نقل پتروشیمی(سهامی عام	۱,۸۹۲	۷۲
تایدواترخاورمیانه	۴,۰۷۰	(۱۶۹)
حمل‌ونقل‌توکا	۴,۵۹۱	۱۷۶
حمل و نقل بین المللی خلیج فارس	۱,۳۶۹	۲۵
حفاری شمال	۵,۵۵۵	(۲۳۱)
ساپاآذین	۱,۳۳۲	۴۴
آهنگری تراکتورسازی ایران	۱,۵۵۳	۵۹
ایران خودرودیزل	۱,۱۰۲	۲۱
گروه‌بهمن	۲,۰۸۰	۷۵
پارس خودرو	۱,۳۲۶	۵۱
ریخته‌گری تراکتورسازی ایران	۱,۳۸۴	(۵۷)
قطعات اتومبیل ایران	۱,۵۵۲	۵۹
رینگ‌سازی‌مشهد	۱,۴۰۹	۵۴
زامیاد	۱,۲۷۴	۴۹
فنرسازی‌زر	۱,۲۸۸	۴۹
سایپا	۱,۵۳۷	۵۹
الکتریک خودرو شرق	۱,۰۸۰	۳۰
سرمایه گذاری اعتبار ایران	۱,۵۱۲	(۶۲)
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۲,۴۶۸	۹۴
ح . لنت ترمزایران	۱,۸۹۳	۱۴۰
نیرو محرکه	۱,۲۶۷	۴۸
تولیدمحورخودرو	۱,۵۹۵	۶۱
مهرکام‌پارس	۱,۰۲۶	۳۴
موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۱,۲۳۹	(۵۱)
ایران خودرو	۱,۹۱۹	۳۹۷
محورسازان‌ایران‌خودرو	۱,۱۰۵	۴۲
ایرکا پارت صنعت	۱,۸۱۴	۶۹
ح.ایرکا پارت صنعت	۷۸۴	۵۸
سایپا دیزل	۹۹۸	۲
کمک‌فنرایندامین	۱,۲۹۰	(۴)
داروسازی ابوریحان	۱۴,۴۵۶	۵۵۶
کارخانجات‌داروپخش	۱۵,۰۴۱	۵۷۸
داروسازی اسوه	۱۸,۱۲۰	۷۷
البرزدارو	۱۰,۸۸۰	۴۱۸
بیمه دانا	۱,۹۷۱	۷۵
پارس دارو	۲۴,۶۲۲	۱۶۰
تولیدموادأولیه‌داروپخش	۱۶,۴۵۵	(۶۸۵)
داروسازی جابرابن‌حیان	۵,۹۰۳	۹
داملران	۱۷,۰۳۸	۶۵۵
دارویی رازک	۱۴,۸۱۰	(۱۵۶)
داروسازی روزدارو	۲,۱۹۴	۸۴
داروسازی‌زهراوی	۲۵,۷۴۱	۹۹۰
گروه دارویی سبحان	۶,۰۵۰	۱۲۱
داروسازی سینا	۱۱,۵۰۰	(۴۲۱)
ح . داروسازی سینا	۹,۵۰۰	(۶۸۷)
شیمی دارویی داروپخش	۶,۷۹۱	۲۶۱
لابراتوارداروسازی دکترعبیدی	۷,۵۷۰	۲۹۱
داروسازی فارابی	۱۵,۵۷۵	۱۱۶
فرآورده‌های تزریقی ایران	۷,۰۱۰	۲۶۹
داروسازی اکسیر	۱۸,۲۶۰	۷۰۲
دارویی لقمان	۴,۸۹۹	۱۰۱
ایران‌دارو	۶,۷۶۰	(۱۳)
داروسازی کوثر	۳,۱۶۰	(۱۴)
کیمیدارو	۳,۵۰۰	(۴۲۹)
خدمات‌انفورماتیک	۱۴,۹۵۰	(۱۶۸)
تجارت الکترونیک پارسیان	۷,۰۰۰	(۲۹۰)

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۴,۱۵۰	۴۰
مدیریت‌پروژه‌های‌نیروگاهی	۶,۳۹۷	۲۰۷
کارت اعتباری ایران کیش	۹,۲۶۷	(۱۳۹)
کشاورزی ودامپروی مگسال	۲۱,۷۱۷	(۹۰۴)
سیمان داراب	۶,۱۸۸	۱۰۱
سیمان‌ارومیه	۹,۱۲۴	۳۵۰
سیمان بجنورد	۵,۵۳۵	۲۱۲
سیمان بهبهان	۵۰,۰۰۰	(۱,۴۵۲)
سیمان‌سپاهان	۲,۳۱۱	(۶۷)
سیمان تهران	۵,۵۲۷	۲۱۲
سیمان‌خاش	۸,۹۹۴	۳۴۵
سیمان خزر	۶,۰۴۷	۵
سیمان دورود	۱۳,۶۹۳	(۵۷۰)
سیمان‌شاهرود	۵,۷۲۸	(۲۳۸)
سیمان شرق	۲,۸۸۲	۲۰
سیمان شمال	۳,۱۲۶	۱۲۰
سیمان‌اصفهان	۳۶,۶۹۷	۱,۴۱۱
سیمان صوفیان	۴,۹۴۰	۷۶
سیمان‌غرب	۸,۸۸۵	۳۴
سیمان‌فارس	۳,۸۵۴	۱۴۸
سیمان فارس و خوزستان	۳,۳۰۸	۱۲۷
سیمان فارس نو	۵,۶۰۱	(۴۹)
سیمان قائن	۸۲,۱۰۵	۳,۱۵۷
سیمان‌مازندران	۱۸,۷۸۰	۷۲۲
سیمان سفیدنی‌ریز	۲۰,۵۸۸	۷۸۸
سیمان‌هرمزگان	۱۵,۲۰۳	(۶۰۱)
سیمان‌هگمتان	۷,۲۱۷	۲۷۷
سیمان ایلام	۶,۰۴۱	۲۳۲
سیمان کردستان	۱۶,۶۵۰	۱۶۴
سیمان کرمان	۹,۰۲۱	(۳۵۲)
پتروشیمی شازند	۱۶,۶۰۰	(۴۷)
معدنی املاح ایران	۲۱,۰۴۳	۸۰۹
نفت بهران	۲۷,۳۵۶	۱,۰۵۲
بین المللی محصولات پارس	۱۰,۹۰۰	۱۶۱
پاکسان	۲۳,۰۶۱	۱,۰۲۵
پتروشیمی آبادان	۱۲,۵۹۰	(۳۶۶)
پتروشیمی پردیس	۱۷,۸۱۵	(۲۰۸)
پلی‌اکریل	۱,۴۳۰	۵۵
پارس پامچال	۱۴,۲۹۵	۵۴۹
تهران شیمی	۷,۰۷۸	۲۷۲
پتروشیمی خارک	۲۴,۳۰۰	۳۲
دوده صنعتی پارس	۱۰,۶۱۱	(۴۳۲)
صنایع‌شیمیایی‌سینا	۷,۱۳۱	(۲۹۷)
پتروشیمی‌فارابی	۱۹,۴۰۵	۷۴۶
صنایع شیمیایی فارس	۷,۹۴۱	۳۰۵
پتروشیمی فناوران	۲۰,۵۵۲	(۸۵۶)
گلتاش	۲۱,۰۰۰	(۹۴)
لعابیران	۸,۷۹۲	۳۳۸
تولیدموادأولیه‌والیاف‌مصنوعی	۳,۳۰۴	(۱۳۷)
نفت پارس	۱۸,۷۳۱	۷۲۰
پتروشیمی‌شیراز	۹,۱۸۷	۷۸
صنایع‌شیمیایی‌ایران	۳۳,۰۰۰	۳۲۷
کربن ایران	۴,۳۹۰	(۱۱۹)
نیروکلر	۱۰,۰۵۱	(۴۱۸)
کشت‌وصنعت‌پیاذر	۴,۷۶۰	۱۵۰
لبنیات‌کالبر	۷,۵۷۵	(۳۱۵)
صنعتی بهشهر	۴۳,۷۴۸	۳۰۲
بهنوش ایران	۹,۷۳۱	۳۷۴
لبنیات پاک	۶,۶۶۴	(۲۷۷)
پارس مینو	۵,۵۵۳	(۲۳۱)
کشت و صنعت چین چین	۱۲,۸۷۱	۴۹۵
خوراک دام پارس	۱۵,۲۰۱	(۶۳۳)
سالمین	۲,۹۰۱	۱۱۱
پگاه‌آذربایجان‌غربی	۲,۲۰۹	(۹۲)
شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۷,۲۰۰	(۳۰۰)
شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۸,۷۵۸	(۳۶۴)
شهد ایران	۴,۰۱۵	(۱۶۷)
بیسکویت گرجی	۶,۸۱۰	۲۶۱
مارگارین	۱۰,۵۰۰	(۲۰۲)
تولیدی‌مهرام	۷,۱۶۰	(۲۹۸)
نوش‌مازندران	۴,۳۱۱	(۱۷۹)
صنایع آذرآب	۴,۳۸۰	(۱۸۲)
ماشین سازی اراک	۵,۳۹۹	(۲۷)
صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۹,۰۶۴	(۳۳۲)
کالسیمین	۷,۶۱۷	(۳۱۷)
آلومینیوم‌ایران	۸,۹۰۲	۳۴۲
مس شهیدباهنر	۲,۹۷۶	(۱۲۳)
سیتنا	۴,۲۴۰	۱۶۳
جام‌دارو	۵,۲۳۴	۲۰۱
فولاد امیرکبیرکاشان	۶,۰۰۰	(۱۷۵)
فولاد خراسان	۸,۶۰۳	۳۳۰
فولاد خوزستان	۳۷,۵۰۰	(۱,۰۲۲)
فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۶,۷۶۶	(۲۸۱)
گروه‌صنعتی‌سپاهان	۶,۸۳۸	۲۶۳
ملی سرب‌وروی ایران	۲,۸۳۲	(۱۱۸)
لامیران	۳,۵۲۶	۳۵
لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۲,۴۸۰	(۲۹)
آلومراد	۳,۸۱۸	۱۴۶
ملی صنایع مس ایران	۳,۷۱۰	(۴۸)
نورد آلومینیوم	۸,۲۰۳	(۳۴۱)
نوردوقطعات فولادی	۳,۱۵۹	۱۲۱
فولاد مبارکه اصفهان	۳,۷۰۰	(۱۲۲)

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
ح . فولاد مبارکه اصفهان	۲,۷۱۸	(۳۱)
فولاد آلیاژی ایران	۴,۵۰۰	(۷۸)
فولادکاویان	۲,۱۳۷	۸۲
فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۱۶,۹۰۰	۴۹۴
قند ثابت خراسان	۵,۵۴۳	۲۱۳
کارخانجات قند قزوین	۵,۱۲۰	۱۹۶
شهد	۲۳,۵۶۲	۹۰۶
شکرشاهرود	۸,۹۴۰	۳۴۳
قنداصفهان	۱۱,۵۳۱	۴۴۳
قند لرستان	۵۱,۳۶۹	۱,۹۷۵
قند مرودشت	۳۱,۲۱۸	۱,۲۰۰
قندنقش‌جهان	۱۰,۷۰۰	۱۱۱
قند نیشابور	۶,۷۱۳	۲۵۸
قندهگمتان	۳۷,۶۶۵	۱,۴۴۸
آبسال	۳,۷۵۸	۱۴۴
سرما آفرین	۲,۸۶۴	۱۱۰
داده‌پردازی‌ایران	۵,۲۳۲	(۱۵۶)
ایران‌ارقام	۳,۳۸۱	(۱۴۰)
بیمه ملت	۱,۶۱۶	۶۲
ایران مرینوس	۹,۴۷۶	۳۶۴
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۱,۴۰۷	۵۴
سرمایه گذاری آتیه دماوند	۸,۰۴۰	۱۶۱
سرمایه گذاری البرز(هلدینگ	۴,۳۱۶	(۱۷)
گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۶,۷۸۰	(۱۱۴)
بانک انصار	۳,۰۳۰	۲۲
سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۵,۰۹۰	(۱۱۰)
توسعه صنایع بهشهر(هلدینگ	۳,۴۵۰	(۱۰)
بانک صادرات ایران	۲,۱۶۴	(۳۰)
بانک ملت	۲,۴۷۴	(۸۹)
سرمایه‌گذاری‌بهمن	۱,۵۷۸	۶۰
سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۱,۴۶۳	(۹)
سرمایه گذاری صنعت بیمه	۱,۸۲۶	۷۰
بانک‌پارسیان	۲,۹۹۸	۱۱۵
بانک پاسارگاد	۲,۰۱۹	۷۰
سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۲,۰۵۷	(۷۱)
داروپخش (هلدینگ	۱۳,۷۰۴	۵۲۷
پست بانک ایران	۹,۶۳۰	۳۷۰
بانک تجارت	۲,۲۷۳	۸۷
توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۳,۲۳۵	(۱۰۴)
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۲,۰۵۰	۱
سرمایه گذاری پارس توشه	۲,۶۶۶	(۱۱۱)
توسعه‌صنعتی‌ایران	۲,۳۸۰	۹۱
سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ	۲,۷۸۱	(۱۱۵)
سرمایه‌گذاری رنا(هلدینگ	۱,۴۹۲	۵۷
سرمایه‌گذاری سایپا	۱,۳۶۰	۵۲
سرمایه گذاری ساختمان‌ایران	۳,۶۶۷	(۴۰)
سرمایه‌گذاری سپه	۲,۴۰۷	۹۲
بانک سینا	۲,۱۷۵	۵
گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۲,۸۷۱	(۸۲)
سرمایه گذاری صنعت ومعدن	۲,۷۰۴	۱۰۴
سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ	۴,۴۳۹	(۱۴۰)
لیزینگ رایان سایپا	۱,۶۷۰	۶۴
لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۲,۴۶۲	(۱۸)
لیزینگ‌خودروغدیر	۱,۱۶۹	۱۷
لیزینگ‌ایران	۲,۴۵۱	۹۴
توسعه‌معادن‌وفلزات	۶,۹۵۰	(۸۳)
سرمایه‌گذاری‌ملت	۸۴۰	۱
سرمایه‌گذاری صنعت نفت	۱,۶۳۸	۶۳
بانک‌اقتصادنوین	۴,۲۰۹	(۱۷۵)
سرمایه‌گذاری‌نیرو	۲,۰۸۷	۸۰
سرمایه‌گذاری ملی‌ایران	۳,۴۱۹	۱۳۱
بانک کارآفرین	۲,۵۲۰	۲۰
کاشی اصفهان	۲,۵۴۰	۹۷
باما	۱۰,۵۸۰	(۴۴۰)
معادن بافق	۲۰,۹۴۸	(۸۷۲)
کاشی پارس	۴,۰۷۶	۱۵۶
پشم‌شیشه‌ایران	۶,۲۴۰	(۲۵۹)
تولیدی کاشی تکسرام	۲,۳۹۰	(۷۲)
معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۷,۲۷۰	(۲۸۱)
ح . معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۶,۱۵۰	(۲۳۲)
چینی ایران	۶,۲۷۱	۲۴۱
صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	۲۳,۴۱۴	۹۰۰
کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	۳,۳۵۴	(۱۳۹)
صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۸,۳۱۰	(۲۲۱)
توسعه معادن روی ایران	۳,۰۳۷	(۱۲۶)
ساپیاشیشه	۱,۱۸۴	۴۵
صنایع کاشی و سرامیک سینا	۱۰,۸۵۱	۴۱۷
سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	۲۸,۳۰۰	(۹۲۵)
پارس سرام	۵,۳۰۲	۲۰۳
کاشی سعدی	۴,۳۴۹	(۱۸۱)
ذغال‌سنگ نگین طبس	۵,۴۰۱	(۲۲۵)
فرآورده‌های نسوز پارس	۲,۵۶۵	۹۸
فراورده های نسوزایران	۳۱,۰۷۶	۱,۱۹۵
شیشه و گاز	۶,۳۵۶	(۲۶۴)
معدنی و صنعتی گل گهر	۹,۷۵۰	(۱۸۹)
کاشی الوند	۲,۲۶۷	۸۷
معادن‌منگنزایران	۸,۹۷۸	۲۵۹
کاشی نیلو	۲,۹۷۶	۱۱۴
تولیدی‌گرانیت‌بهسرام	۲,۴۲۳	(۱۲)

آغاز دور جدید اعزام کاروان راهیان نور

سنندج ـ خبرنگار اطلاعات: جلسه هماهنگی کمیته‌های کشوری زائرین کاروان‌ها، یادمان‌ها و خادمین راهیان نور به میزبانی بنیاد حفظ آثار و نشرارزش‌های دفاع مقدس استان کردستان در سنندج برگزار شد.

در این نشست نمایندگان سازمان‌ها، نهادها و وزارتخانه‌ها و همچنین یگان‌های نظامی و انتظامی و بسیج ضمن تبیین فعالیت‌های خود برای امکان و پذیرایی از کاروان راهیان نور دیدگاه‌ها، نیازها و توان مادی و معنوی خود را برای آغاز دور جدید این حرکت فرهنگی اعلام کردند.

در این جلسه همچنین مقرر شد برای جبران کسری و عقب‌ماندگی‌های مربوط به ایجاد و احیای مناطق یادمانی، هر وزارتخانه معین ساخت چند یادمان شود.

دبیر ستاد مرکزی راهیان نور کشور هم در این جلسه با قدردانی از همدلی و همراهی دستگاه‌های مربوطه از آغاز کار بازسازی ۵۰ یادمان در مناطق شمال‌غرب و غرب کشور خبر داد و گفت: احیا و بازسازی مناطق یادمانی و عملیاتی در غرب و شمال‌غرب کشور در دستور کار ستاد راهیان نور کشور قرار گرفته است و امیدواریم با فراهم شدن امکانات و ایجاد زیر ساخت‌ها، نقایص و کمبودها برطرف شود.

سرهنگ نادر ادیبی بااشاره به ظرفیت‌ها و استعدادهای استان‌های هدف در حوزۀ اعزام کاروان راهیان نور یادآور شد حضور راهیان نور در این استان‌ها بی شک یک فرصت برای معرفی و شکوفایی صنعت گردشگری این استان‌ها می‌تواند مدنظر قرار گیرد.

معاون هماهنگ‌کننده سپاه بیت‌المقدس کردستان هم در این جلسه آمادگی این یگان را برای پذیرایی و اسکان کاروان راهیان نور اعلام کرد و گفت: پارسال افتخار پذیرایی و اسکان ۲۰۰ هزار نفر از عزیزانی را داشتیم که برای بازدید از مناطق عملیاتی به کردستان آمدند و تا قبل از ماه مبارک رمضان هم پذیرای ۱۷ هزار زائر بودیم و با تمام توان در خدمت کاروان راهیان نور خواهیم بود.

سرهنگ‌ابراهیم حسینی‌افزود: اگر امروز به سهولت و دغدغه خاطر در جاده‌های اصلی و فرعی مناطق شهری و روستایی می‌توانید تردد کنید و امنیت پایدار حاکم است به برکت خون شهداست و این امنیت نعمتی است که شهدا به مردم ارزانی داشته‌اند.

قدردانی از مقام خبرنگار درسرایان

سرایان – خبرنگار اطلاعات: مراسم قدردانی از خبرنگاران و اصحاب رسانه در سرایان برگزار شد.

در این مراسم که همزمان با روز خبرنگار در سالن اجتماعات فرمانداری سرایان در خراسان جنوبی برگزار شد، حجت‌الاسلام نجمی پور امام جمعه سرایان با اشاره به سختی‌های حرفه خبرنگاری افزود: خبرنگاری شغل نیست بلکه هنر است و خبرنگار برای موفقیت در کار خود باید صداقت و اطلاعات به موقع و صحیح داشته باشد.

رمضانی رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی سرایان نیز گفت: جامعه‌ای موفق است که ابزار اطلاع‌رسانی را در دسترس داشته باشد و روزخبرنگار فرصت مناسبی است تا خبرنگاران و اصحاب رسانه مشکلات خود را با مسئولان شهرستان در میان بگذارند در ادامه مراسم نبی زاده فرماندار سرایان با گرامی داشت یاد و خاطره شهید صارمی و روز خبرنگار گفت: خبرنگاری رسالت سنگینی است که بر دوش خبرنگاران گذاشته شده است و خبرنگار باید به شغل خود عشق بورزد و منصفانه و بی‌طرف و با صداقت وسعه صدر به کار خود بپردازد. وی افزود: خبرنگاران باید همه جوانب را مد نظر داشته باشند و منصفانه مسائل را نقد کنند و در راه حل مشکلات مردم و خدمت به مردم تلاش کنند.

در ادامه خبرنگاران حاضر در جلسه مشکلات و موانع کار خود از جمله همکاری نکردن بعضی از مسئولان ادارات در برقراری اشتراک روزنامه‌ها، ارائه گزارش و نپذیرفتن انتقاد و نداشتن سعه صدر مسائلی را مطرح کردند و در پایان مراسم با اهدای لوح تقدیر و جایزه از خبرنگاران محلی قدردانی به‌عمل آمد.

موافقت با ایجاد ۶ رشته جدید دکترا در دانشگاه کاشان

کاشان ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس دانشگاه کاشان گفت: شورای گسترش آموزش عالی، باید با ایجاد شش رشته جدید دکترا در این دانشگاه موافقت کرد.

دکتر عباس کتابی اظهار داشت: مهندسی مکانیک ـ تبدیل انرژی، مهندسی شیمی، مهندسی کامپیوتر (هوش مصنوعی)، نانو فناوری ـ نانو الکترونیک، مهندسی برق ـ قدرت و مهندسی مکانیک ـ ساخت و تولید از رشته‌های جدید دکترا در این دانشگاه است.

وی با اشاره به اینکه حدود ۱۰۰ دانشجوی جدید در این رشته‌ها پذیرفته می‌شوند افزود: با ایجاد این رشته‌ها، تعداد رشته‌های دکترای این دانشگاه به ۳۹ رشته گرایش افزایش می‌یابد.

او اضافه کرد: تعداد رشته گرایش‌های دوره دکترای این دانشگاه در ۲ سال گذشته تاکنون چهار برابر رشد داشته است.

دکتر کتابی، به افزایش سه رشته جدید دکترا در پردیس دانشگاهی این دانشگاه نیز اشاره کرد و افزود: مهندسی برق ـ قدرت، مهندسی مکانیک ـ تبدیل انرژی و مهندسی معدن از رشته‌های جدید پردیس دانشگاهی دانشگاه کاشان است.

وی اظهار داشت: دانشگاه کاشان مهر امسال در ۳۰ رشته گرایش جدید در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا دانشجو می‌پذیرد.

۷۰۰۰ دانشجو در ۱۶۰ رشته گرایش در مجموعه دانشگاه، پردیس خواهران و پردیس دانشگاهی دانشگاه کاشان تحصیل می‌کنند.

تحقق ۳۹ درصدی اشتغال در اردبیل

اردبیل – خبرنگار اطلاعات: ۳۹ درصد تعهد اشتغال استان اردبیل در چهار ماهه ابتدای امسال محقق شده است.

اکبر نیکزاد استاندار اردبیل در جلسه شورای اشتغال استان اردبیل گفت: با تلاش و همت دستگاه‌های اجرایی و بانک‌های عامل باید این میزان اشتغال در استان تا آبان امسال به صد درصد برسد تا بتوانیم زمینه را برای ایجاد اشتغال در بین جوانان منطقه فراهم کنیم.

او افزود: با توجه به اینکه از ابتدای سال تاکنون ۱۳ هزار و ۴۵۷ فرصت شغلی در این استان ایجاد شده است انتظار می‌رود همین روند باسرعت‌وشتاب‌بیشتر موردپیگیری و هدف‌گذاری دستگاه‌های اجرایی و بانک‌های عامل قرار گیرد.

او در بخش دیگری از سخنان خود از پرداخت یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان تسهیلات مشاغل خانگی در استان خبر داد.

استاندار اردبیل با اشاره به اینکه ۶۵ درصد اعتبار مشاغل خانگی از سوی بانک‌های عامل پرداخت شده است، اضافه کرد: بانک‌های عامل باید همت و تلاش بیشتری کنند تا پرداختی‌های خود را در حوزه مشاغل خانگی به میزان قابل قبولی افزایش دهند.

استاندار اردبیل ادامه داد: کمیته امداد امام خمینی(ره)، بهزیستی و بنیاد شهید و امور ایثارگران استان اردبیل از مجموع اعتبارات خود به ترتیب ۲۴ درصد، ٤ درصد و ۳٦ درصد پرداختی داشتند که درجلسات مشترک با هر یک از این نهادها با حضور مدیران عامل بانک‌ها نسبت به سرعت‌بخشی به روند پرداخت‌ها توسط این دستگاه‌ها اقدام می‌شود.

وی گفت: هر چقدر هماهنگی و همکاری بین دستگاه‌های اجرایی بیشتر باشد در زمینه ایجاد اشتغال موفقیت‌های زیادی به دست می‌آوریم و دستگاه‌ها باید با این رویکرد با یکدیگر همکاری داشته باشند و امور را پیش ببرند.

بررسی مشکلات واحدهای صنعتی دامغان

دامغان ـ خبرنگار اطلاعات: نمایندۀ مردم دامغان در مجلس شورای اسلامی از بررسی مسائل و مشکلات واحدهای صنعتی این شهرستان با حضور سیدعلیرضا شجاعی معاون برنامه‌ریزی وزیر صنعت، معدن و تجارت خبر داد.

عبدالرحمان رستمیان گفت: با هماهنگی و برنامه‌ریزی انجام شده مسائل پنج واحد صنعتی دامغان که دارای مشکلات عمده‌ای هستند بررسی خواهد شد. وی یادآور شد دیدار از دو واحد صنعتی بزرگ این شهرستان از دیگر برنامه‌های سفر یکروزه معاون برنامه‌ریزی وزیر صنعت، معدن و تجارت به این شهرستان خواهد بود.

توزیع بودجه شهرستان‌های استان ایلام

ایلام – خبرنگار اطلاعات: بودجه شهرستان‌های استان ایلام توزیع شد.

استاندار ایلام در نشست شورای برنامه‌ریزی استان تاکید کرد: فرمانداران باید در نخستین فرصت پیشنهادهای خود را به شورای برنامه‌ریزی استان ارائه کنند. محمود عباس‌زاده مشکینی با اشاره به این‌که در تخصیص اعتبارات به نظرات فرمانداران توجه می‌شود، افزود: مسئولان ادارات استان ایلام نیز در این مهم سهیم هستند.

وی یادآورشد: بودجه تصویبی مجلس ۶۵ تا ۷۰ درصد با لایحه دولت تفاوت دارد و اساسی‌ترین تغییر بودجه کاهش سهم استانی و افزایش سهم بودجه ملی است. حشمت‌الله عسگری معاون برنامه ریزی استاندار ایلام نیز گفت: بودجه کشور امسال ۷۲۷۰ میلیارد ریال است که سهم استان ایلام از آن معادل ۵٦۰ هزار میلیارد ریال است. وی با اشاره به کاهش بودجه استان در مقایسه با پارسال تاکید کرد: امسال اعتبارات ملی افزایش یافته است و مسئولان ارشد استان باید به همراه نمایندگان ایلام در مجلس بیش از پیش برای جذب اعتبارات ملی تلاش کنند.

معاون برنامه‌ریزی استاندار ایلام از فرمانداران و مدیران استان خواست با نهایت دقت در کمیته‌های برنامه‌ریزی شهرستان‌ها ضوابط بودجه‌ای امسال را رعایت کنند.

کوتاه از چهار گوشه کشور

گچساران؛ میزبان مسابقات دهگانه استانی قرآن کریم

گچساران ـ خبرنگار اطلاعات: گچساران میزبان مسابقات دهگانه استانی قرآن کریم با حضور ۱٤۰٤ دانش‌آموز از سراسر کهگیلویه و بویراحمد شد.

مدیر آموزش و پرورش گچساران گفت: این مسابقات به منظور شناسایی هرچه بیشتر توانمندی‌های دانش‌آموزان گچسارانی در زمینه آموزه‌های قرآنی برگزار می‌شود. یدالله مرادی افزود: جشنواره قرآن، نماز و عترت استانی در بخش‌های قرائت، حفظ و تفسیر قرآن، نهج‌البلاغه، صحیفه سجادیه، اذان، مداحی، احکام، خطاطی، نماز و انشای نماز با حضور دانش‌آموزان سراسر استان برگزار خواهد شد. وی اضافه کرد: در گروه خواهران رشته‌های اذان و مداحی جزو بخش‌های جشنواره قرآن، نماز و عترت نخواهد بود و مسابقات این گروه در هشت رشته برگزار می‌شود.

جمع آوری ۲ میلیارد و ۷۰ میلیون ریال زکات در هرمزگان

بندرعباس ـ خبرنگار اطلاعات: در ٤ ماه امسال مردم نوعدوست و نیکوکار استان هرمزگان ۲ میلیارد و ۷۰ میلیون ریال زکات پرداخت کردند. مرتضی موصلی مدیرکل کمیته امداد امام خمینی(ره) استان هرمزگان در نشست با کارکنان این اداره کل با بیان خبر بالا افزود: این میزان پرداخت نسبت به پارسال ۳۵ درصد افزایش دارد. وی ادامه داد: زکات جمع‌آوری شده در کارهای عمرانی در روستاهای شهرستان‌هایی که زکات پرداخت کردند، هزینه می‌شود. او اضافه کرد: بیشترین زکات جمع‌آوری شده مربوط به شهرستان‌های بستک، پارسیان و بندر لنگه است.

قهرمانی تیم والیبال بانوان فریدونکنار در جام رمضان

بابلسر ـ خبرنگار اطلاعات: باشرکت ۹ تیم از شهرهای مختلف مازندران در دومین دوره از مسابقات قهرمانی والیبال بانوان جام رمضان، تیم‌های فریدونکنار و بهنمیر به ترتیب قهرمانی و نائب‌قهرمانی را از آن خود کردند که نتیجه دیدار آن‌ها با پیروزی ۳ بر ۲ به سود فریدونکنار به پایان رسید.

در ادامه رقابت‌ها، تیم‌های دهیاری باقرتنگه و بابلسر به مقام‌های سوم و چهارم رسیدند. این مسابقات ۱۰ شب با حضور تیم‌های دهیاری باقرتنگه، باقرتنگه(ب)، بابلسر، فریدونکنار (الف)، فریدونکنار (ب)، فریدونکنار، بهنمیر، محمودآباد و سرخرود به صورت دو حذفی در سالن‌های ورزشی تیرگر و اکباتان بهنمیر برگزار شد. در پایان این دوره از مسابقات به تیم‌های اول تا سوم جوایزی اهدا شد.

معرفی سرپرست اداره بهزیستی دامغان

دامغان ـ خبرنگار اطلاعات: در حکمی از سوی مدیرکل بهزیستی استان سمنان، ابوالقاسم خطیب‌زاده به عنوان سرپرست جدید اداره بهزیستی شهرستان دامغان منصوب شد و از زحمات و خدمات دکتر محمود منطقی سرپرست قبلی اداره قدردانی به عمل آمد.

کمک به مددجویان رشت

رشت ـ خبرنگار اطلاعات: مردم گیلان پارسال ۷۵ میلیارد ریال صدقه دادند. معاون توسعه مشارکت‌های مردمی کمیته امداد امام خمینی(ره) گیلان با اعلام این خبر افزود: مردم گیلان از ابتدای امسال تا پایان تیر نیز ۲۰ میلیارد ریال صدقه داده‌اند. محمدعلی رمضانی گفت: این میزان صدقه در ٤ ماه نخست امسال در مقایسه با مدت مشابه پارسال ۲۵ درصد افزایش یافته است.

وی افزود: برای جمع آوری صدقات مردم ٤۰۰۰ صندوق در مناطق مختلف گیلان نصب شده است. وی در پایان گفت: در ماه مبارک رمضان نیز از ۱۰۰۰ مددجوی زیرپوشش این نهاد به صرف افطاری در مصلای رشت پذیرایی شد.

ایلام نیاز به توسعه زیرساخت‌ها دارد

ایلام – خبرنگار اطلاعات: استان ایلام نیاز به توسعه زیرساخت‌ها دارد و رفع مشکلات مردم باید در دستور کار مسئولان قرار گیرد.

نماینده مردم ایلام، ایوان، مهران، سیروان، ملکشاهی و چرداول در مجلس شورای اسلامی در نشست مدیران استان ایلام افزود: اولویت بودجه ریزی استان در بخش راهسازی و آبرسانی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

عمران علیمحمدی با اشاره به مشکلات مردم در زردلان و هلیلان، گفت: محرومیت و فقر؛ کمبود یا نبود یا دور از دسترس بودن آب آشامیدنی سالم و امکانات بهداشتی – درمانی و تحصیلی و نداشتن برق گوشه‌ای از مشکلات مردم «زردلان ایلام» است. وی همچنین با اشاره به معضل بیکاری در استان ایلام خواستار توجه بیشتر به قشر تحصیلکرده شد و تاکید کرد: مدیران باید با دلسوزی و مسئولیت‌پذیری برای رفع نیازها و مشکلات جوانان تلاش کنند.

مسابقات والیبال جام رمضان سرایان

سرایان – خبرنگار اطلاعات: مسابقات والیبال جام رمضان سرایان با شرکت ٦ تیم در سالن شهیدان رحیمی این شهرستان برگزار شد.

در پایان این مسابقات تیم پایگاه امام خمینی(ره) با غلبه بر تیم دهیاری سبطاق مقام اول را از آن خود کرد.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

بقیه از صفحه ۱۳

شیراز یا کابل؟!

عده‌افغانی‌های مقیم شیراز که نبض بازار آهن، بازار وکیل و امور ساختمانی این شهر را به دست گرفته‌اند، به قدری زیاد است که دیگر بین شیراز و کابل، تفاوتی نمی‌توان قایل شد! چرا مسئولان اجازه می‌دهند که فرصت‌های شغلی این چنین از دست برود و جوانان ما در به‌در به دنبال یک شغل آبرومند باشند؟

شیراز ـ جاوید

ساخت و سازهای غیرمجاز در شهرری

با توجه به ساخت و سازهای غیرمجاز که در شهرری رخ می‌دهد، هر کوچه‌ای در این شهر به یک شهرک غیرمجاز تبدیل می‌شود و مسئولان شهرداری همچنان به تقاضاهای مردم در خصوص جلوگیری از ساخت‌و سازهای غیرمجاز بی‌توجهند!

شهرری ـ یک شهروند

پیشنهادی برای صرفه‌جویی در مصرف آب

با توجه به بحران کم‌آبی در تهران و دیگر شهرهای بزرگ، پیشنهاد می‌شود که ساخت و ساز به مدت یک هفته در این شهرها متوقف شود تا همگان به وضوح ببینند که چگونه مشکل کم‌آبی تا حد زیادی کاهش خواهد یافت.

خانم شهروند تهرانی

قطع مکرر آب در غرب تهران

مسئولان شرکت آب و فاضلاب تهران در اظهاراتی نادرست اعلام می‌کنند که در روزهای ابتدایی مردادماه فقط قسمتی از شرق تهران دچار قطعی آب شده است، در حالی که چند روز متوالی آب مناطق غرب تهران نیز طی ساعت‌های طولانی قطع شده است.

خانم ساکن غرب تهران

از پرداخت معوقات خبری نشده است

قرار بود ۲۰۰ هزار تومان دیگر از مطالبات فرهنگیان کشوری پرداخت شود، اما تا امروز یک‌ریال آن‌هم پرداخت نشده است. مسئولان ذی‌ربط آنقدر با احساسات و عواطف بازنشستگان بازی نکنند!

فرهنگی بازنشسته

درختان در حال خشکیدن است

به‌دلیل عدم آبیاری کافی و به موقع درختان بلوار استاد معین و خیابان‌های دکترهشیار، طوس، دامپزشکی، هاشمی، محمدخانی وغیاثوند در حال خشکیدن است و جا دارد شهرداری منطقه۹ در این خصوص چاره اندیشی کند.

از ساکنان منطقه۹ شهرداری

نام پارک پردیسان بی‌مسمی است!

به‌نظر می‌رسد ٦۰ تا ۷۰ درصد از مساحت پارک پردیسان، بایر و بیابانی و فاقد درختکاری و فضای سبز است. با این حال چگونه می‌توان نام آن را پارک گذاشت؟

مهدی عباسی مهدی آبادی

یک دارو ۲ نرخ!

اغلب داروخانه‌ها قیمت رسمی و سابق داروها را در دفترچه‌های بیمه می‌نویسند، اما قیمت‌های جدید و بیشتری از بیماران دریافت می‌دارند که گاه چند برابر قیمت‌های سابق است!

از مراجعان به داروخانه

پاسخ مسئولان

پاسخ شرکت واحد اتوبوسرانی درخصوص انتقال ایستگاه اتوبوس‌های انقلاب ـ ترمینال جنوب

احتراماً با عنایت به مطلب مندرج در آن روزنامه به تاریخ ۱۳۹۲/٤/۲٦، با عنوان «انتقال ایستگاه اتوبوس‌های انقلاب ـ ترمینال جنوب» به آگاهی می‌رساند: از آنجایی که جابه‌جایی و تعیین ایستگاه‌های خطوط مختلف اتوبوسرانی بر عهده این شرکت نمی‌باشد، همان‌گونه که در متن پیام‌ذکر شده است پاسخگویی به مطلب عنوان شده در حیطه وظیفه معاونت حمل و نقل و ترافیک منطقه مربوطه است.

فریگرد رزم‌آزما ـ مشاور مدیرعامل در امور اطلاع‌رسانی و تبلیغات

ثبت ۴۳۰۰ موقوفه در خراسان شمالی

بجنورد ـ خبرنگار اطلاعات: مدیر کل اوقاف و امور خیریه خراسان شمالی، از ثبت ۴۳۸۷ موقوفه در این استان خبر داد.

حجت‌الاسلام سیف‌الله سهرابی، در نشست خبری با خبرنگاران گفت: از این تعداد ۳۱۳۰ موقوفه منفعتی ۱۲۵۷ موقوفه انتفاعی است.

وی از همه سرمایه‌گذاران و علاقه‌مندان خواست با سرمایه‌گذاری در این موقوفات آنها را به حالت درآمدزا تبدیل کنند.

او شمار بقاع متبرکه و امامزادگان استان را نیز ۱۶۵ مورد ذکر کرد و افزود: نگاه ویژه‌ای نسبت به فضای فیزیکی امامزادگان در استان وجود دارد تا تکمیل و یا شروع به کار شود.

وی اشاره‌ای نیز به اجرای طرح میقات‌الرضا شروع کرد و گفت: این طرح برای رفاه حال زائرین عبوری از استان به سمت حرم مطهر امام رضا(ع) انجام می‌شود که در هفت نقطه از جمله امامزاده چمن بید برای اجرای این طرح درنظر گرفته شده است و در هفته ولایت و کرامت کلنگ‌زنی و اجرا می‌شود.

او در پایان اجرای طرح نشاط معنوی، اعزام مبلغ در ایام و مناسبت‌های سال، برگزاری مسابقات قرآنی، حضور قاریان مصری و اجرای طرح تربیت حافظان قرآن را از جمله برنامه‌های فرهنگی این سازمان اعلام کرد.

خرید ۲۳ هزار تن گندم از گندمکاران مانه و سملقان

مانه و سملقان ـ خبرنگار اطلاعات: جلسه شورای اداری کارگزاران دولت نهم و دهم در مانه و سملقان برگزار شد.

در این جلسه فرمانده مانه و سملقان گفت: داشتن مسئولیت در این نظام یک فرصت مغتنمی است که باید از آن استفاده کنیم و خدمت به جامعه و مردم را قدر بدانیم و به دنبال جلب رضایت مردم باشیم.

سیدمحمدرضا هاشمی با بر شمردن گوشه‌ای از خدمات انجام شده در این شهرستان در طول ۸ سال گذشته گفت: ساخت ۱۰۸ فضای آموزشی، ۲۱ خانه عالم، بازسازی ۲۵ گلزار شهدا، ساخت ۸۲ ساختمان دهیاری، ۳۸ پارک کودک، ۱۰۰ کیلومتر پوشش انهار، ساخت ۶۶۷۷ واحد مسکن مهر که ۹۶۱ واحد آن خود مالک است گوشه‌ای از خدمات دولت مردان و دستگاه‌های اجرایی این شهرستان است.

وی در بخش دیگری با اشاره به موقعیت مانه و سملقان در بحث کشاورزی گفت: با توجه به فصل برداشت گندم در این شهرستان تاکنون ۲۳ هزار تن گندم از کشاورزان خریداری و در سیلوها ذخیره شده است.

بزرگداشت روز خبرنگار در بناب

بناب ـ خبرنگار اطلاعات: آیین بزرگداشت روز خبرنگار در بناب برگزار شد.

در این آیین فرماندار بناب با تأکید بر این که باید با اطلاع‌رسانی صحیح زمینه اعتماد مردم به مسئولان افزایش یابد، افزود: خبرنگاران چشم بیدار جامعه هستند و باید تمام وقایع و رویدادها را بطور صحیح و واقعی انعکاس دهند.

وی با اشاره به این که مردم باید با اطلاع‌رسانی صحیح از مشکلات جامعه آگاه شوند، نقش خبرنگاران و رسانه‌ها را در خنثی کردن توطئه‌های دشمنان مؤثر خواند.

سعید برقی همچنین با تأکید بر لزوم آموزش حرفه‌ای خبرنگاران، گفت: خبرنگاران بناب باید در مسیر توسعه و پیشرفت این شهرستان تلاش کنند. در این آیین رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی بناب نیز با گرامیداشت روز خبرنگار یادآور شد: خبرنگاران نقش اساسی در تبیین اهداف والای انقلاب اسلامی داشته‌اند.

حبیب صدقی امانتداری را یکی از ضروریات عرصه خبر دانست و افزود: تمام تلاش خبرنگاران این است که خواست‌ها و انتظارات مردم را به گوش مسئولان برسانند.

وی سپس با تأکید بر لزوم حمایت از خبرنگاران به عنوان پیشقراولان عرصه اطلاع‌رسانی و خبر، از آمادگی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی بناب برای برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای خبرنگاران خبر داد، او گفت: خبرنگاران فعال در بناب سعی کرده‌اند با کمترین امکانات در راستای توسعه و پیشرفت شهر و آنچه موجب ایجاد اتحاد و اتفاق بین مسئولان می‌شود، حرکت کنند.

در ادامه با اهدای لوح از خبرنگاران شهرستان بناب قدردانی شد. در این نشست خبرنگاران نیز مطالبی درباره موانع تهیه و ارسال خبر بیان کردند.

تخفیف ۵۰ درصدی عوارض واردات و جرایم خودروهای پلاک اروند

خرمشهر ـ خبرنگار اطلاعات: به مناسبت عید سعید فطر عوارض واردات خودرو به منطقه آزاد اروند از ۱۹ مرداد تا ۱۹ شهریور و جرایم خودروهای پلاک اروند از ۱۹ تا ۲۸ مرداد شامل ۵۰ درصد تخفیف خواهد شد. به گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان منطقه آزاد اروند مهدی نیک‌پی با اعلام این خبر افزود: شهروندان آبادانی و خرمشهری می‌توانند به مناسبت عید سعید فطر از ۱۹ مرداد تا ۱۹ شهریور از تخفیف ۵۰ درصدی عوارض واردات خودرو به منطقه آزاد اروند برخوردار شوند. او اضافه کرد: متقاضیان برای برخورداری از این تخفیف باید در این ایام نسبت به ورود خودرو خود به منطقه آزاد اروند از طریق بندر خرمشهر اقدام کنند. وی همچنین از تخفیف ۵۰ درصدی جرایم خودروهای پلاک اروند خبر داد و گفت: مالکان برای برخورداری از بخشودگی ۵۰ درصدی جرایم خودروهای پلاک اروند می‌توانند از ۱۹ تا ۲۸ مرداد جاری به گمرک منطقه آزاد اروند مستقر در بندر خرمشهر مراجعه کنند. رئیس هیأت مدیره منطقه آزاد اروند ادامه داد: از زمان آغاز طرح واردات خودرو به منطقه آزاد اروند تخفیف‌های ویژه عوارض به مناسبت‌های مختلف برای شهروندان آبادانی و خرمشهری اعمال شده است.

وی گفت: بیش از ۱۶۰۰ خودرو با پلاک منطقه آزاد اروند در شهرهای آبادان و خرمشهر در حال تردد هستند که محدوده تردد این خودروها تا مرکز استان خوزستان و طبق نقشه مندرج در سایت سازمان منطقه آزاد اروند است.

خبرنگاران کارهای شهرداری نیشابور را به نقد بکشند

نیشابور ـ خبرنگار اطلاعات: شهردار نیشابور از خبرنگاران دعوت کرد کارهای شهرداری را به نقد کارشناسانه بکشانند.

محمدحسن زرندی در جلسه قدردانی از خبرنگاران برتر حوزه اخبار شهرداری نیشابور در اتاق جلسات این شهرداری، افزود: انتقادهای خبرنگاران می‌تواند خط‌مشی خوبی برای اصلاح فعالیت‌های مدیران باشد و ما ادعا نداریم که کارهای‌مان ضعف ندارد.

وی با بیان این‌که بزودی سازمان فرهنگی ورزشی شهرداری نیشابور فعالیت خود را آغاز می‌کند افزود: با ایجاد این سازمان نحوه ارتباط با خبرنگاران به شکل ویژه‌ای رقم می‌خورد.

او در پاسخ به انتقاد مدیر دفتر رسانه‌ای صادقی درباره ساماندهی دکه‌های شهری و به خدمت گرفتن آنها برای توسعه فرهنگی با اشاره به شناسایی دکه‌های سطح شهر و مستندسازی فعالیت آنها، اطلاع داد و گفت: فقط ۳۰ دکه در این شهرستان قرار داد اجاره دارند که ۵۰ درصد آنها اجرات خود را به هنگام می‌پردازند.

وی افزود: متأسفانه دکه‌ها به جای این که کمک امور فرهنگی باشند، بعضاً به ابزاری ضدفرهنگی تبدیل شده‌اند.

وی در پاسخ انتقاد بزرگی نماینده نسیم نیشابور، اضافه کرد: من به این نیت به نشریات رپرتاژ آگهی نمی‌دهم که از من انتقاد نکنند، بلکه اتفاقاً رپرتاژ می‌دهم که رویکردهای شهرداری را به انتقاد بکشند.

هادی صبوری مسئول واحد روابط عمومی شهرداری نیشابور نیز با اشاره به اینکه از حرفه خبرنگاری به این دستگاه آمده است، گزارشی از روند فعالیت‌های خبری و آگهی شهرداری نیشابور و همکاری با خبرنگاران، ارائه کرد.

در این جلسه از حامد صادقی مسئول دفتر رسانه‌ای صادقی، رضا داروغه مسئول دفتر واحد مرکزی خبر، حسن خواجویی سردبیر نشریه فرسیمرغ، مجتبی توزنده‌جانی مدیر اجرایی نشریه مهر نیشابور، حسین بزرگی و احسان سلیمانی مسئولان واحد آگهی‌های نشریات نسیم نیشابور و خیام‌نامه، مهدی کوثری، زینب شادی و مهدی دشتی مدیرمسئول و مسئولان واحدهای خبر و عکس نشریه شادیاخ ارگان شهرداری و شورای اسلامی شهر نیشابور قدردانی شد.

پرداخت نیم‌درصد بودجه سالانه شهرداری به کتابخانه عمومی بافق

بافق ـ خبرنگار اطلاعات: نیم‌درصد از بودجه و اعتبارات شهرداری بافق به کتابخانه‌های عمومی اختصاص یافته است.

شهرداری بافق در گفتگو با اطلاعات ضمن اعلام این مطلب توسعه کتابخانه عمومی و افزایش و تنوع موجود در این کتابخانه را موجب مراجعه بیشتر مردم به این فضا و غنی‌سازی اوقات فراغت جوانان و نوجوانان برشمرد. حسن تفکری گفت: هرچه در شهرمان کتاب و کتابخوانی رونق پیدا کند سطح فرهنگ و دانش جامعه افزایش می‌یابد و علاقه مردم به کتابخوانی، جستجوی مطالب و تحقیق و پژوهش زیادتر خواهد شد.

وی کمک به کتابخانه را نوعی سرمایه‌گذاری برشمرد و گفت: کتابخانه‌هایی که از لحاظ فضا و موضوع کتب غنی هستند، انسان را بیشتر به سوی خود جذب می‌کنند و سرمایه‌های انسانی ارزشمندی تحویل جامعه می‌دهند.

وی پائین بودن سرانه کتابخوانی در بافق را ناشی از کمبود کتاب با موضوعات مختلف و نیز کمبود فضاهای کتابخانه ذکر کرد و افزود: کمک همه جانبه به نیازمندی‌های کتابخانه، ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی را در جامعه رونق و گسترش می‌دهد.

او با بیان این که هر سال نیم درصد از بودجه شهرداری به تنها کتابخانه عمومی شهر اختصاص می‌یابد اضافه کرد: در ٤ سال معادل یک میلیارد و ۱۷۳ میلیون و ۲۰۰ هزار ریال به کتابخانه عمومی بافق کمک شده است. وی به بودجه امسال و شهرداری اشاره کرد و گفت: پیش‌بینی می‌شود امسال نیز افزون بر ٤٧٥ میلیون ریال به کتابخانه عمومی شهرمان پرداخت شود.

سنندج میزبان جشنواره سراسری شعر و داستان جوان سوره

سنندج – خبرنگار اطلاعات: رئیس حوزه هنری استان کردستان گفت یازدهمین جشنواره سراسری شعر و داستان جوان سوره ۲۵ تا ۲۷ مرداد در سنندج برگزار می‌شود.

امین مرادی افزود: این جشنواره شامل بخش‌های مختلفی از جمله داستان کوتاه و بلند بزرگسالان داستان کوتاه کودک و نوجوان، شعر کودک و جوان شعرنو، نیمایی و آزاد، شعر کلاسیک و ترانه و سرود است که خوشبختانه با استقبال بسیار خوب شاعران و نویسندگان روبرو شده و ارسال آثار قابل توجه به دبیرخانه جشنواره موید این واقعیت است.

وی افزود: نکته قابل تأمل در برگزاری جشنواره برگزاری بخش ویژه آن باعنوان نگاه به ادبیات بومی و شعر و داستان کردی است که نشأت گرفته از تأکیدات مقام معظم رهبری مبنی برتوجه به زبان و فرهنگ کردی در جریان سفر تاریخی به کردستان است.

وی گفت: قدردانی از سه شاعر و ادیب برجسته کرد مرحوم ماموستا، هه‌ژار، مرحوم شاهرخ اورامی و عمر صالحی صاحب از جمله برنامه جانبی جشنواره است و علاوه بر آن برای شرکت‌کنندگان بازدید از اماکن مذهبی تاریخی و تفریحی پیش‌بینی شده است و نمایشگاه و فروشگاه عرضه کتاب ویژه هنرمندان کردزبان و صنایع دستی هم برپا می‌شود.

قدردانی از خبرنگاران چناران

چناران – خبرنگار اطلاعات: همزمان با سالروز شهادت شهید صارمی و روز خبرنگار در مراسمی که در سالن آمفی تئاتر خواجه نظام الملک چناران برگزار شد، از خبرنگاران این شهرستان قدردانی به عمل آمد.

در این مراسم فرماندار چناران گفت: خبرنگاری شغل پر مخاطره‌ای است چنانکه تاکنون خبرنگاران زیادی در عرصه‌های مختلف چون دفاع مقدس جان خود را از دست داده‌اند.

سید علی حسینی افزود اثرگذاری شغل خبرنگاری یک توقع ویژه‌ای را برای خبرنگاران ایجاد کرده است. چنانکه گاهی این اثر گذاری از پیگیری یک نهاد و نامه بسیار بیشتر است.

فرماندار چناران تیزبینی، امانتداری، سرعت عمل، صداقت وسعه صدر را از مهمترین خصوصیات یک خبرنگار موفق اعلام کرد و افزود: مسئولان با برقراری ارتباط منطقی با رسانه و خبرنگار باید فرصت مطالبه گری خبرنگاران را برای اطلاع‌رسانی و پاسخ‌گویی به افکار عمومی مغتنم شمارند.

امام جمعه چناران هم گرامیداشت روز خبرنگار را پاسداشت امانتداری برشمرد و گفت: با توجه به اهمیت جایگاه و نقش و رسالت خبرنگاران، نباید تجلیل از آنان که حلقه اتصال بین مردم و مسئولین هستند تنها در یک روز خلاصه شود.

حجت‌الاسلام تاجی افزود: خبرنگاران با انعکاس مسائل و مشکلات جامعه با دلسوزی و تلاش به رشد و توسعه و اعتلای جامعه کمک می‌کنند.

حسین عباسی رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی چناران هم ضمن ارائه گزارشی از فعالیت خبرنگاران و حضور نشریات از تشکیل انجمن صنفی خبرنگاران و تاسیس بانک اطلاعات خبرنگاران در این شهرستان خبر داد.

برگزاری یادمان واقف مُجنی

مجن ـ خبرنگار اطلاعات: براساس سنتی که در سال‌های اخیر در شهر مجن برگزار می‌شود، مردم این بخش یاد و خاطرهٔ واقف خیراندیش شهرستان زنده یاد حاج ملامحمد ملک مجنی را گرامی داشتند.

مردم مُجن در آیین‌های جداگانه در نیمه دوم ماه رمضان هر سال با گردهمایی در مسجد قدیمی شهر که توسط این واقف ساخته شده است از او قدردانی می‌کنند.

این واقف مجنی ساخت ساختمان مسجد امام حسین(ع) را که در سال‌های ٦٠ تا ٦٢ در طرح تعریض خیابان اصلی مُجن قرار گرفته بود به عهده گرفت و علاوه بر ساخت مسجد یاد شده، باغ غریب مساحت ۳ هکتار مثمر و دارای درختان سیب، گیلاس و زردآلو و نیز ٤٠ ساعت آب از رودخانه و قنوات مجن و نیز ۲ هکتار باغ جدیدالتأسیس را از مالکیت خود به امر احیای باغ و هزینه‌های جاری و نگهداری مسجد و اطعام و عزاداری و نیز بخشی از درآمدهای این موقوفات را در ایام فاطمیه(س) به برپایی عزاداری برای حضرت فاطمه(س) اختصاص داد.

اخبار کوتاه شهرستان

قدردانی از برگزیدگان مسابقات کشوری ایروکاپ و جشنواره خوارزمی

بجنورد ـ خبرنگار اطلاعات: همایش قدردانی از برگزیدگان مسابقات کشوری ایروکاپ و جشنواره خوارزمی در خراسان شمالی برگزار شد.

در این همایش از ۲۸ دانش آموز برگزیده مسابقات کشوری ایروکاپ و چهاردهمین جشنواره جوان خوارزمی با حضور معاون آموزش متوسط اداره کل آموزش و پرورش، رئیس اداره فناوری اطلاعات و آمار و خانواده‌های دانش‌آموزان برگزیده قدردانی به عمل آمد.

اکبرزاده معاون آموزش متوسط اداره کل آموزش و پرورش خراسان شمالی با قدردانی از تلاش‌های دانش‌آموزان و مربیان تیم‌های برگزیده مسابقات گفت: توسعه علوم و توجه به آموزش‌های فناوری‌های نوین از جمله نانو، ایروکاپ و ایجاد روحیه خلاقیت و نوآوری در دانش‌آموزان از اهداف آموزش و پرورش است.

تیم‌های شرکت‌کننده در مسابقات کشوری ایروکاپ موفق به کسب سه عنوان سومی کشور و یک عنوان یازدهمی شدند.

درخشش دانش‌آموزان رودبار در جشنواره جابربن حیان

لوشان ـ خبرنگار اطلاعات: دانش‌آموزان ابتدایی رودبار زیتون در مرحله استانی جشنواره جابربن حیان درخشیدند.

عبدالمناف زارع کارشناس گروه‌های آموزشی، آموزش و پرورش رودبار با اعلام این خبر افزود: مرحله استانی جشنواره جابربن حیان با هدف ارتقای دانش و مهارت‌های علمی و عملی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی در اجرای سند تحویل بنیادین و سند چشم‌انداز ۱۴۰٤ وزارت آموزش و پرورش برگزار می‌شود.

قدردانی از خبرنگاران رودبار

* آیین تکریم از زحمات و تلاش خبرنگاران رسانه گروهی در رودبار برگزار شد.

در این مراسم که با حضور اصحاب رسانه و خبرنگاران شبکه استانی و شبکه خبر و خبرنگاران نشریات و روزنامه اطلاعات و با حضور مهندس رجبی فرماندار رودبار و رؤسای ادارات و نهادها برگزار شد از زحمات و تلاش و دقت و توجه و کوشش بی‌دریغ و بی‌وقفه خبرنگاران سخت‌کوش رودبار از جمله ایرج فدایی بیورزنی (خبرنگار روزنامه اطلاعات)، جهانی خبرنگار شبکه خبر، خبرنگار هفته‌نامه شکوفه‌های زیتون و هفته‌نامه سردار جنگل قدردانی به عمل آمد.

خبرنگاری به رغم همه مشکلات حرفه مقدسی است

بهبهان ـ خبرنگار اطلاعات: خبرنگاری به رغم همه مشکلات و تنگناها مقدس است. رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی بهبهان با بیان مطلب بالا، افزود: خبرنگار باید موشکافانه مسایل را ارزیابی کرده و سعی کند مطالبی که منعکس می‌کند موجب ایجاد تنش در جامعه نشود. حجت‌الاسلام حسینی منفرد افزود: این اداره آماده همکاری و تعامل با خبرنگاران است که امیدواریم بتوانیم جوابگوی مشکلات آنان باشیم.

برگزاری آیین تحلیف وکلای کرمان

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: آیین تحلیف عده‌ای از وکلای استان کرمان برگزار شد.

رئیس کانون وکلای دادگستری استان کرمان در این آیین وکلا را همکاران دستگاه قضایی و یک بال اجرای عدالت دانست و گفت: زمانی که یک وکیل وارد یک پرونده مهم می‌شود قاضی در رسیدگی به پرونده احساس راحتی می‌کند. محمد عارفی امانتداری یک وکیل را بسیار مهم خواند و تاکید کرد: وکلای دادگستری باید حافظ اسرار موکلشان باشند و آنچه را در سینه دارند حفظ کنند. وی با اشاره به تاسیس کانون وکلای دادگستری ایران در سال ۱۳۳۳ با هدف جلوگیری از تاثیرپذیری وکالت از سیاست یادآور شد: کانون وکلای دادگستری استان کرمان از ۲۱ بهمن سال ۸۹ فعالیت خود را آغاز کرده است.

جمع‌آوری ۲۷۰۰ رشته دام صیادی غیرمجاز در مازندران

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: ۲۷٤۹ رشته دام صیادی غیرمجاز در ماه گذشته در آب‌های ساحلی مازندران جمع‌آوری و ضبط شد.

فرمانده یگان حفاظت منابع آبزیان مازندران با اعلام این خبر افزود: در همین راستا ۱۲۰ قطعه ماهی استخوانی، ٦٧٥٩ عدد کرف صیادی، سه دستگاه لاکش، سه فروند قایق، سه دستگاه انواع موتور قایق دریایی سبک و سنگین، هشت حلقه لاستیک، ۸۳ شاخه لنگر، یک جفت فوکا و سه دستگاه لنسر کشف و ضبط شد.

علی نیازی از دستگیری هشت متهم خبر داد و افزود: پرونده‌های این متخلفان به مرجع قانونی برای رسیدگی ارجاع داده شد.

توانمندی نیروی دریایی ارتش در ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی

اشاره: معاونت مهندسی و پدافند غیر عامل نیروی دریایی ارتش یکی از معاونت های بنیادی و اثرگذار این نیرو است که در زمینه های گوناگون از جمله، طراحی و ساخت و ساز اسکله ، موج شکن، ساختمان ها، تاسیسات اداری، پادگانی، آموزشی، منازل سازمانی و همچنین فرودگاه‌ها فعالیت‌های زیادی دارد.

امیر دریادار دوم مهندس حسن جعفری معاون مهندسی و پدافند غیر عامل نیروی دریایی ارتش از رزمندگان هشت سال دفاع مقدس است و با توجه به سوابق و کارنامه درخشان در طول خدمت ۳۵ ساله اش، از اشراف بسیار خوبی در حوزه تخصصی خود برخوردار است.

وی با اشاره به تاکیدات فرماندهی معظم کل قوا مبنی بر راهبردی بودن نیروی دریایی ارتش،تاکید می کند: این موضوع موجب شده است این نیرو در حال سپری کردن برهه‌ای تاریخی و بسیار اثرگذار در سیاست های کلی کشور باشد. ساخت فرودگاهی در جاسک که قرار است تا چند روز آینده به بهره‌برداری برسد، موضوعی است که وی به آن اشاره می کند.مشروح پرسش و پاسخ با امیرجعفری را می‌خوانیم.

– امیر! لطفا ابتدا در خصوص عنوان کلی معاونت مهندسی و پدافند غیر عامل توضیحاتی بفرمائید.

هر یگانی با عنوان معاونت یا فرماندهی دارای ماموریت ها و مسئولیت های تعریف شده ای است. تمامی ساخت و سازهای این نیرو اعم از ساختمان ها، تاسیسات اداری، پادگانی، آموزشی ، منازل سازمانی و همچنین فرودگاه ها، اسکله و موج شکن ها در حوزه ماموریت و مسئولیت این معاونت است.

واژه پدافند غیر عامل هم که برابر فرمان فرماندهی معظم کل قوا ابلاغ شده به این منظور گنجانده شده است که مسئولیت همه پروژه‌هایی که در زمان بحران به آن نیاز پیدا می شود و یا هر اقدامی که در راستای کاهش آسیب پذیری در برابر حملات دشمن بکار گرفته می‌شود، در زمره مسئولیت های این معاونت است .

– با توجه به این که شما از یادگاران هشت سال دفاع مقدس هستید و جنگ تحمیلی را با تمام وجود احساس کرده اید، ضمن توضیحاتی در این خصوص بفرمائید، یگان مهندسی نیروی دریایی ارتش در آن دوران چه نقشی را ایفا کرد؟

ما در دوران دانشجویی و قبل از فارغ التحصیلی از دانشکده افسری جزو آن دسته از دانشجویانی بودیم که به فرماندهی شهید نامجو به منطقه سوسنگرد اعزام شدیم و پس از فارغ التحصیلی و حضور در نیروی دریایی ارتش در مناطق و پایگاه های دریایی مشغول انجام خدمت بودیم.

در اوایل شروع جنگ تحمیلی و زمانی که تکاوران نیروی دریایی ارتش تنها یگانی بودند که در خرمشهر حضور داشتند، قطعا یگان مهندسی در پشتیبانی از یگان های عملیاتی نقش موثری داشته است تا حدی که یگان مهندسی رزمی و مهندسی تاسیسات ما دوشادوش تکاوران در ارتباط با بحث تخریب، مین گذاری و مین روبی در عملیات‌ها حضور داشت .

در پایگاه دریایی خارک که از یگان های منطقه دوم دریایی بوشهر محسوب می شد و واقعا به تعداد روزهای جنگ بمباران شد، یکی از یگان های تاثیر گذار، مهندسی تاسیسات بود.

چون با توجه به این که جزیره خارک منطقه نفتی به شمار می‌رفت و مخازن نفتی ما آنجا موجود بود،یگان مهندسی تاسیسات با در اختیار داشتن تیم آتش‌نشانی در راستای مهار حریق حاصل از بمباران دشمن تلاش و زحمت زیادی کشیدند و در همان زمان شهدا و جانبازانی را تقدیم کشور کردند .

– میزان خودکفایی ما در اجرای پروژه های معاونت مهندسی و پدافند غیر عامل نیروی دریایی ارتش تا چه حدی است؟

در حوزه مهندسی ۱۰۰ درصد کارهایمان بومی و داخلی است و همه طرح ها پس از مطالعه و برنامه ریزی با استفاده از مشاوران و پیمانکاران داخلی انجام می‌شود. دربرخی مسائل با دانشگاه ها ارتباط و تعامل داریم ، مثلا در بحث کامپوزیت با دانشگاه‌های علم و صنعت و امیرکبیر تعامل داریم و بطور کلی ما هیچ وابستگی به خارج از کشور نداریم و دارای این توانمندی هستیم که همه نیازهایمان را به طور خود کفا تهیه و تامین کنیم.

– معاونت مهندسی نیروی دریایی چه تفاوتی با معاونت مهندسی سایر نیروها دارد؟

مهندسی این نیرو مستلزم دانش بسیار بالایی است تا سازه های دریایی، اسکله، موج شکن ها و حوضچه ها بتوانند در مقابل توفان های سهمگین دریا که ساحل را تحت تاثیر قرار می دهد، دوام بیاورد.

استقرار اجباری در حاشیه سواحل که با توجه به شرایط آب و هوایی و شرجی بودن آن سازه ها و فلزات را تحت تاثیر قرار می دهد و ایجاب می کند که در زمینه تعمیر و نگهداری اهتمام جدی شود از دیگر تفاوت های مهندسی نیروی دریایی با سایر نیروها است.

– معاونت مهندسی و پدافند غیر عامل نیروی دریایی ارتش چه برنامه هایی برای تحقق فرمایشات فرماندهی معظم کل قوا مبنی بر راهبردی شدن این نیرو دارد؟

اقدام و ماموریت عملیاتی ،آموزشی و یا پشتیبانی در نیرو وابستگی ۱۰۰ درصد به کار مهندسی دارد.

پس از صدور فرمان تاریخی و بسیار عمیق فرماندهی معظم کل قوا که با تدبیر والای ایشان و در راستای حفظ منافع نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران ابلاغ شد، جلسات متعددی برگزار و طرح ولایت در سه بخش مهم تهیه شد و یک بخش آن به معاونت مهندسی و پدافند غیرعامل نیرو مربوط می شد که طی آن هر اقدامی که توسط سایر همرزمان ما در معاونت ها و قسمت های دیگر برای راهبردی شدن نیروی دریایی برنامه ریزی می شود ما بایستی زیرساخت های آن را آماده کنیم و آماده سازی زیر ساخت‌ها شاید مهمترین بخش گام نهادن در مسیر راهبردی شدن است.

– با توجه به فرمایش مقام معظم رهبری در خصوص لزوم اهمیت ویژه به مناطق جنوب شرقی کشور، معاونت مهندسی نیروی دریایی چه اقدامی در این راستا انجام داده است؟

منطقه جنوب شرق کشور واقعا یک منطقه محروم و شاید رها شده بود که با استقرار یگان های نیروی دریایی ارتش در این مناطق تحولی عظیم در آنجا رخ داده است .

از سال ۸٦ که نیروی دریایی تمرکزش را متوجه جنوب شرق کشور کرد دولت را هم پشت سر خود به آنجا کشاند و تا حدی پیگیری کردیم که در روستاها خانه بهداشت، مدرسه، اورژانس جاده ای و امکانات دیگری ساخته شود.

همچنین با توجه به اهمیت سواحل مکران نیروی دریایی ارتش در این سواحل، دو منطقه دریایی ساختیم و همانطور که اشاره شد آماده سازی تمامی زیر ساخت ها در این مناطق بر عهده معاونت مهندسی این نیرو بوده است.

در همین راستا اقدامات قابل توجهی توسط معاونت مهندسی نیروی دریایی ارتش برای ساخت دو پایگاه دریایی جدید در مناطق جنوب شرق کشور یعنی پایگاه دریایی راس میدانی در ۱۸۰ کیلومتری شهر جاسک و پایگاه دریایی پسابندر که نقطه صفر مرزی ایران و پاکستان محسوب می شود انجام شده است.

به عبارتی این اقدامات حتی فراتر از بودجه و اعتباراتی بوده است که تا کنون برای آن در نظر گرفته شده است.

فعال سازی و ایجاد باند پهپاد ،یگان هوا دریا ،حوضچه و تاسیسات دریایی و موشکی و آماده سازی زیرساخت های اولیه برای یگان های تکاور از دیگر اقدامات معاونت مهندسی و پدافند غیر عامل نیروی دریایی ارتش بوده است که برای ارتقای توان عملیاتی مناطق جنوب شرق و همچنین تمامی یگان های این نیرو انجام شده است.

البته با اطمینان خاطر می گویم که واقعا نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران تکلیف خود را در سواحل مکران برای خارج شدن این سواحل از محرومیت و تحقق فرمایشات فرماندهی کل قوا انجام داده و در این مسیر از هیچ کوششی فرو گذار نکرده است و نخواهد کرد.

– امیر! آیا معاونت مهندسی نیروی دریایی ارتش اقداماتی هم در سواحل جنوب شرق کشور برای بهبود رفاه حال عموم مردم این مناطق انجام داده است؟

علاوه بر پیگیری و فعالیت در ساخت اماکن رفاهی – بهداشتی در روستاهای دور افتاده و محروم که اشاره شد و خوشبختانه به نتیجه هم رسید، پس از پیگیری های مجدانه و اقدامات چشمگیر موفق شدیم مراحل ساخت فرودگاه جاسک را به اتمام برسانیم که انشاالله ضمن این که نخستین مرحله پرواز هواپیمای مسافربری بندرعباس – جاسک از طریق این فرودگاه انجام می شود، در مراحل بعد هواپیماهای کلاس فوکر ۵۰ نیزدر این فرودگاه پرواز خواهند داشت و با توجه به مطالعات انجام شده در زمینه توسعه باند فرودگاه، در آینده شاهد پرواز هواپیماهای بزرگتری از طریق این فرودگاه خواهیم بود.

ضمن این که تمامی مهندسی تاسیس آن توسط معاونت مهندسی و پدافند غیر عامل نیروی دریایی ارتش است.

– معاونت مهندسی نیروی دریایی ارتش در زمینه ارتقاء روحیه کارکنان و خانواده های آنان چه اقداماتی انجام داده است؟

در بحث تامین مسکن سازمانی و شخصی کارکنان با توجه به تاکیدات فرماندهی معظم کل قوا در راستای ارتقای سطح معیشت کارکنان، معاونت مهندسی این نیرو توانسته است طی سه سال اخیر نزدیک به ۹۰۰۰ نفر ازکارکنان را صاحب زمین یا مسکن کند که در یک آمار مقایسه ای نسبت به امکانات و آمار کارکنان، هیچ نیرویی مانند نیروی دریایی در این زمینه عمل نکرده است.

از جمله پروژه های در دست اقدام، پروژه چیتگر تهران، مهر بابل، خمام انزلی و چمران شمالی بندر عباس است و یک سری جدید هم در اصفهان در دست برنامه ریزی است.

همچنین در سه سال اخیر ۲۰ مسجد توسط معاونت مهندسی نیروی دریایی ساخته شده است که در سی سنگان، نوشهر و جاسک هم سه مسجد درحال ساخت است.

مجتمع فرهنگی منطقه دوم دریایی ولایت جاسک نیزاز بزرگترین تاسیسات فرهنگی ما دراین منطقه است.

– درپایان اگر صحبت ناگفته‌ای باقی است بفرمائید.

با نگاهی به دیروز و مقایسه شرایط پیش از انقلاب با امروز متوجه خواهیم شد که چقدر اقدامات موثر و چشمگیری در همه زمینه ها انجام گرفته است.

قبل از انقلاب با وجود همه حمایت ها و پشتیبانی های مالی که از ارتش آن زمان می شد، نیروی دریایی وقت نتوانست دست آخر دو منطقه بوشهر و بندر عباس را تکمیل کند تا جایی که هوا دریا و اسکله آن ناقص ماند، اما امروز شاهدیم که خوشبختانه با تدابیر و رهنمودهای مقام معظم رهبری به خودکفایی رسیدیم و کارهای بزرگی به انجام می رسد.

البته خداوند را شاکرم که توفیق خدمت در این برهه تاریخی نصیب بنده شده است.

به امید این که مجموعه کارکنان نیروی دریایی راهبردی ارتش بتوانند با همین روحیه جهادی و بسیجی همچنان در مسیر تحقق اهداف مورد نظر فرماندهی معظم کل قوا گام بردارند.

*** یگان مهندسی رزمی و مهندسی تاسیسات دوشادوش تکاوران در ارتباط با بحث تخریب، مین گذاری و مین روبی در عملیات‌های دفاع مقدس حضور داشت**

*** مهندسی نیروی دریایی ارتش مستلزم دانش بسیار بالایی است تا سازه های دریایی، اسکله، موج شکن ها و حوضچه ها بتوانند در مقابل توفان های سهمگین دریا که ساحل را تحت تاثیر قرار می دهد، دوام بیاورد**

*** تمامی ساخت و سازهای این نیرو اعم از ساختمان ها، تاسیسات اداری، پادگانی، آموزشی ، منازل سازمانی و همچنین فرودگاه ها، اسکله و موج شکن ها در حوزه ماموریت و مسئولیت معاونت مهندسی و پدافند غیر عامل نیروی دریایی ارتش است**

*** ۱۰۰ درصد کارهایمان بومی و داخلی است و همه طرح ها پس از مطالعه و برنامه ریزی با استفاده از مشاوران و پیمانکاران داخلی انجام می شود**

بمباران «فاو» در روزهای پایانی جنگ

* غلامرضا جمالی

دشمن بعثی به علت درماندگی و برای تحت فشار قرار دادن دولت ایران بارها مقررات بین‌المللی را زیر پا گذاشت. هدف قرار دادن هواپیمای حامل نمایندگان مجلس، بمباران شهرها، حمله به نفتکش‌ها و کشتی‌های حامل کالا و موادغذایی به مقصد ایران از این جمله‌اند.

در راستای جلوگیری یا تقلیل خسارت‌های وارده از حملات دشمن به نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری، هنگام ورود به بندر امام، نیروی هوایی اقدام به اسکورت این شناورها در قالب جابه‌جایی کاروانی آن‌ها می‌کرد. یعنی کشتی‌های ورودی در نقطه‌ای دور از خطر منتظر می‌ماندند. کشتی‌ها و نفتکش‌های بارگیری شده در بندر امام و جزیره خارک نیز آماده حرکت می‌شدند. زمان به نیروی هوایی ابلاغ می‌شد و هواپیماهای شکاری به پرواز در می‌آمدند. این پروازها کاروان‌های ورودی و خروجی را تحت حمایت می‌گرفتند و آن‌ها راهی مقصد می‌شدند. این زمان گاهی از طلوع تا غروب خورشید طول می‌کشید. چنانچه رادار منطقه هواپیمای دشمن را می‌دید، شکاری خودی را به سوی او هدایت می‌کرد تا ماموریتش را خنثی یا آن را منهدم کند.

چون قبلاً شکاری‌های دشمن یکی دو هواپیمای خودی را از ارتفاع پست هدف‌قرار داده و سرنگون کرده بودند، علاوه بر پوشش رادار، تعدادی از خلبان‌های منتظر آموزش نیز در نقاط متعددی، زیر منطقه ایستایی شکاری‌های خودی مستقر می‌شدند و دیده‌بانی می‌کردند تا در صورت مشاهده شکاری عراقی،با رادیوی دستی خلبان خودی را مطلع کنند. سرلشکر شهید عباس بابایی آن روزها با درجه سرهنگی، معاون عملیات نیرو بود و بر عملکرد این گروه نظارت می‌کرد. آن موقع من در پایگاه امیدیه مامور بودم. شماری از خلبانان منتظر آموزش به این پایگاه آمدند. معلوم بود ماموریتی در پیش است. همه در گردان پرواز نشسته بودیم که سرهنگ بابایی با لباس بسیجی و یک نقشه هوایی وارد شد. به منظور توجیه خلبانان مذکور نقشه را روی میز پهن کرد. من و دیگر خلبانان دور او حلقه زدیم. روی نقشه نقاطی مشخص شده بود. بابایی ضمن اشاره به نقاط مشخص شده روی نقشه با آرامی به خلبانی، که سرپرست گروه بود، گفت: «شما باید فردا قبل از ساعت هفت صبح بچه‌ها را در این نقاط مستقر کنی.» من ناخواسته گفتم: «جناب سرهنگ، فکر می‌کنم ایشان با منطقه آشنا نباشد و نتواند به راحتی این خواسته را انجام دهد.» می‌دانستم خلبان مزبور با منطقه آشنایی ندارد. بابایی بدون اینکه سرش را بلند کند و نگاهی به من بیندازد، پرسید: «شما که اینجا پرواز کرده‌ای، با منطقه آشنا هستی؟» گفتم: «بله، مدتی است در پایگاه امیدیه مامور هستم و زیاد در این منطقه پرواز کرده‌ام.» در جواب گفت: «پس این ماموریت بر عهده شما. فردا بچه‌ها را در این نقاط مستقر کن.» سپس مرا کاملاً درخصوص چگونگی انجام مأموریت توجیه کرد. روز بعد مأموریت با موفقیت انجام شد. به همین دلیل بارها برای این نوع ماموریت، مرا از پایگاه چهارم فراخواند. خاطره دوم مربوط است به بمباران منطقه فاو. روزهای آخر فروردین ۱۳٦۷ بود، من جزو خلبانان مامور در قرارگاه رعد واقع در پایگاه امیدیه بودم. نیروهای ایرانی مستقر در منطقه فاو دستور عقب‌نشینی و خروج از فاو را دریافت کرده و در حال عقب‌نشینی بودند. نیروهای بعثی از این فرصت استفاده کردند و نیروهای در حال عقب‌نشینی را هدف انواع گلوله‌های خود قرار می‌دادند. برای تقلیل فشار دشمن از روی نیروهای خودی قرار شد هواپیماهای ما نیروهای عراقی را بمباران کنند. نزدیک غروب ماموریتی به سرهنگ حبیب بقایی و من، که شماره دو بودم، محول شد.

بعد از توجیه، بلند شدیم و مسیر را در ارتفاع پست طی کردیم و از جنوب وارد منطقه فاو شدیم. لحظاتی قبل از رسیدن به هدف، بقایی در رادیو پرسید: «رضا می‌بینی؟ رضا می‌بینی؟» همزمان چند توده گرد و خاک را که به شکل قارچ ناشی از انفجار بمب تشکیل شده بود، در فاصله‌ای نه‌چندان دور و جلوتر دیدم. نگاهی به دور و برم انداختم. یک فروند هواپیمای عراقی را در ارتفاعی بالاتر از خودمان دیدم. داشت نیروهای در حال عقب‌نشینی ما را از ارتفاع بالا بمباران می‌کرد. با خودم گفتم: «اگر یکی از آن بمب‌ها روی ما می‌افتاد یا از ترکش‌های آن به ما می‌خورد، چه می‌شد!» خوشبختانه به خیر گذشت و ما آخرین بمب‌های سال‌های دفاع مقدس را روی نیروهای دشمن در منطقه فاو ریختیم و به سمت پایگاه برگشتیم. هوا رفته‌رفته تاریک شد و مجبور شدیم برای نشستن، از کارکنان برج مراقبت بخواهیم چراغ‌های باند را روشن کنند.

*** نقل از کتاب: ستاره‌های نبردهوایی**

جاسوسان در برابر نبرد بزرگ

SPIES AGAINST ARMAGEDDON

■ نوشته: دان راویو - یوسی ملمن ■ ترجمه: مرتضی میرمطهری | ۲۸۵

«کلینتون» رئیس جمهوری آمریکا هنوز بر این باور که صلح محتمل است، اصرار می‌ورزید.

او می‌کوشید که بر تراژدی قتل دوستش «اسحاق رابین» فائق آید و در نیمه دوم سال ۲۰۰۰ که آخرین ماه‌های باقی‌مانده از دوره ریاست جمهوریش بود، ترتیب از سرگیری مذاکرات را داد. در تفرجگاه کوهستانی کمپ دیوید[13] در مریلند، [14] «کلینتون»، «یاسرعرفات» و «باراک» را گردهم آورد.

لحظات پرهیجانی بود، «کلینتون» احساس می‌کرد که «باراک» بطور بی‌سابقه‌ای امتیاز می‌دهد، اما «عرفات» مقابله به مثل نکرد و از امضای توافقی که می‌توانست به تمام آن درگیری تاریخی پایان دهد، امتناع کرد.

در عوض «عرفات» در ماه اکتبر سال ۲۰۰۰ انتفاضه دوم را به راه انداخت و اعلام کرد که انگیزه‌اش برای این کار، دیدار غیر ضروری «آریل شارون» رهبر اقلیت مخالف دولت اسرائیل از «تمپل مانت» [15] در اورشلیم شرقی (که هم برای یهودیان و هم برای مسلمانان مکان مقدسی بود) است.

«شین‌بت»، «امان» و ارتش اسرائیل از یک سو و «پی.ال.او» که اکنون بمب‌گزاران انتحاری «حماس» به آن پیوسته بودند بار دیگر در سنگرها موضع گرفته بودند. فلسطینی‌ها توسل به اقدامات خشونت‌آمیز را در مراکز شهری اسرائیل تشدید کردند. اسرائیلی‌ها در اتوبوس‌ها، رستورانها و مراکز خرید آماج حملات آنها بودند.

اسرائیل با استفاده از هواپیماهای جنگنده برای بمباران ساحل غربی و غزه واکنش نشان داد. اهدافی که برای اقدامات تلافی جویانه انتخاب شده بود، شامل مجتمع سرویس جاسوسی «عرفات» در نزدیکی «رام‌الله» بود، ظاهراً همکاری اسرائیل با آنها به پایان رسیده بود. این حمله هوایی، «سیا» را که می‌کوشید همکاری را بین طرفین درگیر شکوفا کند و هنوز اعتقاد داشت که سرویس جاسوسی فلسطینی برای کوبیدن تندروها با ارزش بوده است، عصبانی کرد.

«شین‌بت» به شیوه‌ای اندکی حیله‌گرانه‌تر، موج جدیدی از کشتارهای هدفمند را اکنون در مقیاسی بزرگ آغاز کرد. «آوی دیختر»[16] که از سال ۲۰۰۰ مدیریت این سازمان را عهده‌دار شده بود، به گونه‌ای چشمگیر تمایل داشت که با سازمانهای دیگر همکاری کند و اطلاعاتی را که داشت در اختیار آنها قرار دهد. او اطاق بحرانی تشکیل داد و نمایندگانی از نیروی هوایی و «امان» را دعوت کرد تا آنها بتوانند با هم آخرین اطلاعات موجود درباره افرادی را که باید هدف قرار گیرند بررسی کنند. از هلی‌کوپترها و هواپیماهای بدون سرنشین برای ترور فلسطینی هایی که متهم به ترتیب دادن کارهای تروریستی بودند استفاده می‌شد.

اسرائیلی‌هایی که حملات را برنامه‌ریزی می‌کردند در بررسی هر گونه اقدام «بازدارندهٔ هدفمند» خسارات جانبی ناشی از حمله را مورد بحث قرار می‌دادند و برای اجتناب یا کاهش صدمه زدن به غیرنظامیان بی‌طرف، تلاش‌هایی صورت می‌گرفت و بعضی اوقات در آخرین لحظات برنامه انجام حملات لغو می‌شد. با غرق شدن طرفین در گرداب کشتارهای متقابل، فرصت‌های احیای فرایند صلح کم‌رنگ‌تر و تقریباً نامحسوس می‌شد. در ماه فوریه سال ۲۰۰۱ اسرائیلی‌ها «شارون»[17] را به نخست‌وزیری انتخاب کردند تا امنیت را اعاده کند و دنبال مذاکرات صلح را نگیرد.

ادامه دارد

13-CAMP DAVID
14-MARYLAND
15-TEMPEL MOUNT
16-AVI DICHTER
17-SHARON

سایه سنگین «عبدالله صالح» بر یمن

سرویس خارجی: گرچه حدود یک سال و نیم از خروج علی عبدالله صالح، رئیس جمهوری سابق یمن از راس قدرت می گذرد، اما سایه او همچنان بر فضای سیاسی و امنیتی این کشور سنگینی می کند. اسفندماه سال ۱۳۹۰ زمانی که علی عبدالله صالح به دنبال اعتراض های مردمی علیه سه دهه حکومتش، حاضر به کناره گیری از قدرت شد، بسیاری امید داشتند تا فصل جدیدی در این کشور آغاز شود و این کشور به سمت پیشرفت و امنیت پایدار حرکت کند.

«عبدربه منصورهادی» که روزگاری معاون صالح بود، پس از وی عهده دار امور شد و عملاً مسئولیت فرایند تغییرات در این کشور را پذیرفت، اما گذر زمان نشان داد که خروج علی عبدالله صالح ازراس هرم قدرت، به معنای پایان حضورو تاثیر گذاری وی برفرایندها و تحولات سیاسی این کشور نبود. عوامل صالح در دستگاه های سیاسی، امنیتی و نیز حزب «کنگره ملی» که عملا خود رهبری آن را برعهده دارد، ازهیچ کوششی برای مانع تراشی دررروندتغییرات دریغ نکرده اند. مهمترین منفذی که صالح ازطریق آن باهمکاری عوامل خوددست به ایجادتحرکاتی علیه دولت وکارشکنی درروند امور کرده، نهادهای امنیتی و نظامی بوده است. گارد ریاست جمهوری یکی از مهمترین نهادهای نظامی و امنیتی بود که به زعم بسیاری، عملادراختیارونفوذعلی عبدالله صالح بود. دلیل آن هم روشن بود؛ احمد پسر وی، ریاست این گارد را برعهده داشت. عبدربه منصورهادی، با درک تحرکات فرزند علی عبدالله صالح و نزدیکان وی در گارد ریاست جمهوری وبا هدف یکپارچه سازی ارتش این کشور، سرانجام دستورانحلال گارد ریاست جمهوری رادادو «احمد علی صالح» فرمانده آن راپس ازعزل به عنوان سفیر یمن درامارات متحده عربی منصوب کرد؛ اقدامی که باهدف دورکردن وی ازفضای داخلی یمن صورت گرفت.

با وجود انحلال گارد ریاست جمهوری و خروج فرمانده آن از یمن، تحرکات اعضای وابسته به علی عبدالله صالح دراین نهاد سابق امنیتی ازبین نرفته است. رخدادیازدهم مرداددرصنعا، تاییدی براین نکته بود. دراین روز، شماری از عناصر سابق گارد ریاست جمهوری در حالی که برخی از آنها سلاح در دست داشتند و اقدام به تیراندازی می کردند، در میدان «سبعین» نزدیک مقرریاست جمهوری یمن دست به تظاهرات اعتراضی علیه وضعیت وخیم اقتصادی زدند و در عین حال خواستار برکناری وزرای دفاع و کشور شدند.

براثردرگیری بین این افرادونیروهای ارتش، دو تن کشته وپنج نفر دیگرزخمی شدند. از نظر بسیاری ازناظران مسائل یمن، این اقدام عناصر گارد ریاست جمهوری سابق یمن درفضای کنونی، اقدامی مشکوک ودرجهت زیرفشار قراردادن دولت این کشورصورت گرفت. بر این اساس گفته می شود ازآنجاکه دولت کنونی یمن، طی چند ماه اخیر بسیاری از منافذ تاثیر گذارافراد وابسته به خاندان صالح درقدرت رااز بین برده، آنها به فکر تلافی برآمده‌اندودرصدداخلال درروند امنیتی کشورهستند.

این در حالی است که طی هفته های اخیر در بسیاری از کشورهای عربی، تحرکاتی به نام دفاع از آزادی و وضع اقتصادی علیه دولت های مستقر در این کشورها انجام شده که نتیجه آن چیزی جز گسترش ناامنی و هرج و مرج در آن کشورها نبوده است. بسیاری نگرانند که عناصر وابسته به علی عبدالله صالح دست به اقدامات تخریبی و تحرکاتی علیه دولت بزنند و امنیت نیم بند در این کشور را نیز از بین ببرند. در این میان، یمن به مراتب آسیب پذیری بیشتری نسبت به سایر کشورهای عربی همچون مصر دارد. این کشور در زمان حاضر علاوه بر رویارویی با تحرکات عناصر وابسته به دولت علی عبدالله صالح، با مشکلات عدیده دیگری نیز روبروست. یکی از این مشکلات، وضعیت وخیم اقتصادی و معیشتی در این کشور است. طی روزهای اخیر رسانه های یمن گزارش کرده‌اند که «صخر الوجیه» وزیرامورمالی دولت یمن، طی نامه ای به نخست وزیراین کشور اعلام کرد که بانک مرکزی درآستانه ورشکستگی کامل قرارداردوتوانایی پرداخت تعهدات دولتی وهزینه های عمومی کشورراندارد. افزون براین، یمن مشغول نبرد سخت بانیروهای القاعده است که طی سال های اخیراین کشوررابه جولانگاه خود تبدیل کرده است. مساله جدایی طلبان جنوب این کشورنیزیکی ازمشکلات بغرنج یمن است که وحدت و یکپارچگی این کشور راباخطرروبرو می کند.

در همین حال جنبش شیعیان «الحوثی» در شمال یمن نیز یکی از پرونده های امنیتی مهم است که دولت این کشور تاکنون موفق به حل آن نشده است. مشکل اصلی یمن، اینک فقدان اطمینان طرف های تاثیر گذار، به آینده و نیات یکدیگر است. جنوبی ها به صنعا و وارثان جمهوری یمن شمالی بدبین هستند؛ شیعیان الحوثی رژیم صالح و نیروهای امنیتی و نظامی آن را زنده و حاضر و فعال می دانند؛ وضعیت بغرنج اقتصادی، بیکاری گسترده و فقر رو به گسترش، چشم انداز مطلوبی پیش روی رژیم جایگزین صالح نمی گذارد.

با این حال عبدربه منصور هادی نشان داده در بازی قدرت، بازیگری ماهر است. تضعیف جایگاه صالح ازطریق اخراج متحدان واطرافیانش ازرهبری نیروهای نظامی و امنیتی، به تدریج وبه صورتی انجام گرفت که صالح راگریزی ازپذیرش وضعیت جدیدنبود. هادی همچنین گفتگوهای ملی را با وجوداشکال تراشی های تجزیه طلبان و حزب کنگره ملی (صالح)، با وارد کردن بازیگران منطقه ای و بین المللی و بهره گیری از نفوذ آنها، برگزاروتمامی طرف‌ها راعملا وادار به مشارکت درآن کرد. حال بایددیدآیا دست آخر دولت یمن می تواند در برابر انبوهی از مشکلات درهم تنیده موفق باشد و پیروزازمیدان نبرد بیرون آید؟

تعارض؛ ویژگی پایدار روابط پکن - واشنگتن

سرویس خارجی: روابط چین و آمریکا برخلاف شراکت راهبردی و تعاملات گسترده اقتصادی دو کشور، همواره سرشار از تنش، اختلاف نظر، مجادلات لفظی و هماوردی های سیاسی و دیپلماتیک بوده است. طی ماه های گذشته، مجادلات دیپلماتیک و تنش های سیاسی بین مقامات رسمی پکن و واشنگتن بالا گرفت تا بار دیگر توجه بسیاری از ناظران به اختلافات پایان ناپذیر چین و آمریکا معطوف شود.

*** نگرانی از تندروی های ژاپن**

دورجدیداختلافات وتنش ها بین پکن وواشنگتن باتصویب لایحه ای درسنای آمریکاکلیدخوردکه به مقامات این کشوراجازه می دادتابرای تامین امنیت آب های آسیای شرقی، از نیروی نظامی بهره گیرند. تصویب این لایحه، انتقادشدیدمقامات ورسانه های چینی رابرانگیخت وسبب شد وزارت خارجه این کشوراعتراض شدید خودنسبت به مداخله آمریکادرآب های موردمناقشه چین وهمسایگانش رااعلام دارد. خبرگزاری «شینهوا» نیزدریک موضع گیری کم سابقه، ازمقامات آمریکایی خواست تا جلوی تندروی های ژاپنی هارادرمنطقه گرفته وازهمداستانی بارهبران توکیودرمناقشات واختلافات سرزمینی چین وژاپن بپرهیزند. اعلان مواضع اخیررهبران توکیوبرای هماوردی ژئوپلیتیک باچین درمنطقه، درپیوندباراهبردهای منطقه ای واشنگتن صورت می گیردوآمریکایی هابه دنبال افزایش وزن ژاپن درترتیبات امنیتی شرق آسیا به زیان کشورهایی نظیرروسیه وچین هستند؛ ازاین روازمنظرچین، الزامی است که مقامات آمریکاباکنترل متحدمنطقه ای خود، ازافزایش تنش، بی ثباتی وایجاد بحران های امنیتی درآسیای جنوب شرقی جلوگیری کنند. همزمان با بالا گرفتن جدال سیاسی - دیپلماتیک بین پکن و واشنگتن، اظهارات وزیر امور خارجه فیلیپین در خصوص جاسوسی هواپیماهای آمریکایی از فعالیت های نظامی چین درمناطق مورد مناقشه درمنطقه، بر خشم مقامات چینی افزود. «آلبرتو دل روزاریو» وزیرخارجه فیلیپین، اعلام کردکه ازسال ۲۰۱۰ میلادی، پروازهای هواپیماهای جاسوسی آمریکابرفرازمناطق مورداختلاف چین وهمسایگان این کشوردرشرق آسیا درجریان بوده ودرزمان حاضرنیزادامه دارد. افزایش فضای مخاصمه بین پکن وواشنگتن سبب شدروزنامه «مردم» ارگان رسمی حزب کمونیست چین به شدت به آمریکایی هاتاخته وآنان رابه مداخله‌جویی درمنطقه متهم کند. روزنامه‌مردم‌ازرهبران‌واشنگتن‌خواست تاضمن رعایت مسئولیت‌های بین المللی خود، در مسیر تنش‌زدایی قرار گیرندوازدامن زدن به اختلافات منطقه ای وتحریک همسایگان چین بپرهیزند. این روزنامه تاکیدکردکه آمریکایی هاهمچنان با ذهنیت جنگ سردسیاست های خودراتدوین واجرامی کنندودر شرایط کنونی، رشدقدرت چین رابه عنوان یک تهدیدجدی تلقی می کنند.

*** تحریم های ضد ایرانی**

در فضای تنش آلود کنونی، تصویب تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران در مجلس نمایندگان آمریکا موجب شد مقامات رسمی چین، باردیگرزبان به انتقادازواشنگتن بگشایند. هرچندچین ازجمله کشورهایی بودکه درطول سال های گذشته به تحریم های شورای امنیت علیه تهران رای مثبت داد، اما همواره مخالفت خودبا تحریم های یکجانبه آمریکاعلیه ایران راعلنی کرده و نسبت به تعمیم قوانین و مصوبات داخلی آمریکا به فضای بین المللی، انتقادات شدیدی راابرازداشته است. بر اساس مصوبه مجلس نمایندگان آمریکا، شرکای نفتی تهران برای کاهش صادرات روزانه یک میلیون بشکه نفت ایران، زیر فشارهای مضاعف قرارگرفته ودرصورت تخلف ازاین مصوبه، باتحریم‌های‌تجاری‌آمریکاروبروخواهند شد. پس ازاعلام تصویب این قانون وقرارگرفتن این مصوبه درلیست انتظارتصویب توسط سنا و امضای رئیس جمهور، وزارت امورخارجه چین بیانیه ای منتشروازتصمیم نمایندگان کنگره آمریکاانتقادکرد. در این بیانیه آمده است که رهبران پکن، همواره برجستجوی راه حلی دیپلماتیک ومسالمت آمیزبرای گشایش گره برنامه‌هسته‌ای‌ایران‌تاکیدداشته‌وبایکجانبه‌گرایی آمریکایی هادراین خصوص، به شدت مخالفند. به این ترتیب با افزوده شدن انتقاد شدید پکن ازتحریم‌های یکجانبه علیه ایران به لیست اختلافات سیاسی آمریکا و چین، روزهایی پر تنش درروابط دوکشوربه ثبت رسید.

این درحالی است که‌اندکی قبل، گفتگوهای نمایندگان پکن وواشنگتن درشهر «کان مینگ» چین آغازشده بودتاباکاهش اختلافات درمسائل حقوق بشری، تعدیل دیدگاه های متعارض دوطرف دراین خصوص دردستورکارفعالیت دیپلمات هاقرارگیرد. اما با توجه به رخدادهای اخیر، این گفتگوهاتاحدزیادی تحت تاثیرفضای عمومی روابط چین وآمریکا قرارگرفت ونتوانست نتایج موردنظررابه دنبال داشته باشد. البته بسیاری ازگروه های فعال حقوق بشری آمریکا، به طورکلی ماهیت مذاکراتی ازاین دست رازیرسئوال برده وآن رابه مثابه یک تعامل دیپلماتیک صوری، عادی شده وبی اثر بین نمایندگان پکن وواشنگتن قلمداد کردند که نه می تواند دغدغه های حقوق بشری آنان را رفع ونه به بهبودفضای عمومی تعاملات دوکشورچندان کمک کند.

***جمع بندی**

روابط چین وآمریکارامی توان تعاملاتی پرفرازونشیب ومتاثرازمولفه هاومتغیرهای متعددبرشمرد. با وجود روابط گسترده و پرسود تجاری دو قدرت بزرگ اقتصادی جهان، روابط سیاسی پکن و واشنگتن هرگز به سمت درک متقابل وهمگرایی سازنده سوق نیافته است. چینی ها همواره مقامات واشنگتن را به چالش‌زایی امنیتی وتلاش برای تحدید قدرت و نفوذ منطقه ای و جهانی پکن متهم می کنند وازسوی دیگر، آمریکایی هارقیب شرقی خودراآماج اتهاماتی نظیرنقض حقوق شهروندان وناسازگاری بین المللی می کنند. با توجه قوت اندیشه جنگ سردی درذهن رهبران کاخ سفید، چین مهمترین کانون قدرت بین المللی است که می تواند هژمونی خودخوانده آمریکایی ها را به چالش کشیده ودرسال های آینده، نظام سلسله مراتبی مطلوب واشنگتن در جهان را با خلل های جدی مواجه سازد. بدین ترتیب، دربستر تداوم اختلاف نظرهای کلان، عمیق و متعدد سیاسی - امنیتی دو کشورو با توجه به تعارض‌های موجود در منافع واهداف ملی، تنش های جسته و گریخته دیپلماتیک را می توان به عنوان یکی از ویژگی‌های مهم تعاملات چین و آمریکا به شمار آورد که در برخی بازه های زمانی، نمود و بروز بیشتری می یابد.

رویارویی و پنهانکاری

نوشته:
■ دیوید سَنگر
مترجم:
■ منوچهر بیگدلی خمسه
۱۰۵

DAVID E. SANGER

قضیه مهمی بود - این اولین علامت از طرح‌های سری بود که مقامات اطلاعاتی بیش از یک سال قبل به آن‌ها اشاره کرده بودند. من تلفن زدن را شروع کردم و منابع را درباره جزییات زیر فشار گذاشتم.

در آن طرف خط تلفن سکوت‌ها طولانی بود. به من می گفتند موضوع سری‌تر از آن است که بشود صحبت کرد. من می گفتم بسیار خوب، بعد از این که ما داستان نامه ایران و تأسیسات سری را بنویسیم، چند ساعت بیشتر طول نخواهد کشید.

این از آن مواقعی بود، که مثل افشاگری‌های یک سال بعد ویکی‌لیکس، می‌شد بشنوی که بوروکراسی‌های دیپلماتیک و اطلاعاتی مجبور می‌شوند تغییر لحن بدهند.

بعدازظهر همان روز من به پیتسبورگ پرواز کردم؛ یعنی به منزلگاه بعدی اوباما به منظور حضور در اجلاس اقتصادی سران بیست کشور بزرگ که اکثر رهبران اصلی دنیا در آن شرکت داشتند.

همان‌طور که غالباً در سفرهای رئیس جمهوری اتفاق می‌افتد، ضیافت شامی با حضور جمعی از گزارشگران دیگر و چندین تن از دستیاران سیاسی اوباما، از جمله دیوید اکسلراد و رام امانوئل ترتیب داده شد.

صحبت بیشتر درباره سیاست و نزول اقتصاد بود. اما وقتی که قهوه آوردند، یک مقام ارشد شورای امنیت ملی دستی به شانه من زد. بعد از شام، او به من گفت با آسانسور به طبقه‌ای از هتل بروم که سوئیت رئیس جمهوری آنجا بود. او در گوش من پچ‌پچ کرد: «راجع به ایران صحبت خواهیم کرد.»

هنگامی که ما آن شب بیرون سوئیت اوباما جمع شدیم، او به هتل برنگشته بود. اما اکثر کارکنان امنیت ملی حاضر و به اطلاعاتی که در طی سال‌های بسیار راجع به ایران جمع آوری شده بود، مجهز بودند. اطلاعات را که در سوئیت هتل روی میز گذاشتند، معلوم شد که این سایت جدید نسبتاً کوچک است: حاضران برآورد کردند که سایت برای ۳۰۰۰ سانتریفیوژ جای کافی دارد.

این تعداد برای یک رآکتور هسته‌ای برق کافی است، اما آن طور که سیمور بعداً گفت «برای ساختن یکی دو بمب» زیادی هم هست. این امر که آن را در یک پایگاه نظامی می‌ساختند گویای هرچیزی بود که شما لازم بود بدانید؛ این سؤال دوباره مطرح شد که چرا قوای نظامی این همه در برنامه‌ای دخیل است که دولت ایران می گوید کاملاً غیرنظامی است.

در واقع، ایالات‌متحده سال‌های متمادی، بسیار پیش از آنکه اوباما رئیس جمهور شود، ساختن این تأسیسات را زیرنظر گرفته بود. ایالات‌متحده به وسیله عکس های ماهواره‌ای از ساخت و ساز آن نقشه‌برداری کرده بود - که اگر زمانی ناگزیر از زدن آن می‌شد، به کار می‌آمد. یک مقام افزود که از همان وقت به بعد «ما روی این قضیه کار کرده‌ایم.»

اسرائیلی‌ها در گردآوری اطلاعات نقشی مؤثر ایفا کرده بودند. روس‌ها - که معمولاً از بزرگترین مدافعان ایران‌اند در بی‌خبری کامل بودند.

به من گفتند که اوباما همین چند ساعت پیش دمیتری مدودف Dmitry Medvedev را مطلع کرده است. یک مقام بعداً به من گفت: «روس‌ها حقیقتاً دمغ شدند. فکر می کردند که ایرانی‌ها برایشان دردسرساز شده‌اند.

ادامه دارد

آیت‌الله خاتمی: باید اجازه داد مخالف حرف خود را بیان کند

شهرکرد ـ عضو جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم و امام جمعه موقت تهران گفت: اصلاح‌طلبی را مترادف با فتنه نمی‌دانیم.

به گزارش ایرنا: آیت‌الله سیداحمد خاتمی در آیین افتتاح نشست تخصصی بیستمین دوره طرح تقویت مبانی اعتقادی و شبهه‌زدایی دینی در دانشگاه شهرکرد با موضوع سبک زندگی اسلامی در تعامل و معاشرت صاحبان سلایق سیاسی؛ اظهار داشت: وجود سلایق مختلف در کشور امری طبیعی است، ولی مهم آن است این سلایق را مدیریت کرده و از نظرات مخالف در راستای اهداف بلند ملت استفاده کرد. وی از افراط و تفریط به عنوان آسیب‌های تحزب و برخورد با نظرات مخالف یاد کرد و افزود: در عرصه اصلاح‌طلبی؛ برخی نظرات خود را وحی منزل می‌دانند و در عرصه اصولگرایی نیز کسانی دایره اصولگرایی را محدود کرده و آن را منحصر به خود می‌دانند.

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از کم تحمّلی در شنیدن صدای مخالف به عنوان دیگر آسیب و مشکل موجود در برخورد با سلایق مختلف یاد کرد و ادامه داد: باید اجازه داد؛ مخالف حرف خود را بیان کند و اگر حرف‌های مخالفان بیان شود؛ می‌توان کشور را به سمت پیشرفت هدایت کرد. او در ادامه از طرح شعارهای زیبا و عمل نکردن به آن به عنوان دیگر آسیب در عرصه برخورد با نظرات مخالف یاد و اضافه کرد برخی در کشور از نردبان شعارهای زیبا بالا رفتند، ولی شعارها و وعده‌های خود را به کلی فراموش کردند.

عضو هیات رئیسه مجلس خبرگان رهبری همچنین اصول را فدای فروع کردن به عنوان دیگر آسیب این بخش یاد کرد و گفت: حضور حداکثری مردم در انتخابات؛ اصل مهم این انتخابات بود که رهبری نیز به این اصل تأکید داشتند ولی اصولگرایان در انتخابات ریاست جمهوری گذشته؛ این مهم را فراموش کردند.

وی در پایان سخنان خود از استفاده ابزاری از مقدسات به عنوان نقص در سلایق مختلف کشور یاد کرد و گفت: منبر؛ محراب و مسجد مقدس است و نباید از این همواره برای معرفی حزب؛ گروه یا جناح خاص استفاده کرد و استفاده ابزاری از این موارد بیماری است.

بیستمین دوره طرح تقویت مبانی اعتقادی و شبهه‌زدایی دینی با رویکرد سبک زندگی اسلامی با حضور اندیشمندان دینی از دیروز به مدت یک ماه در دانشگاه شهرکرد و مصلای امام خمینی(ره) این شهر و مراکز شهرستان‌های چهارمحال و بختیاری برگزار می‌شود.

تشییع پیکر یک شهید در قروه

قروه ـ پیکر مطهر شهید ولی‌الله احمدی از پاسداران شهرستان قروه دیروز با حضور باشکوه مردم و مسولان ولایتمدار شهرستان قروه تشییع و در زادگاهش بهارلو از توابع این شهرستان به خاک سپرده شد.

به گزارش ایرنا؛ شهید پاسدار ستوان سوم ولی الله احمدی بر اثر انفجار مین به جا مانده از دوران دفاع مقدس در منطقه شاهو شهرستان کامیاران به فیض شهادت رسید.

ضرورت ایجاد سامانه متمرکز اطلاعات جرائم سایبری در کشورها

سرویس خبر: جانشین معاون هماهنگ‌کننده ناجا با اعلام کشف ۷۴ درصد جرایم سایبری در کشور و تأکید بر ایجاد سامانه متمرکز اطلاعات جرائم سایبری گفت: بحران امنیتی ناشی از جرائم سایبری بر کشورهای زیادی تأثیر می‌گذارد.

سردار زاده‌کمند در کارگاه همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مبارزه با جرائم سایبری که با حضور نماینده پلیس‌های سایبری کشورهای دیگر در تهران برگزار شد، با بیان این‌که گسترش فناوری‌ها، شیوه و سبک‌زندگی و فرهنگ جوامع را تحت تأثیر خود قرار داده است، افزود: با ظهور جرائم سایبری و مشخص شدن نتایج مخرب این جرائم، توجه جهانیان به آن جلب شد، به گونه‌ای که با حملات اینترنتی علیه زیرساخت‌ها، اهمیت جرائم سایبری بیش از پیش به امنیت ملی کشورها گره خورد.

جانشین معاون هماهنگ‌کننده ناجا، فرامرزی و استفاده از تکنولوژی را دو ویژگی اساسی این جرم برشمرد و گفت: این نیاز احساس می‌شود که با توجه به شیوه و ویژگی‌های ارتکاب این جرم، اولا دارای نیروی پلیس مسلط و مجهز به تکنولوژی باشیم و پس از آن پلیس‌های تخصصی همه کشورهای جهان سطح همکاری‌های خود را تقویت کنند. انجام همکاری‌های بین‌المللی عنصر مهم در پیگیری و پیشگیری از جرم سایبری است و باید سازمان‌بین‌المللی همچون اینترپل نقش مؤثرتری در تسریع این مهم ایفا کند.

سردار زاده‌کمند گفت: یکی دیگر از موانع اصلی در افزایش همکاری‌های مشترک، نبود ابزار قانونی بین‌المللی است که با توجه به فراملی و گسترده بودن این جرم، نیاز به یک ابزار بین‌المللی همه‌جانبه که دیدگاه‌های همه کشورها در آن باشد، بیش از پیش احساس می‌شود و نیاز است نهادهای مسئول گام اساسی در این زمینه بردارند. او گفت: ایران برای به روزرسانی پلیس سایبری‌اش سرمایه گذاری لازم را انجام داده است.

جانشین معاون هماهنگ‌کننده ناجا با اشاره به کشف ۷۴ درصدی جرائم سایبری در کشور گفت: ۱۰ کلانشهر کشور نیز مجهز به آزمایشگاه «فارنزیک» هستند و قرار است تا پایان امسال بقیه استان‌ها به آزمایشگاه‌های بررسی ادله دیجیتالی جرم «فارنزیک» مجهز شوند. به گفته‌وی، در۵۶شهرستان بالای ۲۰۰ هزار نفر جمعیت تا پایان امسال پلیس سایبری تشکیل می‌شود.

گرایش قاچاقچیان به فضای سایبری

رئیس پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات ناجا اعلام کرد: در ۲۰ کشور جهان بیش از ۹ میلیون جرم رخ می‌دهد که درصد زیادی از آنها جرائم نوظهور و تکامل یافته از جمله جرائم سایبری است. سردار کمال‌هادیان فر در حاشیه نشست همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی پلیس سایبری افزود: بخشی از این جرائم سایبری در حوزه مواد مخدر روی می‌دهد که امروزه بسیاری از قاچاقچیان سعی دارند از روش‌های سنتی برای عرضه مواد مخدر استفاده نکنند و از روش‌های مدرن از جمله فضای سایبری بهره بگیرند.

او افزود: برای مبارزه با جرائم سایبری در سطح بین المللی نیاز به همکاری کشورهای مختلف داریم زیرا مبارزه با این جرائم مختص کشور خاصی نیست و گسترش همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای را می‌طلبد.

در ادامه رئیس پلیس اینترپل ایران هم از راه‌اندازی مجتمع مبارزه با جرائم سایبری با نام ITCI در آینده نزدیک در مالزی خبر داد. سرهنگ رضوانی گفت: ارتکاب جرم سایبری مرز ندارد و از هر نقطه‌ای در دنیا می‌توان اقدام به این جرائم کرد و فروش سلاح، مواد مخدر و کلاهبرداری از جمله جرائمی است که امروزه به صورت گسترده در دنیا انجام می‌شود.

حمایت سازمان وظیفه عمومی از اقدامات فرهنگی در حوزه سربازی

سرویس خبر: رئیس سازمان وظیفه عمومی ناجا از آمادگی این سازمان برای حمایت از افرادی که قصد فعالیت در زمینه‌های فرهنگی حوزه سربازی دارند، خبر داد.

سردار سید حمید صدرالسادات گفت: مشغول بررسی طرحی هستیم که بر اساس آن بتوانیم مباحث و متون آموزشی را در قالب‌های متنوع باعنوان آموزش مجازی در اختیار مشمولان قرار دهیم. وی با بیان این‌که از افراد دارای ایده که بتوانند اقدامات فرهنگی مرتبط با سربازی انجام دهند، حمایت می کنیم افزود: سازمان وظیفه عمومی این آمادگی را دارد که در زمینه تولید فیلم‌های آموزشی و بروشورها از افراد دارای ایده‌های اجرایی و مناسب حمایت کند. به گفته رئیس سازمان وظیفه عمومی ناجا، اقدامات فرهنگی و مجازی انجام‌شده در این سازمان در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته، به‌طوری که مراجعات حضوری به این سازمان، کاهش قابل توجهی داشته‌است.

مدت‌خدمت سربازی

معاون احضار واعزام سازمان وظیفه‌عمومی ناجا، جزئیات مربوط به مدت خدمت سربازی را اعلام کرد. سرهنگ رحمان علیدوست افزود: مدت خدمت همه مشمولانی که از ابتدای پارسال در نیروهای مسلح و یگان‌های حفاظتی، خدمت دوره ضرورت را انجام می‌دهند ۲۱ ماه است. وی گفت: مدت خدمت دوره ضرورت برای آن دسته از مشمولان که به‌عنوان امریه در ادارات و سازمان‌های دولتی مشغول به خدمت هستند ۲۴ ماه و مدت خدمت سربازانی که در مناطق عملیاتی خدمت می‌کنند ۱۸ ماه است. به گفته او مدت خدمت کارکنان وظیفه غیربومی مشغول به خدمت در مناطق امنیتی غیر درگیر، عملیاتی و بد آب و هوا نیز ۱۹ ماه است.

وی اضافه کرد: مدت خدمت آن دسته از مشمولان که درسال ۹۰ و قبل آن به خدمت اعزام شده‌اند مطابق مقررات سابق یعنی مناطق عادی ۱۸ ماه، مناطق عملیاتی ۱۶ ماه و مناطق محروم و بد آب وهوا ۱۷ ماه است. وی افزود: آن دسته از مشمولان که در سال ۹۰ و قبل آن مشغول خدمت بوده و به علت قبولی در دانشگاه از خدمت ترخیص شده‌اند، در صورت اعزام مجدد ۲۱ ماه خدمت خواهند کرد.

روادید زائران حج ۹۲ از ابتدای شهریور صادر می شود

مدیر کل برنامه ریزی پذیرش و اعزام سازمان حج و زیارت از صدور روادید زائران ایرانی حج ۹۲ از ابتدای شهریورامسال خبر داد.

به‌گزارش ایرنا، حسن سرخوش افزود: دریافت گذرنامه زائران وعوامل کاروان‌های حج امسال طبق برنامه زمانبندی از دوم مرداد آغاز شده است و صدور روادید هم مانند سال های قبل از ابتدای شهریور مصادف با ۱۵ ماه شوال انجام می شود.

به گفته این مقام مسئول در سازمان حج و زیارت نیمی از روادید زائران حج امسال در کنسولگری عربستان سعودی در مشهد مقدس و نیمی دیگر در تهران صادر خواهد شد. بر اساس این گزارش، طبق اعلام سازمان حج و زیارت، عوامل حج امسال ۱۸ شهریورعازم سرزمین وحی می شوند. همچنین نخستین گروه زائران ایرانی حج امسال ۲۳ شهریور و آخرین گروه هم ۱۷ مهر عازم سرزمین وحی خواهند شد.

عملیات بازگشت حجاج ایرانی به کشورمان هم از ۲۸ مهر آغاز می شود و ۱۸ آبان آخرین گروه حجاج ایرانی به میهن اسلامی باز می گردند. طبق برنامه ریزی‌های صورت گرفته امسال هیچ پروازی از فرودگاه امام خمینی (ره) انجام نمی‌شود و زائران همانند سال‌های گذشته از فرودگاه مهرآباد عازم می‌شوند.

صدور کیفرخواست برای ۱۶ عامل کلاهبرداری از بانک

سرویس حوادث: شعبه سوم بازپرسی دادسرای امور اقتصادی حدود دو سه سال قبل، پرونده ۱۶ متهم را به اتهام کلاهبرداری از بانک با صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال کرد.

بر اساس کیفرخواست صادره از این دادسرا متهم ردیف اول با همکاری شمار دیگری از متهمان و ارتباط با برخی کارمندان بانک با استفاده از اسناد مجعول و ارائه اسناد شرکت‌های صوری و ارزیابی غیر واقعی املاک مجموعاً موفق به کلاهبرداری به مبلغ ۱۲۵ میلیارد و ۶۴۲ میلیون و ۱۰ هزار و ۹۸۰ ریال به اضافه مبلغ ۲ میلیون و ۵۳۲ هزار و ۵۰۰ دلار شده‌اند. متهمان در تسهیل عمل خود نیز جمعا مبلغ ۹۱۳ میلیون ریال به برخی کارمندان بانک رشوه پرداخت کرده بودند.

چهاردهمین همایش سالانه اساتید بسیجی برگزار می شود

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: چهاردهمین همایش سالانه اساتید بسیجی از ۲۸ تا ۳۱ مرداد در مشهد مقدس برگزار می شود.

سهراب صلاحی، رئیس سازمان بسیج اساتید کشور با اعلام این خبر در جمع خبرنگاران، گفت: این اجلاس با حضور حدود ۱۰۰۰ نفر از نخبگان و مسئولان کانون های بسیج اساتید سراسر کشور برگزار می شود. وی با بیان این که محور اصلی همایش، «تحول درعلوم انسانی و تمدن نوین اسلامی» است، تاکید کرد: انقلاب اسلامی در زمانی که حاکمیت دو قطبی بر جهان حاکم بود، به صورت استثنایی پدید آمد و بعد از استقرار، نظام اسلامی توانست مبانی خود را تثبیت کند.

رئیس سازمان بسیج اساتید کشور با بیان این که پس از تثبیت، انقلاب وارد مرحله دولت سازی شد و توانست در این مرحله نیز پیشرفت های فراوانی داشته باشد به بیان مثال و مقایسه ایران با مصر پرداخت و افزود: کشور مصر در جهان اسلام و منطقه تقریبا شبیه و همسنگ کشورمان است ولی سهم ایران از رشد متوسط علمی جهان حدود ۱۳ درصد است که در آینده به سومین کشور تولید کننده علم جهانی تبدیل خواهد شد. صلاحی با ارایه آماری در زمینه های دیگر رشد و توسعه ایران، یادآور شد: تولید علم و فن آوری در کشور مانند انرژی هسته ای، هوافضا و سلول های بنیادی بستر مناسب سخت افزاری برای پیشرفت کشور ایجاد کرده است، اما متاسفانه در زمینه های علوم انسانی و نرم افزاری رشد قابل قبولی نداشته ایم.

رئیس سازمان بسیج اساتید کشور با ابراز تاسف از این که بسیاری از مبانی علوم انسانی که در دانشگاه ها تدریس می شود برگرفته از علوم غرب است، گفت: اگر می خواهیم در بحث تمدن نوین اسلامی پیشرفت داشته باشیم باید در زمینه علوم انسانی هم تولیداتی ارایه دهیم. تا وقتی نتوانیم تحولی اساسی در علوم انسانی ایجاد کنیم، نمی توانیم نقشه تمدن نوین اسلامی را ترسیم کنیم.

صلاحی همچنین به تشکیل اتحادیه اساتید مسلمان دانشگاه های بزرگ جهان اشاره کرد و افزود: وظیفه این اتحادیه ساماندهی به وضع عمومی اساتید مسلمان در سراسر جهان است که هم اکنون در مرحله عضوگیری و شناخت اعضا قرار دارد و در آینده ای نزدیک اعلام موجودیت خواهد کرد.

صدور احکام متهمان پرونده موسوم به سلطان شکر

سرویس حوادث: حکم متهمان پرونده موسوم به سلطان شکر از سوی مجتمع قضایی امور اقتصادی صادر شد.

شکایت بانک‌های تجارت و کشاورزی، کمیته امداد امام خمینی (ره)، ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره)، عده‌ای از شکات خصوصی و گزارش‌های متعدد مرکز حفاظت و اطلاعات کل قوه قضائیه با اتهاماتی از قبیل مشارکت در کلاهبرداری، جعل و معاونت در آن، استفاده از اسناد مجعول، تحصیل مال از طریق نامشروع و ارتشاء علیه ۱۶ متهم پرونده موسوم به سلطان شکر در دادسرای امور اقتصادی منجر به صدور کیفرخواست شد.

پس از صدور کیفرخواست پرونده مذکور به شعبه ۱۰۶۵ دادگاه عمومی جزایی تهران ارجاع شد و این شعبه نیز با تشکیل جلسات متعدد دادرسی و تکمیل تحقیقات و مطالعه پرونده که بالغ بر ۳۰۰ جلد و هزاران برگ است، ۱۶ متهم پرونده را به زندان، جزای نقدی، رد مال، تحمل ضربات شلاق، انفصال از خدمت، اقامت اجباری و محرومیت از مشاغل سردفتری محکوم کرد.

پرونده در مورد متهم اصلی مفتوح است. بدیهی است در اجرای مقررات ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری پس از صدور حکم قطعی مشخصات کامل متهمین به نحو مقتضی اعلام خواهد شد.

حریق کنتورهای برق، ساختمانی را به آتش کشید

سرویس حوادث: سخنگوی سازمان آتش نشانی تهران از آتش سوزی ساختمان مسکونی به دلیل آتش گرفتن کنتورهای برق و نجات ۱۱ نفراز محبوس شدگان در دود خبرداد.

جلال ملکی افزود: بامداد دیروز حریق در ساختمانی مسکونی در خیابان نبرد جنوبی اعلام شد و ماموران دو ایستگاه آتش نشانی به محل رفتند و معلوم شد این حریق از کنتورهای برق طبقه همکف ساختمان مسکونی آغاز شده و دود زیادی دو طبقه بالایی و زیر زمین ساختمان را که یک کارگاه خیاطی بود فرا گرفته بود.

دو دستگاه موتورسیکلت هم که در زیر کنتورها پارک شده بود به علت نشت بنزین منفجر و کاملاً شعله ور شده بود. وی اظهار داشت: آتش نشانان با مهار آتش ۱۱ نفر از ساکنان شامل دو کودک، سه مرد و شش زن را که در میان دود محبوس شده بودند، نجات دادند. در این حادثه یکی از آتش نشانان به دلیل مصدومیت به مراکز درمانی منتقل شد.

فرش فروش تهرانی را در مقابل مغازه‌اش کشتند

سرویس حوادث: پلیس آگاهی تهران ردیابی عامل قتل یکی از فرش فروش‌های بازار تهران را که دیروز با شلیک گلوله در مقابل مغازه‌اش جان باخت ادامه می دهد.

ساعت ۷ و ۲۰ دقیقه دیروز صدای شلیک چند گلوله سکوت صبحگاهی در بازار فرش تهران را شکست و رهگذاران مرد موتورسوار مسلحی را دیدند که پس از شلیک به سوی یک خودرو از محل گریخت. شاهدان با نزدیک شدن به خودرو با جسد مردی در داخل آن مواجه شدند و بلافاصله موضوع به پلیس گزارش شد و با حضور کارآگاهان پلیس و قاضی کشیک جنایی درمحل مشخص شد که مقتول به نام محمد صاحب فرش فروشی در مقابل مغازه‌اش با شلیک هفت گلوله به سوی خودرواش به قتل رسیده است.

قاضی جنایی و کارآگاهان با تحقیق از شاهدان و بررسی دوربین‌های مداربسته موجود درمحل متوجه شدند که انگیزه جنایت سرقت نبوده و مقتول قربانی انتقامی کور شده است. تحقیقات درباره این پرونده ادامه دارد.

تایید احکام ۴ مجرم اقتصادی

سرویس خبر: احکام صادره درباره چهار مجرم اقتصادی تایید شد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی مجتمع قضایی امور اقتصادی، شعبه ۶۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران مستقر در مجتمع قضایی امور اقتصادی حکم قطعی چهار متهم یک پرونده به اتهام پولشویی، خیانت در امانت و معاونت در آن را صادر کرد. با اعلام شکایت بانک رفاه کارگران علیه چهار نفر به اتهام‌های یاد شده، پرونده در دستور کار مجتمع قضایی امور اقتصادی قرار گرفت و پس از صدور کیفرخواست از سوی دادسرای امور اقتصادی پرونده مذکور در شعبه ۱۰۶۴ رسیدگی و منتهی به صدور رای شد که این رای در شعبه ۶۸ دادگاه تجدیدنظر تایید و قطعی شد.

بر اساس این رای محکومیت متهمان پرونده به شرح زیر است:

حسین قاسم‌پور علمداری کارمند بانک رفاه شعبه دو راهی قلهک به اتهام خیانت در امانت به تحمل ۳ سال حبس تعزیری، اصغر خلیل‌زاده به اتهام معاونت در خیانت در امانت به ۶ ماه حبس تعزیری، علی‌اکبری به اتهام معاونت در خیانت در امانت به تحمل ۶ ماه حبس تعزیری، مسعود بی‌آزار ساروکلایی به اتهام معاونت در خیانت در امانت به ۶ ماه حبس تعزیری و از بابت اتهام پولشویی به پرداخت مبلغ ۱۱ میلیارد و ۷۵۰ میلیون ریال جزای نقدی.

پرونده تخلف در خرید هواپیما به دادگاه ارسال شد

سرویس حوادث: پرونده خریداران هواپیما که حدود ۲ سال قبل با گزارش وزارت اطلاعات و شکایت صندوق بازنشستگی و ذخیره و رفاه شرکت هما تشکیل شده بود، با صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال شد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی مجتمع امور اقتصادی، قاضی شعبه چهارم بازپرسی با وصول گزارش و شکایت طرح شده علیه ۱۱ متهم پرونده اقدام به تحقیقات و بازجویی کرد و پس از تکمیل تحقیقات مشخص شد متهم ردیف اول در جریان خرید ۱۱ فروند هواپیما با بهره‌گیری از تبدیل نرخ ارز و اخذ پورسانت جمعا مبلغ ٤ میلیون و ۵۲۳ هزار و ۹۵٤ یورو مال نامشروع تحصیل کرده است.

همچنین باسوءاستفاده‌ازمدیریت عاملی خود اقدام به خرید یک دستگاه آپارتمان در لندن به مبلغ ٤۷۰ هزار پوند کرده و علاوه بر این نیز مبلغ ۸۰هزار دلار به متهم ردیف دوم به عنوان حق کمیسیون در معامله خارجی پرداخت کرده است. شعبه چهارم بازپرسی دادسرای امور اقتصادی پس از تکمیل تحقیقات و به استناد اقاریر صریح متهمان همه آن‌ها را مجرم شناخت و دادستان نیز با صدور کیفرخواست از دادگاه برایشان درخواست تعیین کیفر قانونی کرد.

پاسخ‌های متین و مستدل وزرای پیشنهادی به ابهامات نمایندگان

بقیه از صفحه ٤

وی در ادامه یادآور شد: اعتدال حاصل خودباوری و اعتماد به نفس و تندروی نمود بارز ضعف است، سیاست خارجی دولت اعتدال به دور از حاشیه‌پردازی، حقوق مسلم مردم نه تنها در بحث هسته‌ای بلکه در تمامی امور را پیگیری می کند و ذره‌ای از آن کوتاه نمی‌آید؛ در این میان نمایندگان با فریاد احسن اظهارات ظریف را مورد تشویق قرار دادند.

وزیر پیشنهادی امور خارجه ادامه داد: ما با ایجا فرصت و کاهش تهدید دایره دوستان را در منطقه و جهان گسترش می‌دهیم و با باور به توان خود آمادگی داریم که دیگر کنش‌گران صحنه سیاست خارجی را به روابط عادلانه و مبتنی بر همکاری متقابل با ایران وادار کنیم.

وی با اشاره به نبود تمایل خود برای تصدی وزارت خارجه، گفت: من طالب این مسئولیت نبودم و تلاش فراوان کردم تا برادر بزرگوار خود آقای روحانی را متقاعد کنم که این وظیفه را بر عهده من قرار ندهد، اگرچه با رای اعتماد مجلس مسئولیت سنگین و خطیری به عهده من گذاشته می‌شود که فقط با اتکال خاضعانه به قدرت مطلق و لایزال حضرت حق و توسل به پیامبر (ص) و ائمه قابل تحمل است.

ظریف ادامه داد: به عنوان کارشناسی که تمام عمر خود را صرف آموختن، مطالعه، تحقیق، تدریس و اجرای سیاست خارجی کرده‌ام سنگینی این مسئولیت بزرگ را با تمام وجود در برابر ملت بزرگ ایران احساس می کنم و می‌دانم دستیابی به جایگاه در خور جمهوری اسلامی ایران حتما با مخالفت و چالش جدی روبروست اما با تمام دشواری‌ها لحظه‌ای تردید نکردم که یاری خدا برای ملت ایران نزدیک است.

نمایندگان با فریادهای احسنت خود این اظهارات ظریف را نیز تشویق کردند.

وزیر پیشنهادی امور خارجه در بخش دیگری از اظهارات خود یادآور شد: شرایط جهانی کنونی بسیار پیچیده است و جمهوری اسلامی در منطقه‌ای حساس و پرخطر رسالتی مهم بر عهده دارد. سیاست استقلال‌طلبانه و رویکرد عزتمدارانه جمهوری اسلامی نقش برجسته‌ای در جهان به ایران داده و برای ایفای این نقش، سیاست خارجی باید ملی، فراجناحی و بر اساس قانون اساسی تحت نظارت مستقیم مقام معظم رهبری باشد.

نمایندگان مجلس با فریادهای احسنت خود این سخنان وزیر پیشنهادی امور خارجه را تایید کردند.

ظریف یادآور شد: من همواره در هر مسئولیتی که تاکنون در عرصه سیاست خارجی داشتم این اصل را نصب‌العین قرار داده‌ام و افتخارم این است که در اجرای تدابیر داهیانه رهبری در جنگ تحمیلی، بحران عراق، افغانستان، پرونده هسته‌ای و موضوعات دیگر سیاست خارجی کوتاهی نکردم و همواره مورد مرحمت ایشان قرار گرفته‌ام.

وی تصریح کرد: سیاست خارجی عرصه منافع و امنیت ملی کشور است و نباید دستخوش سلیقه‌های جناحی شود. سیاست خارجی امری تخصصی است، من باندگرا نیستم و دست هر کس که بتواند منافع ملی را به پیش ببرد می‌بوسم و این را در ۲۵ سال سابقه مدیریتی‌ام انجام داده‌ام. نه با اتوبوس که تاکنون یک نفر از اقوام و دوستانم را وارد وزارت خارجه نکردم و با کارشناسان خدوم وزارت کار کرده‌ام.

وزیر پیشنهادی امور خارجه با تاکید بر این که سیاست خارجی باید از هیجان های روزمره و ادعاهای هزینه‌ساز به دور باشد، اضافه کرد: در حوزه سیاست خارجی باید عرصه اجرا و تحلیل تفکیک شود. در قلمرو تحلیل من، خود و همکارانم را موظف می دانم که همچون دیده بانی صادق زمینه‌های فرصت‌ساز یا تهدیدآفرین و اوضاع منطقه و جهان را به مسئولین و در راس آنها رهبری منتقل کنم و در این مسئولیت از تمام توان حرفه‌ای و قدرت تحلیلی خود بهره می‌بریم و آن را در کمال راستگویی و خیرخواهی انجام می‌دهیم و از جوسازی و ارعاب واهمه نداریم.

وزیر پیشنهادی امور خارجه همچنین تاکید کرد: در مرحله اجرا دستگاه سیاست خارجی خود را موظف به تصمیماتی می‌داند که توسط مراجع عالیه نظام ابلاغ می‌شود، در این عرصه تمام توان کارشناسی خود را بسیج می‌کنیم که چه این تصمیم موافق نظر یا مخالف تحلیل ما باشد آن را دنبال کنیم زیرا دولت فقط باید یک سیاست خارجی داشته باشد و هیچ دولتی نمی‌تواند با بیش از یک سیاست خارجی کارش را در این دنیای پرآشوب به پیش ببرد به همین دلیل است که قانون نظارت بر این حوزه را در اختیار رهبری قرار داده تا از دعواهای جناحی به دور باشد.

ظریف با بیان این که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس اهداف کلان غیرقابل خدشه و اهداف اجرایی و عملیاتی با توجه به شرایط منطقه، جهان و مصالح ملی تعیین می‌شود، اظهارداشت: اهداف کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی در قانون اساسی، رهنمودهای امام، مقام معظم رهبری و اسناد بالا دستی و به منظور پیشبرد آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی و آرمان‌های انقلاب اسلامی مشخص شده است و بر اساس این اهداف کلان باید به تبیین هوشمندانه، شناخت دقیق شرایط جهانی، ترسیم جایگاه ایران و شناسایی واقع‌بینانه فرصت‌ها و چالش‌ها پرداخت.

وزیر پیشنهادی امور خارجه، دوران فعلی روابط بین‌الملل را دوران گذار توصیف کرد و گفت: این از حساس‌ترین و مخاطره‌آمیزترین مقاطع دوران انتقالی است. این دوران گذار غالبا با جنگ بوده اما اکنون علیرغم رقابت‌های سنگین و سهمناک و بدون استفاده از اهرم نظامی است. یکی از پیچیده‌ترین دلایل این تحول، تحول در مفهوم قدرت است. گذار از تمرکز بر قدرت نظامی به سایر ابعاد نوظهور قدرت و اشاعه معنای غیرنظامی مانند قدرت اقتصادی، علمی و فناوری و قدرت اجماع‌سازی از نمادهای مهم این تحول است.

ظریف در ادامه با بیان این که فضا برای کنش گرانی مثل جمهوری اسلامی به طرز بی‌سابقه‌ای باز شده، یادآور شد: نظریه‌های پایان تاریخ و برخورد تمدن‌ها در کنار تلاش سیاسی برای تشدید اسلام‌هراسی و ایران‌ستیزی نشانگر نگرانی از قدرت جمهوری اسلامی است و ما اگر می‌خواهیم در حوزه‌هایی که رقبا نگرانند پیش برویم باید بر این ابعاد قدرت جمهوری اسلامی تاکید کنیم و دیپلماسی کشور را بر این مبنا قرار دهیم.

وی با اشاره به امکان حضور ایران در عرصه بین‌الملل با توجه به استقلال آن و هویت تاثیر گذار جمهوری اسلامی، اظهارداشت: امکان ارتقای ایران بسیار بیش از قدرت منطقه‌ای فراهم است و توانمندی تاثیرگذاری ایران فراتر از نقش یک قدرت میانی در صحنه جهانی است.

وزیر پیشنهادی امور خارجه با اشاره به نقش فزاینده اسلام در صحنه بین‌الملل، بیداری اسلامی و تحول‌خواهی در کشورهای اسلامی، یادآور شد: جهان با چالش افراط و سکولاریزم مواجه شده و ستیزهای فرقه‌ای سبب شده شکاف‌های اجتماعی عمیق شود و تهدید و بی‌ثباتی گسترش یابد، بر این اساس شرایط برای تبیین الگوی بومی مردم‌سالاری دینی فرصت مناسبی برای تبیین و ارائه عملی اعتدال به عنوان گفتمان انقلاب به ویژه در سایه انتخابات اخیر فراهم شده است.

وی به وجود چالش‌هایی در برابر کشورهم اشاره کرد و گفت که باید با برنامه‌ریزی از این چالش‌ها عبور کرد و نقش کشور را در دوره انتقالی تثبیت کرد.

ظریف با اشاره به اظهارات یکی از نمایندگان در مورد پایان‌نامه وی و استاد راهنمای او برای پایان‌نامه‌اش، گفت: من فوق لیسانس را در دانشگاهی در غرب آمریکا گرفتم و دکترا را هفت سال بعد در مرکز آمریکا که دو هزار کیلومتر با قبلی فاصله دارد گرفتم و استاد راهنمای هر کدام از پایان‌نامه‌ها متفاوت است. یکی از افتخارات بزرگ زندگی من این است که تلاش کردم مسئولیت عراق را در جنگ تحمیلی از دبیرکل سازمان ملل بگیرم، می‌دانم که دوستان به چه کسی اشاره می‌کنند اما به آنها اطلاعات غلط دادند و آن فرد هیچ وقت معلم من نبوده است. مگر بد است یک سیاس کهنه‌کار ۸۰ ساله به یک فرزند این انقلاب بگوید دشمن قابل احترام؟!

در طول شش سال گذشته از کشور خارج نشده‌ام

وزیر پیشنهادی امور خارجه در ادامه گفت: نمی‌دانم این نماینده محترم با من چند ثانیه حشر و نشر داشته است یا از کدام نوشته، رفتار یا سابقه سیاسی و اعتقادی و خانوادگی بنده به این نتیجه رسیده‌اند که نه ۹۰ درصد بلکه صددرصدغربی فکر می کنم.

ظریف ادامه داد: برادر دیگری در کمیسیون سئوالی را مطرح کرد که ننشستند و پاسخ من را گوش کنند دوباره همان سئوال را با عباراتی حق به جانبه در صحن علنی مجلس مطرح کردند که از ملت شریف ایران که وقت و خانه شریف آنها را برای چنین موضوعاتی صرف می‌کنم، پوزش می‌خواهم.

وی تاکید کرد: بنده در سال ۱۳۹۲ حتی یک لحظه از ایران خارج نشدم، نیمه اول نوروزامسال در تهران و شمال و نیمه دوم نوروز را در کنار بارگاه ملکوتی حضرت ثامن‌الحجج به وظیفه پرافتخار رانندگی ویلچر مادر بزرگوارم مشغول بودم.

وزیر پیشنهادی امور خارجه خطاب به نمایندگانی که این شبهه را مطرح کرده بودند گفت: گرچه دولت نهم علیرغم نظر بزرگان نظام بنده را در ۴۷ سالگی خانه‌نشین کرد و علیرغم این که تدریس کتاب درسی نوشته شده توسط خودم را به دانشجویانم سپرد و علیرغم این که از چندین دانشگاه معتبر پیشنهاد تدریس دارم ولی با کمال افتخار بیان می‌کنم که در شش سال گذشته فقط در ایران مانده‌ام و حتی یک لحظه هم فکر خروج از ایران را نداشتم.

ظریف خاطرنشان کرد: برخی از نمایندگان در مورد ارتباطاتم با برخی از مقامات کنونی آمریکا سئوال می کنند، این مقامات یک روزی مخالفین دولت جنگ‌طلب بودند که بنده کارهایم را در همان زمان هم در حیطه وظایفم انجام می‌دادم اما اگر توانستم در میان این جنگ‌طلبان اختلاف ایجاد کنم این افتخار بنده است چون وظیفه‌ام را انجام دادم.

وی افزود: طبیعتا عافیت‌طلبی و نشستن در خانه برایم راحت‌تر بود ولی افتخارمی کنم که بر اساس بزرگان نظام و با نظر و اجازه آنها این کار را انجام دادم.

ظریف، خطاب به برخی منتقدان خود گفت: این افراد نگفتند که چرا رسانه‌های صهیونیستی به من حمله می‌کنند؟ اما آیا این که دشمنان به توانمندی یک فرزند کوچک شمااذعان و اعتراف می‌کنند، بد است؟

وزیر پیشنهادی امور خارجه خطاب به نمایندگان گفت: برای روشن شدن ذهن شما این مثال را مطرح می‌کنم که به دنبال تصویب اولین قطعنامه ظالمانه شورای امنیت علیه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران به لطف خدا و به یاری امام زمان (عج) سخنرانی مستدلی را در اثبات حقانیت کشور به شکلی در شورای امنیت ارائه کردم که سفیر انگلیس در جلسه فردای سفارتش به همکارانش گفت که این سخنرانی را باید در کلاس های دیپلماسی برای دیپلمات‌های انگلیسی تدریس کنیم تا بفهمند که چطور بایداز منافع ملی‌شان دفاع کنند.

وی اضافه کرد: وقتی همان سخنرانی به استحضار مقام معظم رهبری رسید فرمودند «به وزارت خارجه بگویید که از طرف من به آقای ظریف گفته شود خسته نباشید، بسیار خوب وقوی صحبت کردید، متشکرم و ان‌شاءالله موفق باشید» حال نمی‌دانم چرا برخی از دوستان ما تلاش می کنند شرایط را وارونه جلوه دهند.

ظریف خطاب به نمایندگان همچنین تاکید کرد که شرایط منطقه‌ای خطیر ولزوم مواجهه جدی با آن ایجاب می‌کند که سهم مشترکی از این وضع حساس داشته باشیم.

وی همچنین اعلام آمادگی کرد که در صورت دادن رای اعتماد مجلس به او برای تعامل مثبت با مجلس و سایر دستگاه‌های ذیربط برای تولید این سهم مشترک آمادگی داردازظرفیت مجلس در دیپلماسی هدفمند پارلمانی استفاده کند. در غیر این صورت حتما باصداقت با شما برخورد خواهد کرد.

بررسی صلاحیت وزیر پیشنهادی بهداشت

ششمین وزیر پیشنهادی که دیروز در ساعات پایانی جلسه علنی مجلس صلاحیتش در مجلس مورد بررسی قرار گرفت سید حسن هاشمی، وزیر پیشنهادی بهداشت و درمان بود.

لاهوتی و قاضی‌پور و آصفری در مخالفت با وزیر پیشنهادی بهداشت سخن گفتند و ایرج عبدی و احمدی‌لاشکی با تقسیم وقت میان خود در موافقت با او نطق کردند.

نماینده مردم لنگرود در مجلس با انتقاد از برخی از برنامه‌ها که وزیر بهداشت ارائه نکرده است، گفت: برای اجرای برنامه پزشک خانواده نظام بیمه‌ای کشور و تضییع حقوق دانشجویان علوم پزشکی تهران چه برنامه ای باید ارائه شود. از وزیر بهداشت انتظار می‌رود که مشکلاتی که در بخش درمان کشور وجود دارد را حل کند و وی باید پاسخ قانع کننده‌ای به سئوالات دهد.

ایرج عبدی در موافقت با وزیر پیشنهادی بهداشت و درمان اصلی‌ترین چالش این حوزه را فقدان مدیریت و برنامه دانست و تاکید کرد که تعهد و تخصص رافع این چالش است که در ویژگی‌های فردی و مدیریتی وزیر پیشنهادی بهداشت و درمان وجود دارد.

نماینده مردم چالوس و نوشهر هم گفت: مدیریت فوری سند چشم‌انداز و دولت یازدهم سه نوع مدیریت اعلام شده در برنامه‌های وزیر پیشنهاد بهداشت و درمان است.

احمدلاشکی در موافقت با وزیر پیشنهادی بهداشت و درمان گفت: اداره وزارت بهداشت و درمان از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است و متاسفانه نگرانی‌های زیادی در حوزه سلامت وجود دارد.

وی افزود: بیش از ۷۵ درصد از عوامل ضد سلامت خارج از حوزه بهداشت ودرمان است، بخشی از این عوامل عبارتند از آلودگی‌ها، بیکاری سه تا چهار میلیون نفری، سوانح و تصادفات، مرگ و میر ناشی از بیماری قلبی و عروقی، ناباروری، مصرف فست فودها و برنج‌های خارجی که نگرانی‌های امروز جامعه ایران است.

وی با بیان اینکه به چه دلیل باید به دکتر قاضی‌زاده هاشمی رای بدهیم گفت: وزیر پیشنهادی بهداشت و درمان باید پاسخ دهد چرا پزشک خانواده موجب نابسامانی خانواده‌ها شده است؟ چرا قیمت دارو در مدت زمان کوتاهی چند صد درصد افزایش یافته است؟ علت فاصله بین پزشکان چرا چند صد برابر شده است؟ چرا پدیده زیر میزی شیوع پیدا کرده است؟

احمدی‌لاشکی افزود: ایشان آمده‌است تابگوید تغییر مراکز پزشکی دولتی امروز یک فاجعه است، امروز دفترچه‌های درمانی روستایی که چه عرض کنم، دفترچه‌های رسوایی روستاییان در مراکز درمانی پذیرش نمی‌شود، ایشان آمده است بگوید بیمه تصدیگری نیست بلکه یک سرمایه‌گذاری است.

دکترقاضی‌زاده هاشمی: نیاز به تحول اساسی در مدیریت وزارت بهداشت داریم

وزیر پیشنهادی بهداشت درمان و آموزش پزشکی در دفاع از برنامه‌های خود برای تصدی وزارت بهداشت گفت که نیاز به تحول اساسی در نحوه مدیریت پرجمعیت‌ترین و تخصصی‌ترین وزارتخانه دولت احساس می‌شود.

دکتر حسن قاضی‌زاده هاشمی در دفاعیات خود در جلسه بررسی صلاحیتش در مجلس شورای اسلامی با بیان این که امنیت، سلامت اجتماعی و سلامت، امنیت فردی را به دنبال دارد اضافه کرد: انتظار حداقلی مردم از حاکمیت این است که زیرساخت اولیه برای تامین سلامت مردم فراهم شود، زیرا انسان سالم محور توسعه پایدار است و رشد و توسعه سیاسی و اقتصادی پایدار بدون داشتن انسان‌های سالم به لحاظ روحی و جسمی امکان‌پذیر نیست.

وی گفت: در سال‌های گذشته به همت وزرا، مدیران و کارگزاران خدوم حوزه سلامت امید به زندگی برای خانم‌ها به ۷۲ و برای آقایان به ۷۰ سال ارتقا یافته است، کاهش مرگ و میر مادران و کودکان زیر یک سال در سایه احداث و توسعه ۱۸ هزار خانه بهداشت در مناطق روستایی و تربیت و آموزش نیروی انسانی ماهر از به ورز تا نیروی تخصصی حاصل زحمات این عزیزان و زحمات نمایندگان در ادوار مختلف است.

قاضی زاده هاشمی، در ادامه رشد خیره کننده علمی و گذر از مرزهای دانش در برخی بخش‌ها و تولید برخی اقلام دارویی را نیز از دیگر این دستاوردها بیان و در عین حال خاطرنشان کرد: هنوز نظام سلامت باچالش مواجه است و اشکالات متعدد آن بر کسی پوشیده نیست. رتبه شاخص‌های بهداشتی ایران در ۱۸۰ کشور دنیا ۹۹ است، در حالی که در ترکیه این رتبه ٤۹ و در بنگلادش ۵۱ در بحرین ۷۵ در قطر ۷۰ در الجزایر ۷٤ و در لبنان ۱۰۱ است.

وی در ادامه رشد ۵ درصدی اعتبارات وزارت بهداشت در سال ۹۲ را مورد اشاره قرار داد و تاکید کرد: باید نرخ تورم را به این رقم اضافه کرده البته شما بیش از من اطلاع دارید که سال گذشته چه مشکلاتی ناشی از عدم اختصاص بودجه به این بخش وجود داشته است. اکنون ٦ هزار میلیارد تومان کسری وزارتخانه است، ۳ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان بدهی و ۱۵۰۰ میلیارد تومان بدهی بیمه‌ها شرایطی را برای همکاران من در بیمارستان‌های دولتی ایجاد کرده که اداره مجموعه‌های تحت مدیریت آن‌ها به سادگی امکان‌پذیر نیست.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

چند نکته در خور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:

* موضوع پیام ها جنبه های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
* پیام ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن ها خودداری شود.
* خوانندگان محترم شهرستانی در پیام هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند.
* چاپ پیام ها بر اساس نوبت است.

با تشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

ضیافت افطاری!

مسئولان در نشریه «همدان پیام» اعلام کرده بودند که فرهنگیان این استان در ضیافت افطاری شرکت خواهند کرد. بر این اساس ۷ مرداد ماه به آموزش و پرورش تویسرکان مراجعه کردم که با ارائه فیش غذا، اعلام کردند غذای افطاری فقط از ساعت ۱۹ تا ۲۰ روز ۱۱ مرداد ماه در خانه معلم تحویل داده می‌شود و اعتبار فیش غذا هم، فقط درهمان روز است، با این حساب معنی ضیافت افطاری را هم فهمیدیم!

تویسرکان – حسنوند، فرهنگی بازنشسته

قابل توجه مدیران بانک صادرات

برای یک کار کوچک بانکی به بانک صادرات شعبه ۱۳۳۰ میدان مادر مراجعه کردم. در حالی که این بانک ۱۱ باجه دارد و فقط ۱۰ نفر در نوبت بودند ۴۵ دقیقه تمام منتظر ماندم. از ۱۱ باجه بانک فقط ۲ باجه فعال بود و بقیه باجه‌ها با اینکه کارمند داشتند کار نمی کردند. رئیس شعبه هم مشغول گپ و گفت بود. پیغام من به مدیران بانک صادرات این است که اگر رئیس شعبه‌ای توانایی اداره بانک را ندارد، شخص توانایی را به کار گمارند تا مردم اینقدر اذیت نشوند.

یک شهروند

نرخ خرید تضمینی گندم افزایش یابد

نرخ خرید تضمینی از گندمکاران استان کردستان همچنان کیلوگرمی ۷۲۰ تومان است که بارنجی که کشاورزان بابت کاشت و داشت و برداشت آن تحمل می کنند، هماهنگی ندارد ولااقل بایدبه کیلویی ۸۰۰ تومان افزایش یابد.

دیواندره – صادقی، کشاورز نمونه

سهامداران جزء در فراز و نشیب‌های بورس

از سهامداران ۲۰ ساله بورس هستم که فراز و نشیب‌های زیادی را در این بازار دیده‌ام. این روزها شاهدیم که افزایش پی درپی شاخص کل بورس و رکوردزنی آن، نقل تمامی محافل اقتصادی شده است. به تجربه می گویم که به غیر از اندکی از سهامداران عمده، سهامداران جزء سود چندانی حاصل نمی کنند و با حسرت زیاد فقط بالا رفتن شاخص‌ها در بورس را به تماشا می‌نشینند!

از سهامداران بورس

امنیت عبور و مرور در ۱۵ خرداد شرقی

خیابان ۱۵ خرداد شرقی، امنیت لازم را برای عبور و مرور عابران ندارد و با توجه به حجم زیادی از تردد خودروها از این خیابان، جا دارد مسئولان راهنمایی و رانندگی از مأموران بیشتری برای حفظ امنیت عبور و مرور شهروندان در این خیابان استفاده کنند.

از ساکنان خیابان ۱۵ خرداد شرقی

تعویض جعبه فیوز برق

مأموران اداره برق منطقه برج خیام پارک شهر، از یک سال پیش جعبه فیوز برق کوچه شهید شرقی را به بهانه تعویض آن قطع کرده‌اند و تاکنون نسبت به تعویض آن، اقدامی صورت نداده‌اند.

از اهالی کوچه

استفاده از مواهب طبیعی در توسعه اقتصادی

قله «درازنو» واقع در شهرستان کردکوی (استان گلستان) در بیشتر فصول سال پوشیده از برف است و با وجود جنگل های انبوهی که در کنار آن وجود دارد، می تواند به همت مسئولان این شهرستان به قطب ورزش‌های اسکی و موتورسواری صخره‌ای تبدیل شود. امیدواریم مسئولان ذی‌ربط با استفاده از این موهبت طبیعی و نیروی کار جوانان بیکار این شهرستان، تسهیلاتی فراهم کنند تا سرمایه‌های بخش خصوصی در این بخش فعال شود.

کردکوی ـ حسینی

دلالان دارویی به تاخت می‌تازند!

چرا مسئولان وزارت بهداشت و درمان علیرغم فریادهای بیماران، به تخلفات دلالان دارو و برخی از شرکت‌های دارویی رسیدگی نمی کنند؟ در شرایطی که طی ۲ سال اخیر نرخ دلار به ۲ برابر افزایش یافته، قیمت برخی داروها بیش از ۱۰ برابر رشد داشته است. می توان از رشد ۲ برابری قیمت برخی از انواع خودرو چشم‌پوشی کرد و گفت که خودرو نمی‌خریم، اما چگونه می توان از خرید و استفاده از داروهای حیاتی گذشت؟

مصرف کننده دارو

تهدید به قطع برق

مدتی است که مأموران اداره برق خمام (رشت) با مراجعه به منازل مشترکان برق، آنان را به دلیل آمپر پایین کنتور، تهدید به قطع برق می کنند. آیا این کار از نظر مسئولان اداره برق خمام تخلف محسوب نمی‌شود؟

خمام ـ مشترک برق

منظور از رأی ممتنع چیست؟

به نظر می‌رسد نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی باید در قبال حقوق و مزایایی که دریافت می‌دارند، پاسخگوی موکلین خود باشند و با مطالعه دقیق طرح‌ها و لوایح و بررسی نقاط قوت و ضعف آن‌ها، نظر موافق و یا مخالف خود را اعلام دارند. در حالی که می‌بینیم رأی‌گیری بسیاری از طرح‌ها در مجلس شورای اسلامی با تعداد زیادی از آراء ممتنع مواجه می‌شود و این نکته را به اذهان مردم متبادر می‌سازد که آیا برخی از نمایندگان محترم درخصوص طرح یا لایحه مزبور، مطالعه و بررسی‌های کافی داشته‌اند یا خیر؟

تلفن به خط ارتباطی

احداث کتابخانه‌های عمومی در آرامستان‌ها

احداث کتابخانه‌های عمومی در آرامستان‌ها با کتبی حاوی خاطرات رزمندگان و ایثارگران دفاع مقدس و زندگی‌نامه شهدای گرانقدر، می‌تواند به حفظ و انتقال محتویات این آثار ارزشمند به نسل‌های بعدی بسیار تأثیرگذار باشد.

اهواز ـ یک شهروند

تأخیر در پرداخت حقوق بازنشستگان فرهنگی

ظاهراً به دلیل رأی مخالف نمایندگان مجلس شورای اسلامی به جدول حقوقی تازه مدون شده بازنشستگان فرهنگی، حقوق این قشر زحمتکش با تأخیر زیاد پرداخت می‌شود. امید است با رفع این مشکل، پرداخت حقوق‌ها به موقع باشد.

تلفن‌های متعدد به خط ارتباطی

باز هم گلایه از افزایش نرخ دارو!

قیمت یکی از داروهای ویژه بیماران دیابتی ظرف یک ماه اخیر از ۱۵ هزار به ۳٤ هزار تومان افزایش یافته است، چه باید کرد؟

بیمار دیابتی

برخورد نادرست با بازنشسته سالمند

برای دریافت هزینه فیزیوتراپی به نمایندگی شرکت بیمه آتیه‌سازان حافظ در سنندج مراجعه کردم و متاسفانه با برخورد بد کارکنان این مرکز مواجه شدم. آیا چنین برخوردی با یک بازنشسته سالمند صحیح است؟

سنندج ـ بازنشسته کشوری

دور ریختن کینه‌ها!

مسئولان رسانه ملی می توانند با تذکر و یادآوری نکته‌های اخلاقی و خانوادگی در ساعات اوج تماشای برنامه‌های تلویزیون، از بینندگان بخواهند کینه‌ها و کدورت‌هایشان را دور بریزند تا ریشه بسیاری از درگیری‌های اجتماعی و خانوادگی، خشک شود.

زنجان ـ خانم بیننده تلویزیون

پاسخ مسئولان

پاسخ سازمان مدیریت و نظارت بر تاکسیرانی شهر تهران درباره تاکسی‌های خطی رباط کریم

با احترام، پیرو مطلب مندرج در مورخ ۹۲/۵/۱۵ در آن روزنامه وزین خواهشمنداست توضیحات زیر راجهت تنویر افکارعمومی چاپ فرمایید.

با تشکر از تماس شهروند محترم به آگاهی می‌رساند، تاکسی‌های خط مورد اشاره تحت نظارت سازمان تاکسیرانی رباط کریم بوده و شهروند گرامی برای طرح شکایت بایستی با سازمان مزبور تماس حاصل نماید.

شاهین مظفری ـ مدیر روابط عمومی

پاسخ شهرداری منطقه ۱۲ در خصوص آبیاری قطره‌ای فضای سبز

احتراماً عطف به پیام مردمی مندرج در روزنامه اطلاعات مورخ ۹۲/۵/۹ با عنوان «آبیاری متعادل» به اطلاع می‌رساند:

طبق اعلام حوزه معاونت امور شهری و فضای سبز منطقه نسبت به رفع نقص و مرمت سیستم آبیاری قطره‌ای خیابان خراسان اقدام گردید.

محمودی ـ مدیر روابط عمومی

بقیه در صفحه ۹

برپایی اردوی تیم ملی فوتسال در پرتغال یا برزیل

تیم ملی فوتسال تایلند، برای برگزاری دو دیدار تدارکاتی با تیم ملی فوتسال ایران، مهرامسال به ایران می‌آید.

سیدرضا افتخاری، درباره تیم ملی فوتسال و حضور در جام جهانی کوچک برزیل، گفت: قرار بود با پیشنهاد خسوس کاندلاس، سرمربی تیم‌ملی فوتسال کشورمان، قبل از مسابقات گرند پریکس، در پرتغال اردو بزنیم، ولی اگر این اردو در برزیل برگزار شود، بهتر است.

وی افزود: اگر به پرتغال برویم و سپس به مسابقات گرند پریکس اعزام شویم، بازیکنان خسته می‌شوند. پیشنهاد این است که تیم ملی فوتسال، یک هفته زودتر به برزیل برود و با باشگاه‌های برزیلی، بازی کند تا برای مسابقات گرند پریکس آماده شود.

سرپرست کمیته فوتسال درباره برنامه‌های خسوس کاندلاس، تاکید کرد: باید خسوس به ایران برگردد تا برنامه‌ها را مرور کنیم. البته بازی با تایلند در تهران، قطعی شده است. این تیم، ماه آینده به ایران می‌آید تا دو بازی تدارکاتی برگزار کند.

تورنمنت چهار جانبه تبریز

سرپرست کمیته فوتسال فدراسیون فوتبال، از برگزاری تورنمنت چهارجانبه تبریز با حضور تیم های ایران، منتخب تبریز و روسیه خبرداد.

سید رضا افتخاری، سرپرست کمیته فوتسال فدراسیون فوتبال، گفت: طبق توافقنامه ای که در گذشته با فدراسیون روسیه داشتیم، قرار است که هر سال یک تورنمنت دوستانه در ایران یا روسیه برگزار شود؛ پس از سفر تیم ملی فوتسال به روسیه و انجام دیدارهای دوستانه، اکنون نوبت میزبانی ایران است. بر همین اساس، ما تبریز را پیشنهاد دادیم تا میزبان تورنمنت چهارجانبه باشد.

وی افزود: تیم های ملی بزرگسالان و امید روسیه، تیم منتخب تبریز و تیم ملی امید ایران در این تورنمنت شرکت دارند. این مسابقات از ۱۰ تا ۱۳ آذر امسال برگزار می شود.

تغییرات قطعی در کادر فنی

تیم ملی فوتسال ایران در روزهای آینده و پس از بازگشت سرمربی اسپانیایی خود به تهران، دچار تغییراتی در کادر فنی خواهد شد.

به گفته سرپرست کمیته فوتسال فدراسیون فوتبال ،رضا لک (مربی)، قطعا از کادر فنی تیم ملی فوتسال، جدا شده و علی صانعی، جایگزین او می‌شود.

سیدرضاافتخاری‌بابیان‌مطلب بالا، افزود: منتظر بازگشت خسوس کاندلاس هستیم تا برنامه‌هایش را برای ماه‌های آینده بگیریم. او تا این هفته به تهران بر می گردد. رضا لک، مربی تیم ملی فوتسال –که سرمربی تیم گیتی پسند است – نمی تواند کارش را در تیم ملی ادامه بدهد.

وی گفت: لک، با تیم فوتسال گیتی‌پسند قرارداد دارد و بازی‌های باشگاهی این تیم با اردوها و مسابقات تیم ملی، تداخل دارد. او، نمی‌تواند در دو تیم فعالیت کند. ما از او خواستیم که در تیم گیتی پسند بماند؛ چون آنها در جام باشگاه‌های آسیا هم بازی دارند.

وی در باره جدایی قطعی لک، از تیم ملی فوتسال، تصریح کرد: او، یک جورهایی جدا شده است! با این حال، هاشم‌زاده دیگر مربی تیم ملی تمایل دارد که از گیتی‌پسند جدا شود و در تیم ملی به کارش ادامه دهد؛ خسوس، او را می‌خواهد.

افتخاری درباره جانشین لک در تیم ملی، گفت: نظرم این است که علی صانعی در تیم ملی کار کند. البته صانعی به تیم امید علاقه دارد. باید با خسوس صحبت کرد تا اگر راضی شد، صانعی به کادر فنی بزرگسالان اضافه شود.

وی، تاکید کرد: من با صانعی، صحبت‌هایی داشتم. البته ما قصد دخالت در کارهای خسوس را نداریم. به همین دلیل باید منتظر باشیم تا وی به ایران برگردد و در این خصوص با او صحبت کنیم.

۲۴ بوکسور در اردوی تیم ملی

کادر فنی تیم ملی بوکس ایران، در حالی ۲۴ نفر را به اردوی آماده سازی این تیم دعوت کرد که نام علی مظاهری در بین آنان دیده می شود.

مرحله جدید تمرینات تیم ملی بوکس ایران، از شنبه هفته آینده آغاز خواهد شد و تا ۱۲ شهریور ادامه خواهد داشت. تیم منتخب بوکس، در پایان این اردو به مسابقات بین‌المللی جام دستکش طلایی –۲۰۱۳ رومانی اعزام می شود.

علی مظاهری که به دلیل حضور نداشتن در اردوی قبلی، از سوی کادر فنی کنار گذاشته شده بود، دوباره فرصت حضور در تیم ملی را پیدا کرد و به اردو دعوت شد.

سامان مرادی در وزن ۵۲ کیلوگرم، میثم رضایی در وزن ۶۹، محمد محمدی در وزن ۹۱ و میلاد روشن زاده در وزن به اضافه ۹۱ کیلوگرم، نفراتی هستند که از سوی کادر فنی کنار گذاشته شده اند.

اسامی دعوت شدگان به اردوی تیم بوکس به این شرح است:

۴۹ کیلوگرم: هومن طوقانی
۵۲ کیلوگرم: محمد مردی
۵۶ کیلوگرم: احسان سپهوندی، راغب ال بوشکه و سجاد نجفی
۶۰ کیلوگرم: آرمین امجدیان، محمد مومیوند و هادی ماکویی
۶۴ کیلوگرم: مهدی طلوتی و پرویز کرم زهی
۶۹کیلوگرم: سیدحسین حسینی و احسان خدایاری
۷۵ کیلوگرم: سجاد محرابی، مبین کهرازه و سالار طهماسبی
۸۱ کیلوگرم: مجید حاج عباسی، سیاوش امیدی و احسان روزبهانی
۹۱ کیلوگرم: رضا مرادخانی، سینا قلعه بندی، ایمان رمضان پور و علی مظاهری
به اضافه ۹۱ کیلوگرم: جاسم دلاوری و حسین رحیمی

برگزاری سومین آیین پاسداشت روز فرهنگ پهلوانی (۱۷ شوال)

محمدرضا طالقانی، سرپرست فدراسیون کشتی پهلوانی و ورزش باستانی از برگزاری سومین آیین پاسداشت ۱۷ شوال (روز نبرد جوانمرد امیرالمومنین علی (ع) با عمرو بن عبدود) خبر داد.

طالقانی، گفت: این روز بزرگ (۱۷ شوال) که در تقویم رسمی کشور به عنوان روز فرهنگ پهلوانی و ورزش زورخانه‌ای، ثبت شده است، امسال با ایام ولادت جهان پهلوان غلامرضا تختی، مقارن شده است.

سرپرست فدراسیون کشتی پهلوانی و ورزش باستانی، افزود: این آیین جذاب و دیدنی، چهارم شهریور از ساعت ۱۷ تا ۱۹ با حضور مسئولان کشوری، لشگری، نخبگان ورزش کشور، پیشکسوتان، پهلوانان و بزرگان کشتی پهلوانی و ورزش باستانی در تالار وحدت تهران برگزار می‌شود.

شورای فرهنگ عمومی کشور با هدف ترویج و رونق ورزش زورخانه‌ای و برای توسعه فضیلت پهلوانی در فضای فرهنگی کشور، خصوصا نسل جوان و به استناد ابلاغ شورای عالی انقلاب فرهنگی (۶ اردیبهشت ۱۳۸۹ و مصوبه شورای فرهنگ عمومی) آیین‌نامه ترویج فرهنگ پهلوانی از طریق توسعه ورزش زورخانه‌ای در کشور را به تصویب رسانده است.

احتمال لغو مجوز واردات خودروی ورزشکاران

با بخشنامه معاون اول رییس‌جمهوری، مبنی بر توقف اجرای مصوبات مغایر با قانون دولت قبلی، احتمال لغو مجوز اختصاص یافته به ورزشکاران، مبنی بر واردات خودرو خارج از شمول مقررات، افزایش یافت.

رییس‌جمهوری پیشین، حدود دو ماه قبل و پس از صعود تیم ملی فوتبال به جام جهانی، دستور تخصیص مجوز واردات خودرو به فوتبالیست‌ها –خارج از شمول مقررات فنی –را صادر کرد. به دنبال آن، هیات دولت مصوب کرد که به همه قهرمانان ورزشی در رشته‌های مختلف، برای یکبار در طول فعالیت ورزشی خود، مجوز واردات خودرو، اعطا شود. پس از آن، اعلام شد که اعطای این مجوز، سود حداقل یک میلیارد تومانی برای ورزشکاران در پی خواهد داشت و برخی واردکنندگان خودرو، از ارائه پیشنهاداتی به آنها برای خرید حواله (امتیاز) واردات خودروی ورزشکاران به قیمت ۴۰۰ میلیون تومان، خبر دادند.

انتقادات به‌این موضوع ادامه‌داشت تا آنکه هفته گذشته اسحاق جهانگیری (معاون اول رییس جمهوری در دولت جدید) در بخشنامه‌ای، دستور توقف اجرای برخی از تصویب‌نامه‌های هیات دولت، کمیسیون‌های وزرا، نمایندگان ویژه یا شوراهای عالی که مورد ایراد و ابطال قرار گرفته و مصوباتی که پس از خرداد ۹۲ از سوی مراجع نظارتی نسبت به آنها اظهار نشده است را صادر کرد تا نسبت به اصلاح یا وضع مقررات جدید، اقدام شود. تاکنون اظهار نظر رسمی در این باره، از سوی مراجع مربوطه، انجام نشده است و باید دید دولت جدید با مصوبه «واردات خودرو توسط ورزشکاران، خارج از شمول مقررات» چه خواهد کرد.

اخبار کوتاه ورزشی

امضاء تعهدات میزبانی جام ملت‌های آسیا

نایب‌رییس اول فدراسیون فوتبال، از ارسال مدارک اخذ میزبانی جام ملت های آسیا – ۲۰۱۹ و ارسال به کنفدراسیون فوتبال آسیا، پس از هماهنگی نهایی با وزارت ورزش و جوانان، خبر داد.

سیدهادی آیت‌اللهی، درباره پروسه تهیه و ارسال مدارک ایران برای گرفتن میزبانی جام ملت‌های آسیا – ۲۰۱۹، گفت: خوشبختانه همه امضاها و تعهدنامه‌های لازم از وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی درباره موضوع اخذ میزبانی جام ملت‌های ۲۰۱۹ انجام شده است و فدراسیون با جمع‌آوری مدارک، آماده است تا آن را برای (AFC) کنفدراسیون فوتبال آسیا ارسال کند.

وی افزود: اعلام آمادگی و ارسال مدارک ایران، برای گرفتن میزبانی باید با هماهنگی وزارت فعلی ورزش و جوانان و وزیر جدید این وزارتخانه انجام شود.

عیسی‌وند، تنها شانس مدال جهانی کشتی فرنگی جوانان ایران

ملی‌پوش وزن ۹۶ کیلوگرم کشتی فرنگی جوانان ایران، حاضر به رویارویی با حریفی از رژیم صهیونیستی نشد و از دور رقابت‌ها کنار رفت.

در ادامه رقابت‌های کشتی فرنگی جوانان جهان – ۲۰۱۳ بلغارستان، سید مصطفی صالحی‌زاده ملی‌پوش وزن ۹۶ کیلوگرم ایران در مرحله یک چهارم نهایی با حریفی از رژیم اشغالگر قدس برخورد کرد که حاضر به رویارویی با او نشد و از دور رقابت‌ها کنار رفت.

فرشاد عیسی‌وند، تنها ملی‌پوش ایران در چهار وزن نخست است که شانس کسب مدال دارد. او در مرحله یک چهارم نهایی با نتیجه ۹ بر صفر «یاشین کارداشلی» از ترکیه را شکست داد و به مرحله نیمه نهایی وزن ۵۰ کیلوگرم راه یافت. عیسی‌وند، برای رسیدن به فینال، حریف قرقیزستانی را پیش رو دارد. پیش از او، امید قادری در وزن ۶۰ کیلوگرم و پیام بویری در وزن ۷۴ کیلوگرم، از دور رقابت ها کنار رفته بودند.

۲۶ بازیکن در اردوی تیم ملی فوتبال نوجوانان

اردوی آماده‌سازی تیم ملی فوتبال نوجوانان ایران (زیر ۱۶سال)، از فردا تا سه شنبه هفته آینده در آکادمی فوتبال برگزار می‌شود.

مصطفی قنبرپور، اسامی بازیکنان دعوت شده به اردوی تیم ملی فوتبال نوجوانان را به این شرح اعلام کرد: فرید نجات، رضا دهقانی، علی خدادادی، مهران درخشان مهر و محمد امین بهرامی (اصفهان)، رضا سلیمانی (فارس)، امیر حسین یحیی زاده و نیما مختاری (مازندران)، حسام سلطانپور (گیلان)، سجاد کریم زاده (آذربایجان شرقی)، فتح‌الله درزی، وحید افتاری (هرمزگان)، نیما داغستانی، علی اکبراحمدی، محمدرضا خاکی، باقر نیاری (البرز)، مهرداد پور ابوالقاسم، محمد شمسی، سید علی بخات (خوزستان)، مهدی عبداله وند، علی صادق تبار، سعید حسین‌پور، رضا شکاری، رضا کریمی، مصطفی رخ بین زاده و ایمان رستگاری (تهران)

بازیکنان دعوت شده به این اردو، باید قبل از ساعت ۱۴ فردا خود را به سرپرست تیم معرفی کنند.

پخش مستقیم دیدارهای استقلال و پرسپولیس

بازی تیم های استقلال و پرسپولیس در هفته پنجم لیگ برتر فوتبال باشگاه های ایران به صورت مستقیم، از شبکه سوم سیما، پخش خواهد شد.

استقلال تهران، پنجشنبه با داماش دیدار می کند و پرسپولیس، جمعه میزبان ملوان بندر انزلی خواهد بود. زمان پخش مستقیم این دو دیدار، از شبکه سوم سیما به این شرح است:

پنجشنبه ۲۴ مرداد (فردا): داماش گیلان – استقلال تهران، ساعت: ۱۹:۳۰

جمعه ۲۵ مرداد (پس‌فردا): پرسپولیس تهران – ملوان بندرانزلی، ساعت: ۱۹:۳۰

جهان فوتبال

آنچلوتی: رئال، بهترین تیمی که تاکنون داشته‌ام

سرمربی ایتالیایی رئال مادرید، اعلام کرد که این تیم، بهترین تیمی است که هدایت آن را بر عهده داشته است.

کارلو آنچلوتی در آسمان‌ها سیر می کند. او نه تنها در باشگاه رویایی‌اش رئال مادرید است، بلکه از نمایشی که بازیکنان ارائه کرده‌اند به وجد آمده است. سرمربی ایتالیایی که میلان را در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۷ به عنوان قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا رساند، علاوه بر ستارگانی چون کریستیانو رونالدو و اوزیل، بازیکنانی چون ایسکو، کاسمیرو، خسه و کارواخال را در اختیار دارد.

اطمینان به «کاسمیرو» و شکوه باورنکردنی «خسه»، دهان آنچلوتی را از حیرت باز نگه داشته است. او، معتقد است که تیمش، آمیزه‌ای بی‌عیب و نقص از بازیکنانی در کلاس جهانی، تجربه فراوان و بازیکنانی با شور جوانی است. خلاصه احساس آنچلوتی این است که «کلید بهشت فوتبال» را در اختیارش قرار داده‌اند.

پراندلی: دیدار با پاپ، مهمتر از بازی با آرژانتین است

ایتالیا – آرژانتین، امشب در دیداری دوستانه در ورزشگاه المپیک رم به مصاف هم می‌روند. البته قبل از این بازی، بازیکنان دو تیم به دیدار پاپ می روند.

پراندلی، سرمربی ایتالیا درباره دیدار با پاپ، قبل از بازی با آرژانتین، گفت: هر روز و هر هفته، فوتبال بازی می کنیم، ولی در همه دوران زندگی خود، فقط یکبار به دیدار پاپ می‌رویم. به همین خاطر، دیدار با پاپ، مهمتر از بازی دوستانه با آرژانتین است.

پراندلی درباره زوج بالوتلی – اوسوالدو در تیمش، گفت: این دو بازیکن، توانایی‌های زیادی دارند. مهمترین کار برای بالوتلی، این است که فکر خود را معطوف به زمین مسابقه کند تا بازیکن تاثیرگذاری باشد.

لوییس گوستاوو: دوست دارم برای آرسنال بازی کنم

هافبک تیم فوتبال بایرن مونیخ با اشاره به علاقه مندی آرسنال برای جذب وی، گفت دوست دارد، برای توپچی‌های لندن بازی کند.

آرسنال، برای به خدمت گرفتن «لوییس گوستاوو» پیشنهادی ۲/۱۷ میلیون پوندی به مقامات بایرن مونیخ ارائه کرده است. پس از اینکه «تیاگو آلکانتارا» به بایرن پیوست، وضع گوستاوو در این تیم، باثبات به نظر نمی‌رسد. تیم‌های ناپولی و ولفسبورگ، نسبت به جذب این بازیکن، ابراز تمایل کرده‌اند. چون این بازیکن در نظر دارد، تیم ملی فوتبال برزیل را در جام جهانی – ۲۰۱۴ همراهی کند، نیازمند آن است که بطور ثابت در ترکیب تیم باشگاهی خود به میدان رود.

گوستاوو، با اشاره به علاقه مندی آرسنال به جذب وی، افزود: قرارداد من با بایرن تا سال ۲۰۱۵ اعتبار دارد. برای اینکه در برزیل به میدان روم، خیلی مهم است که در ترکیب اصلی تیم حضور داشته باشم. البته وضع شکننده‌ای در بایرن دارم و باید این موضوع را رو به راه کنم.

وی افزود: آرسنالی ها مرا می خواهند. ما داریم در خصوص یک باشگاه بزرگ حرف می زنیم و مسلما علاقه دارم به این تیم بپیوندم. آرسنال، فوتبال جذابی بازی می کند و در لیگ قهرمانان اروپا، حضور دارد. آنها مربی باهوشی بنام آرسن ونگر دارند.

لوییس گوستاوو، فصل گذشته فقط در ۱۶ بازی، برای بایرن در بوندس لیگا به میدان رفت.

ترحیم

بازگشت همه به سوی خداست

با نهایت اندوه درگذشت مادری فداکار و همسری مهربان شادروان **فرشته ملک یزدی** را به اطلاع می‌رساند.
به همین مناسبت مجلس یادبود و بزرگداشت آن روانشاد روز پنج‌شنبه ۹۲/۵/۲۴ از ساعت ۱۷ الی ۱۸/۳۰ در مسجدالغدیر واقع در بلوار میرداماد برگزار می‌گردد.
همسر: دریادار ۲ بازنشسته سیروس غفاری
فرزند: دکتر کامیار غفاری
خواهران: فریده دانشمند کاشانی و فرحناز کامیاب
خانواده‌های: غفاری، ملک یزدی، نجم آبادی، مستوفی‌ها و سایر خانواده‌های وابسته

بی‌همگان به سر شود
بی‌تو به سر نمی‌شود
داغ تو دارد این دلم
جای دگر نمی‌شود

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت پدری مهربان و همسری دلسوز مرحوم شادروان **استاد دکتر علی غروی** فرزند مرحوم آیت‌الله شیخ محمد غروی را به اطلاع کلیه دوستان، آشنایان و اقوام می‌رساند.
پیکر پاک آن مرحوم در بهشت‌زهرا(س) به خاک سپرده شد.
به همین مناسبت مراسم یادبودی در روز جمعه مورخ ۹۲/۵/۲۵ از ساعت ۹ الی ۱۰/۳۰ در مسجد سید واقع در بروجرد ـ خیابان بحرالعلوم برگزار می‌گردد.
تشریف‌فرمایی شما سروران گرامی باعث شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
از طرف همسر و فرزندان

بازگشت همه به سوی اوست

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت همسری فداکار و پدری مهربان مرحوم مغفور شادروان **امیرحسن صدری اردکانی** را به اطلاع کلیه بستگان، دوستان و آشنایان محترم می‌رسانیم.
مجلس ترحیم آن عزیز روز چهارشنبه مورخ ۹۲/۵/۲۳ از ساعت ۱۸/۳۰ الی ۲۰ در مسجد نظام مافی واقع در تهران، بلوار آیتا... کاشانی ابتدای جنت‌آباد منعقد می‌گردد.
از طرف خانواده‌های: صدری اردکانی، مجیدی، فرخنده کیش، نیک خلق، بندار، فتوره‌چی، تقوی اردکانی، افضلی اردکانی، بقایی، قدوسی، کاظمی، پاشایی‌نژاد، ستاری فر و سایر بستگان، دوستان و آشنایان

بازگشت همه بسوی اوست

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت آقای **غلامرضا عمید** را به اطلاع کلیه اقوام، دوستان و آشنایان می‌رساند.
بهمین مناسبت مراسم ترحیمی روز جمعه ۹۲/۵/۲۵ از ساعت ۱۰/۳۰ صبح الی ۱۲ در مسجد جامع شهرک غرب واقع در میدان صنعت، ابتدای بلوار فرحزادی برگزار می‌گردد.
خانواده‌های: عمید ـ شهرستانی آذر ـ بلاغی ـ بهار ـ کیانی ـ یزدان‌پرست ـ خمّر و سایرو ابستگان

انالله و اناالیه راجعون

بدینوسیله با نهایت تأسف و تألم درگذشت **سرهنگ خلبان (سابق) مهندس حاج احمد ذوالفقاری پور** بزرگ خاندان ذوالفقاری‌پور در خارج از کشور را به اطلاع دوستان و اقوام می‌رساند.
خانواده‌های: ذوالفقاری‌پور، خداداد، ذوالفقاری، منتصری

بازگشت همه بسوی اوست

با نهایت تأسف و تألم درگذشت شادروان **پرویز بیگدلی (زنجانی)** از مدیران سابق صنایع دفاع و سازمان برنامه و بودجه را به اطلاع می‌رساند.
مجلس ترحیم آن شادروان روز شنبه مورخ ۹۲/۵/۲۶ ساعت ۱۴/۳۰ الی ۱۶ در مسجدالرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر (آپادانا) خیابان شهید عشقیار میدان نیلوفر برگزار می‌گردد.
تشریف‌فرمایی عزیزان موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان می‌باشد.
خانواده‌های: بیگدلی ـ رشیدی ـ فقیه‌زاده و سایر بستگان

انالله و انا الیه راجعون

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان **بیوک زمردی** (بزرگ خاندان) را به اطلاع بستگان و آشنایان می‌رساند.
مجلس ترحیم روز پنجشنبه ۹۲/۵/۲۴ از ساعت ۱۵ الی ۱۶/۳۰ در مسجدالغدیر واقع در بلوار میرداماد برگزار می‌گردد.
تشریف‌فرمایی سروران گرامی موجب تسلی خاطر بازماندگان و شادی روح آن مرحوم خواهد بود.
فرزندان: شهرام ـ شهنام ـ شهره
خانواده‌های: زمردی ـ رستمی ـ اصغریان ـ اعتماد ـ طالبی ـ ابوالقاسمی ـ امانی ـ پوریا و سایر خانواده‌های وابسته

توضیح و تصحیح

پیرو چاپ آگهی ترحیم **بانو پروین شهیدی** مورخ ۹۲/۵/۲۲ در روزنامه‌های اطلاعات و همشهری در اسامی نوه‌ها شیرین شهیدی صحیح می‌باشد.

«انالله و انا الیه راجعون»

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان **کریم مکری** قاضی بازنشسته و وکیل پایه یک دادگستری را به اطلاع بستگان، دوستان و آشنایان محترم می رساند.
به همین مناسبت مراسم ترحیمی روز چهارشنبه مورخه ۹۲/۵/۲۳ ـ از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ در مسجدالنّبی (ص) واقع در انتهای خیابان کارگر شمالی ـ مقابل کوی دانشگاه برگزار می‌گردد.
حضور سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های سوگوار: مکری ـ هروآبادی ـ عصارپور ـ صفائی ـ نبوی ـ خطیبی دماوندی ـ وکیل ـ بهادر ـ مولوی ـ الویری ـ محررّ خوانساری ـ بختیاری ـ ضیائی ـ شاه‌حسینی ـ غفارزاده ـ رضوی دربار ـ نوروزی ـ نیکومنش ـ مسئله‌دان ـ میناهاشمی ـ هاشمی رضوانی و سایر وابستگان

یادبود

پانزدهمین و بیست و ششمین سال درگذشت مادر و پدر نازنینمان خانم **اشرف نظام‌لی** و آقای **محمد ارجمندی** را گرامی می‌داریم.
روحشان شاد
دوستشان داریم مثل همیشه
فرزندان

تسلیت

جناب آقای عباس ترابیان

با نهایت تأثر و تأسف، درگذشت مادر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت گفته، برای آن مرحومه رحمت و غفران الهی و برای بازماندگان صبر و سلامتی از درگاه ایزد منان خواستاریم.
خسرو قهرمان‌زاده، علیرضا بردبار، سیدمحمد ویژگان، بیژن نفیسی، سیاوش میرزا آقاسی

دوست عزیز
جناب آقای صادق سمیعی

با نهایت تأسف درگذشت شادروان **علیقلی سمیعی** را خدمت جنابعالی و خاندان محترم آن مرحوم تسلیت عرض می‌نمایم.
دکتر کریم نیلفروشان

استادان ارجمند
سرکار خانم دکتر فرنگیس سمیعی
جناب آقای پروفسور دکتر عباس مجیدی

با نهایت تأسف درگذشت شادروان **علیقلی سمیعی** را صمیمانه تسلیت عرض نموده و از خداوند یکتا برای آن مرحوم، رحمت مسئلت دارم.
دکتر کریم نیلفروشان

سرکار خانم‌ها سیمین، مریم و مژده

با نهایت تأسف درگذشت والده گرامی‌تان مرحومه سرکار خانم **زهرا شکرآبادی** را تسلیت عرض نموده و برای آن مرحومه علودرجات و برای بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل خواهانیم.
احسان، ثریا، شهرام و شهریار صالحی

سرکار خانم سعیدی و خانم مهندس مولود نجات

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت برادر ارجمندتان جناب آقای **دکتر احمد سعیدی** را به شما و خانواده محترم تسلیت گفته و برایتان صبر و بردباری آرزومندیم.
دکتر یوسف علیزاده
دکتر اکرم طاهرپور

جناب آقای دکتر فهیمی
مدیرعامل محترم شرکت آریتا

درگذشت مادر گرامیتان را تسلیت عرض نموده، سلامتی و صبر از درگاه احدیت برای جنابعالی مسئلت می‌نمائیم.
شرکت رمزآسا ـ امیرعباس فرجاد

جناب آقای مهندس سید امین میرمحمدعلی

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت دایی گرامیتان را تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای آن مرحوم مغفرت و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.
هیئت مدیره و همکاران شما در مهندسین مشاور تدبیر ساحل پارس

خانواده محترم و گرامی بازنشسته
(مرحوم یوسف علی عبدالحسینی)

با غم و اندوه فراوان درگذشت مرحوم (**یوسف علی عبدالحسینی**) را به خانواده محترمشان از صمیم قلب تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای آن مرحوم غفران الهی و برای خانواده‌اش صبر و شکیبایی مسئلت داریم.
سیدعلی محمدهاشمی ـ حمیدرضا بهرام‌بیگی ـ سیدحامد موسوی ـ محمدرضا مرتضی‌زاده ـ احمد برزگر ـ اسماعیل عودباشی ـ احمد سلیمانی ـ رضا ایمانی ـ رضا دلخوش ـ حسن عظیمی ـ احمد عودباشی ـ محمد سلیمانی ـ مسعود زهیری ـ احمد عابدی ـ غلامرضا رحمت‌اله ـ محسن دینی ـ سیدسعید سرفراز امینی ـ محمدرضا عطائی ـ قیاس مشهدی ـ محمد پورمهانی خامنه‌ای ـ محمدتقی اسماعیلی ـ حسن پرتوی ـ ابراهیم یزدانی ـ علیرضا افشار ـ سیدحیدر تقوی ـ علیرضا فرج‌الهی ـ مصطفی بشیری ـ جواد مقدسی ـ میلاد حاج ملک ـ امید بذلی ـ سید امیر شهابی ـ مهدی سلیمانی ـ علی اصغری‌نژاد ـ حمید شریفی ـ شهرام صومعه‌نشین ـ احسان احمدپور ـ محمدرضا پورموسی ـ داود رمضانی ـ سید میثم کوچک‌میر
خانم‌ها: جهانشاهی ـ حلوائی ـ شیخ‌علی ـ نعمت‌پور ـ مکرمی ـ شعبانی ـ حیدرزاده ـ زکالوند ـ حیدری ـ شجاعی ـ شریفی ـ بیگی ـ سیری

پنهان کردن احساسات زخم خورده
پشت دیوار شکیبایی
برای مقابله با اندوه بزرگ و جانکاه نشانه خردمندیست

جناب آقای دکتر احمد حجتی خواهر ارشد و ارجمند خود را از دست داده‌اند. ایشان به تمسک مشکلات فصل و سختی رفت و آمد در شهر، راههای آگاهی دوستدارانی که علاقمند به همراهی در مراسم بزرگداشت آن عزیز غایب از نظر بوده‌اند بستند، و در محدوده بستگان و نزدیکان متوقف شدند.
با ادای احترام به روان آن پرکشیده به ملکوت و اظهار همدردی با بازماندگان، خود را شریک غم آنان می‌دانیم.
محمدجواد آسایی ـ علی بیک‌مرادی ـ مجید پارسا ـ هوشنگ خاقانی ـ مهندس رحیم داودی ـ سید اسماعیل دستغیب ـ ابراهیم رئیس روحانی ـ حسن سپهری ـ عطا سیدقاسمی‌پور ـ محمد سیدقاسمی‌پور ـ سهراب شیبانی ـ رضا عطایی ـ مهندس حسینعلی فردوس ـ علی فرشیدنیا ـ علی فروتن نائینی ـ پرویز معیریان ـ علی نامدار ـ رحمت‌اله نوید ـ مجید نصیرزاده ـ عبدالحسین هاشمی

شرکت محترم بنادر
جناب آقای مهندس رستم آبادیان
جناب آقای دکتر محمدی

بدینوسیله درگذشت شادروان جناب آقای مهندس **سیدمحمدباقر محمدی** را به جنابعالی و همکاران محترمتان تسلیت عرض می‌نماید و از درگاه خداوند متعال برایتان صبر و شکیبایی آرزومندیم.
شرکت راهسازی ایران

جناب آقای حاج محمود وثوق و
خاندان محترم وثوق و معین

مصیبت وارده را به شما تسلیت عرض می‌نماییم.
حسین و امیرعباس خلیل‌نژاد ـ علی موسویان ـ احمد و علی و آرش بوربور ـ حسین و هادی نادری

همکار ارجمند جناب آقای دکتر محمدرضا کوشش کار

مصیبت وارده را تسلیت عرض می‌نمائیم و برای جنابعالی و بستگان صبر و شکیبایی از درگاه حق آرزومندیم.
همکاران شما در انجمن علمی طب هوا ـ فضای ایران

جناب حاج آقا محمدعلی ادیب

با نهایت تأسف و تاثر درگذشت خواهر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترم صمیمانه تسلیت عرض نموده و از خداوندمنان برای آن مرحومه رحمت الهی، شادی روح و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نماییم.
مدیرعامل، هیات مدیره و کارکنان
شرکت توسعه آب و گاز ایران

مدیرعامل محترم شرکت توسعه آب و گاز ایران
جناب آقای مهندس علی‌اکبر ادیب

با تأثر درگذشت خواهر ارجمندتان را تسلیت گفته، رحمت الهی برای آن روانشاد و سلامتی جنابعالی و خاندان گرامی را آرزومندیم.
انجمن صنفی شرکتهای پیمانکار تاسیسات و تجهیزات صنعتی ایران

رفت تا دامنش از گرد زمین پاک بماند
آسمانی تر از آن بود که در خاک بماند
خانواده محترم تقوی و نیاکیان

با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را به شما و کلیه بازماندگان آن فقید سعید صمیمانه تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن مرحوم مغفرت و علو درجات را خواستاریم.
یوسف قیامتیون و نعمتی

آگهی تصمیمات شرکت موسسه صندوق قرض‌الحسنه امام حسن عسگری(ع) به‌شماره ثبت ۱۳۴ و شناسه ملی ۱۰۲۲۰۰۰۸۶۴۰

به استناد صورتجلسه هیات امناء مورخ ۱۳۹۲/۰۳/۰۶ موسسه صندوق قرض‌الحسنه امام حسن عسگری (ع) تصمیمات ذیل اتخاذ گردید.
۱- نام موسسه برابر تایید نام اداره کل ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری به موسسه صندوق قرض‌الحسنه روشن راه ارومیه تغییر و ماده یک اساسنامه اصلاح و تصویب شد.
۲- امضای ذیل دفتر ثبت مربوطه در تاریخ ۹۲/۵/۱۵ تکمیل شد.
۲۸۰/م‌الف **مسئول ثبت شرکتهای ارومیه - مریم حسین دوستی**

آگهی تغییرات شرکت توان الکتریک زرندیه (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۲۹۶ و شناسه ملی ۱۰۷۸۰۰۱۹۶۷۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۴/۸ تصمیمات زیر اتخاذ گردید: با افزایش سرمایه شرکت از مبلغ ده میلیون ریال به مبلغ یک میلیاردریال ازطریق واریز نقدی موافقت گردید و در نتیجه سرمایه شرکت مبلغ یک میلیارد ریال منقسم به یکصد سهم ده میلیون ریالی با نام می‌باشد که ماده مربوطه به‌شرح فوق اصلاح گردید.
سرپرست ثبت و اسناد و املاک شهرستان زرندیه - مرتضی تنها

آگهی تصمیمات شرکت کنتورسازی ایران (سهامی عام) شماره ثبت ۵۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۸۷۰۲۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخه ۹۱/۱۲/۳۰ تصمیماتی به شرح ذیل اتخاذ گردید:
۱. آقایان سیداحمد علی عاملی به شماره ملی ۱۲۸۴۴۶۳۸۳۴ و سیدعلی‌عاملی به شماره ملی ۰۰۷۴۲۵۸۰۹۵ و شرکت‌های سرمایه‌گذاری و تجاری معین رنان (سهامی خاص) به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۲۱۸۸۳۹ و شرکت بازرگانی مبین رنان (سهامی خاص) به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۷۰۸۶۵ و کنتورسازان قزوین مدار (سهامی خاص) به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۷۵۶۳۷۹ به عنوان اعضای هیأت‌مدیره به مدت ۲ سال انتخاب گردیدند.
۲. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۹۱/۱۲/۳۰ تصویب شد.
۳. مؤسسه حسابرسی نماگر حساب به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۳۴۸۰۲۶ به سمت بازرس اصلی و موسسه هشیار بهمند به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۶۸۷۴۶ به سمت بازرس علی‌البدل به مدت یک‌سال مالی تعیین گردیدند.
۴. روزنامه اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.
به استناد صورتجلسه هیأت‌مدیره مورخه ۹۲/۴/۳۰ آقای سیداحمدعلی عاملی به شماره ملی ۱۲۸۴۴۶۳۸۳۴ به سمت رئیس هیأت‌مدیره و خانم ویدا بیگدلی به شماره ملی ۴۲۸۴۱۸۱۷۸۵ طبق حکم شماره ۹۲/۳۵۷ مورخ ۹۲/۴/۳۰ به نمایندگی شرکت کنتورسازان قزوین مدار (سهامی خاص) به سمت نایب رئیس هیئت‌مدیره و آقای سیداحمد نصری به شماره ملی ۴۳۲۲۵۵۱۸۷۴ طبق حکم شماره ۹۲/۱۱۰/۲۷۳۵ مورخ ۹۲/۴/۳۰ به نمایندگی از شرکت سرمایه‌گذاری و تجارتی معین رنان (سهامی خاص) به عنوان عضو هیأت‌مدیره و آقای محمد تعلق به شماره ملی ۲۹۹۷۳۱۳۸۳ طبق حکم شماره ۹۲/۵۷۳ مورخ ۹۲/۴/۳۰ به نمایندگی از شرکت بازرگانی مبین رنان (سهامی خاص) به عنوان عضو هیأت‌مدیره و آقای سیدعلی عاملی به شماره ملی ۰۰۷۴۲۵۸۰۹۵ به سمت مدیرعامل و عضو هیأت‌مدیره تعیین گردیدند و کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت با امضای ثابت مدیرعامل و یکی از اعضای هیأت‌مدیره همراه مهر شرکت و در غیاب مدیرعامل با امضای ثابت رئیس هیأت‌مدیره به همراه امضای عضو دیگر همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد. سایر اوراق و اسناد عادی و مکاتبات داخلی با امضای مدیرعامل و مهر شرکت معتبر خواهد بود ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها در مورخه ۹۲/۵/۱۶ تکمیل امضا گردید.
سرپرست ثبت اسناد و املاک شهرستان البرز ـ عسگری

آگهی تغییرات شرکت سیمان هگمتان (سهامی‌عام) شماره ثبت ۲۷ شناسه ملی ۱۰۸۲۰۰۴۹۳۲۴

به موجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۲۴ و پیرو مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۰۱/۱۱ تصمیمات ذیل در شرکت مزبور اتخاذ گردید:
۱- آقای جعفر سرقینی به سمت رئیس هیئت مدیره. (غیرموظف)
۲- آقای داود مختارپور به‌سمت نایب رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل. (موظف)
۳- آقای شمس‌اله محمدی به‌سمت عضو غیر موظف هیئت مدیره.
۴- آقای محمد باقرعالی به‌سمت عضو غیر موظف هیئت مدیره.
۵- آقای مسعود حقیری به‌سمت عضو غیر موظف هیئت مدیره.
بعنوان اعضای هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند و کلیه اوراق و اسناد تعهدآور شرکت و همچنین کلیه چکها و بروات و سفته‌ها و سایر اوراق تجاری با امضاء مدیرعامل و یک نفر از اعضاء هیئت مدیره متفقاً به همراه مهر شرکت و در غیاب مدیرعامل با امضای دو نفر از اعضای هیئت مدیره متفقاً به همراه مهر شرکت معتبر خواهد بود. مدیرعامل با توجه به آیین‌نامه معاملات می‌تواند قراردادهای منعقده را تا سقف تعیین شده در آیین‌نامه به تنهایی امضا نماید. به موجب صورتجلسه مذکور، هیئت مدیره بخشی از اختیارات خود را مطابق با ماده ۵۱ اساسنامه شرکت به مدیرعامل تفویض نمود.
غلامرضا شیرخانی خرم
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان رزن

آگهی تصمیمات شرکت سهامی عام سیمان ارومیه به شماره ثبت ۲۶۳ و شناسه ملی ۱۰۲۲۰۰۱۶۳۱۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۲/۰۴/۱۵ سهامی عام سیمان ارومیه تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱ـ ترازنامه و حساب سود و زیان سال ۱۳۹۱ تصویب شد.
۲ـ مؤسسه حسابرسی آزموده‌کاران به سمت بازرس اصلی و مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت نواندیشان به سمت بازرس علی‌البدل برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۲ انتخاب شدند.
۳ـ روزنامه اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد.
۴ـ امضای ذیل ثبت دفتر مربوطه در تاریخ ۱۳۹۲/۵/۱۳ تکمیل شد.
مسئول ثبت شرکت‌های ارومیه
۲۷۹/م‌الف **مریم حسین‌دوستی**

آگهی تصمیمات
شرکت سهامی خاص گروه پزشکی حکیم نجف به شماره ثبت ۱۴۳۱ و شناسه ملی ۱۰۲۲۰۰۴۶۰۰۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۲/۰۴/۲۱ شرکت سهامی خاص گروه پزشکی حکیم‌نجف تصمیمات ذیل اتخاذشد:
۱- ترازنامه و صورتحساب مالی سال ۱۳۹۱ تصویب شد.
۲- بهمن فرشید به کد ملی ۲۷۵۳۹۸۹۹۰۷ به‌سمت بازرس اصلی و پویا اسلام پور به کد ملی ۲۷۵۴۲۶۶۴۳۷ به‌سمت بازرس علی‌البدل به‌مدت یک‌سال انتخاب شد.
۳- روزنامه اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد.
۴- امضای ذیل ثبت دفتر مربوطه در تاریخ ۱۳۹۲/۵/۱۵ تکمیل شد.
مسئول ثبت شرکت‌های ارومیه
۲۸۳/م‌الف **مریم حسین دوستی**

شماره: ۱۲۵۰۵/ث - ۱۳۹۱/۱۰/۹

آگهی تصویب ترازنامه و انتخاب بازرسان شرکت برق منطقه‌ای اصفهان سهامی خاص، ثبت شده به‌شماره ۷۲۷ و شناسه ملی ۱۰۲۶۰۱۳۱۳۸۰

برابر صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۹۱/۶/۱۴ ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۰ شرکت نامبرده به تصویب رسیده و سازمان حسابرسی به‌عنوان حسابرس و بازرس قانونی شرکت برای مدت یک‌سال انتخاب شده است. امضای ذیل ثبت در تاریخ ۹۱/۱۰/۹ تکمیل گردید.
منصور آذری
رئیس اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری اصفهان

آگهی تأسیس شرکت ایمن آشیانه دهگلان سهامی خاص

شرکت فوق در تاریخ ۱۳۹۲/۰۵/۱۵ تحت شماره ۹۲۲۰ و شناسه ملی ۱۰۶۱۰۱۲۵۲۲۱ در این اداره به ثبت رسیده و در تاریخ ۱۳۹۲/۰۵/۱۵ از لحاظ امضای ذیل تکمیل گردیده و خلاصه اظهارنامه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم در روزنامه‌های رسمی و کثیرالانتشار اطلاعات آگهی می‌شود.
۱ـ موضوع شرکت:
عبارتند از امور پیمانکاری مربوط به انجام خدمات اجرایی و ساخت ساختمان‌ها و ابنیه و همچنین امور پیمانکاری مربوط به ساخت راه‌ها نظیر فرعی و اصلی پل‌ها و سیستم‌های حمل‌ونقل و راهداری و آسفالت پس از اخذ مجوزهای لازم.
۲ـ مدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود.
۳ـ مرکز اصلی شرکت:
۱ـ۳ـ استان کردستان ـ شهر سنندج ـ خیابان اکباتان ـ کوچه اردشیر شماره ۶۸ کدپستی: ۶۶۱۵۶۵۷۸۳۳
۴ـ سرمایه شرکت: مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به یکصد سهم ۱۰/۰۰۰ ریالی که تعداد یکصد سهم بانام می‌باشد که مبلغ ۳۵۰/۰۰۰ ریال توسط مؤسسین طی گواهی بانکی شماره ۹۵۴ مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۱۲ نزد بانک رفاه شعبه دهگلان پرداخت گردیده است و الباقی سرمایه در تعهد صاحبان سهام می‌باشد.
۵ـ اولین مدیران شرکت:
۱ـ۵ـ آقای بهنام حمیدی بگه‌جان به سمت رئیس هیئت مدیره.
۲ـ۵ـ آقای محمد همتی به سمت نایب رئیس هیئت مدیره.
۳ـ۵ـ آقای رضا فرجی به سمت عضو هیئت مدیره.
۴ـ۵ـ آقای رضا فرجی به سمت مدیرعامل به مدت ۲ سال انتخاب گردیدند.
۶ـ دارندگان حق امضاء: کلیه اسناد و اوراق بهادار از قبیل چک، سفته، برات و عقود اسلامی به امضای رضا فرجی و مهر شرکت معتبر است و اوراق عادی و نامه‌ها با امضای رضا فرجی و مهر شرکت معتبر می‌باشد.
۷ـ اختیارات مدیرعامل: طبق اساسنامه
۸ـ بازرس اصلی و علی‌البدل:
۱ـ۸ـ آقای شمس‌اله محمدی آسیا بجوب به عنوان بازرس اصلی
۲ـ۸ـ آقای کمال مبارکی به عنوان بازرس علی‌البدل
رئیس ثبت سنندج

آگهی تغییرات شرکت مهندسین مشاور بزرگ راه آذربایجان سهامی خاص به‌شماره ثبت ۱۲۷۷۵ و شناسه ملی ۱۰۲۲۰۱۷۸۷۹۹

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱- سمت اعضای هیئت‌مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند: آقای فیض‌الله رادمان به شماره ملی ۲۹۱۹۰۶۶۲۶۹ به‌سمت رئیس هیئت مدیره و آقای مسعود سیدطاهری به‌شماره ملی ۲۸۰۲۶۵۵۸۶۸ به‌سمت نایب رئیس هیئت‌مدیره و آقای ابراهیم ثوابی به شماره ملی ۲۸۰۰۴۰۱۵۵۹ به‌سمت عضو هیئت مدیره و آقای ابراهیم ثوابی به شماره ملی ۲۸۰۰۴۰۱۵۵۹ به‌سمت مدیرعامل. ۲- امضای کلیه اسناد مالی و چک‌ها و قراردادها و اسناد تعهدآور متفقا با مدیرعامل و رئیس هیات مدیره و مکاتبات عادی و اداری به تنهایی با هر یک از نامبردگان همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود. در تاریخ ۱۳۹۲/۰۵/۱۲ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.
۲۷۸/م‌الف **مسئول ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری - واحد ثبتی ارومیه**

آگهی حصر وراثت

آقای **محمد** شهرت **معتقد** نام پدر علی به شناسنامه ۹ ـ ۱۳۴۳ صادره از بهبهان درخواستی به خواسته صدور گواهی حصر وراثت تقدیم و توضیح داده که پدرم مرحوم علی شهرت معتقد به شناسنامه ۷۹۹۸ ـ ۱۳۰۷ صادره بهبهان در تاریخ ۹۲/۴/۲۷ در بهبهان اقامتگاه دائمی خود فوت ورثه‌اش عبارتند از ۱ـ متقاضی محمد معتقد به ش ش ۹۱ ـ ۱۳۴۳ حوزه یک بهبهان ۲ـ محمدرضا معتقد به ش ش ۲۵۶۲۵ ـ ۱۳۳۹ حوزه یک بهبهان ۳ـ نجف معتقد به ش ش ۴۴۶ ـ ۱۳۳۶ حوزه یک بهبهان ۴ـ محمدتقی معتقد به ش ش ۲۸۴۶۳ ـ ۱۳۴۶ حوزه یک بهبهان (پسران متوفی) ۵ـ کبری معتقد به ش ش ۱۲۷ ـ ۱۳۴۴ حوزه یک بهبهان ۶ـ صغری معتقد به ش ش ۲۹۶۵۴ ـ ۱۳۴۸ حوزه یک بهبهان ۷ ـ سارا معتقد به ش ش ۸۲۶ ـ ۱۳۵۹ حوزه یک بهبهان (دختران متوفی) ۸ـ گلاب معتقد به ش ش ۱۷۹۳۶ ـ ۱۳۱۵ حوزه یک بهبهان (زوجه دائمی متوفی) ولاغیر.
اینک با انجام تشریفات قانونی مراتب مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کس اعتراض دارد یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک‌ماه بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر و هر وصیت‌نامه بجز سری و رسمی که بعد از این تاریخ ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.
قاضی شورای حل اختلاف دادگستری بهبهان ـ رحیم کنار کوهی

آگهی تغییرات در شرکت شهر فولاد با شناسه ملی: ۱۰۲۶۰۰۶۲۴۹۰ سهامی خاص ثبت شده به شماره ۲۶۲

به موجب نامه شماره ۲۸۴ مورخ ۱۳۹۲/۴/۹ شرکت منضم به صورتجلسات مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۷ و تغییرات زیر در شرکت مذکور بعمل آمد که جهت اطلاع عموم در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران و روزنامه اطلاعات درج و منتشر می‌گردد. ۱ـ ترازنامه عملکرد و حساب‌های سود و زیان سال مالی ۹۱ مطرح و مورد تصویب مجمع قرار گرفت. ۲ـ آقایان احمد کریمیان با شماره ملی ۱۲۸۸۶۵۹۲۲۹ و با کد پستی ۸۱۷۳۷۷۳۳۱۱ منوچهر نظری با کدملی ۲۷۲۱۶۹۷۱۱۰ و با کدپستی ۸۴۹۱۸۸۴۹۶۱ را به ترتیب به سمت بازرسان اصلی و علی‌البدل شرکت برای مدت یک سال انتخاب شده‌اند. ۳ـ روزنامه اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک فلاورجان ـ محمدرضا امینی پژوه

اعلام رای هیات قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی (مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان آوج)

به استناد پرونده کلاسه ۱۳۹۱۱۱۴۴۰۹۰۰۸۰۰۰۰۳۵ به نام آقای مصطفی عبدی فرزند علی محمد به ش.ش ۵ ششدانگ یک قطعه زمین محصور مقدار ۱۳۷۰۰/۷۲ مترمربع از پلاک ۴۳ـ اصلی واقع در روستای نجف‌آباد واقع در بخش ده قزوین از مالکیت آقای عزیز قهوچی فرزند غلامحسین را رسماً به موجب سند شماره ۱۷۲۲۲ـ۹۰/۳/۵ دفترخانه ۴۲ بویین‌زهرا خریداری نموده که حسب تقاضا مورد رسیدگی هیات تعیین تکلیف قرار گرفته و منجر به صدور رای شماره ۱۳۹۲۶۰۳۰۹۰۰۸۰۰۰۳۱۵ـ۹۲/۴/۳۱ گردیده طبق رای مرقوم تصرفات مفروزی مالکانه و بلامعارض متقاضی برای هیات محرز و موضوع را منطبق با ماده ۳ قانون مصوب ۹۱/۷/۱۶ دانسته. علیهذا مراتب جهت اطلاع فروشنده و سایر مالکین مشاعی و صاحبان هرگونه حق در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی تا چنانچه هرکس نسبت به مفاد رای معترض می‌باشد ظرف مدت دو ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی اعتراض خود را به این اداره تسلیم دارد و ظرف یک ماه دادخواست خود را به دادگاه صالح ارائه و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت ارائه نماید بدیهی است پس از انقضاء مهلت چنانچه اعتراضی نرسد سند مالکیت مورد تقاضای متقاضی وفق مقررات صادر و تسلیم خواهد شد و صدور سند مالکیت جدید مانع مراجع متضرر به دادگاه نخواهد بود.
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان آوج ـ محمدی

آگهی تغییرات شرکت مهندسین مشاور بزرگ راه آذربایجان سهامی خاص به‌شماره ثبت ۱۲۷۷۵ و شناسه ملی ۱۰۲۲۰۱۷۸۷۹۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۲۳ تصمیمات ذیل اتخاذشد: ۱- اعضای هیئت مدیره تا تاریخ ۱۳۹۴/۰۴/۲۳ به قرار ذیل انتخاب گردیدند: آقای فیض‌الله رادمان به شماره ملی ۲۹۱۹۰۶۶۲۶۹ و آقای مسعود سیدطاهری به شماره ملی ۲۸۰۲۶۵۵۸۶۸ و آقای ابراهیم ثوابی به شماره ملی ۲۸۰۰۴۰۱۵۵۹ تا تاریخ ۱۳۹۴/۰۴/۲۳. ۲- خانم ناهید مهید به شماره ملی ۱۳۷۹۸۰۲۹۴۶ به‌عنوان بازرس اصلی، خانم سمیرا ملک زاده به شماره ملی ۰۰۷۵۲۲۴۷۳۹ به‌عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند. ۳- روزنامه کثیرالانتشار «اطلاعات» جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد. در تاریخ ۱۳۹۲/۰۵/۱۲ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضا قرار گرفت.
۲۷۷/م‌الف **مسئول ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری - واحد ثبتی ارومیه**

آگهی تصمیمات شرکت توزیع نیروی برق همدان (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۱۸۸ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۱۱۴۴۹۶

به موجب صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده و عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۹۲/۱/۱۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱) شرکت مدیریت تولید انتقال و توزیع نیروی برق ایران توانیر (سهامی‌خاص) به شماره ثبت ۱۳۲۴۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۰۴۵۸۴ با نمایندگی آقای حاجی رضا تیموری با کدملی ۴۰۷۰۲۰۲۱۹۶ و شرکت سرمایه‌گذاری صنایع برق و آب صبا (سهامی‌عام) و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۲۸۱۱۹ با نمایندگی آقای محمدمهدی شهیدی با کدملی ۳۸۷۳۸۴۹۳۸۰ و شرکت مدیریت سرمایه کرامت (سهامی‌خاص) و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۳۲۹۰۴ با نمایندگی آقای محمدشاهرخ فتحیان با کدملی ۳۸۷۴۳۷۷۲۵۳ همگی به عنوان اعضاء اصلی هیأت مدیره و آقای امیر مظاهری با کدملی ۳۸۷۲۸۷۶۴۰۶ به عنوان علی‌البدل همگی برای مدت دو سال انتخاب شدند.
۲) اساسنامه جدید شرکت ممهور به مهر هیأت واگذاری سازمان خصوصی‌سازی مشتمل بر ۶۳ ماده و ۲۱ تبصره به تصویب رسید و جایگزین اساسنامه قبل شد.
هادی یونسی عطوف
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان همدان

آگهی تصمیمات شرکت سهامی خاص گلنوش باختر به شماره ثبت ۶۲۳۲ و شناسه ملی ۱۰۲۲۰۱۰۳۷۰۱

به استناد صورتجلسات مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۱۵ شرکت سهامی‌خاص گلنوش باختر تصمیمات ذیل اتخاذ گردید.
۱ـ به موضوع فعالیت شرکت علاوه بر موارد مندرج در ماده ۲ اساسنامه بسته‌بندی انواع روغن‌ها و چربی‌های گیاهی و حیوانی اضافه و تصویب شد.
۲ـ امضای ذیل دفتر ثبت مربوطه در تاریخ ۱۳۹۲/۴/۲۶ تکمیل شد.
۲۵۱/م‌الف **مسئول ثبت شرکت‌های ارومیه - مریم حسین دوستی**

آگهی تصمیمات شرکت سهامی خاص اروم شیب شکن به‌شماره ثبت ۵۶۶۱ و شناسه ملی ۱۰۲۲۰۰۹۵۹۶۰

به استناد صورت جلسات مجمع عمومی عادی سالیانه و هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۱۰ شرکت سهامی خاص اروم شیب‌شکن تصمیمات ذیل اتخاذ گردید.
۱- ترازنامه و صورتحساب‌های مالی سال ۹۱ تصویب شد.
۲- سعید رحیمی آسیابی - مجتبی سیفی دیزج - هیواخضری به‌عنوان اعضای اصلی هیئت مدیره به‌مدت دو سال انتخاب شدند.
۳- رضا رضوی به کد ملی ۲۹۰۹۸۰۷۴۲۸ به‌عنوان بازرس اصلی، کانی رشیدزاده به کدملی ۲۷۵۳۷۷۴۰۲۱ به عنوان بازرسان علی‌البدل به‌مدت یک سال مالی انتخاب شدند.
۴- روزنامه اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت انتخاب شد.
۵- هیوا خضری به کدملی ۲۷۵۴۳۷۱۷۱۰ به سمت عضو و رئیس هیئت مدیره مجتبی سیفی دیزج به کد ملی ۲۷۵۳۶۹۱۰۳۷ به‌سمت عضو و نایب رئیس هیئت مدیره سعید رحیمی آسیابی به کد ملی ۲۷۵۳۷۳۱۶۳۲ به سمت عضو هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت به‌مدت دو سال انتخاب شدند.
۶- کلیه اسناد مالی چک، سفته، قراردادها و سایر اسناد تعهدآور با سعید رحیمی آسیابی همراه با مهر شرکت خواهد بود.
۷- امضای ذیل ثبت دفتر مربوطه در تاریخ ۱۳۹۲/۴/۲۹ تکمیل شد.
۲۵۶/م‌الف **مسئول ثبت شرکت‌های ارومیه - مریم حسین دوستی**

اطلاعات

سال هشتاد و هشتم

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سردبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت جنوبی - ساختمان اطلاعات - کدپستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی‌ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی‌ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

تقویم اطلاعات
چهارشنبه ۲۳ مرداد ۱۳۹۲
۶ شوال ۱۴۳۴ - ۱۴ آگوست ۲۰۱۳

ظهر شرعی	۱۳ و ۹ دقیقه
غروب آفتاب	۱۹ و ۵۵ دقیقه
اذان مغرب	۲۰ و ۱۴ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۰ و ۲۳ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۴ و ۵۱ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۶ و ۲۳ دقیقه

یادداشت

جاسوسی، جنگ غیرمستقیم روسیه و آمریکا

نادر مازوجی

جنگ اطلاعاتی میان واشنگتن و مسکو، قدمتی ۸۰ ساله دارد و به اوایل دهه ۱۹۴۰ قرن گذشته بازمی‌گردد؛ زمانی که جنگ سرد میان این دو ابرقدرت آغاز شد و تاکنون با شدت تمام ادامه دارد. حتی از زمان فروپاشی شوروی و پایان جنگ دو قطبی، جنگ اطلاعاتی میان آمریکا و روسیه همچنان ادامه دارد و به‌ویژه روسیه تلاش می‌کند از این طریق هیمنه از دست رفته خود را در برابر آمریکا بازیابد. آمریکا بعد از فروپاشی شوروی، سیاست یکجانبه‌گرایی را در پیش گرفته و دنبال جهان تک قطبی است، اما روسیه به دنبال حاکمیت چندجانبه‌گرایی در نظام بین‌الملل است...

...در موضوع‌های مختلفی چون سوریه و بحث استقرار سپر موشکی ناتو در برخی کشورهای اروپایی اختلاف نظر جدی دارند، پناهندگی به اسنودن امتیاز بزرگی برای روسیه به حساب می‌آید، تا از آن بعنوان اهرم فشار بر آمریکا درباره مسائل یادشده استفاده کند. در هر حال اسنودن مهره ارزشمندی برای روسیه و آمریکا محسوب می‌شود؛ برای مسکو از این جهت که می‌تواند به اطلاعات گرانبهایی از نظام اطلاعاتی و جاسوسی آمریکا دست یابد و برای واشنگتن از آن جهت که افشای اطلاعات اسنودن، شکست سنگینی برای آمریکا، در جنگ جاسوسی سایبری مقابل رقیب دیرینه‌اش خواهد بود.

وزارت کشور مصر: منتظر دستور اقدام علیه اعتراضات هستیم

سرویس خارجی: «عبدالفتاح عثمان» معاون وزیر کشور مصر در روابط عمومی و امور رسانه‌ای تأکید کرد که این وزارتخانه طرح مقابله با تظاهرات حامیان مرسی را آماده کرده است و آماده دریافت دستور برای آغاز این طرح است. وی در گفت‌وگوی تلفنی با برنامه «مردم می‌خواهند» در شبکه التحریر تأکید کرد که این طرح تاکنون به درخواست میانجیگرها به تأخیر افتاده است. عثمان افزود که افرادی که در تجمع های رابعه العدویه و النهضه حضور داشته اند در صورتی که این تجمع ها را ترک کنند مورد پیگرد قانونی قرار نخواهند گرفت و وزارت کشور هزینه خروج آنها از تظاهرات را پرداخت خواهد کرد و کسانی که مدارک شناسایی شان در گرو مسئولان این تظاهرات است می توانند به وزارت کشور مراجعه کنند تا برای آنها کارت‌های شناسایی جدید صادر شود.

معاون وزیر کشور همچنین از اهالی رابعه العدویه خواست ورودی های خانه های خود را مسدود کنند و اجازه ندهند که افراد ناشناس از پشت بام خانه‌های آنها استفاده کنند. در همین راستا، یک مسئول امنیتی مصری که خواست نامش فاش نشود، در مصاحبه با خبرگزاری آسوشیتدپرس، اعلام کرد که پس از اینکه تصمیم نیروهای امنیتی مصر برای یورش به این میدان‌ها فاش شد، اجرای این تصمیم به تاخیر افتاد. از سوی دیگر، وزارت کشور مصر در بیانیه‌ای اعلام کرد که دستگاه‌های تحقیقات جنایی در مدیریت امنیتی قاهره موفق شدند شخصی را بازداشت کنند که در خانه‌اش در شهر نصر به اعضای اخوان المسلمین برای استفاده از سلاح آموزش می داد. وزارت کشور مصر تاکید کرد که در خانه این شخص اسنادی یافت شد که از طرح‌های نظامی در صورت متفرق کردن تحصن رابعهٔ العدویهٔ خبر می‌داد.

نشست مقامات

یک منبع در دفتر ریاست جمهوری مصر اعلام کرد که عدلی منصور، رئیس جمهوری موقت مصر با محمد البرادعی، معاون رئیس جمهور در روابط خارجه و حازم ببلاوی، نخست وزیر این کشور و عبدالفتاح سیسی، وزیر دفاع و محمد ابراهیم، وزیر کشور و عادل عبدالحمید، وزیر دادگستری و مصطفی حجازی، مشاور رئیس جمهوری در امور استراتژیک در کاخ ریاست جمهوری دیدار کرد. منابع خاطر نشان کردند که در این نشست اوضاع کنونی مصر و تحصن‌ها در میدان‌های رابعهٔ العدویه و النهضه مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در این حال، بررسی پژوهش های دانشگاهی عبدالفتاح السیسی، در زمان تحصیلش در آمریکا مشخص کرد که وی از منتقدین سرسخت سیاست‌های آمریکا در زمینه تحقق دموکراسی در خاورمیانه است. به نوشته روزنامه اماراتی الخلیج، برخی از تحلیل گران سیاسی کشورهای عربی و غیر عربی به بررسی پژوهش های عبدالفتاح السیسی، فرمانده نیروهای مسلح مصر هنگامی که در دانشکده امور جنگی و نظامی آمریکا در سال ۲۰۰۶ میلادی مشغول به تحصیل بوده، پرداخته‌اند.

تمدید حکم بازداشت

منابع خبری مصری از تصمیم دادگستری این کشور برای تمدید ۱۵ روزه حکم بازداشت محمد مرسی رئیس جمهوری برکنارشده مصر خبر دادند. منابع خبری مصری از تصمیم دادگستری این کشور برای تمدید ۱۵ روزه حکم بازداشت «محمد مرسی» رئیس جمهور برکنار شده این کشور خبر می دهند. حدود دو ماه است که مرسی بعد از کودتای نظامیان در مصر، در محلی نامعلوم در حبس به سر می‌برد.

تحولات سینا

یک منبع امنیتی تأکید کرد که دو موشک به مراکز امنیتی العریش اصابت کرد و افراد ناشناس مسلح به مرکز پلیس در این منطقه حمله کردند. یک منبع امنیتی در سینا گزارش داد که دو موشک به منطقه «غرناطه» در ساحل العریش اصابت کرده است. وی افزود: در این منطقه یک مرکز امنیتی ارتش و استراحتگاه مدیر بخش امنیتی این منطقه نیز وجود داشته است و تحقیقات برای اطلاع از میزان خسارت ها ادامه دارد. این منبع امنیتی تأکید کرد که احتمالا تروریست ها از مناطق صحرائی نزدیک العریش این حملات را انجام داده باشند.

در همین راستا منابع آگاه در سینا تأکید کردند که این حادثه در پی انفجار بمب‌های دست ساز که به وسیله افراد ناشناس کار گذاشته شده بود، در منطقه آل یاسر و بخش امنیتی العریش روی داده است. از سوی دیگر منابع امنیتی تأکید کردند که افراد مسلح ناشناس به بخش پلیس العریش حمله کرده اند که این مسئله منجر به درگیری نیروهای امنیتی با آنها شده است. از دیگر سو، رسانه های خارجی از شلیک سه موشک از صحرای سینا به بندر ایلات در جنوب سرزمین های اشغالی خبر دادند.

سه موشک به بندر ایلات در جنوب فلسطین اشغالی از صحرای سینا شلیک شد. بنا بر این گزارش، از این سه موشک، دو موشک توسط سیستم ضد موشکی گنبد آهنین رژیم اسرائیل رهگیری و منهدم شد، اما موشک سوم ساعت ۱ بامداد در منطقه ای بیابانی فرود آمد که تلفات و خساراتی برجای نگذاشته‌است. گروه انصار بیت‌المقدس مسئولیت این حملات را بر عهده گرفته است. گفته شده این حملات به تلافی حمله روز جمعه رژیم صهیونیستی به صحرای سینا صورت گرفته است. این در حالی است که، گروه موسوم به مجلس شورای مجاهدین نیز مسئولیت شلیک موشک به سمت شهر ایلات اسرائیل را برعهده گرفت.

تظاهرات میلیونی «با هم علیه کودتا و صهیونیست‌ها»

تظاهرات میلیونی حامیان مرسی با شعار «با هم علیه کودتا و صهیونیست‌ها» در برخی مناطق مصر برگزار شد. همچنین راهپیمایی گسترده‌ای نیز در مرکز قاهره صورت گرفت. هزاران نفر از حامیان مرسی تظاهرات اعتراضی خود را در مناطق مختلف قاهره برگزار کردند که با توجه به حضور آنها در برابر چند وزارتخانه، تدابیر شدید امنیتی از سوی نیروهای ارتش اتخاذ شد.

در همین راستا صدها نفر از دانش آموزان وابسته به اخوان المسلمین در برابر وزارت آموزش عالی تجمع کردند و خواستار بازگشت مرسی به قدرت شدند و انقلاب ۳۰ ژوئن را محکوم کردند. از طرفی، شماری از حامیان مرسی در برابر وزارت کشاورزی تجمع و تلاش کردند که وارد وزارتخانه شوند که با مقابله پرسنل وزارت کشاورزی روبرو شدند. وزارت نیرو و انرژی نیز درهای اصلی ساختمان وزارتخانه را در پی حضور اخوان المسلمین در برابر وزارتخانه بسته تا با حمله احتمالی آنها به وزارتخانه مقابله کنند.

۳۰ کشته در تازه‌ترین جنایت تکفیری‌های عراق

سرویس خارجی: مناطق مختلف عراق شاهد انفجارهای گسترده‌ای بود به‌طوری که در این انفجارها ۳۰ نفر کشته و ۱۳۳ نفر زخمی شدند. یک دستگاه خودرو بمبگذاری شده در نزدیکی یک قهوه خانه در استان صلاح الدین واقع در ۸۰ کیلومتری بغداد منفجر شد که بر اثر آن ۲۰ نفر کشته شدند. دو بسته انفجاری دیگر نیز در نزدیکی ورزشگاه فوتبال در منطقه المقدادیه در شمال شرق بغداد منفجر شد که کشته شدن چهار نفر را در پی داشت. همچنین چهار نفر نیز در انفجاری در یک بازار در شهر بعقوبه واقع در استان دیاله کشته شدند. علاوه بر این در انفجار دو بمب در شرق «تکریت» مرکز استان «صلاح‌الدین» ۲ شهروند عراقی کشته و ۸ نفر دیگر زخمی شدند. یک منبع آگاه در پلیس این استان اعلام کرد که انفجار یک بمب در جاده منتهی به محله‌ای صنعتی در منطقه «الدور» در شرق تکریت یک کشته و ٤ زخمی برجای گذاشت و بمب دوم در میان تجمع مردم پس از انفجار بمب نخست منجر شد که یک کشته و ٤ زخمی دیگر برجای گذاشت.

از سوی دیگر شبکه تلویزیونی العراقیه به نقل از دستگاه های مبارزه با تروریسم عراق گزارش داد که تمام افرادی که برای فرار زندانیان ابوغریب برنامه ریزی کرده بودند بازداشت شدند. این عملیات طبق اطلاعات دقیق انجام شد و علاوه بر آن دو نفر از سرکردگان فراری القاعده نیز بازداشت شدند. از طرفی، حمله افراد مسلح ناشناس به چند تن از شهروندان عراقی شهر موصل که در مقابل در منازلشان ایستاده بودند، به کشته شدن یک نفر و جراحت سه تن منجر شد. افراد مسلح ناشناس، به تعدادی از شهروندان عراقی در منطقه «العطاشنه» در نزدیکی مسجد «شیخ حنش» واقع در بخش شرقی شهر موصل حمله ور شدند و یک نفر از آنها را کشته و سه تن دیگر را زخمی کردند. این گزارش حاکی است، دو خمپاره در روستای ترکمن نشین «قرهٔ قوین» در شمال موصل سقوط کرده که هیچ خسارت جانی در پی نداشته است. این در حالی است که، وزارت امور خارجه روسیه حملات تروریستی بغداد را به شدت محکوم و ضمن حمایت از اقدامات ضدتروریستی دولت عراق، نیروهای سیاسی این کشور را به گفت‌وگو برای دستیابی به وفاق ملی دعوت کرد. وزارت امور خارجه روسیه در بیانیه‌ای که در سایت رسمی این وزارتخانه منتشر شد، اعلام کرد که این کشور حملات تروریستی اخیر علیه مردم بی دفاع عراق را به شدت محکوم می‌کند.

در تحولی دیگر، ایاد علاوی تصمیم مقتدا صدر را برای کناره گیری از عرصه سیاسی ضرری برای همگان توصیف کرد. ایاد علاوی، رئیس فهرست العراقیه در بیانیه‌ای مطبوعاتی اعلام کرد: ما نمی‌خواهیم که مقتدا صدر، رهبر جریان صدر عراق از عرصه سیاسی کشور کنار بکشد، چرا که این امر ضرر بسیار بزرگی برای همه ما به شمار می‌رود و تنها کاری که در این زمینه از دست ما بر می‌آید، این است که از وی بخواهیم از این تصمیم خود صرف نظر کند و به ایفای نقش برجسته خود ادامه دهد. در این بیانیه از تمامی گروه‌های ملی و اعضای جریان صدر خواسته شده است تا با حمایت از مقتدا صدر فرصت را از توطئه‌گران در داخل و خارج از کشور بربایند و رویای آنها را برای برهم زدن وحدت گروه‌های ملی عراق ناکام بگذارند. نوری مالکی، نخست وزیر عراق این تصمیم رهبر جریان صدر را تایید کرد و از وی خواست اصلاحاتی را در جریان صدر به عمل آورد.

هشدار نخست‌وزیر بحرین به معترضان با نزدیک شدن به موعد تظاهرات سراسری

سرویس خارجی: با نزدیک شدن موعد تظاهرات سراسری مخالفان بحرینی، نخست وزیر این کشور هشدار داد که با هر گونه اقدام که باعث بی‌ثباتی کشور شود با جدیت برخورد خواهد کرد. شیخ خلیفه بن سلمان آل خلیفه، نخست وزیر بحرین هشدار داد که دولت با هرگونه اقدام که به ناامن کردن کشور و کشاندن آن به هرج و مرج و تروریسم بینجامد، با قدرت و قاطعیت برخورد خواهد کرد. خبرگزاری بحرین به نقل از نخست وزیر اعلام کرد: تظاهرات اعتراضی که تدارک دیده شده است، اقدامی مشکوک برای شورش علیه نظام و قانون اساسی است و دولت با هر کسی که پشت این ماجرا ایستاده باشد با قاطعیت برخورد می کند. نخست وزیر بحرین همچنین تاکید کرد: مسیری سرنوشت ساز و روشن پیش روی کشور است و دولت هر کس را که بنا به سفارش‌ها و توصیه‌های شورای ملی مبارزه با تروریسم دستی در این قضایا داشته باشد، تعقیب کرده و آنها و همه کسانی را که وجهه قانونی یا سیاسی به این خرابکاری‌ها بخشیده‌اند را از بین خواهد برد. در این حال، جمعیت وفاق ملی اسلامی بحرین اعلام کرد: مراکز زیاد ایست و بازرسی ایجاد و تدابیر امنیتی شدیدی برقرار شده که تردد شهروندان را با مشکل مواجه کرده است و این در حالی است که برخی خبرها از تشدید مجازات شهروندان اشاره دارد. این جمعیت افزود: موانع زیادی در استان‌های مختلف برای مقابله با اعتراضات مردمی که خواهان تحول دموکراتیک در بحرین هستند، ایجاد شده است و برخی از خیابان‌های عمومی بحرین بسته شده و شهروندان بازرسی می‌شوند. جمعیت وفاق در بیانیه خود تصریح کرد که شماری از شهروندان در گذرگاه‌های مرزی بازداشت شده‌اند. این بیانیه افزود: شماری از علمای دینی از جمله کسانی هستند که بازداشت یا ممنوع الخروج شده‌اند به گونه‌ای که سفر شیخ رائد الستری جلوگیری و شیخ فاضل الجمری در جریان عزیمت به سفر بازداشت شد. از طرفی، فعالان بحرینی معترض به رژیم پادشاهی کشورشان در نظر دارند مقابل سفارت آمریکا در منامه تجمع کنند. بر اساس این خبر، معترضان بحرینی در نظر دارند به منظور شرکت در تجمعی که توسط جنبش اعتراضی کشورشان موسوم به «تمرد» برنامه ریزی و سازمان دهی شده است، مقابل سفارت آمریکا تجمع کنند.

***یمن**

شماری از نیروهای ویژه ارتش انگلیس به همراه تعدادی از نیروهای ارتش فرانسه به بهانه مبارزه با القاعده و انجام رزمایش «کوگار ۱۳» عازم خلیج عدن شدند. یک نیروی ویژه انگلیسی با پشتیبانی و همکاری همپیمانان فرانسوی خود قصد دارد به منظور ایجاد رعب و وحشت در صفوف القاعده در شبه جزیره عرب، در این منطقه قدرتنمایی کند. در همین راستا، قرار است نیروی ویژه هوایی انگلیس امروز عازم خلیج «عدن» شود.

***عربستان**

یکی از شاهزاده‌های سعودی که به دوسلدرف آلمان گریخته است، گزارش های منتشر شده در خصوص سرکوب و پیگرد فعالان ضد دولتی در عربستان را تایید کرد و گفت، همین امر باعث شده است تا او از نزد خانواده‌اش فرار کند. شاهزاده خالد بن فرحان آل سعود، در مصاحبه با روسیه الیوم، پادشاهی عربستان را به فساد و ساکت کردن صدای تمام مخالفان متهم کرد و عنوان داشت که چگونه سیستم سرکوب عربستان سعودی کار می‌کند. وی گفت: هیچ سیستم مستقل قضایی وجود ندارد و پلیس و دفتر دادستانی هر دو به وزارت کشور عربستان پاسخگو هستند. این وزارتخانه در خصوص جرایمی که مرتبط با آزادی بیان است تحقیق می‌کند. آنها مدارک جعل کرده و اجازه نمی دهند که مردم وکیل اختیار کنند. این شاهزاده سعودی افزود: حتی اگر دادگاهی حکم به آزادی چنین افرادی بدهد وزارت کشور همچنان آنها را در زندان نگه می‌دارد و این در حالی است که حکم دادگاه مبنی بر آزادی وی وجود دارد.

سفر دبیر کل سازمان ملل به پاکستان

سرویس خارجی: دبیر کل سازمان ملل متحد برای سفری دو روزه وارد پاکستان شد. وی در نخستین روز سفرش با «آصف علی زرداری» رئیس جمهور، «نواز شریف» نخست‌وزیر، «سرتاج عزیز» مشاور نخست‌وزیر در امور خارجی و امنیت ملی و همچنین رئیس مجلس ملی پاکستان دیدار و در مورد مسائل دو جانبه، منطقه‌ای و بین المللی با آنان گفت‌وگو کرد. بان کی مون مهمان ویژه مراسم بزرگداشت شصت و ششمین روز استقلال پاکستان است. دبیر کل سازمان ملل متحد در این سفر، دیداری با دانش آموزان اسلام آباد خواهد داشت و «مرکز ثبات و امنیت بین المللی» را در دانشگاه «نست» این شهر افتتاح خواهد کرد. در این سفر «بان سون تیک» همسر بان کی مون و جمعی از مقامات ارشد سازمان ملل متحد وی را همراهی می کنند. بان کی مون در گفت‌وگو با خبرنگاران در اسلام آباد، موضوعات مختلف از جمله حمله پهپادهای آمریکایی به پاکستان، اوضاع افغانستان و مناقشه کشمیر را مورد بررسی قرار داد. وی با ابراز نگرانی از روند حمله پهپادها به خاک پاکستان و کشته شدن شمار زیادی از غیر نظامیان در این حملات، خواهان قانونمند شدن این برنامه شد. بان بدون اشاره به نام آمریکا، گفت: ما از کشورهای استفاده کننده از این تکنولوژی می خواهیم تا عملیات‌های خود را تحت قوانین بین المللی انجام دهند.

کوتاه از سراسر جهان

بازداشت دبیر سابق شورای امنیت ملی ترکیه

ایسنا: ژنرال «تونجر کیلینچ» دبیر سابق شورای امنیت ملی ترکیه که چندی پیش از سوی دادگاه جنایی استانبول به ۱۳ سال و ۲ ماه حبس محکوم شده بود، خود را به مجتمع قضایی استانبول در منطقه «چاغلایان» تسلیم کرد. قرار است وی به زندان «سیلیوری» فرستاده شود. وی در تاریخ هفت ژانویه ۲۰۰۹ و به دنبال تحقیقات در خصوص سازمان تروریستی مخفی «ارگنه کن»، به اتهام تلاش برای سرنگون کردن دولت دستگیر شد. این درحالی است که درگیری‌ها میان نیروهای پلیس ترکیه و تظاهرکنندگان معترض به سیاست‌های آنکارا، بار دیگر در جنوب این کشور آغاز شده است.

قتل ٤٤ نمازگزار در شمال نیجریه

ایرنا: یک مقام دولتی نیجریه که خواست نامش فاش نشود، اعلام کرد افراد مظنون به عضویت در گروه «بوکو حرام» با حمله به مسجدی در شهر «کاندوگا»، نمازگزاران را به رگبار بستند که به کشته شدن ٤٤ تن منجر شد. این منبع افزود: این حمله ناجوانمردانه با هدف انتقام از گروه های دفاع مردمی که شهروندان برای کمک به ارتش در مقابله با شورشیان بوکو حرام تشکیل دادند، صورت گرفت.

«ابراهیم بوبکر کیتا» رئیس جمهوری مالی شد

ایرنا: «ابراهیم بوبکر کیتا» نخست وزیر سابق مالی، در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری این کشور پیروز شد. نتایج آرای شمارش شده دور دوم انتخابات ریاست جمهوری مالی، حاکی از فاصله زیاد کیتا با «سومایلا سیسه»، رقیبش است. ابراهیم بوبکر کیتا در دور نخست انتخابات ریاست جمهوری با کسب تقریبا ٤٠ درصد آرا از رقبای خود پیشی گرفت اما به دلیل کسب نکردن حد نصاب لازم برای پیروزی، انتخابات به دور دوم کشیده شد.

سومایلا سیسه، وزیر سابق دارایی مالی و رقیب ابراهیم بوبکر کیتا، ضمن پذیرش شکست خود در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری، گفت که به دیدار ابراهیم بوبکر کیتا رفته و پیروزی اش را به وی تبریک گفته است.

دور تازه خشونت ها علیه مسلمانان میانمار

فارس: دو مسلمان روهینگیایی در شهر «سیتوه» در ایالت «راخین» توسط پلیس میانمار کشته و چندین نفر دیگر مجروح شدند. خشونت در مرکز ایالت راخین علیه مسلمانان روهینگیا طی چند روز گذشته افزایش یافته است و بودائیان تندرو دست به شورش علیه مسلمانان زدند.

«وین مائینگ» سخنگوی دولت محلی ایالت راخین تایید کرد که یک نفر در بیمارستان سیتوه و یک نفر دیگر نیز در نزدیکی کمپ آوارگان مسلمانان میانمار بر اثر این خشونت‌ها کشته شده اند.

«مادورو» برای مبارزه با فساد اختیارات ویژه خواست

ایرنا: «نیکلاس مادورو» رئیس جمهوری ونزوئلا گفت که به منظور مقابله با فسادی که برای دولت بسیار هزینه در بردارد، از مجمع ملی خواستار اختیارات و قدرت ویژه شده است. مادورو در دولت خود با چالش‌هایی نظیر رشد اقتصادی پایین، تورم و شکاف دربدنه سیاسی کشور مواجه است. دور تازه مبارزه با فساد دولتی، منجر به بازداشت برخی مقامات ارشد موسسات و نهادهای تجاری و اقتصادی ونزوئلا شده است.

شکست مذاکرات دولت تونس با مخالفان

فارس: رهبران جنبش النهضهٔ، حزب حاکم تونس مذاکرات خود را با «حسین العباسی» رئیس اتحادیه مشاغل تونس بدون هیچ توافقی به پایان رساندند. این مذاکرات که چهار ساعت به طول انجامید با هدف تلاش برای رسیدن به توافق جهت خروج از بحران سیاسی تونس برگزار شد. رئیس اتحادیه مشاغل تونس اعلام کرد: دستیابی به پیشرفت در خصوص پیشنهادهای ما به دولت برای حصول توافق، دشوار است.

پیشنهاد «موگابه» به مخالفان!

ایسنا: رئیس جمهوری زیمبابوه خطاب به آن دسته افرادی که از پیروزی وی در انتخابات ناراضی هستند، گفت: اگر ناراحتید بروید خودتان را دار بزنید چرا که پیروزی من هیچگاه تغییر نمی کند. وی در جریان راهپیمایی بزرگداشت قهرمانان جنگ‌های آزادی‌بخش زیمبابوه در جمع هزاران تن گفت: اگر بمیرید حتی سگ‌ها هم اجسادتان را بو نمی کنند. ما هیچگاه از پیروزی خودمان دست نمی کشیم. موگابه با کسب ٦١ درصد آراء پیروز انتخاب ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۳ و چانگیرای با ۳٤ درصد آراء، ناکام این رقابت‌ها شد.

رونمایی از ناو هواپیمابر ساخت هند

مهر: هند با رونمایی از ناو هواپیما بر خود به جرگه کشورهای دارای توان ساخت ناو هواپیمابر در جهان پیوست. این ناو ۳۷ هزار و ۵۰۰ تنی پیشرفته دارای ۲٦٠ متر طول و ٦٠ متر عرض و قادر به حمل جنگنده های میگ ۲۹ و دیگر هواپیماهای سبک است. تاکنون فقط کشورهای آمریکا، روسیه، فرانسه و انگلیس قادر به طراحی و ساخت ناو هواپیمابر بودند.

فیدل کاسترو ۸۷ ساله شد

ایسنا: فیدل کاسترو رهبر سابق کوبا و شخصیت برجسته انقلابی این کشور آمریکای لاتین ۸۷ ساله شد. با وجودی که فیدل در سال ۲۰۰٦ میلادی و به دلایل وضعیت سلامتش از قدرت کناره گیری و زمام امور کشور را به رائول کاسترو، برادرش سپرد، همچنان تاثیری عمیق و قدرتمند در کوبا دارد.

فیدل کاسترو در سال ۱۹۵۹ میلادی با سرنگونی حکومت آمریکایی «فولنسیو باتیستا» روی کار آمد و در سال ۲۰۰٦ میلادی با واگذاری قدرت به برادرش از صحنه سیاست کناره گرفت.

طرح ۱۱ ماده‌ای آمریکا برای دخالت نظامی در سوریه

بقیه از صفحه اول

و احتمالا ترکیه خواهد شد.

منابع اطلاعاتی دبکا در واشنگتن ۱۱ بند از این طرح را چنین افشا کرده‌اند:

۱- برقراری منطقه پرواز ممنوع در مناطق مرکزی و جنوبی سوریه توسط ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه، عربستان سعودی و امارات که شامل دمشق شده و از مرزهای اردن فرماندهی می‌شود؛

۲- وظیفه نیروهای هوایی اسرائیل، فراهم‌آوردن پوشش لازم بر فراز سوریه است؛

۳- ایجاد یک منطقه حائل ٤٠ کیلومتری از مرزهای اسرائیل و اردن تا حومه دمشق؛

٤- اعلام درعا به‌عنوان پایتخت سوریه آزاد؛

۵- قرار است هیچ نیروی آمریکایی در منطقه حائل حضور نداشته باشد؛

٦- به جای آن، ۳۰۰۰ شورشی سوریه که در اردن توسط آمریکایی‌ها آموزش دیده‌اند در منطقه حائل حضور می‌یابند. فرماندهی این نیروها به عهده کماندوهای اردنی خواهد بود که تحت نظر مقامات آمریکایی مستقر در اردن فعالیت می‌کنند؛

۷- آمریکایی‌ها در حال ایجاد پایگاهی به نام حشمتیه در اردن هستند که محل استقرار فرماندهان آمریکایی خواهد بود. تمامی تسلیحات لازم برای آموزش شورشیان از هم‌اکنون در حشمتیه انبار شده است؛

۸- «جان رایت» ژنرال ۵۷ ساله آمریکایی که در افغانستان، عراق و لیبی سابقه حضور داشته، فرماندهی عملیات را بر عهده خواهد داشت؛

۹- نیروی هوایی آمریکا در خاورمیانه برای برقراری منطقه پرواز ممنوع آماده است و از زمان دستور ظرف ۳٦ ساعت عملیات را اجرا خواهد کرد؛

۱۰- یکی از اجزای مهم نیروهای شورشی در منطقه حائل، یک گروه از قوم «دروزی» خواهد بود که اقلیتی در سوریه هستند؛

۱۱- نیروهای آمریکایی مستقر در اسرائیل و اردن برای واکنش به هر گونه اقدام متقابل در برابر حملات تلافی جویانه احتمالی علیه آمریکایی‌ها، اسرائیلی‌ها یا ترکیه، در حال آماده‌باش به سر خواهند برد. خبر دیگر اینکه رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا در یک کنفرانس خبری در سرزمین های اشغالی ادعاهای جدیدی را در خصوص انتقال سلاح‌های شیمیایی سوریه توسط نیروهای دولتی این کشور از مکانی به مکان دیگر مطرح کرد. ژنرال «مارتین دمپسی» گفت: شاید تنها بزرگترین نقطه همکاری بین آمریکا، اسرائیل و اردن درباره سوریه، بر تهدید سلاح‌های شیمیایی اسد متمرکز شود.

وی مدعی شد: ما بر اساس یک حقیقت است که می‌دانیم سلاح‌ها در هر زمان منتقل می‌شوند و آمریکا بر این باور است که نیروهای اسد سلاح‌ها را منتقل می‌کنند تا امنیت آن را حفظ کنند. دمپسی در پاسخ به این سوال که آیا اخیراً حمله شیمیایی توسط نیروهای سوریه صورت گرفته، ادعا کرد: این اتفاق به صورت مداوم انجام می‌گیرد و من فکر می‌کنم این اقدام بازتابی از این حقیقت است که رژیم سوریه نگران است اگر این سلاح‌ها را در یک مکان به صورت دائم حفظ کند، این سلاح‌ها در معرض آسیب قرار می‌گیرد. وی در ادامه گفت: برخی همکاری‌ها میان شورشیان میانه‌رو و افراطی سوریه با توجه به هدف مشترک آنها برای خلع بشار اسد از قدرت، طبیعی است. وی تصریح کرد: چالش واقعی برای جامعه بین‌الملل، فهم این مسئله است که چه زمان شورشیان افراطی و میانه‌رو سوریه فقط برای یک موضوع خاص در یک زمان خاص وارد همکاری می‌شوند و چه زمان واقعاً با یکدیگر ائتلاف می‌کنند. از سویی سخنگوی وزارت خارجه آمریکا با نادیده گرفتن اذعان رئیس ستاد مشترک ارتش این کشور مبنی بر نیروی فزاینده اسد، با ادعای عدم قابلیت نظام سوریه در باز پس گیری اراضی محاصره شده توسط شورشیان، خواستار کناره گیری اسد از قدرت شد. «ماری هارف» مدعی شد واشنگتن بر این باور است که بشار اسد نمی تواند کنترل قلمروهایی که شورشیان مستقر در سوریه اشغال کرده‌اند را مجدداً تحت کنترل خود در بیاورد. هارف مدعی شد: موضع ما در قبال اسد تغییر نکرده و او تمامی مشروعیت خود را از دست داده است و باید کناره گیری کند. وی افزود: غیر قابل تصور است که این رژیم بتواند کنترل تمامی خاک سوریه را مجدداً به دست بیاورد. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در عین حال اعلام کرد در روسیه و آمریکا خواستار برگزاری هر چه سریعتر کنفرانس بین المللی «ژنو ۲» درباره سوریه هستند. وی با اشاره به نتایج گفتگوهای ۲+۲ روسیه و آمریکا در واشنگتن که جمعه گذشته برگزار شد تصریح کرد: جان کری وزیر خارجه آمریکا و سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه توافق کردند برای برگزاری هرچه سریعتر مذاکرات «ژنو ۲» درباره سوریه اعمال فشار کنند.

درایـن حال «گنادی گاتیلوف» معاون وزیر امور خارجه روسیه اعلام کرد کنفرانس «ژنو ۲» برای حل بحران سوریه پس از سپتامبر برگزار خواهد شد. وی افزود: دیپلمات‌های آمریکا و روسیه اواخر ماه جاری میلادی برای برگزاری این کنفرانس با یکدیگر دیدار می‌کنند. گاتیلوف گفت: روسیه امیدوار است مشارکت ایران در گفتگوهای صلح در سوریه را با آمریکا به مذاکره بگذارد زیرا ایران بازیگر مهم منطقه‌ای است که می‌تواند مشارکت مهمی در ایجاد راه حل سیاسی در نزاع سوریه داشته باشد. همچنین سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه گفت: جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا به وی تضمین داده که مخالفان حکومت سوریه در کنفرانس «ژنو ۲» شرکت خواهند کرد. درچنین شرایطی دولت آمریکا در تلاش است ۱۵ میلیون دلار دیگر برای کمک به قلمروهای تحت کنترل مخالفان سوریه تخصیص دهد. آمریکا مدعی شده این بودجه به بازسازی و تأمین آب، انرژی، غذا و خدمات بهداشتی و درمانی غیرنظامیان تخصیص داده می‌شود. با این رقم مجموع بودجه‌ای که آمریکا به مخالفان سوریه اختصاص داده به بیش از ۱۳۰ میلیون دلار می رسد.

عملیات بزرگ ارتش

منابع سوری از آغاز بزرگترین عملیات ارتش سوریه طی چند روز آتی در تمامی مناطق این کشور علیه تروریست‌ها خبر می دهند. پس از پایان تعطیلات عید فطر در سوریه که تقریبا با برقراری آرامش در بیشتر مناطق همراه بود، ارتش سوریه برای آغاز بزرگترین عملیات علیه تروریست‌ها آماده می شود. بنابر اعلام منابع آگاه، ارتش سوریه در روزهای آتی با تاکتیک های جدیدی برای پاکسازی کامل این کشور و از بین بردن مخفیگاه‌های تروریست‌ها در مناطق تحت کنترل آنها وارد عمل می شود. در این عملیات بزرگ نقاط مرزی به طور ویژه در مرزهای ترکیه و لبنان با سوریه تحت کنترل شدید ارتش قرار گرفته و حمله به تروریست‌ها با سیاست مشت آهنین آغاز خواهد شد.

مناطق زبدانی، حمص، حومه دمشق و حومه حما از جمله مناطق اصلی عملیات ارتش سوریه در روزهای آتی خواهد بود که طی روزهای اخیر عملیات انتقال تسلیحات و افزایش قوای نظامی به آنها انجام شده است. در همین حال درگیری‌های خشونت‌باری میان ارتش آزاد و ارتش سوریه در نزدیکی سازمان اطلاعات هوایی سوریه در استان ریف دمشق رخ داد. همچنین مخالفان مسلح سلاح‌های سنگین خود را به مناطق جنوبی دمشق منتقل کرده‌اند و برای عملیات آماده می‌شوند.

از سویی ارتش سوریه در آخرین عملیات خود علیه تروریست‌ها توانست آرامش را به منطقه المفکر در حومه حما بازگرداند. همچنین تروریست‌ها در حومه حلب و ادلب تلفات و خسارتهای سنگینی را متحمل شده و مجبور به عقب نشینی شدند. شماری از تروریست‌ها نیز در شهر دیرالزور هنگام جاسازی بمب در یک خودرو، به علت انفجار آن کشته شدند. همچنین تلاش تروریست‌ها برای حمله به منطقه نظامی الحوله در حومه حمص با دخالت ارتش سوریه ناکام ماند و در این عملیات شمار زیادی از آنها کشته شدند.

در تحولی دیگر «عمار عطیه» از اعضای دفتر رسانه ای ائتلاف مخالفان سوری در دیرالزور زخمی شد. پرتاب چندین گلوله خمپاره توسط تروریست‌ها به منطقه السویدا در حومه دمشق نیز پنج زخمی بر جا گذاشت. درچنین شرایطی ارتش سوریه با عقب راندن تروریست‌ها از غرب حلب، زندگی عادی را به این منطقه بازگرداند. خبرنگار شبکه المنار با حضور در منطقه بستان الزهره در غرب شهر حلب تاکید کرد نیروهای ارتش توانسته‌اند تروریست‌ها را وادار به فرار از مواضع خود در این منطقه از شهر کنند. درحالی که ارتش در عملیات‌های خود تروریست‌ها را وادار به فرار از مناطق غربی حلب کرده بود، تروریست‌های تکفیری با کار گذاشتن بمب در مناطق مختلف قصد داشتند غیرنظامیان را به قتل برسانند. نیروهای ارتش در گفتگو با المنار تاکید داشتند که تروریست‌ها قصد داشتند در روزهای عید فطر به این منطقه وارد شوند که نیروهای سوری مانع از این اقدام شدند.

خبر دیگر اینکه دبیرخانه سازمان ملل اخبار منتشر شده درباره تاخیر سفر کارشناسان شیمیایی این سازمان به سوریه را تکذیب کرد. پیشتر برخی منابع عربی اعلام کرده بودند این سفر در آخرین لحظات به دلیل اختلافات با دولت سوریه در خصوص نحوه تحقیقات به تاخیر افتاده است. کارشناسان شیمیایی سازمان ملل قرار است درباره احتمال استفاده از سلاح‌های شیمیایی در نبردهای سوریه تحقیق کنند.

نبرد شدید در لاذقیه

ارتش سوریه با مخالفان مسلح در استان ساحلی لاذقیه وارد درگیری شدیدی شده است. شبکه خبری الجزیره ادعا کرد مخالفان مسلح که اخیرا شکست‌هایی پیاپی در نواحی مختلف سوریه متحمل شده‌اند، در عملیاتی که آن را «آزادی ساحل» می‌نامند، به پیشروی‌هایی در بخش‌هایی از استان ساحلی لاذقیه زادگاه بشار اسد دست یافتند.

این در حالی است که نیروهای ارتش سوریه در ادامه عملیات لاذقیه شمار زیادی از تروریستها از جمله چندین تبعه هلندی، بلژیکی و تونسی را کشتند. از سوی دیگر منابع مخالف سوری اعلام کردند سلیم ادریس، فرمانده ارتش آزاد سوریه به همراه مصطفی هاشم، فرمانده نیروهای غربی و مرکزی ارتش آزاد از استان لاذقیه دیدن کردند. ارتش سوریه نیز برای جلوگیری از پیشروی مخالفان و بازپس گیری مناطق اشغال شده، تجهیزات نظامی زیادی به این استان گسیل داشته و جنگنده‌های ارتش نیز به شکل مداوم پایگاه‌های مخالفان در لاذقیه را بمباران می‌کنند. در عملیات ارتش سوریه در حومه لاذقیه چندین تروریست هلندی، بلژیکی و تونسی کشته شدند.

جامعه جهانی بار دیگر شهرک سازی‌های اسرائیل را محکوم کرد

سرویس خارجی: روسیه، سازمان ملل، آمریکا و اتحادیه اروپا از تصمیم رژیم صهیونیستی برای گسترش شهرک‌های صهیونیست نشین انتقاد کردند. وزارت امور خارجه روسیه اعلام کرد، موافقت اسرائیل با ساخت واحدهای مسکونی جدید در کرانه باختری و قدس یک اقدام غیرسازنده محسوب می‌شود و بر پیچیدگی فضای گفتگوهای سازش می‌افزاید. وزارت امور خارجه روسیه تأکید کرد، طرح‌های شهرک‌سازی که اسرائیل اخیرا از آن خبر داده است، از لحاظ حقوق بین‌الملل اقدامی نامشروع محسوب می‌شود و این مسأله موجب نگرانی مسکو شده است. این بیانیه از فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها خواسته است در این مرحله از دست زدن به هر اقدام یک‌جانبه‌ای بپرهیزند. سازمان ملل متحد نیز بار دیگر بر غیرقانونی بودن شهرک سازی‌های رژیم صهیونیستی در اراضی اشغالی فلسطینی تاکید کرد.

ادواردو دل بوی، معاون سخنگوی دبیرکل سازمان ملل متحد درباره شهرک‌سازی‌های جدید رژیم صهیونیستی گفت: موضع دبیرکل سازمان ملل متحد در برابر شهرک‌سازی‌های اسرائیل مشخص است و آن را غیرقانونی می‌داند. وی خاطرنشان کرد دبیرکل سازمان ملل موضع خود را در این باره تغییر نخواهد داد. جن پساکی، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز به خبرنگاران گفت: این اقدام اسرائیل در زمان بسیار حساسی صورت می گیرد. وی افزود: ما با دولت اسرائیل برای اعلام نگرانی خود در این زمینه در اتباط هستیم و سیاست ما تغییر نکرده است و مشروعیت شهرک‌سازی‌های مداوم اسرائیل را نمی‌پذیریم. اتحادیه اروپا نیز ضمن اعلام مخالفت با ادامه شهرک‌سازی‌ها در اراضی فلسطینی، شهرک‌سازی‌ها را اقدامی غیرقانونی توصیف کرد. مایکل من، سخنگوی رییس سیاست خارجی اتحادیه اروپا، با انتقاد از تصمیم مقامات صهیونیستی برای ساخت بیش از ۱۰۰۰ واحد مسکونی جدید اعلام کرد: ادامه ساخت شهرک‌ها راهکار تشکیل دو کشور را غیرممکن می کند. وی افزود: اتحادیه اروپا از بازگشت مجدد دو طرف اسرائیلی و فلسطینی بر سر میز مذاکرات صلح استقبال می کند و از دو طرف می‌خواهد زمینه را برای موفقیت این مذاکرات فراهم کنند. مایکل من در ادامه خاطرنشان کرد: هر دو طرف فلسطین و اسرائیل در تلاش برای رسیدن به توافق مسئولند. در همین راستا برخی ناظران اروپایی اعلام کردند این نگرانی وجود دارد که مذاکرات صلح به دلیل تصویب طرح ساخت شهرک‌های جدید اسرائیلی به شکست بینجامد.

این درحالی است که شهرداری قدس اشغالی در آستانه برگزاری دور دوم مذاکرات سازش میان رژیم صهیونیستی و تشکیلات خودگردان فلسطین با احداث ۹٤۲ واحد مسکونی جدید در قدس شرقی موافقت کرد. این واحدهای مسکونی در شهرک صهیونیست نشین جیلو در کرانه باختری احداث خواهند شد. چراغ سبز شهرداری قدس اشغالی برای احداث این واحدها پس از آن صورت می گیرد که کابینه رژیم صهیونیستی چند روز پیش، از تصمیم خود برای ساخت حدود ۲۲۰۰ واحد مسکونی جدید در کرانه باختری و قدس شرقی خبر داده بود. این واحدهای مسکونی در حالی احداث خواهند شد که مذاکرات سازش اخیرا در واشنگتن از سر گرفته شد و دور دوم آن قرار است اواخر این هفته در قدس اشغالی برگزار شود. دراین حال وزیر خارجه آمریکا از فلسطینیان درخواست کرد با دشمنی و مخالفت به اظهارات اخیر صهیونیست‌ها درباره شهرک‌سازی در قدس شرقی واکنش نشان ندهند و دو طرف هرچه سریعتر به میز مذاکرات سازش بازگردند.

جان کری از دو طرف فلسطینی و اسرائیلی خواست به منظور رفع مشکلات اصلی آرام شوند. وزیر خارجه آمریکا تصریح کرد: ما می‌دانیم که شهرک‌سازی در برخی مکان‌های خاص ادامه دارد و فکر می‌کنم فلسطینی‌ها این مسئله را درک می‌کنند اما فکر می‌کنم اعلام شهرک‌سازی در یکی از مکان‌ها خارج از سطح انتظار بود و هم‌اکنون این مسئله مورد بحث است.

وی تصریح کرد انتظار ندارد شهرک‌سازی به دست‌انداز تبدیل شود اما تأکید کرد آمریکا تمامی شهرک‌سازی‌های رژیم صهیونیستی را غیرقانونی می‌داند. کری گفت آنچه تأکید می‌شود، اهمیت بازگشت سریع به مذاکره و رفع مشکلات مرتبط با شهرک‌سازی است که این امر به بهترین نحو با رفع مشکل امنیت و مرزها قابل رفع است.

این درحالی است که جنبش حماس بار دیگر بر مخالفت با مذاکرات بیهوده سازش تاکید و اعلام کرد هدف از این مذاکرات بهبود وجهه رژیم صهیونیستی در جامعه بین الملل به جای منزوی کردن و محاکمه مقامات آن به عنوان جنایتکاران جنگی است. از سویی رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین در دیدار با وزیر امور خارجه آلمان به بررسی آخرین تحولات روند صلح خاورمیانه پرداخت.

عراقچی: نیروگاه اتمی بوشهر به زودی رسماً به ایران تحویل می‌شود

بقیه از صفحه ۲

فروش نفت با روپیه

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به پرسشی درباره فروش نفت به هندوستان و دریافت پول آن با روپیه، گفت: این درآمدهای نفتی برای انجام واردات از هند صرف می‌شود و در کشورهای دیگر هم در حال تسری است.

وی با بیان این که استفاده از ارزهای محلی در مبادلات میان کشورها تجربه موفقی بوده است، ابراز امیدواری کرد که در فعالیت‌های تجاری با کشورهای دیگر هم بتوانیم به نفع اقتصاد منطقه از ارزهای محلی استفاده و ارزهای دیگر کشورها مانند دلار را حذف کنیم.

از سرگیری روابط با انگلستان

عراقچی در پاسخ به پرسشی درباره احتمال بازگشایی سفارت انگلستان و از سرگیری روابط دو کشور، گفت: از سرگیری روابط مستلزم تغییر رویکردها و رفتار دولت انگلستان است. با نشانه‌های مختلفی که از طرف دولت انگلیس مشاهده می‌شود امیدوارم در زمان مقتضی مذاکرات کارشناسی در این باره آغاز شود.

عراقچی در پاسخ به پرسشی درباره دستگیری چند ایرانی در مالزی گفت: در سال‌های اخیر با پدیده‌ای روبرو شده‌ایم که آمریکا برای برخی هموطنان ما در خارج از کشور دام‌هایی گذاشته و شرایطی را فراهم کرده است که این افراد دستگیر شوند.

وی ادامه داد: سه نفر از هموطنان هم در مالزی گرفتار داستان‌های ساخته شده و اتهام تلاش برای خرید اجناس تحریمی شده‌اند که مطمئن هستم این یک دسیسه و توطئه است.

وی با بیان این که روال قضایی در مورد این سه نفر در حال پیگیری است، گفت: ما به حسن نیت و درایت مقام‌های قضایی و سیاسی مالزی اطمینان داریم و مطمئن هستیم حکم بیگناهی آن‌ها صادر خواهد شد.

وی درباره یک ایرانی ـ انگلیسی که گفته می‌شود در دوبی ربوده و کشته شده است، گفت: در این باره ابهام و شایعه زیاد است و برای ما هم هنوز روشن نیست که وضع چگونه است.

عراقچی در پاسخ به پرسشی درباره ارزیابی از دکتر ظریف به عنوان نامزد احراز پست وزارت امور خارجه، وی را چهره‌ای شناخته شده در داخل و خارج از کشور ذکر کرد و گفت: وی فردی باتجربه با حسن اخلاق و رفتار پسندیده است و من و اکثریت همکاران هیچ نقطه منفی از ایشان ندیده‌ایم.

وی افزود: دکتر ظریف همواره نقش سازنده‌ای در سیاست خارجی داشته و اقدامات شایسته‌ای برای دفاع از منافع ملی انجام داده است.

ویژهٔ فرهنگ، تاریخ و تمدن ایران و جهان

فرهنگی ۱۴۰

چهارشنبه ۲۳ مرداد ۱۳۹۲ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات / شماره ۲۵۶۶۴



آیینه

مولانا و شمس

به روایت فروزانفر

صفحه ۷



عکس

خوانش عکس های تاریخی

استاد چندین نسل

صفحه ۵

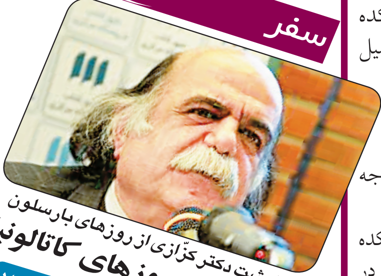


یاد

روایتی از دکتر شیرین بیانی

بقیه‌اش هم با شما

صفحه ٤



سفر

سفرنوشت دکتر کزّازی از روزهای بارسلون

روزهای کاتالونیا

صفحه ۷



روایت

خاطرات استاد ادیب برومند

با یاد گذشته‌ها

صفحه ۲



نما

نجف دریابندری

دیدار با برتراند راسل

صفحه ٦



نگارستان

«رسولان رنگ» در روزگار مدرن

ونگوگ، شاعر درد

صفحه ۵

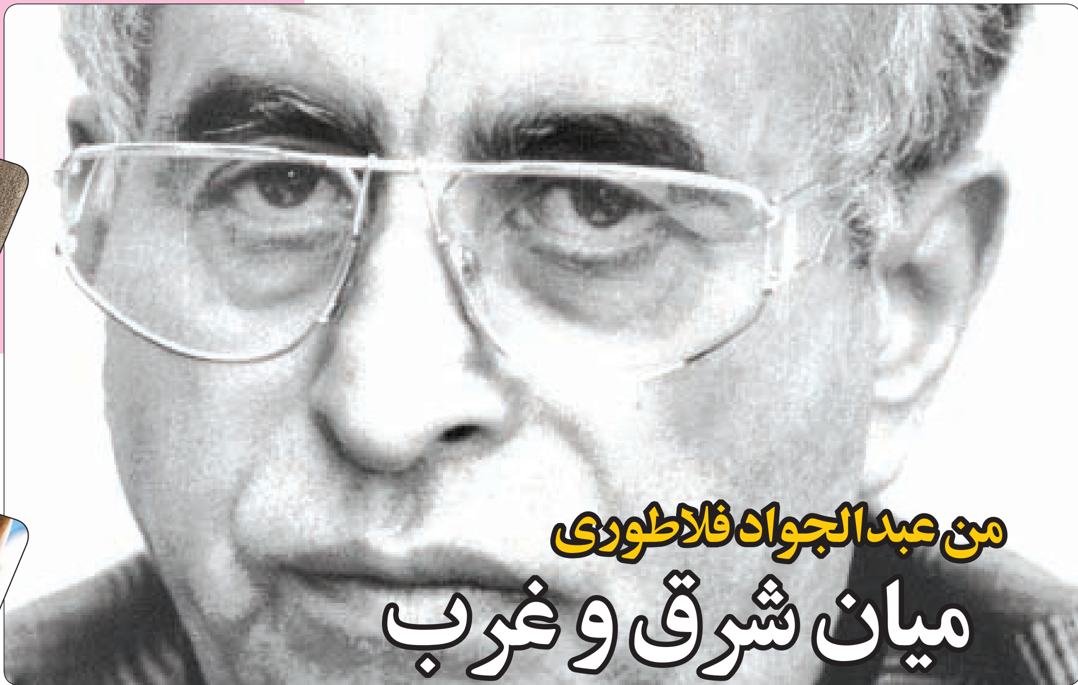


ادب

یادی از فریدون مشیری

شاعر مهتاب

صفحه ۳



من عبدالجواد فلاطوری
میان شرق و غرب

من عبدالجواد فلاطوری در روز ۱۹ ژانویه ۱۹۲٦ در خانواده حسین فلاطوری و رقیه خدابخشیان در اصفهان (ایران) متولد شدم. بین سال‌های ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۷ دوره شش ساله دبستان و بعد از آن تا ۱۹٤۳ دوره دبیرستان آلمانی –ایرانی، که در آنجا در سال ۱۹٤۳ دیپلم (مدرک متوسط فنی) را به پایان رساندم و این اولین مدرک متوسطه‌ام بود.

از سال ۱۹٤۱ در کنار کلاس‌های تحت طرح‌های آموزشی اروپایی دبیرستان، تحصیل در دانشگاه (مدرسه) اسلامی سنتی را آغاز کردم. علوم اسلامی (شامل زبان عربی و ادبیات، حقوق اسلامی، تاریخ اسلامی، منطق و فلسفه) را ابتدا دو سال در اصفهان، بعد از آن در تهران (۲ سال)، در مشهد (٦ سال) و مجدداً در تهران (۳ سال) تحصیل نمودم. متناسب سیستم تحصیلی اسلامی از ۱۹٤۳ به تدریس مشغول گردیدم. بعد از تحصیل کافی و آموزش مُکفی، اجازه تعلیم را دریافت کردم. فیلسوف میرزا مهدی آشتیانی در سال ۱۹۵۱ برای تدریس فلسفه اجازه‌ای به من دادند.

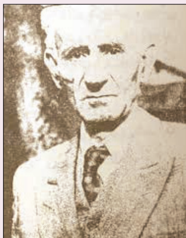
تحصیل علوم اسلامی را من در مشهد با بالاترین درجه (درجه اجتهاد) به پایان رسانیدم، که در سیستم تربیتی اسلامی عملاً با Habilitaion مقایسه می‌شود. در واقع با قاضی اسلامی (Kadi) قابل مقایسه است. در کنار تحصیل در مدرسه، دومین مدرک تحصیلات دولتی را دریافت کردم، که تحصیل دولتی مطابق الگوهای اروپایی را در دانشگاههای تأسیس شده امکان‌پذیر می‌کرد. از سال‌های ٥٤-۱۹٥۱ در دانشکده فلسفه و الاهیات دانشگاه تهران تحصیل کردم. در ۱۹٥٤ رشته فلسفه و الاهیات را با کار ترجمه کتاب« المشاعر» ملاصدرا و با درجه لیسانس فلسفه به پایان بردم. این رساله به عنوان بهترین اثر سال، نائل به درجه عالی علمی شد.

در اکتبر ۱۹٥٤ به آلمان آمدم و در دانشکده فلسفه تحصیلاتم را ادامه دادم. تحصیلات من در ماینس در ترم زمستانی ٥٥- ۱۹٥٤ تا ترم زمستانی ٥٦- ۱۹٥٥ ادامه یافت.

بقیه در صفحه ۲

دکتر مهدی ملک‌زاده؛ تأملات تاریخی یک مبارز زاده
نهضت مشروطیت ایران

مورخینی که از تحولات و انقلابات اقوام و امم اطلاع نداشته‌اند و از فلسفهٔ نهضت‌ها برکنار بوده‌اند، بعضی وقایع و حوادث ناچیز از قبیل چوب زدن حاکم یک نفر بازرگان را و یا ملبس شدن یک نفر اروپائی به‌لباس روحانیت و یا مخالفت جمعی را با صدر اعظم وقت علل پیدایش انقلاب مشروطیت ایران پنداشتند! و غافل از آن بوده‌اند که، تا یک استعداد طبیعی و روحی برای انقلاب درملتی پیدا نشود موحشترین حوادث هم نمی‌تواند یک انقلاب عمومی که به برچیدن دستگاه چندین هزار ساله که متکی برعادات، رسوم، آداب و سنن و ملکات بوده و روی کار آوردن اوضاع نوینی نائل شود.



چنانکه در دورهٔ تاریخ چندین هزار سالهٔ ایران، مکرر حوادث بس سهمگین که به‌ریختن خون صدها هزار نفر و غارت قسمتی از مملکت تمام شده پیش آمده بود، ولی کوچکترین فکر تحول و انقلابی که متکی به اصول حقوق ملی باشد در میان مردم دیده نشد، و چون قبرستانی را که زیر فشار منگنه قرار دهند، صدا از احدی در نیامد.

این است که ریشهٔ انقلاب را در گذشته باید پیدا کرد و تخم آنرا در کتب فلاسفه و محققین باید یافت و چون روح انقلاب و تجدد خواهی و تحول جویی در کمون و قلوب مردم پیدا شد و افکار بلند در مغزها به‌وجود آمد و اندیشه‌های فکری و ایدئولوژی در دماغها راه یافت، به تدریج یک روح انقلاب طلبی در میان مردم پیدا می‌شود که چون مخزن مواد محترقه باجرقه‌ای مشتعل شده، بنیان استبداد و کهنه پرستی را از بیخ می‌کند. این است که وقایعی که در طلوع نهضت مشروطیت پیش آمد و مورخین آن وقایع را علل پیدایش انقلاب مشروطیت دانسته‌اند، در حقیقت نیشتری بود که بروی دمل پخته شده زده شده و یا بهتر بگوییم کبریتی بود که به مخزن باروتی که سالها روی هم انباشته شده بود، زده شد.

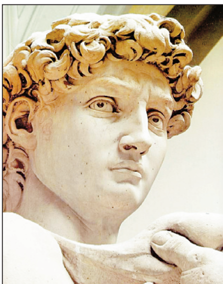
همچنانکه اقیانوسی که استعداد انقلاب دارد، باوزش نسیمی طوفانی می‌شود، ملتی که مستعد برای انقلاب شده و کاسهٔ صبرش لبریز گشته، بدون آنکه خود بداند و متوجه شود، به‌اندک پیش آمدی چون کوه آتشفشان، آنچه در قرنها در دل خود انباشته بیرون می‌ریزند و با آهن و آتش و خون، دنیای. نوینی به‌وجود می‌آورند.

این است که حکماء و فلاسفه و محققین بشر شناس، برای آنکه تغییر و تحولی درملتی شروع شود، کوشش می‌کنند که آن ملت را مستعد برای انقلاب کنند زیرا چون ملتی مستعد برای انقلاب کردن شد، با اندک پیش آمدی که در زمان عادی کمترین تأثیری در آن ندارد به هیجان آمده، انقلاب می‌کنند. به همین جهت، نگارنده به خلاف سایر مورخینی که...

بقیه در صفحه ٤-٥

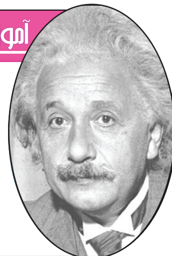
میکل آنژ؛ شاعر نقش ها
بورژوازاده‌ای از فلورانس

میکل آنژ بورژوازاده‌ای از مردم فلورانس بود؛ فلورانسی که کاخ‌هایی تاریک و برج‌هایی نیزه‌سان برافراشته دارد؛ آنجا که تپه‌های نرم و خشک بر آسمان بنفش رنگ جلوه‌ای زیبا می‌بخشند، سروهای کوچک خاطرهٔ دوک‌های سیاهی را در خاطر زنده می‌سازند و درختان زیتون موج‌آسا می‌لرزند و بر دامنهٔ تپه‌ها، چون حمایل نقره‌فامی خودنمایی می‌کنند؛ فلورانس زیبایی که در آن چهرهٔ رنگ پریده و تمسخرآمیز لورنتسود مدیچی و دهان بزرگ و مکربار ماکیاولی خود را با بهار و ونوس‌ها، آثار بوتیچلی، با آن موهای طلایی کمرنگش مصادف یافتند؛ فلورانس تب‌آلود، پرغرور و تندخویی که هیجانات رنگارنگ مذهبی و اجتماعی آن را با تعصبات گوناگون دست به گریبان ساخته بود؛ آنجا که مردمش همه آزادی طلب و همه خودکامه بودند؛ آنجا که برای زیستن هم بهشت بود و هم دوزخ؛ شهری که در آن مردمی هوشمند و متعصب و پرشور و کینه‌توز یکجا گرد آمده بودند یکدیگر را با سخنان نیشدار می‌آزردند، با قلبی آکنده از بدگمانی در کمین هم می‌نشستند، این بدان رشک می‌ورزید و یکی دیگری را درنده‌وار می‌بلعید؛ شهری که در آن روح آزادهٔ لئوناردوداوینچی برای خود جایی نمی‌یافت، آنجا که سرانجام بوتیچلی در اوهام و تخیلات عارفانه فرو غلطید و سراپا شیفتهٔ افکار و عقاید مذهبی شد؛ آنجا که ساوونارولا با آن نیمرخ بزمانند و چشمان شرربارش، شاهکارهای هنری را در آتش می‌سوخت و گرداگرد آن کشیشانش پایکوبی می‌کردند؛ و بالأخره آنجا که سه سال بعد همان آتش زبانه کشید تا پیمبر را در کام سوزان خود فرو برد.



میکل‌آنژ از چنین سرزمینی برخاسته بود و در چنین زمانی می‌زیست و اندیشه‌هایش تحت تأثیر پندارها و هیجانات و التهابات چنین مکان و زمانی نشو و نما می‌یافت.

بقیه در صفحه۲



آموزه

انیشتین:

کسی که زندگی خودش و دیگران را بی‌مفهوم می‌داند، نه تنها نگون‌بخت است، بلکه حتی قادر به زندگی نیست!

سر سخن

کریم فیضی

گزارشی گذرا از «سیل نفت» در ایران

در اهمیت مهم

... دوباره صادرات نفتی جای صادرات غیرنفتی را گرفت تا شاهد صادق این مدعا باشد که در دکان اقتصاد و سیاست این دیار، عجالتاً متاعی جز نفت یافت نمی‌شود. این موضوع با تمام نفی و انکاری که سیاستمداران ما در باب آن به خرج داده‌اند و با تمام قدرت سعی کرده‌اند از اساس وجود چنین چیزی را تکذیب کنند، زمانی خودش را نشان داد که بحث تحریم‌های جدید در همین چند سال گذشته مطرح شد و کم‌کم رسید به ساحت نفت و تحریم‌های نفتی با وجود انکار و کتمان‌های دولتی، از عوارض این تحریم‌ها که به صورت تورم لجام گسیخته و کسری بودجه‌های دولتی هنگفت ـ آنهم در عرصه‌هایی مانند آموزش و بهداشت و لوازم مربوط به خوراک و غذا ـ ظاهر شد، معلوم شد که ما تا چه اندازه به حضرت نفت وابسته بوده‌ایم و سعی داشتیم وابستگی‌مان را آشکار نکنیم و تا چه اندازه نفت بدبو، در روان و سیال بودن ساحت‌های خرد و کلان و زندگی ما مؤثر بوده و خودمان خبر نداشتیم. روشن است که سخن در باب نفت و ایران دراز است و بسیار .

فعلاً همین مقدار باید گفت که: نفت اگر هم تا امروز ما را با خود نبرده است، در آینده با خود خواهد بُرد. این موضوع ممکن است دیر و زود داشته باشد، اما هرگز سوخت و سوز ندارد. سیل نفت همانگونه که عرصه‌های سیاسی ما را مدت‌هاست اشغال کرده، حالا درصدد تسخیر و تکمیل سلطه عرصه‌های اجتماعی ماست و صد البته اخلاق در این ساحت حرف اول را می‌زند. سخن‌های اخلاقی و رفتاری این چند سال گذشته را زیر چشمی هم که از نظر بگذرانید. خواهید پذیرفت که: سیلی که چند قطره‌اش در صفحه حوادث روزنامه‌ها تبدیل به ماجراهایی با تیترها و عکس هایی ناآشنا و حیرت‌انگیز و گاه جذاب می‌شود، تنها یک رشحه از رشحات نفت است و به قول یکی از نویسنده‌های نفتی: نفحات نفت!

بحث بعدی ما تورم است اما لازم است سخن را با اهمیت یک موضوع شروع کنیم؛ «مهم» مهم است: اگر کسی در مفهوم این گزاره تأمل کند، آن را سهل و ممتنع خواهد یافت. از یک سو، سخن، سخنی عادی و متعارف و به اصطلاح پیش پا افتاده است. از سوی دیگر، مضمون آن جدی و مهم است. بدین ترتیب، «مهم، مهم است» جمله‌ای خواهد بود دارای معنا و البته مهم، اجازه بدهید وجه اهمیت این موضوع را بکاویم و تشریح کنیم ولی پیش از توضیح و تشریح جمله فوق، لازم است که خود اهمیت یا خود عامل مهم و مهم بودن را توضیح دهیم، چرا که تا زمانی که خود مهم را ندانیم و نشناسیم، چطور می‌توانیم مشمول و متعلق آن را بشناسیم؟ نخست باید موضوع را شناخت، سپس باید نسبت به شناخت محمول و موصوف آن اقدام کرد. این قاعده‌ای است ساری و جدی که متأسفانه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و این البته از خصایص و خصایل روزگار ماست که در آن میان ظروف مرتبطه جدایی ایجاد می‌کند و سپس جزیی را می‌پذیرد و می‌شناسد و جزیی را رها می‌کند و نمی‌شناسد، غافل از این که اجزاء یک کل، به یک میزان اهمیت دارند، هرچند که ما با جزیی کار داشته باشیم و با جزیی ـ به هر دلیلی کار نداشته باشیم.

باری، به نظر می‌آید مقوله «مهم» یا موضوع دارای اهمیت، یکی از مسائل مشترک بشری است، به این معنا که شاید نتوان فرهنگ و حتی قومیت و ملیتی را یافت که در آن و قاموس‌های متنوع آن، سخنی از مهم به میان نیامده باشد. چرا جای دوری برویم؟ در نخستین واحد فرهنگی که خانواده است، یکی از اصلی‌ترین موضوعات، همین موضوع است: یعنی مهم. در واقع با پدید آمدن مهم، انسان تکلیف خودش را می‌داند و توجه می‌یابد که با قضایا چگونه برخورد کند. گستردگی طیف برخورد انسان با قضایای مسائل باعث می‌شود که ما با کشیدن خط و نشان به دور برخی از مسائل، آنها را از نوع برخوردهای عادی جدا کنیم و برایشان حوزه‌ای متفاوت‌تر تعریف کنیم. تعریف حوزه متفاوت در برخورد با مسائل، نخستین سنگ بنای شکل گیری موضوعی به نام «مهم» است. بنابراین، هرچیزی که از نظر ما اهمیت داشته باشد. لزوماً آن را از محدوده و چارچوب شرایط عادی و متعارف خارج می‌کنیم و بالعکس: هرچیزی که از محدوده قضایای همیشگی خارج شود و در بیرون به نحوی دیگر نگریسته شود، دارای نوعی از اهمیت است، وگرنه نفس این عمل لغو و بی معنا خواهد بود. بدین ترتیب، می‌توان این گزاره را تصدیق کرد که: انسان با اعتقاد به مهم و باور به مهم بودن موضوعاتی که مهم می‌داند، در واقع، دست به نوعی طبقه‌بندی زده است که بتواند مناسبات خویش را تنظیم کند. اما از آن رو که خود دایره مهم‌ها می‌تواند وسیع و گسترده باشد و از سوی دیگر نسبی یا تشکیلی بودن مهم‌ها نیز مطرح است و واقعیت دارد، لازم بوده که خود مهم‌ها هم غربال شوند و اهمیت خود مهم‌ها هم تعیین و مشخص شود. به عبارت دیگر: چون برای هرکسی چیزی مهم است و گاه آنچه برای الف مهم است، برای ب مهم نیست یا مطلقاً بی اهمیت است، به ناگزیر، ذهن رفتاری و عملی انسان‌ها دست به ابداعی دیگر زده است تا حساب مهمی را از مجموعه مهم‌ها جدا کند و آن چیزی است که آن را با عنوان «مهم‌تر» یا «مهمترین» می‌شناسیم. نظیر این اتفاق درباره دیگر «ترین»ها هم افتاده است .

نوشت

حمید سعادت

من عبدالجواد فلاطوری
میان شرق و غرب



بقیه از صفحه اول

از ترم تابستانی ۱۹۵۴ تا ترم تابستانی ۱۹۵۷ من در دانشگاه کُلن بوده، و ترم زمستانی ۵۸ - ۱۹۵۷ را مجدداً در ماینس و از ۱۹۵۸ در بُن تحصیل کردم. در آگوست ۱۹۶۰ در کُلن به اخذ مدرک در امتحان بزرگ لایتن نائل گردیدم.

از آغاز ترم زمستانی ۶۱-۱۹۶۰ در دانشگاه‌هامبورگ به عنوان استادیار (Lektorenstelle) مشغول گردیدم، در اینجا من به آموزش زبان فارسی، ادبیات فارسی مبادرت کردم و از طرف رئیس دانشکده، کلاس‌های دانشگاهی درباره فلسفه اسلامی گرفتم. این‌ها مشخصات کلاس‌ها در دانشگاه‌هامبورگ هستند.

رشته‌های تحصیلی من اغلب، فلسفه به عنوان رشته اصلی و روان‌شناسی به عنوان رشته فرعی بودند. به عنوان دومین رشته فرعی مدتی تعلیم و تربیت، جامعه‌شناسی، شرق‌شناسی، فلسفه حقوق و علوم مقایسه‌ای الاهیات خواندم، اما بالاخره علم مقایسه‌ای الاهیات را به عنوان دومین رشته فرعی انتخاب کردم.

در سال ۱۹۶۲ در رشته فلسفه با نگارش پایان‌نامه‌ام با عنوان «تفسیر اخلاق کانت در پرتو احترام» با پیوست مقدمه‌ای در تحصیل لغت‌نامه عمومی کانت دکتری خود را گرفتم. فعالیت‌های آموزشی خود را در دانشگاه‌هامبورگ ادامه دادم، تا اینکه از آغاز سال ۱۹۶۵ به اجازه مرحوم پروفسور دکتر اروین گرف و با حمایت مرحوم استاد (پروفسور) دکتر پاول و هیپرت به کُلن آمدم.

با حمایت مرحوم پروفسور دکتر گرف و رئیس دانشگاه، آقای دکتر ولفگانگ واگنر از سال ۱۹۶۸ کتابخانه‌ای برای تحقیق شیعه تأسیس نمودم، که در اروپا در نوع خود نمونه است و ضمناً از یک شهرت بین‌المللی بهره‌مند است. در سال‌های ۷۲- ۱۹۷۱ ترجمه فارسی من از کار آقای پروفسور دکتر ب. اشپولر با عنوان ایران در زمان پیش از اسلام به عنوان بهترین ترجمه سال انتخاب گردید و برای دومین بار نائل به اخذ نشان علمی دولتی گردیدم.

در سال ۱۹۷۳ در دانشکده فلسفه دانشگاه کُلن (رشته اسلام‌شناسی) پیرامون موضوع تغییر جریان فلسفه یوانی از طریق تفکرات اسلامی تحقیق کردم. در تاریخ ۱۹۷۴/۱۰/۲۴ به عنوان «پروفسور» لقب یافتم که در تاریخ ۱۹۷۵/۸/۲۶ نامم در کمیسیون علمی به عنوان پروفسور گنجانده شد. در نوزدهمین کنگره شرق‌شناسان آلمانی در فرایبورگ، برنامه‌ای را برای تحقیق شیعه ارائه دادم، که اساس آن بررسی تفکرات شرق (به صورتی که در مورد قبول علمای مغرب‌زمین باشد) بود. بعد از این سخنرانی تقاضای دانشگاه توبینگن برای «تهیه و تکمیل اطلس مذهبی» و از طرف دانشگاه بُن «برای طرح اقلیت‌های اسلامی» واصل گردید. در سال‌های ۱۹۶۸ و ۶۹ دو پیشنهاد برای رشته فلسفه، یکی از دانشگاه تهران و دیگری از دانشگاه مشهد رسید، که در آن مقام ریاست دانشکده الاهیات پیشنهاد شد، همین طور پیشنهادهایی از طرف دانشگاه شیراز و اصفهان و همین طور ریاست دانشکده فلسفه دانشگاه اصفهان بود. اما بعد از جایگزینی من در کمیسیون علمی و انتخاب پروفسوری من تمام این پیشنهادات را رد کردم.

در نامه‌ای در تاریخ ۱۳۵۴/۹/۲ مطابق نوامبر ۱۹۷۵ ریاست دانشکده الاهیات دانشگاه مشهد رسماً دعوت به همکاری شدم، که در ترم زمستانی (آغاز فوریه و تا پایان آوریل) را به عهده بگیرم، که بلافاصله تعهد خود را به ایشان اطلاع دادم. اما این قول من به علت مرگ ناگهانی ریاست سمینارها عملی نگردید. ریاست دانشکده الاهیات دانشگاه نامبرده کپی نامه رسمی او را تاریخ ۱۹۷۶/۱/۳۱ ــــ ۱۳۵۴/۱۱/۱۱ به مدیر دانشگاه مشهد برایم فرستاد. نیز در این نامه، ریاست و مقام پروفسوری رسمی از اکتبر ۱۹۷۶ در دانشکده الاهیات را مرقوم داشته‌اند. در این تقاضا، با قرارداد رسمی برای حقوق، مسکن و بلیت پرواز برای من و خانواده‌ام در بودجه سال ۷۷- ۱۹۷۶/ ۱۳۵۵ لحاظ کرده بودند.

به روایت دکتر محقق

مرحوم عبدالجواد فلاطوری بیشتر زندگی خود را در خارج از کشور گذراند، اما این موضوع به این معنی نیست که ایشان مایل نبودند در ایران خدمت کنند؛ بلکه ساخت و بافت، مراکز علمی ما آن گونه نیست که جذب علم را به آسانی انجام دهد، متاسفانه این بافت دفع علم را براحتی انجام می‌دهد اما از جذب علم ناتوان است.

من یادم است که مرحوم دکتر یحیی مهدوی تلاش بسیاری کردند که ایشان را در سال ۱۳۴۰ به گروه فلسفه دانشگاه تهران دعوت کنند تا به تدریس بپردازند. کوشش‌های فلاطوری در مقایسه فلسفه شرق و غرب بسیار قابل توجه است. مرحوم فلاطوری هیچ وقت همکاری خودش را با مراکز علمی ایران دریغ نمی‌داشت، از جمله تصحیح کتاب تعلیمه نوشته مرحوم آشتیانی که به کوشش ایشان و من در سال ۱۳۵۲ انجام شد و همچنین شرح منظومه حاج ملاهادی سبزواری. آقای فلاطوری با این که از ایران دور بودند، رساله منحصر به فرد کسرالمنطق را تصحیح کردند که نخستین مقاله ما در مجموعه «منطق» شد.

فلاطوری هرچند در آلمان زندگی می‌کرد، اما دلش در ایران بود. من فلاطوری را در حالی شناختم که ایشان هنوز ۲۰ سالش نشده بود. دوست استاد فلاطوری با بیان خاطراتی از دوران جوانی خود و فلاطوری گفت: وی شاگردان زیادی داشت از جمله محمدجواد مناقبی واعظ. زندگی من با فلاطوری گره خورده بود، من زودتر از او وارد دانشگاه شدم. من در سال ۱۳۲۶ با مرحوم شهید بهشتی با هم وارد دانشگاه معقول و منقول شدیم، اما فلاطوری در چند سال بعد وارد دانشگاه شد، با این حال من پیش از این با فلاطوری در مشهد آشنا بودم.

فلاطوری تمام اوقاتش مستغرق علم بود. وی اعتقاد داشت باید خودمان را برای دنیای امروز تربیت کنیم. این فکر بود که او و من را وادار کرد بیاییم و مدارج علمی دانشگاه را بپیماییم. او پس از لیسانس به آلمان سفر کرد و زبان آلمانی خود را تقویت کرد. در سال ۱۳۴۱ در لندن به دیدن من آمد و گفت که چه کوششی برای آموختن زبان آلمانی کرد.

مرحوم فلاطوری خضوع و خشوع بسیاری نسبت به استادان خود داشت. علم و دانش وافری که فلاطوری داشت با کوشش بسیار به دست آمده بود. مرحوم فلاطوری در آلمان بسیار معروف شد و توانست با کلیساهای مسیحی ارتباط برقرار کند و از آثارش پیداست که بر مسائل دینی و مذهبی واقف است. ما باید آثار دیگر مذاهب را بشناسیم تا بتوانیم با آنها گفتگو کنیم. اگر مسلمانی بخواهد پیام اسلام را به یک مسیحی بگوید، باید زبان آنها را بلد باشد و فلاطوری ضرورت این امر را حس کرده بود و امثال فلاطوری مثل شهید بهشتی و شهید مطهری نیز به همین شیوه عمل می‌کردند.

ما سنتی داریم که در آن شاگرد از استاد با سوادتر است، اما متاسفانه اکنون این طور نیست و هر عالمی که از دنیا می‌رود، جانشین ندارد. نسل جوان باید سیره علمی و عملی استادان خود را الگوی خود قرار دهد. ما به وزارت آموزش و پرورش گفته‌ایم که یک نسخه از کتابهای ایشان را در کتابخانه‌های خود قرار دهد. آیا الگو قرار دادن فلاطوری حرام است؟ چرا به جای ستارگان خارجی، شخصیت‌های خودمان را الگو قرار نمی‌دهیم؟

فلاطوری ناگهان از میان ما رفت. از بین رفتن فلاطوری از بین رفتن یک نفر نبود، بلکه او یک دانشگاه و بخشی از علم بود.

بورژوازاده‌ای از فلورانس

بقیه از صفحه اول

شک نیست که او با هم‌میهنانش مهربان نبود. سعهٔ صدر و نبوغ آزاده‌اش مجامع هنری و میل به تصنع و رئالیسم بی‌روح و سانتیمانتالیسم و ریزه‌کاری بیمارگونهٔ آنان را به دیدهٔ تحقیر می‌نگریست. با آنها به خشونت رفتار می‌کرد، با این همه دوستشان می‌داشت و برخلاف لئوناردو داوینچی که به زادگاه خویش اعتنایی نداشت، او وقتی که اجباراً به گوشهٔ غربت می‌افتاد، دوری از میهن سخت رنجش می‌داد. در تمام مدت عمر با تلاش‌های توانفرسا دست به گریبان بود تا شاید بتواند در فلورانس زیست کند. لیکن همواره با ناکامی مواجه می‌شد. در تمام لحظات دردناک جنگ با فلورانس بود و آرزو می‌کرد که «حتی اگر نتواند زنده به وطن عزیز بازگردد، لااقل مرده در خاک زادبوم نیاکانش سر بر بالین آسایش گذارد».

این هنرمند فلورانسی بر خون و نژاد خویش می‌بالید و حتی بدان بیش از نبوغش مباهات می‌ورزید. به هیچ کس اجازه نمی‌داد که او را در عداد هنرمندان به شمار آورد، و می‌گفت: «من میکل آنیولوی پیکرساز نیستم... من میکل آنیوئولو بوئوناروتی هستم...»

میکل آنژ طبعی اشرافی داشت و به تمام پندارهای این طبقه پایبند بود. تا آنجا که می‌گفت: «هنر باید در دست اشراف باشد، نه در دست تودهٔ مردم.»

معتقداتش، دربارهٔ خانواده، مذهبی و کهنه و تا اندازه‌ای خشونت‌آمیز بود. در قبال حرمت آن، برای هیچ چیز ارزشی نمی‌شناخت و از دیگران نیز متوقّع بود که در این باره به او تأسّی جویند. چنانکه خود می‌گفت، حاضر بود خود را برای خانواده‌اش چون بنده‌ای بفروشد. باید گفت که در این اعتقاد مهر و محبّت سهم چندانی نداشت؛ برادران خود را با نظر حقارت می‌نگریست. به راستی هم آنها سزاوار چنین رفتاری بودند. برادرزاده‌اش را که وارث دارایی او محسوب می‌شد، تحقیر می‌کرد. لیکن با این حال میکل آنژ در وجود کسانش نژاد و دودمان خویش را متجلّی می‌دید و آنها را به عنوان نمایندگان این نژاد در خور احترام می‌دانست. همه جا در نامه‌های خود از این کلمه یاد می‌کرد: «دودمان ما... دودمانمان را حفظ کنیم... نگذاریم که دودمانمان معدوم شود...»

او به تمام موهومات و تعصبات این دودمان محکم و نیرومند مقید بود. وجودش از خمیرهٔ همین موهومات و تعصبات شکل گرفته بود، ولی از این خمیره آتشی جستن کرد که همه چیز را پاک کرد. این آتش نبوغ بود.

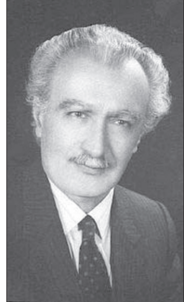
هر که نبوغ را باور ندارد، هر که از کیفیّت نبوغ بی‌خبر است، باید نگاهی به میکل آنژ بیفکند. هیچ‌گاه نبوغ انسانی را تا این حد جولانگاه خویش نکرده بود.

ادامه‌دارد

روایت

احمد یاوری

خاطرات استاد ادیب برومند
با یاد گذشته‌ها



مقصود اصلی من از نوشتن، ذکر رویدادهای تاریخی و گسترش دامنهٔ آن و یادکرد مطالب مستند از منابع گوناگون نیست و فقط ذکر چیزهایی است که در یاد مانده و نظریاتی که نسبت به دیده‌ها و شنیده‌ها داشته‌ام ولی پیداست که طبعاً در نوشتن خاطرات، اشاره به پاره‌ای از رخدادها و یادداشتی بر منابع نیز دیده می‌شود.

ذکر خاطرات کودکی و خانوادگی هم ممکن است برای خواننده جذابیتی نداشته باشد ولی برای خود نگارنده که بازگشت به دوره کودکی و نوجوانی است لذت‌بخش است و به احتمال شاید برای برخی از خوانندگان هم خوشایند باشد.

روز تولد من به حکم آنچه عموی پدرم مرحوم «محمدرحیم‌خان» در واپسین برگ قرآن کریم (چاپ رکن‌الملکی) نوشته است در روز ۲۱ خرداد ۱۳۰۳ بوده ولی سال شناسنامه‌ای من با آن اختلاف دارد و ۱۳۰۰ می‌باشد؛ البته این اختلاف در سن واقعی و سجلی نمونه‌های بسیار دارد.

من در قصبهٔ «گز» مهمترین و بزرگترین آبادی سابق بخش «بُرخوار» واقع در شمال غربی اصفهان به دنیا آمدم و پس از تولدم که به سختی سر گرفت مرا در دامان یکی از خدمتکاران خانوادگی به نام «صاحب سلطان» که بعداً ما او را صاحب لله و ننه صاحب خطاب می‌کردیم گذاشتند تا بزرگ کند.

گز برخوار که اکنون به صورت شهر درآمده از شهرهای تاریخی اصفهان است که شرح کهن‌سالی آن را دو تن از دبیران پژوهشگر گز به نام آقایان رحیم سلیمی و یزدانی به رشته تحقیق درآورده‌اند که در سایت اینترنتی «فرهنگسرای ادیب برومند» ثبت شده است.

در دوران گذشته، روش خانواده‌های کهن چنین بود که فرزندان خود را بیشتر به مرد سالخورده‌ای از خدمتگزاران یا زنی مهربان و بالیاقت می‌دادند که تربیت و نگهداری او را تعهد کند و او را لله می‌نامیدند. لله‌های مرد بیشتر مراقب رفتار و کردار پسران بودند و زنان بیشتر نگهداری و مواظبت دختران را به عهده می‌گرفتند، هرچند گاهی از اوقات پسران را هم للگی کرده در دامان خود می‌پروراندند.

لله‌های مرد اگر مردمانی استخوان‌دار و باجذبه بودند به پسرانی که زیر نظر و مراقبت‌شان بودند در تربیت سخت می‌گرفتند و حق کتک زدن را در برابر کج‌تابی‌ها و حرف‌ناشنوایی‌های آن‌ها نیز داشتند. للهٔ پدر و عمویم «غلام‌عباس» نام داشته و از آن گونه لَلگان سختگیر بوده است.

«ننه‌صاحب» که لَلهٔ من و برادر کوچکترم «ابوالفتح‌خان» بود به من بسیار علاقه داشت به حدی که این دلبستگی از علاقه‌ای که به یگانه پسرش به نام «رضا» داشت چندان کمتر نبود. او زنی وفادار و خوش‌ذوق و نکته‌گیر ولی کمی بدخُلق بود و علاقه‌اش به من تا آن حد بود که تا دو سه ماه پیش از درگذشتش نزد ما به سر می‌برد و با پروراندن دو پسر و یک دخترم در واقع عضوی از خانوادهٔ ما به شمار می‌رفت. حقی که او به گردن من و فرزندانم دارد جبران‌پذیر نیست و غیر از طلب آمرزش برای وی و مهربانی با بازماندگانش کاری دیگر از دستم برنمی‌آید.

مادرم «رباب غفاردخت برومند» نام داشت. توضیح آن‌که نامش از آغاز «ربابه سلطان» بود و تا هنگام صدور شناسنامه همهٔ قباله‌های ملکی و عقدنامه به همین نام نگاشته شده بود ولی موقع صدور شناسنامه در سال ۱۳۰۸ شمسی به مناسبت احترازی که خان‌ها از بردن نام زنان در محافل و نزد نامحرمان داشتند نام مادرم را در شناسنامه غفاردخت آورده بودند چون پدرش «حاج عبدالغفار» نام داشت. اما از آن جهت که این موضوع در وقت ثبت خرید و فروش املاک و صدور سند مالکیت اشکال ایجاد می‌کرد مدتی بعد کلمهٔ «رباب» را در شناسنامه وارد کردند. این تعصب در پوشیدگی و احتجاب در خانواده‌های کهن و دهقانی نظیر عهد «فردوسی» از گونهٔ سنت‌های ملی بود و رنگ مذهبی فرع آن به شمار می‌رفت. چنان‌که در شاهنامهٔ «فردوسی» آمده، شاهان و بزرگان بَه زنان خود در ایران باستان «پوشیدگان سرایی» می‌گفتند و این از جملهٔ نشانه‌های بزرگ‌زادگی بود.

مادرم زنی ساده‌دل و مهربان و دوستدار همهٔ خاندان و بسیار فرزنددوست بود. در امور معیشتی و اقتصادی و خانه‌داری لایق می‌نمود، تا آن‌جا که در تدبیر معاش و مسائل مادی، کم‌اعتنایی پدرم را نسبت به این کارها جبران می‌کرد. دربارهٔ تحصیلات فرزندان با پدرم هماهنگ و حتی دقیق‌تر بود. آوردن معلم سر خانه از شهر به «گز» پیش از فرستادن آن‌ها به مدرسه در اصفهان از اقداماتِ روشنفکرانه آنان شمرده می‌شد. پدر و مادرم با هم پسردایی و دختر عمه و متقابلاً پسرعمه و دختردایی بودند و رشتهٔ زناشویی بین‌شان تا آخرین وهلهٔ زندگی استوار بود. هیچ‌گاه اختلاف مهمی با هم نداشتند و اوقات تلخی‌های‌شان از نوع غُر و لندهای معمولی بود که گاهگاه بین زنان و شوهران بسیار صمیمی پیش می‌آید.

پدربزرگم «محمدحسن‌خان» نام داشت که مردم گز و دیگر برخواریان واژهٔ «ارباب» را هم پیشوند نام او می‌آوردند. وی مردی بی‌آزار و فروتن و ساده‌دل و شیک‌پوش بود و با همسرش که چند سال هم از او بزرگتر بود کمال صمیمیت را داشت.

رسانه

جدال تقی‌زاده-ابتهاج
به قول شما...

تقی زاده اضافه می کند: اگر عایدات فروش نقره و طلا که بنا بر مسموع قریب به صد میلیون تومان بوده بجای بعض مخارج بی‌لزوم باز ذخیره می‌شد و یا بجای قرض دادن به دولت به عنوان فواید بانک به دولت یعنی صاحب سهام داده می‌شد و بار قرض دولت به بانک سنگین نمی‌شد امروز برای نشر اسکناس چنین اضطرابی نشان داده نمی‌شد.

اما اینکه بر سر هر جمله‌ای سخن از اصلاحات عمرانی و اقتصادی و تهیه وسائل رفاه مردم و برنامه هفت ساله به میان آورده می‌شود امیدوارم موجب ملال خاطر شریف نباشد اگر عرض کنم که اینجانب تصور نمی‌کنم این امور دخالتی در میل بنشر اسکناس داشته باشد چه این کارها امور سیاسی و مملکتی است و مربوط بدولت و مجلس است و باید اگر چنین ارتباطی بین دو امر بوده باشد اولیای دولت اصراری در این باب نشان بدهند در صورتیکه این مطلب سرّی است عیان و همه می‌دانند که تنها کسی که برای اینکار اصرار مخصوص دارد همانا رئیس بانک یعنی مدیر اداره صرافی است که طبعاً لزومی ندارد با برنامه یا لوله‌کشی یا اقدامات عمرانی مستقیماً کاری داشته باشد و چنین علاقه برای دخالتی افراطی نشان بدهد بله مثل هر ایرانی خیرخواه و وطن‌دوست علاقه عمومی به این نوع امور که غیر از کار اختصاصی خودش است می‌تواند داشته باشد. نظر اینجانب این است که صلاح رئیس بانک ملی نیست که در امور عمومی مملکتی و وظایف دولت به این درجه مداخله نماید. اصلاً هم اجرای برنامه بلافاصله محتاج قرض از بانک ملی نیست و وجوهی که برای آن کار تخصیص شده اقلاً در سال اول و دوم و بلکه سوم هم کافی است و برخلاف آنچه در مقدمه لایحه اظهار شده بانک ملی هیچ نوع تعهدی در این باب ندارد و در هیچ موردی هم تا بحال نداشته است زیرا که قوانین مصوبه برای استقراض دولت به این عنوان بوده و هست که دولت مجاز است فلان مبلغ از بانک قرض کند نه آنکه بانک ملی مکلف است که به دولت قرض بدهد پس بانک ملی اگر پول داشت و می‌خواست قرض می‌داد والا فلا.

از مطالب و تلویحات و تعریضات خارج از متن مندرج در مرقومه شریفه که به آنها جواب لازم نمی‌دانستم و حالا هم نمی‌دانم و فقط برای دفع اضلال اشاره می‌کنم یکی هم نسبتی است که به اینجانب داده‌اید که مکرر و در کمیسیونهای متعدد اینجانب اظهار داشته‌ام که باید یک یا چند نفر خارجی آورده به آنها اختیارات تام و تمام داد تا مملکت ما را اداره نمایند چون نمی‌توانم تصور کنم که چنین نسبتی به این جانب از روی عمد و قصد مخصوص تهمت خارجه پرستی و در مقابل اثبات احساسات وطن‌پرستی و غرور ملی خودتان است یقین دارم که اشتباهی در مخیله عالی پیدا شده زیرا که من نه کمیسیونهای متعدد با جنابعالی داشته‌ام و نه چنین بحثی در امور مختلفه به میان آمده بلکه فقط یکبار در جلسه کوچکی در حضور جناب آقای حکیم‌الملک و آقای نجم‌الملک و آقای دکتر سجادی و آقای مشرف نفیسی و خودتان در طرح لایحه برنامه بحثی شد که اینجانب ظاهراً فقط در یک جلسه از آن جلسات بودم و نسبت به مدیرعامل برنامه (فقط) اظهار عقیده کردم که بهتر است شخص لایقی از خارجه مخصوصاً از سوئد یا سوئیس استخدام شود. آقایان رئیس‌الوزراء و وزیر مالیه که مسئول اصلی این امر بودند عقیده مرا تصدیق نمودند و آقای نفیسی مخالف بود و جنابعالی هم با او موافقت می‌فرمودید لکن پس از قدری بحث خودتان هم با نظر من همراه شدید و قبول کردید. اگر واقعاً دارای چنین عقیده‌ای بودم که باید خارجیان امور مملکت ما را اداره کنند آن «عده‌ای» هم که می‌فرمائید در ایران به من معتقدند تا حال سلب عقیده کرده بودند و اظهارات من نمی‌توانست بقول شما آنها را گمراه کند.

درختم کلام لب مطلب و جوهر بحث و جواب را در چند کلمه تلخیص می‌کنم: من در مجلس قسم خوردم و باز هم با جزمی راسختر قسم می‌خورم که نشر اسکناس جدید با همان ذخیره موجود و کم رنگ کردن پول ایران مضر و خطرناک و بلکه کمرشکن است و در مقابل خدا و ملت این اخطار را تکرار می‌کنم: پس از نشر اسکناس جدید (۱) قیمت اجناس و مخصوصاً ضروریات زندگی را فقرا بالا خواهد رفت و نتیجه معکوس و نقیض اجرای برنامه هفت ساله را خواهد داشت و اثر آنرا خنثی خواهد نمود. (۲) قیمت زمین و خانه و کرایه خانه‌ها و مزد کارگران بالا خواهد رفت. (۳) حقوق مستخدمین دولت بالا خواهد رفت و اگر نرود بزحمت بیشتری خواهد افتاد و ناچار نادرستی از اندازه فعلی بی‌قیاس هم بیشتر خواهد شد. (۴) نرخ اسعار خارجی بتدریج بالا خواهد رفت و اگر نرخی رسمی نگاهداشته شود در بازار آزاد ترقی عظیم خواهد بود. (۵) موازنه مالی و اقتصادی مملکت بیشتر مختل شده و بانک و دولت بخط مستقیم رو به ورشکستگی خواهد رفت.





جدید

◆یونان نوشت دکتر شرف‌الدین خراسانی◆

اسپارتا در مقایسه با آتن

در هر یک از جلسات روزانه از میان پروتانایس یا سرپرستها، به قرعه یک نفر برای ریاست جلسه در آن روز با عنوان اپیستاتس Epistatès انتخاب می‌شد که کلید دروازه‌های شهر و دفترها و اسناد و نیز مهر حکومتی را در دست داشت. بدین سان، بنا بر سازمان نوین، هر فرد آتنی می‌توانست با قرعه یک سال عضو شورای خلق بشود.

در دموکراسی نوین آتن امتیازهای خانوادگی و مالکیت به شکل پیشین آن از میان رفت. اما انتخاب آرخون، یعنی بالاترین مقام دولتی همچنان بر پایه امتیاز ثروت قرار داشت و قشرهای پائین اجتماع ازین مقام محروم بودند. این امتیاز نخست پس از کشاکشهای فراوان به سال ٤٥٦ پیش از میلاد برداشته شد. بدین سان می‌توان گفت که دموکراسی کلایستنس پیش از هر چیز بر پایه منافع طبقه میانی استوار بود، با اینهمه به تناسب شرائط زمان پیشرفت اجتماعی بزرگی بشمار می‌رفت. یونانیان آن زمان، این سازمان نوین آتن را ایسونومیا Isonomia یعنی برابری حقوق نامیدند. اما باز هم کشاکشها و پیکارهای طبقاتی در آتن نه تنها از میان نرفت بلکه با گذشت زمان هرچه برجسته‌تر شکل می‌گرفت و آشکار می‌شد. درست در طی همین دوران بود که جامعه برده‌دار آتن، اندک اندک شکل نهایی به خود می‌گرفت و برده‌داری، چنانچه بزودی خواهیم دید، نشانه مشخص‌کننده نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آتن و یونان گردید. آری جامعه آتن برای افراد آزاد خود ایسونومیا را پدید آورد و ایشان می‌توانستند کم و بیش از حقوق برابر اجتماعی برخوردار باشند. اما چنانکه مورخ نامدار یونانی سده اول پیش از میلاد دیودوروس Diodoros در تاریخ خود می‌نویسد: «برابری در پیش قانون بدون برابری در مالکیت بیهوده است!» (دیودوروس. تاریخ. جلد۲. بخش ۳۹).

اسپارتا: در مقایسه با آتن، اسپارتا تقریباً در سراسر دوران تاریخ یونان باستان مظهر و مرکز ارتجاع و واپسماندگی سیاسی بشمار می‌رود. آغاز تاریخ آن شهر در افسانه فرو رفته است. ساکنان آن را شاخه‌ای از اقوام دوری که ناحیه لاکونیا را نزدیک به پایان سده یازدهم پیش از میلاد اشغال کردند، تشکیل می‌دادند که با هجوم خود، ساکنان پیشین آن را که از اقوام آخایا بودند، بیرون راندند و خود سروران آن سرزمین شدند. ایشان سرزمینهای اشغالی و ساکنان کشاورز آن را میان خود، براساس خانواده‌ها، به بخشهای برابر تقسیم کردند که هر یک از این بخشها یک کلروس Klèros نامیده می‌شد و شماره آنها در حدود ده هزار بوده و هر یک نزدیک به بیست هکتار را دربر می‌گرفته است. در حدود سال نهصد پیش از میلاد ایشان بهترین و بزرگترین بخش لاکونیا را که اسپارتا یالاکدایمون Lakèdaimon نام داشت مرکز سپاهی خود قرار دادند و نام اسپارتیاتای Spartiatai بر خود نهادند و در واقع گروه مسلط و فرمانروا بر جامعه‌ای که اکثریت آن کشاورزان بودند بشمار می‌رفتند. شماره آنان هرگز بیش از ده هزار نفر نبوده است، بدان سان که با گذشت زمان و سنت انحراف‌ناپذیرشان که عناصر بیگانه را در خود راه ندهند، از تعدادشان اندک اندک کاسته می‌شد. در نیمه سده هشتم پیش از میلاد (۷۵۰) اسپارتیاتها سرزمین همسایه غربی خود مسنیا Messènia را پس از جنگهای خونین فراوان مسخر کردند و ساکنان آن را به اسارت و بردگی کشیدند، که بزودی درباره آنان سخن خواهد رفت. رفتار فاتحان با ساکنان سرزمین تسخیر شده، چنان سنگدلانه و ناانسانی بود که کینه‌ای ژرف در دل اسیرشدگان پدید آورد و انگیزه شورشهای خونین گردید. در حدود سال ٦٠٠ پیش از میلاد، مردم مسنیا شورش و پیکاری سخت و دشوار آغاز کردند و نزدیک بود که اسپارتا از پای درآید. اما سرانجام پیروز شد و شورش را فرو نشاند. از آن پس همیشه اسپارتیان از شورش مردم برده شده نگران و بیمناک بودند. بار دیگر به سال ٤٦٤ پیش از میلاد شورش بزرگی در مسینا درگرفت که نزدیک به ده سال طول کشید و سرانجام درهم شکسته شد. بدین علت اسپارتیان سپاهیگری و جنگندگی را شیوهٔ زندگی خود پذیرفتند و به این منظور از آغاز سدهٔ ششم پیش از میلاد، جامعهٔ خود را به گروهبندیهایی تقسیم کردند که هر یک را کوسموس Kosmos می‌نامیدند. هر اسپارتیایی از هنگام تولد به یکی از کوسموسها پیوسته بود و حتی چنان در این باره سخت می‌گرفتند که نوزادگان را به سرپرستان نشان می‌دادند تا اگر ایشان را ناتوان و بیمار می‌یافتند به کام مرگ می‌فرستادند! جوانان را از آغاز به شیوهٔ بسیار سخت سپاهیگری پرورش می‌دادند و مردان بخش بزرگی از سال را دور از خانواده‌های خود در سربازخانه‌ها می‌گذراندند و زندگی مشترکی داشتند.

ساختمان اجتماعی اسپارتا: جامعهٔ اسپارتا به سه طبقهٔ اصلی تقسیم می‌شد. نخست اسپارتیاتها یعنی طبقهٔ برگزیده و مسلط جامعه که در عین حال بزرگترین زمینداران بودند. دوم پری اویکوی perioikoi که شمارهٔ آنان در حدود سی هزار نفر بود و از اسلاف اقوام آخایا در لاکونیا بودند که پس از هجوم دوریان زیر سلطهٔ ایشان قرار داشتند. افراد این طبقه می‌توانستند دارای زمین و مالک اموال خود باشند، اما از حقوق مدنی و سیاسی محروم بودند و نمی‌توانستند با وابستگان به اسپارتیاتها زناشویی کنند. کار ایشان کشاورزی زمینهای خود و نیز صنعت و کارهای دستی بود که طبقهٔ نخست هرگز به آن نمی‌پرداختند. طبقهٔ سوم که بزرگترین و انبوهترین طبقهٔ جامعهٔ اسپارتا را تشکیل می‌دادند با تعدادی در حدود دویست هزار نفر هایلوتای یاهلوتای Heilotai–Helotai نام داشتند.

روزگار

خاطرات دکتر حدیدی - ۶

در شهرهای اروپا

جوانان معمولاً سرِ شب در سالن هتل گرد می‌آمدند، شام می‌خوردند و تا ساعت یازده (حداکثر) به گفت‌وگو می‌نشستند و یا بازی می‌کردند. از ساعت یازده تا شش صبح برای خوابیدن تعیین شده بود و همه به رعایت آن موظف بودند.

اجتماع جوانان، از شهرها و کشورهای مختلف، شور و نشاطی همراه داشت که تا آن تاریخ نظیر آن را ندیده بودم. یکی دیده‌ها و شنیده‌های خود را در طول سفر برمی‌شمرد. دیگری بذله‌گویی و مجلس‌آرایی می‌کرد، سومی ساز می‌زد و همه را به دست‌افشانی و پایکوبی می‌خواند. برخی هم که روحیه‌ای رمانتیک داشتند، در گوشه‌ای می‌نشستند و در عالم شور و شیدایی خود غوطه می‌خوردند. پس از آن که دانستم «جان» کتابچه راهنمای این هتلها را نیز تهیه کرده است، گفتم: مَنَم با تو میام!

جان چنان خوشحال شد که چند بار به هوا پرید. افزودم: ولی یه شرط داره. گفت: چه شرطی؟ گفتم: من تا حالا در عمرم «هیچ هایک» نکرده‌ام و حالا هم نمی‌تونم بکنم. این کارو تو باید بکنی که زبونتم انگلیسیه و بهتر از من صحبت می‌کنی. جان با اشتیاق پذیرفت. روز بعد، هر دو به راه افتادیم. مسافت میان شرینگهام و گریت‌یرموث را که در حدود سی و پنج کیلومتر بود و بخشی از آن از کنار دریا می‌گذشت، با اتوبوس پیمودیم. یک روز در یرموث توقف کردیم و در ساحل و یا در شهر به گردش پرداختیم. هنگام ظهر، ماهی و سیب‌زمینی سرخ کرده خوردیم که غذای توریستهای بی‌پول بود. شب را در هتل جوانان به سر بردیم و صبح زود بعد از شهر بیرون رفتیم و کنار جاده یرموث به نارویچ ایستادیم. پس از ربع ساعت، راننده‌ای ما را سوار کرد و به نارویچ رسانید.

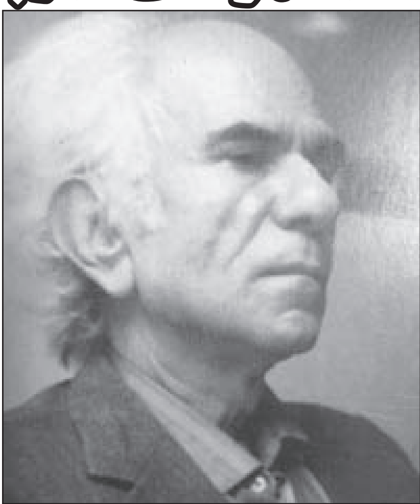
شهر باستانی نارویچ موزه‌ای داشت که آثار بازمانده از دوره رمیها، انواع کلاه‌خود و زره و نیزه و تیر و کمان و سپر و دیگر آلات جنگی، در آن گردآوری شده بود. من و دوستم یک روز به تماشای موزه و بناهای دیدنی شهر گذراندیم و صبح روز بعد به راه افتادیم. قصد داشتیم به ناتینگهام برویم. ولی راننده‌ای که ما را سوار کرد، گفت که خود عازم منچستر است و اگر ما مایل باشیم، ما را به منچستر خواهد برد. ما نیز با کمال میل پذیرفتیم.

راننده ما که بازرگان و اهل اسکاتلند بود، در طول راه از تاریخ جنگهای مردم اسکاتلند با انگلیسیان در قرون وسطا، و سپس از وحدت نهایی دو کشور در قرن هجدهم سخن گفت. و نیز به دفاع از اسکاتلندیها، که انگلیسیها آنان را خسیس می‌دانند، برخاست و برای اثبات سخاوت خود، من و دوستم را به ناهار در یکی از رستورانهای میان راه میهمان کرد.

راننده اسکاتلندی فاصله نارویچ تا منچستر را در شش ساعت پیمود و مسافرانش را نزدیک «هتل جوانان» پیاده کرد اما «هتل جوانان» تخت خالی نداشت و من و جان ناگزیر با اتوبوس به شهرک باکستون در ۳۰ کیلومتری جنوب منچستر رفتیم و سه روز در آن جا توقف کردیم، زیرا همان شب بارش باران آغاز شد و مدت سه روز ادامه یافت. در نتیجه هتل، برخلاف معمول، روزها تعطیل نشد. برعکس متصدیان مربوط وسایل متعددی، مانند فوتبال دستی و پینگ‌پنگ و شطرنج برای سرگرمی و تفریح جوانان فراهم آوردند، و یا معمّاهایی که حلّ آنها به فکر و حرکت هر دو نیاز داشت برای ما طرح کردند.

یکی از این معمّاها چنین بود که سه پسر و سه دختر در یک ردیف می‌ایستادند. فرض بر آن بود که آنان زن و شوهر هستند و روبه‌روی آنان رودخانه خروشانی است، با قایقی که تنها دو تن می‌توانستند در آن جای گیرند. جوان دیگری که نقش قایق را ایفا می‌کرد، می‌بایست مسافران را به گونه‌ای به آن سوی رود برساند که هرگز زنی بدون حضور شوهرش با مرد اجنبی در یکی از دو سوی رود تنها نَماند، هرچند همسر آن مردِ اجنبی نیز آن‌جا باشد. حل این معما مستلزم آن بود که بارها و بارها جوانان از آن سو به این سو بیایند و بروند و عاقبت هم معما را، که حل آن مشکل بود، حل نکنند. بالأخره یکی از دانشجویان ریاضیات سال دوم کالج لندن آن را حل کرد.

معمای دیگر چنین بود که سه ظرف مختلف در اختیار



■ دکتر حدیدی

دانشجویان می‌گذاشتند. گنجایش یکی از ظرفها سه پینت (تقریباً یک لیتر و نیم)، گنجایش دومی هفت پینت و گنجایش ظرف سوم ده پینت بود. آن گاه ظرف ده پینتی را از آب پر می‌کردند و از دانشجویان می‌خواستند که با کمک دو ظرف دیگر، ده پینت آب را به دو بخش پنج پینتی تقسیم کنند. حل این معما نیز وقت و نیروی بسیار می‌گرفت.

بغیر از این گونه سرگرمیها، تعدادی کتاب، همچنین یک دستگاه تلویزیون در سالن بود که دانشجویان علاقه‌مند می‌توانستند از آنها استفاده کنند. اگرچه تلویزیون تازه رایج شده بود، ولی برنامه‌های آن تنوع بسیار داشت. روز سوم از شدّت باران کاسته شد.

در آن سرزمین همه چیز زیبا بود. گویی انسان و طبیعت و جنگل و کوه و دریا همه با هم درآمیخته و موجود واحدی را تشکیل داده بودند که همهٔ اجزای آن در هماهنگی کامل بود. نه طبیعت بر انسان‌ها خشم می‌گرفت و با توفان و زلزله و آتش‌فشان و بلاهای دیگر آنان را از پای درمی‌آورد و نه انسان‌ها طبیعت را آلوده و تباه می‌کردند. این آرامش و همزیستی و صلح و هماهنگی در میان جانوران نیز راه یافته بود.

در انتهای ضلع شرقی پارک و کنار دریاچه، رستورانی بود که بالای سر در آن چنین نوشته بودند: «خوشبخت آنان که در این کناره‌ها به سر می‌برند! و خوشبخت‌تر آنان که دوباره بدین‌جا باز می‌گردند!» و این عبارتی بود شبیه آنچه بالای سر در باغ شلیمار در لاهور نوشته‌اند:

اگر فردوس بر روی زمین است
همین است و همین است و همین است

در محیطی این چنین خود را برای امتحانات پایان سال آماده کردم. دانشجویان سال سوم دورهٔ لیسانس ادبیات فرانسه هجده تن بودند.

مهم‌ترین درس آنان نیز تاریخ ادبیات فرانسه بود که امتحان آن به صورت نگارش مقالهٔ ادبی مفصلی در جلسهٔ امتحان، با وقت نامحدود، برگزار می‌شد. استاد چند سؤال طرح می‌کرد و دانشجویان به یکی از آنها پاسخ می‌دادند. سؤالها به درس خاصی مربوط نبود، بلکه استنباط دانشجو را از مجموعه‌ای از درس‌ها و یا از مجموع آثار نویسنده‌ای می‌آزمود. به گونه‌ای که اگر دانشجو فاقد قدرت تحلیل بود و تنها مطالب را از حفظ می‌کرد و به تسلسل و همبستگی افکار نویسندگان در ادوار مختلف توجه نداشت، نمی‌توانست در امتحان موفق شود. روز بیست‌و یکم ماه ژوئن، ساعت هشت صبح، در جلسهٔ امتحان حضور یافتم. استاد سه سؤال طرح کرد، بدین‌قرار:

۱. روسو و دیدرو احساسات خود را در آثارشان منعکس کرده‌اند. آیا دلایل و شیوهٔ کار آنان نیز یکسان بوده است؟ ۲. گوته می‌گوید: «با ولتر دنیایی پایان یافت و با روسو دنیایی آغاز شد». این مطلب را با استناد به آثار دو نویسنده توضیح دهید. ۳. فلوبر و استاندال نویسندگانی واقع‌گرا بودند. واقع‌گرایی آنان در چه بود؟

لحظه‌ای پس از آن که استاد سؤالها را مطرح کرد، گروهی از دانشجویان اوراق سفید خود را تحویل دادند و از جلسه بیرون رفتند. پنداشتم که اعتصاب کرده‌اند. ولی دیدم که نه استاد خشمگین شده است و نه دانشجویان. علت خروج آنان را از استاد پرسیدم. او گفت که چون جواب سؤالها را نمی‌دانستند، خود را به زحمت نینداختند و بیرون رفتند. سال دیگر دوباره امتحان خواهند داد.

از میان سؤالهای سه‌گانه، نخستین آنها را برگزید. دامنهٔ سؤال بسیار گسترده بود و همهٔ آثار دو نویسندهٔ بزرگ را دربر می‌گرفت. مجموعه‌ای که از بیست عنوان فراتر می‌رفت. از این رو ابتدا افکار خود را براساس طرحی هماهنگ با تاریخ تدوین این آثار منظم کردم و سپس به نوشتن پرداختم. از هشت صبح تا سه بعدازظهر یکسره می‌نوشتم.

این طولانی‌ترین امتحانی بود که در عمر گذرانده بودم. چنان که پس از پایان امتحان، و هنگامی که اوراق خود را تحویل دادم و خواستم بیرون روم، در راهرو سرم گیج رفت و زمین خوردم، ولی صدمه‌ای ندیدم. برخاستم و یکراست به کنار دریاچه رفتم و با شنا در آبِ سرد دریاچه، آرامش و نشاط خود را بازیافتم.

در این امتحان نمرهٔ ۳ گرفتم و این حداقل نمرهٔ قبولی بود. اما امتحان تاریخ ادبیات به صورت شفاهی نیز برگزار می‌شَد. استادان ممتحن دو تن بودند و از هر دری می‌پرسیدند. یکی از آنان دربارهٔ بدبینی ژان ـ ژاک‌روسو سؤالی کرد. برخلاف نویسندهٔ کتاب درسی، گفتم:

ـ روسو بدبین نبوده است.

استاد به نرمی پرسید:

ـ مگر کتاب را نخوانده‌اید؟

ـ چرا خوانده‌ام؟

ـ پس چگونه می‌گویید که روسو بدبین نبوده است؟

ـ کسی بدبین است که جهان هستی را آکنده از شر بداند. روسو چنین نبود. او آفرینش الهی را بی‌نقص و خداوند را عین خیر می‌دانست. اما نسبت به انسان‌ها بدبین بود و می‌گفت که همه چیز کامل و خوب آفریده شده ولی انسان‌ها با جنگ و خونریزی و غریزهٔ تملّک آن را تباه کرده‌اند.

ادامه دارد

یادی از فریدون مشیری

شاعر مهتاب

فریدون مشیری در سی ام شهریور ۱۳۰۵ در تهران به دنیا آمد. جد پدری او به دلیل مأموریت اداری به همدان منتقل شده بود، و پدرش ابراهیم مشیری افشار در سال ۱۲۷۵ خورشیدی در همدان متولد شد، و در روزهای جوانی به تهران آمد و از سال ۱۲۹۸ در وزارت پست مشغول خدمت گردید. فریدون مشیری سالهای اول و دوم تحصیلات ابتدایی را در تهران انجام داد و سپس به علت مأموریت اداری پدرش به مشهد رفت و بعد از چند سال دوباره به تهران بازگشت و سه سال اول دبیرستان را در دارالفنون گذراند و آنگاه به دبیرستان ادیب رفت. به گفته خودش: «در سال ۱۳۲۰ که ایران دچار آشفتگی‌هایی بود و نیروهای متفقین از شمال و جنوب به کشور حمله کرده و در ایران بودند ما دوباره به تهران آمدیم و من به ادامه تحصیل مشغول شدم. دبیرستان و بعد به دانشگاه رفتم. با اینکه در همه دوران کودکی... از استخدام در ادارات و زندگی کارمندی پرهیز داشتم ولی... در سن ۱۸ سالگی در وزارت پست و تلگراف مشغول به کار شدم و این کار ۳۳ سال ادامه یافت.»

مشیری همزمان با تحصیل در سال آخر دبیرستان در اداره پست و تلگراف مشغول به کار شد. در همان سال مادرش در سن ۳۹ سالگی در گذشت که اثر عمیقی در او بر جا گذاشت. سپس در آموزشگاه فنی وزارت پست و تلگراف مشغول تحصیل گردید. روزها به کار می‌پرداخت و شبها به تحصیل ادامه می‌داد. از همان زمان به مطبوعات روی آورد و در روزنامه‌ها و مجلات کارهایی از قبیل خبرنگاری و نویسندگی را به عهده گرفت. بعدها در رشته ادبیات فارسی دانشگاه تهران به تحصیل ادامه داد. اما کار اداری از یک سو و کارهای مطبوعاتی از سوی دیگر، در ادامه تحصیلش مشکلاتی ایجاد می‌کرد. سرانجام تحصیل را رها کرد اما کار در مطبوعات را ادامه داد. از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۱ مسئول صفحه شعر و ادب مجله روشنفکر بود.

این صفحات به تمام زمینه‌های ادبی و فرهنگی از جمله نقد کتاب، فیلم، تئاتر، نقاشی و شعر می‌پرداخت. بسیاری از شاعران مشهور معاصر، اولین بار با چاپ شعرهایشان در این صفحات معرفی شدند. مشیری در سالهای پس از آن نیز تنظیم صفحه شعر و ادبی مجله سپید و سیاه را برعهده داشت. در همان سال‌ها با مجله سخن به سردبیری دکتر پرویز ناتل خانلری همکاری داشت. وی در سال ۱۳۵۰ به شرکت مخابرات ایران انتقال یافت و در سال ۱۳۵۷ از خدمت دولتی بازنشسته شد.

مشیری سرودن شعر را از نوجوانی و تقریباً از پانزده سالگی شروع کرد. اولین مجموعه شعرش با نام تشنه توفان در ۲۸ سالگی او با مقدمه محمدحسین شهریار و علی دشتی در ۱۳۳٤ به چاپ رسید. خود او درباره این مجموعه میگوید: «چهارپاره‌هایی بود که گاهی سه مصرع مساوی با یک قطعه کوتاه داشت، و هم وزن داشت، هم قافیه و هم معنا، آن زمان چندین نفر از جمله نادر نادرپور، هوشنگ ابتهاج (سایه)، سیاوش کسرایی، مهدی اخوان ثالث و محمد زهری بودند که به همین سبک شعر می گفتند و همه شاعران نامدار شدند، زیرا به شعر گذشته بی‌اعتنا نبودند. اخوان ثالث، نادرپور و من به شعر قدیم احاطه کامل داشتیم، یعنی آثار سعدی و حافظ و فردوسی را خوانده بودیم، در مورد آنها بحث می‌کردیم و بر آن تکیه می‌کردیم.»

مشیری توجه خاصی به موسیقی ایرانی داشت و در پی همین دلبستگی طی سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ عضویت شورای موسیقی و شعر رادیو را پذیرفت، و در کنار هوشنگ ابتهاج، سیمین بهبهانی و عماد خراسانی سهمی بسزا در پیوند دادن شعر با موسیقی، و غنی ساختن برنامه گلهای تازه در رادیو ایران در آن سالها داشت. علاقه به موسیقی در مشیری به گونه‌ای بوده است که هر بار سازی نواخته می شده مایه آن را می گفته، مایه‌شناسی‌اش را می‌دانسته، بلکه می‌گفته از چه ردیفی است و چه گوشه‌ای، و بارها شنیده شده که تشخیص او در مورد برجسته‌ترین قطعات موسیقی ایران کاملاً درست و همراه با دقت تخصصی ویژه‌ای بوده است.

فریدون مشیری در سال ۱۳۷۷ به آلمان و آمریکا سفر کرد و مراسم شعرخوانی او در شهرهای کلن، لیمبورگ و فرانکفورت و همچنین در ۲٤ ایالت آمریکا از جمله در دانشگاه‌های برکلی و نیوجرسی به طور بی سابقه ای مورد توجه دوستداران ادبیات ایران قرار گرفت. در سال ۱۳۷۸ طی سفری به سوئد در مراسم شعر خوانی در چندین شهر از جمله استکهلم و مالمو و گوتنبرگ شرکت کرد.

معروفترین اثر وی شعر «کوچه» نام دارد که در اردیبهشت ۱۳۳۹ در مجله «روشنفکر» چاپ شد. این شعر از زیباترین و عاشقانه ترین شعرهای نو زبان فارسی است.

یاد

روایتی از دکتر شیرین بیانی-۶

بقیه‌اش هم با شما

کوکب ادامه داد: به اوّلین چهار راه که رسیدم، دیدم یکی میگه «ایست.» من که خیلی ترسیده بودم، ایستادم و دیدم یک پاسبان آمد جلو. امّا از خوش‌شانسی من، با هم آشنا درآمدیم، او پسر عمه مادرشوهرم بود. گفت: «عروس عمه شمائی، اینجا چه کار می‌کنی؟.» گفتم: «آره برای حسین دلم شور افتاده دارم می‌رم خونه» و داستان رو برایش گفتم. او گفت: «خب، اگر من شما رو نمی‌دیدم که کارت زار بود، حالا بیا ببرمت به خانه.» ما رسیدیم خونه و من تعارف کردم که او بیاد تو یک چای بخوره. اونم که خیلی خسته بود و خواب چشمهاش رو گرفته بود، قبول کرد و آمد تو.

دکتر شیرین بیانی

اتفاقاً همین اواخر که می‌رفتم چهارراه عبّاسی پیش خاله‌جانم، همین خویشاوندم رو سر یکی از چهارراهها دیدم. او هم بدتر از من پیر و شکسته شده بود؛ خیلی دلم می‌خواست با او سلام و علیک و احوالپرسی کنم؛ ولی راستش از ترس آبرو و از اینکه زندگی‌ام به هم خورد و آواره شدم، به روی خودم نیاوردم و از او گذشتم. برگردیم بر سر ماجرا، ما اومدیم تو، حالا من هر چه می‌خوام برم توی اتاق، می‌بینم در از تو چفته. خدایا این دیگه چه وضعی است؟ هر چه صدا می‌زنم: حسین، حسین، کسی جواب نمی‌ده. هر کار کردیم، در باز نشد.

بالاخره بالای در یک گوشه از شیشه شکسته بود و مقوا چسبونده بودیم، این پاسبانه پاشو گذاشت روی دستگیره در و از سوراخ شیشه چفتو کشید پائین، در واز شد. من تو اتاق رو نگاه کردم، دیدم رختخواب عروسی ما پهنه، حسین وسطش خوابیده و خُروپُف می‌کنه، و مثل اینکه یک هیکلی دوید پشت پردهٔ صندوق‌خانه. من رفتم پرده رو عقب زدم دیدم، بَه بَه، یک لکّاته، با موهای وز کرده، چشمهای سرمه کشیده و سرخاب مالیده، یک چادر شب به خودش پیچیده، اون گوشه ایستاده و مثل بید می‌لرزه. من هم فوری بچّه‌رو که خواب بود، گذاشتم زمین و لنگه کفش پاشنه‌سنّاری‌ام را درآوردم و افتادم به جونش. تا می‌خورد، زدمش. بیچاره زبونش بند آمده بود. دستهاش رو گذاشته بود روی سرش و ایستاده بود، کتکها رو نوش جان می‌کرد. بعد هم دادمش دست پاسبونه و گفتم: تا اینجاش با من بود، بقیه‌اش هم با شما، حاشا به غیرت و جوانمردی‌ات! او هم یکی زد توی سرش و ورش داشت بردش نظمیّه.

در این موقع از داد و قال ما بچّه از خواب بیدار شد و دست گذاشت به شار و شیون. حسین مثل اینکه از صدای بچّه از خواب بیدار شده باشه، سرش را از زیر لحاف بیرون آورد، توی رختخواب نیم‌خیز شد، یک ذرّه چشماش رو مالید. امّا اگر به این دیوار رنگ بود، به چهرهٔ او هم رنگ مونده بود. گفت: «چیه، چه خبره، چرا نمی‌زارین بخوابم؟» منو میگی، دیگه نتونستم جلوی خودمو بگیرم و شروع کردم به داد و بیداد کردن و فحش و ناسزادادن و دق دلی چند سال رو خوب در آوردم؛ ولی او هم نامردی نکرد و آب پاکی رو روی دستم ریخت و گفت: «هر کار دلم می‌خواد می‌کنم، به تو هم هیچ مربوط نیست.» این رو که گفت، منم پایم رو توی یک کفش کردم و گفتم: یا الله همین الآن پاشو بریم مرا طلاق بده. اهل خانه، مادرشوهر و خواهرشوهرم که از جنجال بیدار شده بودن، دورم را گرفتن، دلداریم دادن و گفتن: «حالا صبر کن، بگذار صبح بشه، شاید با هم آشتی کردید. طلاق خوب نیست.» گفتم: «از این به بعد اگر من پشت گوشم رو دیدم، روی این مردیکه رو هم خواهم دید. یک کلام و السلام.»

یکباره پرده‌ها از پیش چشمم کنار رفت. حالا کاش کار همون یک شب بود. قبلاً هر شب همین بساط بر پا بود. یک باغ داشتیم که نزدیک خانه ما قرارداشت. هر شب صدای ساز و آواز و عربدهٔ مست‌ها از پس دیوارها بلند بود. من وقتی از شوهرم می‌پرسیدم شبها توی این باغ چه خبره؟ می‌گفت: «چند تا دوست دارم که میان از من اجازه می‌گیرن که برن توی این باغ خوش باشن. من هم خواهش دوستان رو رد نمی‌کنم.» من نفهم هم تا یک مدتی باور کرده بودم، ولی بعدها کم‌کم فهمیدم که اوضاع از چه قرار بوده.

چه دردسر؟ من آن شب چادر از سرم بر نداشتم. همین‌طور نشستم تا صبح شد؛ و این مردیکه رو بلند کردم رفتیم محضر. مهرم رو حلال کردم و طلاق گرفتم و یکراست از آنجا رفتم به خانهٔ پدرم. یک ماه بود که پدرم برای فروش چای از قم بیرون رفته بود و از او خبری نداشتیم، تا یک روز غروب ماه رمضان که نشسته بودیم افطار می‌کردیم، دیدیم در خانه به صدا درآمد.

آیینه

دکتر محمدکاظم حسینیان

دکتر ملک‌زاده؛ تأملات تاریخی یک مبارز زاده

نهضت مشروطیت ایران

ادامه از صفحه اول

تاریخ مشروطیت ایران را نگاشته‌اند، جلد اول این تاریخ را اختصاص به فلسفهٔ انقلاب و علل و موجباتی که یک قرن، پیش از مشروطیت روی هم انباشته شده بود و ملت ایران را مستعد انقلاب مشروطیت کرد، دادم و بدینوسیله دوربینی به‌دست خوانندگان این تاریخ دادم تا حد نظر آنها، از سطح وقایع و ظاهر حوادث تجاوز کند با چشم عقل و تعمق به حقایق پی‌ببرند.

اجتماع سران آزادیخواه

همانطوری که دریانوردان و کوه پیمایان و صحرا گردها به تغییرات جوی آشنا هستند و با آن حس مخصوصی که در آن طبقه هست ظهور انقلاب و طوفان را پیش‌بینی می‌کنند، مردانی که تمام عمر خود را در عشق و آرزوی آزادی گذرانده و در این راه مصائب بی‌شمار دیده و ناکامیها کشیده، تکفیر شده، حبس و تهدید شده، بی‌خانمانی و سرگردانی در راه مقصود دیده، کتابها خوانده و در اطراف اندیشه‌های خود مطالعه نموده‌اند، یک حسب مخصوصی که در سایر مردم نیست، پیدا می‌کنند که علماء روان‌شناس آن را «حس ششم» مردان انقلابی نامیده‌اند.

در آن زمان که ما به‌نوشتن حوادث و پیش آمدهایش مشغولیم، آزادیخواهان و متفکرین به‌رهبری همان حسن مخصوص، استنباط کرده بودند که مقتضیات سیاسی و اجتماعی و ضعف و فساد دستگاه دولت و افراط در ظلم و بیدادگری و نفوذ روز افزون اجانب در تمام شئون ملی و عدم رضایت عمومی و بیداری شدن عدهٔ زیادی از مردمان علاقمندان به سعادت کشور و بالاخره صدها عوامل دیگر، زمینه را برای انقلاب و تغییر اوضاع مستعد نموده است و موقع آن رسیده است که از مرحلهٔ حرف گذشته، وارد در عمل شوند و آخرین ضربهٔ مهلک را به پیکر پیرو فرسوده و فاسد استبداد وارد آورند و با تغییر رژیم، ایران نوینی به‌وجود آورند و آرزوهای دیرینه را لباس هستی بپوشانند و شاهد زیبای آزادی و حکومت مردم بر مردم را در آغوش گیرند و مسلک آزادی و حکومت قانون را در کشور مستقر سازند.

به‌طوریکه قبلاً اشاره کردیم، در آن زمان مجالس کوچک از آزادیخواهان در مرکز و شهرهای بزرگ به‌طور خفاء تشکیل می‌یافت ولی از ترس مأمورین دولت و جاسوسان جرأت عرض وجود کردن نداشتند و حتی در پیش مردانی که در حسن نیت آنها تردید نبود، از اظهار عقیده خودداری می‌کردند. بدین واسطهٔ، آزادیخواهان ایران به‌طور انزوا و دور از یکدیگر می‌زیستند و یکدیگر را نمی‌شناختند و از همکاری جمعی محروم بودند.

خوشبختانه نهضت فرهنگی که در آن سالها به‌دست آزادیخواهان برپا شد و کتابخانه ملی که در تهران تأسیس گشت، افراد روشنفکر و آزایخواه مرکز را به‌هم نزدیک کرد و شناسایی و آشنایی و حس اعتماد بیشتری میان آنها پیدا شد.

رهبران آزادیخواهان که از دیر زمانی با هم سر و سرّی داشتند و در مجامع سرّی، گرد هم جمع می‌شدند با همان حس سیاسی که اشاره کردیم، موقع را مناسب دیدند که این گروه منزوی و منفرد و بی‌سرو سامان را گرد هم جمع کرده و بر طبق اساسنامه‌ای که تهیه کرده بودند، شروع به فعالیت اجتماعی نمایند.

ولی در آن دورهٔ وحشت و استبداد برای عملی کردن آن منظور خطرناک، احتیاط لازم و اطمینان از افراد کمال ضرورت را داشت زیرا اگر نقشه‌ای که در پیش داشتند کشف می‌شد و عقیم می‌گشت، نه فقط اکثر روشنفکران دچار بدبختی و حبس و مرگ می‌شدند، بلکه آرزو و آمالی که سالها در دل و جان خود می‌پروراندند، از میان می‌رفت و چنین آزادی که در دلها پرورش یافته بود، هنوز پا به‌دنیا نگذاشته، سقط می‌شد.

این بود که پیشوایان آزادی، قبل از هر اقدامی به آزمایش و امتحان اشخاصی که به طرفداری از فلسفهٔ نوین معروف بودند و خود را طرفدار تحولات اجتماعی و حکومت قانون می‌دانستند، پرداختند و درمیان صدها نفر از آن طبقه در حدود ۶۰ و چند نفر را که به استقامت رأی و ایمان به آزادی و استحکام فکری و سرنگاهداری و تاب و توان تحمل فشار و بدبختی را داشتند، انتخاب نمودند و پس از آنکه مقصود و منظور را، با هر یک، جداگانه در میان نهادند و از آنها اطمینان کامل حاصل کردند، مصمم شدند که برای رسمی کردن مسلک و مرام خود، یک کنگرهٔ عمومی تشکیل بدهند. مشکلی که در پیش بود جمع کردن آن عده که اکثرشان مورد سوء ظن و تعقیب مقامات دولتی بودند – در یک محل مناسب و دور از چشم اغیار بود. پس از مشاورهٔ زیاد، باغ میرزا سلیمان‌خان میکده را در خیابان گمرک – که در آن زمان محل کم جمعیتی بود و به‌غیر از در عمومی یک در متروک کوچک در صحرای معروف امین الملک داشت – انتخاب نمودند و جماعت را در آنجا برای عصر روز دوازدهم ربیع‌الاول ۱۳۲۲ هجری دعوت کردند و به مدعوین گوشزد کردند که با کمال احتیاط یکی یکی از در باغ وارد شوند و نیز به آنها دستور دادند که هرگاه محل مجمع از طرف مأمورین دولتی کشف شود و اشخاص مورد بازرسی قرار گیرند، همگی بدون اختلاف بگویند که حضور آنها در آن جلسه برای بسط معارف و تکمیل کتابخانهٔ ملی بوده است.

برای احتیاط، صورت ظاهر آن کار را فراهم کرده بودند و دفتری که درسرلوحهٔ آن نوشته شده بود برای توسعهٔ معارف و در ذیل آن اسامی اشخاص نوشته شده بود، در روی میز نزدیک مدخل باغ گذارده بودند.

اینک میرزا سلیمان خان میکده – که یکی از مؤسسین مشروطیت ایران بود و آن مجمع مهم تاریخی در خانه‌اش تشکیل شده بود – با شما حرف می‌زند و شرح واقعه را برای خوانندگان تاریخ نقل می‌کند:

«در روز معهود، همان ساعتی که معین شده بود، مدعوین یکی بعد از دیگری از در کوچک وارد باغ شدند و ذکر نام و نشانی خود را در دفتر مخصوص امضاء نمودند مدعوین به استثنای حاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی که مریض بود و مرشد آقا که غایب بود، به‌واسطهٔ عشق و علاقه‌ای که به‌مقصود بلکه به‌مطلوب و محبوب خود داشتند، بدون بیم و اندیشه سرساعت مقرره حضور یافتند و مرشد آقا هم در آخر جلسه وارد شد و علت تأخیر خود را چنین بیان نمود:

چون از خانه بیرون آمدم و گامی چند در کوچه برداشتم، حس کردم که مرد ناشناسی مرا تعقیب می‌کند. برای گمراه کردن او از کوچه‌های مختلف گذشتم ولی او همچنان مرا تعقیب می‌کرد. ناچار به‌خانهٔ یکی از دوستان رفتم و ساعتی در آنجا توقف کردم تا آنکه مطمئن شدم آن جاسوس راه خود را پیش گرفته و رفته است. سپس با عجله خودم را برای کسب فیض ملاقات دوستان به مجمع رساندم.

ما پیش از اینکه وارد در مذاکرات آن جلسه تاریخی بشویم، برای ضبط در تاریخ، نام نامی و اسم گرامی اعضاء آن مجمع ملی را که در حقیقت هستهٔ انقلاب مشروطیت ایران بود و با نیروی ایمان و اخلاص در راه آزادی و مشروطیت قدم گذاردند و فداکاری‌ها کردند و در آن دورهٔ تاریک چراغ هدایت افکار را در دست گرفته و به پرورش ارواح پرداختند و به‌قیمت جان و هستی خود به ملت ایران آزادی بخشیدند، می‌نگاریم و امیدواریم که فرزندان آیندهٔ ایران، همانطوری که از داشتن پدرانی چون آن آزاد مردان مفتخر و سرافرازند و مباهات می‌کنند، طریقه و رویهٔ آنان را سرمشق زندگانی خود قرار دهند و سعادت دنیا و آخرت را در خدمت وطن و آزادی بدانند.

ناگفته نماند که سید حسن حبل المتین، برادر مؤید الاسلام که از جمله آزادیخواهان بود، به‌واسطهٔ مخالفت با میرزاعلی اصغرخان اتابک از عین الدوله صدر اعظم وقت طرفداری می‌کرد، در آن مجمع دعوت نشده بود و نیز به‌طوری‌که نگارندهٔ این تاریخ، از کسانی که هنوز زنده‌اند و در آن مجمع حضور داشته‌اند، تحقیق کرده‌ام بحر العلوم کرمانی برادر شهید سعید مرحوم روحی و حاجی علیقلی خان سردار اسعد بختیاری و سلیمان میرزا هم در آن جلسه حضور داشته‌اند.

تمام افرادی‌که نام پر افتخارشان در این نامهٔ ملی ضبط شده، در راه مشروطیت و بدست آوردن آزادی فداکاری نمودند و انحرافی در راهی که پیش گرفته بودند پیدا نشده و لکهٔ خیانتی دامن پاک آنها را آلوده نکرد:

۱– ملک المتکلمین ۲– سیدجمال الدین واعظ ۳– ابوالحسن میرزا شیخ الرئیس ۴– حاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی ۵– حاجی سید نصرالله تقوی ۶– میرزا سلیمان‌خان میکده ۷– سید محمدرضا مساوات ۸– میرزا محمدحسین ذکاء الملک ۹– میرزا محسن برادر صدر العلماء ۱۰– میرزا ابراهیم‌خان منشی سفارت فرانسه ۱۱– حاجی میرزا مهدی دولت‌آبادی ۱۲– حاجی میرزا علیمحمد دولت‌آبادی ۱۳– سید اسدالله خرقانی ۱۴– یمن السلطنه اخوی آقای منقح ۱۵– میرزا محمدعلی خانه نصره السلطان ۱۶– میرزا حیدرعلی زردوز ۱۷– یحیی میرزا ۱۸– جلال الممالک ایرج ۱۹– میرزا علی‌اکبر حکیمی ساعت‌ساز ۲۰– حاجی شیخ مهدی کاشی ۲۱– مجد الاسلام کرمانی ۲۲– مجلسی اصفهانی ۲۳– جناب اصفهانی ۲۴– سید عبدالوهاب اصفهانی ۲۵– سید عبدالوهاب معین العلماء ۲۶– اردشیرجی زردشتی ۲۷– ارباب گیو زردشتی ۲۸– سلطان العلماء زواره‌ای ۲۹– میرزا جهانگیرخان ۳۰– حاجی سیاح ۳۱– امین الاطباء رشتی ۳۲– میرزا محمدحسین اعتضاد الحکماء ۳۳– حاجی نایب الصدر شیرازی ۳۴– قاضی قزوینی ۳۵– آقا محمدحسین تاجر معروف بخیاط ۳۶– مرشد آقا ۳۷– میرزا نورالله خان فدوی ۳۸– حاجی شیخ محمد رفیع ۳۹– میرزا حسن‌خان فدوی ۴۰– نصرالله خان ناظم العلوم ۴۱– آقا میرزا محمدتقی محرر صدر العلماء ۴۲– لواء الملک ۴۳– میرزا عبدالخالق سده ئی ۴۴– شیخ غلام‌حسینی ۴۵– میرزا حسن رشدیه ۴۶– سید عبدالرحیم کاشانی ۴۷– سید عبدالرحیم اصفهانی ۴۸– میرزا محمود اخلاقی ۴۹– میرزا محمود شیرازی ۵۰– حامد الملک شیرازی ۵۱– خان شوکت ۵۲– شیخ عبدالله مفید ۵۳– شیخ علی زرندی ناطق المله ۵۴– معین نظام.

پس از آنکه تمام متحدین و همپیمانها گردهم جمع شدند و از دیدار یکدیگر برخوردار گشتند، همگی در اطراف یک میز بزرگی که در وسط باغ نهاده بودند و در روی آن قرآن مجید را جای داده بودند، جمع شدند.

سید جمال الدین از زیر عبای خود یک پرچم ایران که در روی آن باخط درشت نوشته بود «قانون – عدالت» بیرون آورد و در کنار قرآن مجید گذارد. سپس، هر یک از متحدین با احترام و حال شوق و جذبه پیش رفتند و با یک دست کلام‌الله مجید و با دست دیگر پرچم ایران را بلند کرده و در مقابل خداوند که قرآن نماینده او بود و وطن که پرچم ایران مظهر آن شناخته می‌شد، قسم یاد کردند که در کتمان اسرار جمعیت استوار باشند و یک دل و یک جان، در راه به دست آوردن قانون و عدالت و بر هم زدن دستگاه ظلم و بیدادگری کوشش نمایند.

پس از آن که مراسم سوگند تمام شد، متحدین با چشم‌های اشک‌آلود که آثار شعف و امیدواری از آن تابش می‌کرد، یکدیگر را چون یاران مهربان در برگرفتند و چون کسانی که که در عالم تازه‌ای قدم نهاده، به راز و نیاز پرداختند.

ملک المتکلمین

دکتر ملک زاده در جوانی

فرد زینه‌من در گفت‌وگو با [illegible]

هالیوود در دهه ۳۰

زمان زیادی گذشت تا بالاخره به ما اعتماد کردند. برایتان از بحث‌هایی که بر روی سناریو می‌شد مثال کوتاهی می‌زنم. صحنه‌ای هست که دختران به عنوان داوطلب [illegible] راهبه‌ای پیر برای [illegible] که زندگی یک [illegible] خلاف طبیعت. امّا [illegible] مسئول نظارت بر [illegible]: «نباید این جمله [illegible]: «زندگی یک [illegible] است». روی [illegible] حدود چهار ساعت [illegible] دینی شد. [illegible] آمد و گفت: [illegible]: «در بسیاری [illegible] برخلاف طبیعت [illegible] دانست که در چنین [illegible] – بلکه به عنوان [illegible] مواردی باید [illegible] یک چالش ببینیم؛ و فکر کنیم چه راهی وجود دارد و چگونه می‌توان موضوع را حل و فصل کرد. جالب است که به این طریق غالباً موفق می‌شویم.

یکی از چیزهایی که در مورد این فیلم می‌خواستم، آن بود که نه نویسندهٔ آن کاتولیک باشد و نه بازیگران. نگران بودم توسط آن‌ها عناصری در فیلم بیاید، که ممکن بود برای کاتولیک‌ها خیلی پر معنی باشد. ولی هیچ‌کس دیگر حوصله دیدنشان را نداشته باشد. بنابراین برای آن که بازیگران ریتم و جریانات زندگی در صومعه را یاد بگیرند؛ اجازه گرفتیم که هر یک از آن‌ها را، جدا از هم، در صومعه‌های مختلف پاریس بگذاریم. ماه ژانویه بود و هوا خیلی سرد؛ و صومعه‌ها سردترین مکان‌های پاریس هستند ما هشت نفر از بازیگران را که نقش‌های اصلی ـ راهبه‌ها ـ را بازی می‌کردند در صومعه‌های مختلف جا دادیم؛ و من هر روز با تاکسی از یک صومعه به دیگری می‌رفتم که ببینم اوضاعشان از چه قرار است. آن‌ها باید ساعت ۴/۳۰ صبح از خواب برمی‌خاستند و همهٔ روز کار می‌کردند و غروب که می‌شد برنامهٔ ـ سکوت بزرگ ـ بود؛ که در آن پس از ساعت معینی دیگر تا صبح حرف نمی‌زنند. آن‌ها باید همهٔ این‌ها را تجربه می‌کردند؛ و البته این کار بی‌نهایت در اجرای نقش‌هایشان به آن‌ها کمک کرد.

ساختار فیلم‌های شما معمولاً به ترتیبی است که شاید بتوان آن را ـ کلاسیک ـ خواند. با یک شروع، یک بخش میانی و یک پایان؛ به همین ترتیب ممکن است در این مورد صحبت کنید؟!

زینه‌من: باید بگویم این حرف کاملاً درمورد فیلم‌هایم صدق می‌کند. نمی‌توانم بگویم این چیزیست که به عنوان یک قانون مطلق از آن دفاع می‌کنم. معتقدم بعضی‌ها فیلم‌هایی بسیار عالی می‌سازند که نه شروعی دارد نه بخش میانی و نه پایان. در واقع فکر می‌کنم هر چه بیشتر بتوانیم از آن قبیل قواعد عمومی در چهارچوب‌های تعریف‌شده فاصله بگیریم، موفق‌تر خواهیم بود. باور دارم که کارمان در مقام هنر بسیار زیاد از این واقعیت لطمه دیده است که بسیاری از قواعد دلبخواه و مستبدانه بر ما تحمیل شده است، آنهم توسط آدم‌هایی که هیچ ربطی به این کار نداشتند و فقط از طرف مدیران مختلف که ما را برای فیلم ساختن استخدام کرده بودند به آن‌ها اختیاراتی داده شده بود که به ما بگویند چگونه فیلم بسازیم. آن‌ها مغز ما را با انواع بایدها و نبایدها پُر می‌کردند.

اگر به عقب برگردید و قوانینی را که به ما تحمیل می‌شد مطالعه کنید؛ به دو موضوع حیرت‌آور بر می‌خورید اول این که می‌بینید آن قوانین کاملاً دلبخواه و مستبدانه بودند؛ مثلاً فرض مسلّم و مشهوری که لویی ب. مایر برای خودش داشت و می‌گفت: "فقط دو نوع زن وجود دارد؛ مادرها و فاحشه‌ها!یا این که می‌گفتند، مهمّ نیست که شرایط چیست؛ صورت ـ ستاره ـ باید همیشه خیلی زیبا نورپردازی شده باشد، حتی اگر در نیمه شب، در شهر کوچکی که فقط گذرگاه قطار است فیلمبرداری شود یک مشت قوانین این چنینی وجود داشت؛ و مقاومت شدید در مقابل آن‌ها هم تأثیری نداشت؛ حدس می‌زنم که بعضی از آن‌ها هنوز هم بی سر و صدا ادامه دارند. خیلی سخت است که آن‌ها را از روش کار یکنفر کاملاً کنار بگذاری. البته آنچه که تعجب‌آور است این که در دههٔ ۱۹۳۰ فیلم‌های هالیوود، احتمالاً از نظر کیفیت به اوج همهٔ دوران‌هایشان رسیدند این اتفاق حیرت‌انگیزی است.

رسانهٔ سینما به طور کلّی خیلی جوانست؛ و وقتی که افراد متوجه امکانات سودبری مادّی آن شدند از همان ابتدا چنان مورد سوء استفاده قرار گرفت که هرگز امکان پیدا نکرد مسیر تحوّل درستی را طی کند. وقتی که هنوز در مرحلهٔ جنینی بود به حرامزاده‌ای تبدیل شد و فکر می‌کنم در حال حاضر، بعضی فیلمسازان، تا حدّ زیادی سعی می‌کنند که این نقیصه را جبران کنند و آگاهانه فیلم‌هایی می‌سازند که فاقد ساختارهای متداول است. معتقدم که این پدیدهٔ بسیار با ارزشی است و باید به آن تجه زیادی کرد. همچنین معتقدم که این فیلم‌ها در کنار فیلم‌هایی که می‌توان آن‌ها را فیلم‌های تئاتری نامید، جایی ندارند؛ یعنی همین فیلم‌هایی که برای سرگرمی ساخته می‌شوند و از مردم این توقع هست که پولی بپردازند و آن‌ها را تماشا کنند.

ظاهراً ارسن ولز پیش از آن که فیلم ـ همشهری کین ـ را بسازد بارها فیلم ـ دلیجان ـ جان فورد را تماشا کرد تا ساختار آن را مطالعه کند: آیا ممکن بود شما هم چنین کاری بکنید؟

من نسبت به اینجور کارها خیلی شک دارم؛ چون دوست ندارم که فیلم‌هایی را مثل یک مهندس بسازم. یادم می‌آید که جوش لوگان و کسان دیگر می‌گفتند در هر فیلم یا نمایشنامه بایستی یک صحنهٔ مکاشفه و افشاکننده وجود داشته باشد و در آن شخصیت اصلی نکته‌ای را کشف کند. من خریدار این گفته‌ها نیستم. برای من به هیچ نوع مکاشفه نیازی نیست. می‌توانم آدمی را تماشا کنم که در تمام طول فیلم حضور دارد و هیچ چیزی را در مورد خودش کشف نمی‌کند. احتمالاً خیلی هم جالب‌تر خواهد بود.

من ترجیح می‌دهم که از طریق عقلگرایی آگاهانه به مسائل نزدیک شوم. وقتی که نیاز به تصمیم‌گیری‌های خلاق است به غرائضم اعتماد می‌کنم ولی به استدلال‌هایم اعتماد نمی‌کنم. هرگز احساس نمی‌کنم که یک فیلم بایستی به بخش‌های مختلف تقسیم شده باشد. این چیزیست که ما از تئاتر به سینما آورده‌ایم.

ادامه دارد

گذشته

مینو صمیمی ۱۰

دیپلماسی به روش ایرانی

سفر به استان‌ها

جوان محلی [illegible] در نظر گرفته بود به [illegible] حتی یک دینار برای [illegible] کمک نکرده است. هر بار [illegible] کوشش فراوان برای [illegible] دولتی برای اجرای [illegible] ناکام برمی‌گردم. و [illegible] ببینم چه پولهای هنگف[illegible] صنعتی و رفاه مردم [illegible] شود، واقعاً در شگف[illegible] از دیگ[illegible] تشکیل کلاس‌های شبانه برای روستاییان بیسواد بود و دیگر اینکه، هفته‌ای دو بار به خانه روستاییان مراجعه می‌کرد تا اصول اولیهٔ بهداشت و حفظ سلامتی را به اهالی بیاموزد.

من با این جوان سپاهی دانش ابتدا در شهر رشت، موقعی که به دفتر کار رئیس «خانهٔ کودک» رفته بودم آشنا شدم، و فهمیدم فقط به این خاطر از روستا به رشت آمده است تا شاید بتواند یک طفل روستایی علیل را ـ که والدینش از بیماری یرقان مرده بودند ـ برای نگهداری به «خانهٔ کودک» بسپارد.

البته او مطابق معمول از مسئول مربوطه ـ به بهانهٔ نداشتن جا ـ جواب منفی شنیده بود. ولی وقتی فهمید من از دفتر مرکزی سازمان حمایت از کودکان برای بازرسی به رشت آمده‌ام، به من متوسل شد تا کاری برایش انجام دهم. و طبیعی است که رئیس «خانهٔ کودک» هم بلافاصله خواسته‌ام را اجابت کرد؛ چرا که می‌دانست در غیر این صورت امکان دارد گزارش نامطلوبی درباره‌اش به دست مقامات سازمان در تهران برسد.

بعد از آن موقعی که به دیدار از روستای محل خدمت سپاهی دانش اظهار علاقه کردم، چنان خوشحال شد که به نظرم باورنکردنی آمد. البته هدف من از همراهی وی برای دیدار روستا، بیشتر تفهیم این مسأله بود که مشکلاتش را درک می‌کنم و نگرانی‌هایش واقعاً برایم قابل لمس است. ولی در عین حال اطمینان داشتم که او چون مرا به هر صورت نماینده‌ای از دربار شاه به حساب می‌آورد و ضمناً گمان می‌کند هنوز اطلاع چندانی از اوضاع حاکم بر روستاها ندارم، لذا بهتر دید، مشکلات و مسائل خود را از نزدیک به من نشان دهد، تا با مشاهدهٔ وضعیت حقیقی زندگی مردم تحت تأثیر قرار بگیرم، و در بازگشت به تهران امکانات مادی مورد نیاز را برایش فراهم کنم... بیچاره خبر نداشت که من هم درست مثل خودش مشکلات کشور را تشخیص می‌دادم و راه‌حلها را نیز می‌دانستم، اما متأسفانه نه پشتیبانی در دستگاه حاکمیت شاه سراغ داشتم و نه کسی را می‌شناختم که به حرفهایم ترتیب اثر بدهد.

نشریهٔ فرمایشی مطلبی جز تمجید و تعریف از اقدامات سازمان و بی‌عیب نشان دادن آن به چاپ نمی‌رساند

البته آن موقع در نظر داشتم دست به ابتکار تازه‌ای بزنم و راجع به یافته‌هایم مطالبی در مجلهٔ هفتگی سازمان حمایت از کودکان بنویسم، تا مجله را برای اولین بار از صورت یک نشریهٔ فرمایشی ـ که مطلبی جز تمجید و تعریف از اقدامات سازمان و بی‌عیب نشان دادن تشکیلات آن به چاپ نمی‌رساند ـ خارج کنم. امیدم این بود که با بهره‌برداری از مشاهداتم در سفر به استان‌های مختلف کشور، اطلاعات دقیق و مشروحی از وضعیت و عملکرد شعبات سازمان برای چاپ در مجله تدارک ببینم تا حقایق امور را از این طریق به اطلاع ملکه فرح و سایر مسئولان برسانم. ولی سفرهایم برای بازرسی امور شعبات سازمان از دوبار تجاوز نکرده بود که انتشار مقالاتم در مجله با مخالفت مدیرعامل و بسیاری دیگر از مقامات سازمان مواجه شد. دلیلش هم البته ـ به زعم من ـ جز این نبود که آنها می‌ترسیدند به خاطر افشاگریهای من دربارهٔ علل بی‌کفایتی‌ها و مسائل موجود در تشکیلات، ملکه فرح ناچار شود مدیران سازمان را از پست‌های نان و آبدارشان بردارد، و یا حداقل مجبورشان کند که در مصرف بودجه کمتر دست و دلبازی نشان دهند.

در آن زمان چون هنوز در مرحله‌ای قرار داشتم که گمان می‌کردم هر طور شده باید ملکه فرح را از حقایق موجود در سازمان حمایت از کودکان مطلع کرد تا او بتواند سد راه گسترش اعمال فسادانگیز شود، لذا تصورم این بود که می‌بایست از سفرهای بازرسی به شهرستانها کاملاً بهره بگیرم و از این فرصت مناسب برای آگاه کردن عموم از آنچه در تشکیلات سازمان حمایت از کودکان می‌گذشت استفاده کنم. ولی بعد از انجام دو سفر، دستور تعلیق سفرهای تحقیقاتی من صادر شد، و همراه آن شخص دکتر «علیقلی لقمان ادهم» نیز مرا احضار کرد تا شیوهٔ تهیه گزارش‌های دقیق‌تر! از فعالیت‌های سازمان را برایم تشریح کند.

البته من هرگز در خود آنقدر توانایی روحی یا جسمی سراغ نداشتم که قادر به مبارزهٔ سیاسی با رژیم شاه باشم، ولی حداقل می‌توانستم به خوبی پیش‌بینی کنم که اگر وضع به همان منوال پیش می‌رفت، بزودی آن سپاهی دانش و بسیاری از جوانان شبیه او، در مسیر فعالیت‌های خیرخواهانهٔ خود به راه انقلاب کشیده شوند. زیرا رژیم حتی برای جلب خوشنودی جوانان روشنفکر طرفدار اصلاحات شاه نیز از توان کافی برخوردار نبود، و در نتیجه هر روز بیش از پیش به تعداد جوانان سرخورده از رژیم افزوده می‌شد.

مهمترین مراکز مخالفت با رژیم شاه همیشه ـ چه در داخل و چه خارج کشور ـ در دانشگاه‌ها قرار داشت. از سال ۱۹۵۳ متعاقب کودتایی که طی آن شاه با حمایت آمریکایی‌ها دوباره به قدرت رسید، تظاهرات فراوانی به ویژه در دانشگاه تهران علیه شاه صورت گرفت، که بعضی حتی به خونریزی کشیده شد؛ ولی ساواک همیشه در سرکوب ناآرامی‌های دانشجویی موفق بود.

ضمناً چند بار ترورهایی علیه شاه صورت گرفته بود، که در همهٔ آنها او توانست از خطر مرگ بگریزد و جان سالم بدر برد. یکی روز ۴ فوریه ۱۹۴۹ [۱۵ بهمن ۱۳۲۷] در دانشگاه تهران، که شخصی در لباس خبرنگار عکاس به طرف شاه تیراندازی کرد.

عکس‌های تاریخی / ۳۰

پرتره دکتر محقق

پس از اخذ اجتهاد وارد دانشگاه شد و مراحل دانشگاهی را یک به یک پشت سر نهاد و به استادی رسید. در کارنامه اش سابقه بیش از ۶۰سال تدریس به چشم می خورد. دکتر مهدی محقق تربیت کننده نسلی از دانشوران دانشگاهی است که خود چندین نسل را تربیت کرده و به جامعه فرهنگی ایران تحویل داده اند.

نگارستان

ارنست کونل

کندو کاو در هنر ایران؛ بهزاد و مکتب او

طراحی‌های بهزاد

ترجمه دکتر یعقوب آژند: در واقع همترازی جملگی این جنبه‌ها تردیدی باقی نمی‌گذارد که از ویژگیهای به قلم آمده‌ی استاد بهزاد است و اگر مرقومه محو شده آخرین قابند تزیینی در سمت راست درب حدس‌های مختلفی را پیش نمی‌کشید، مشکلی برنمی‌تافت. در منظره سحرانگیز پس زمینه برای نخستین بار با درخت تخت و مستوی‌ای مواجه هستیم که بعدها از ضمائم محبوب جمله آثار مکتب بهزاد گردید.

در نسخه خمسه نظامی سال ۱۴۴۲/۸۴۶ متعلق به موزه بریتانیا چند نگاره ریزنقش موجود است که سه تا از آنها رقم «صوره العبد بهزاد» را دارد و با دقت در بین ستونهای اشعار جایگیر شده‌اند و صحت آنها نیز کلاً به ثبوت رسیده است. ریزه‌کاری‌های آرایه‌ای در نبرد بین سوارگان متعدد بار دیگر نقش اساسی دارند، و حال آنکه تصویر مجنون که ناظر بر نبرد در بیابان است ترکیب‌بندی زیبای مدورو بسته و پر از حالت دراماتیک را ارائه می‌دهد که در آن همه جزئیات ضمیمه محو شده است. سومین نگاره بهرام گور را در حال حمله به اژدها در یک منظره صخره‌ای بسیار گویا و رسا فرامی‌نماید. نگاره‌های بی‌رقم این نسخه هم بی‌تردید از آن بهزاد است و یکی از آنها مجنون را در کعبه می‌نمایاند که بسیار جذاب تصویر شده چون بین اشخاص و فضای معماری آن تقابل چشمگیری حاکم است. ولی تاریخ این نگاره‌ها در بوته تردید است چون در عین حال که متن تاریخ ۱۴۴۲/۸۶۴ را دارد یعنی سالی که خطاط کتابت خویش را به پایان برده، نگاره‌ها چندی بعد اجرا شده است. به دلیل پیوند نزدیک این نگاره‌ها با سنت تصویری تیموری ـ مثلاً شباهت چشمگیر بین شترسواران جنگجو و صحنه‌های شبیه آن در نسخه‌های اوایل سده نهم/ پانزدهم ـ این تصور در انسان تقویت می‌شود که این نگاره‌ها از دستاوردهای ایام جوانی بهزاد است. اما از طرف دیگر پختگی و سادگی اجرا و پرداخت و مخصوصاً نوع مدور ترکیب‌بندی‌ها که در نگاره‌های بوستان سال ۱۴۸۹/۸۹۴ دیده نمی‌شود، این تصور را در هم می‌ریزد. از این رو این احتمال را باید در نظر گرفت که بهزاد بعدها بعضی از ویژگی‌های آثار نخستین خویش را با سنجیدگی و آراستگی بکار گرفته، در حالی که خود از مرز رشد گذشته بوده و نسخه قدیمی‌تری را نقش می‌زده است. این مسأله را کشف اخیر تاریخ ۱۴۹۳/۸۹۸ بر روی یکی از صفحات نگاره تأیید می‌کند.

یک نگاره دیگر که بی‌تردید از آن بهزاد است و یک ترکیب‌بندی مدور تزیینی همراه با پیکره‌هاست و رقم «صوره العبد بهزاد» را دارد و شامل مجموعه کوچکی از قطعات خطاطی با مهر سه امپراتور مغول و در اختیار هـ کیورکیان، نیویورک است. این نوع طرح «شمسه» غیرعادی است. تصویرگران معمولاً این نوع شمسه‌های آرایشی را با اسلیمی‌ها پر می‌کردند. مجلس این نگاره سرشار از احساس است: مرد جوان و سالخورده‌ای در کنار جویباری در یک منظر کوهستانی تصویر شده‌اند. دو تا از نمونه‌های خطاطی تاریخ ۱۵۲۴/۹۳۰ دارند وی صفحه‌ای که شامل نگاره بهزاد است تا حدودی به بعد تعلق دارد چون پرداخت تازه و استادانه جزئیات و موضوع به طور کلی نشان می‌دهد که او به هر حال در اوج قدرت هنری خویش بوده است. البته این را نمی‌توان به سبک دوران سالخوردگی او نسبت داد. اگر ما کتیبه آن را که حاوی رقم «پیر غلام بهزاد» است و شکل غریبی دارد ولی به دلیل ویژگی نوشته و روش جالب قرار گرفتن آن در نگاره قابل توجه است، مورد ملاحظه قرار دهیم که با طراحی قلم موئی سفید فام ارائه شده و امروزه در موزه لوور است، می‌باید جوان، شاه طهماسب بوده باشد که روی درختی نشسته است. این طراحی استادانه جزئیات منفرد جذاب است اما ویژگی‌های خاص آثار بهزاد در آن کمتر به کار رفته است، به همین دلیل یک کار مجزاست. با توجه به سن و سال شاهزاده تاریخ آن می‌بایست حدود ۱۵۲۸/۹۳۵ باشد.

شکل نامتعارف دیگری از رقم بهزاد را روی طراحی دیگری که طبق کتیبه، سلطان‌حسین را بر روی اسب نشان می‌دهد می‌بینیم. در پائین روی جامه سواره، کتیبه «چهره سلطان حسین میرزا، بهزاد» البته از افزوده‌های ایام بعد است ولی از شمشیر سوارکار سپر کوچکی آویزان است که رقم را در خود جای داده است: «الفقیر بهزاد» که به خط زیبائی است و جای نامشهود آن می‌رساند که باید آن را از آثار نخستین بهزاد به شمار آوریم. اسب نسبتاً انعطاف‌ناپذیر و بدقواره با گردن بلند غیرطبیعی، با نگاه خیره و ثابت در بوستان نیز موجود است و کل طراحی که تا حدودی شتاب‌آلود است ولی با خصوصیات مختلفی که در نسخه‌ها غیرعادی است به بهزاد نمی‌پردازد. اگر این شخص واقعاً سلطان حسین میرزا باشد، چنانچه نشان می‌دهد باید بسیار جوانتر از تک چهره بوستان قاهره بوده باشد و این امر امکان ندارد و یا اینکه بعضی از شباهت‌ها را می‌توان درآورد، ولی این تعیین هویت چندان قانع‌کننده و قابل پذیرش نیست.

«رسولان رنگ» در روزگار مدرن

ونگوگ؛ شاعر درد

پسر دوم دیوید ون‌گوگ به نام ونسان (۱۷۲۹ـ۱۸۰۲) پیکرتراش بود و در جوانی از پاریس، شهر زیبایی و معرفت، دیدن کرده و هنر آموخته بود. او در انزوا و بدون فرزند، از جهان رفت؛ اما ثروتی چشمگیر برجای نهاد که قسمت عمدهٔ آن به برادرزاده‌اش یوهانس (۱۷۶۳ـ۱۸۴۰) تعلق گرفت. یوهانس حرفهٔ پدر را که زرگری بود رها کرد و آموزگار کتاب مذهبی شد. پسر یوهانس با نام ونسان دوم (۱۷۸۹ـ۱۸۷۴) در دانشگاه لیدن فقه و الاهیات مسیحی را فراگرفت. او که جدّ ونسان ون‌گوگ نقاش بی‌نظیر هلندی است، یکی از مردان برجسته و روشنفکر زمان خود بود که در ترویج مسیحیّت به مرحلهٔ توفیق رسید و در مدرسهٔ لاتین همهٔ جوایز بزرگ را نصیب خویش ساخت.

از وی شش پسر به جای ماند که تنها یکی از آنان با نام تئودورز (۱۸۲۲ـ۱۸۸۵) از پدر پیروی کرد و لباس مذهبی پوشید، و به درخواست پدر بود که در سال ۱۸۴۹ به دهکدهٔ کوچکی در برابانت، مرز بلژیک و هلند، به نام گروت زواندرت، برای خدمت به کلیسا منتقل شد.

تئودورز ظاهری دلنشین و برخوردی شیرین داشت و به قدیس خوش قیافه مشهور بود. طبیعت دوست داشتنی و رفتار ظریفش او را محبوب و مردم‌پسند ساخته بود. با اینهمه، مُبلّغ با استعدادی نبود و فضای کاریش تنها به دهکده‌های اطراف محدود می‌شد. طی بیست سال زندگی در دهکدهٔ زواندرت، از او برای خواندن خطابه، به هیچ شهر و منطقهٔ پرآوازه‌ای دعوت به عمل نیامد و دامنهٔ شهرتش از آن نواحی فراتر نرفت. اما در همان محدودهٔ کوچک به گرمی دوستش می‌داشتند و صمیمانه حرمتش می‌گذاشتند.

تئودورز، در ماه مه ۱۸۵۱ با آناکورنلیا ازدواج کرد ـ زنی که در ۱۸۱۹ در لاهه به دنیا آمده و دختر یکی از صحّافان بنام بود. آنا، زنی استثنایی و خونگرم بود که حتی در ایام کهنسالی، با وجود از دست دادن شوهر و سه پسر جوان، هنوز فعال می‌نمود و با حرارتی شگفت‌انگیز به زندگی ادامه می‌داد. یکی از ویژگی‌های آنا علاقه‌اش به طبیعت بود که در مقابل خداوند سپاسگزارش می‌ساخت. او همواره از این علاقه الهام می‌گرفت تا تأثرات ذهنی و اندیشه‌های سادهٔ خود را به آسانی بیان کند و، همان‌گونه که می‌دوزد و می‌بافد، بنویسد. در ۳۰ مارس ۱۸۵۲، آنا پسر مرده‌ای به دنیا آورد که از پیش بر او نام ونسان ویلم گذارده بودند. کودک در حیاط کلیسای زواندرت به خاک سپرده شد. درست یک سال بعد، در همان روز پسر دیگری به دنیا آمد که، برخلاف کودک نخستین، از سلامت کامل برخوردار بود و نام ونسان ویلم، نام پدران تئودورز و آنا، بر او نهاده شد (نامی که به کودک نخست داده بودند).

ونسان در ظاهر، و گاه در باطن، به مادر شباهت بیشتری داشت و حرارت و کوشیاریش در کار، و ارادهٔ راسخش در تصمیم، این شباهت را تثبیت می‌کرد.

برق چشمان نافذ، و ابروان گره‌خوردهٔ او چون مادر بود، اما موی سرخ و پوست سفیدش، که کک و مک‌های بی‌شمار آن را می‌پوشاند، با رنگ و روی پدر و مادر سازگاری نداشت. قدّش متوسط و شانه‌هایش فراخ بود، و استخوان‌بندی نیرومندی قامتش را در بر می‌گرفت. شاید اگر قدرت جسمانی او نبود، تاب ایستادگی در برابر فقر را نمی‌داشت و نمی‌توانست در مقابل گرسنگی‌ها، کم‌خوابی‌ها، و هیجانات درونی و اضطرابات روحی مقاومت کند و، چه بسا، سریعتر از پای می‌افتاد.

یاد

روایتی از دکتر شیرین بیانی-۶

بقیه‌اش هم با شما

دکتر شیرین بیانی

آیینه

دکتر محمدکاظم حسینیان

دکتر ملک‌زاده؛ تأملات تاریخی یک مبارز زاده

نهضت مشروطیت ایران

ملک المتکلمین

دکتر ملک‌زاده در جوانی

نگارستان

ارنست کونل

کندو کاو در هنر ایران؛ بهزاد و مکتب او

طراحی‌های بهزاد

ترجمه دکتر یعقوب آژند

گذشته

مینو صمیمی

دیپلماسی به روش ایرانی

سفر به استان‌ها

هالیوود در دهه ۳۰

عکس‌های تاریخی/ ۳۰

پرتره دکتر محقق

«رسولان رنگ» در روزگار مدرن

ونگوگ؛ شاعر درد

نما

ایرج آدیگوزلی

بهار به روایت دخترش/۱۶

درد ترک خانه



حقوق پدر بعد از فوتش به کلی قطع شده بود. مخارج سنگین باغ و منزل که مادر به آن عادت کرده بود، داشت کمر او را می‌شکست، تنها درآمد او سهم مختصری بود از ارثیهٔ مادر از تیمچهٔ گوهر در خیابان اسلامبول که به او می‌رسید! که البته برای گذراندن زندگی ما کافی نبود. دکانداران نزدیک منزل همیشه در آخر هر ماه صورت حساب‌های خود را می‌فرستادند و مادر که هیچ‌گاه عادت نداشت به کسی بدهکار باشد، هر جور بود پولی فراهم می‌کرد و برایشان می‌فرستاد! بالاخره فشار و مشکلات مالی خانواده باعث شد که او به فروش لوازم قدیمی خانه وادار شود! سرویس‌های مرغی و صورتی، لوسترهای کریستال و شمعدان‌های رنگارنگ قدیمی که اغلب از جهیزیهٔ خودش بود. قالیچه‌های مورد علاقهٔ پدر. خلاصه هر چه لوازم و اشیای آنتیک بود که می‌شد قیمت مناسبی از فروش آنها به دست آورد، در سفره‌خانه منزل چیده شد!

سرتاسر این اتاق بزرگ که روزگاری مهمانی‌های پدر در آن برگزار می‌شد، حالا مانند دکان سمساری پر از ظروف و چراغ‌ها و اشیای آنتیک دیگر شده بود، تا اینکه روزی سمسار طمع‌کاری پیدا شد و همه آنها را به بهایی ارزان خرید و برد و شاید اندکی از مشکلات ما را کم کرد که البته موقتی بود.

آقای محمود مستشاری شوهر ملک‌دخت پیشنهاد کرد که بهتر است از دولت تقاضای مستمری بشود که مادر در ابتدا اصلاً راضی به این امر نبود، ولی چه می‌شد کرد؟ باید برای زندگی چاره‌ای اندیشید. بالاخره ناچار قبول کرد و این تقاضا از دولت وقت به عمل آمد. در این مورد لایحه‌ای تنظیم شد و به مجلس شورا فرستادند و با تمام مخالفت‌ها با ماهی یک هزار و پانصد تومان موافقت و لایحه تصویب و به مجلس سنا فرستاده شد. خدا می‌داند چه سر و صدایی در مورد این لایحه در مجلس سنا درگرفت. جمال امامی و علی دشتی از هر اتهامی به پدر و خانواده ما فروگذار نکردند!

سرانجام لایحه را با ماهی پانصد تومان برای مادرم تصویب کردند و به دولت ابلاغ شد. جالب است که بگویم مادر خجالت می‌کشید برای گرفتن پانصد تومان ماهانه به بانک مراجعه کند. این مقدار حقوق اندک، کفاف خرج خانه را نمی‌کرد. بالاخره مادر مجبور شد اندرونی منزل را که حیاط و اتاق‌های اطراف آن بود از باغ و بیرونی جدا کند و آن را بفروشد که با آن پول قروض پرداخته شد و خانه بیرونی هم مرمت شد و به یک خانوادهٔ فرانسوی که در ایران کار می‌کردند و به منزلی بزرگ نیاز داشتند، اجاره داده شد! ما هم خانهٔ کوچکی برای زندگی اجاره کردیم و به آن نقل مکان کردیم. در این زمان مهرداد هم با زحمت‌های طاقت‌فرسای مادر و دوندگی‌های بی‌امان او از زندان آزاد و به ادامه تحصیل خود در دانشکدهٔ ادبیات مشغول شد.

ترک خانهٔ پدری دردناک بود؛ خانه‌ای که سال‌های خاطره‌انگیزی از بد و خوب به همراه داشته است. روزهای شادی و غم، خنده و گریه و سال‌های زندگی همراه پدر! سراسر منزل نقش پدر را داشت، هر گوشه‌اش یادی و خاطره‌ای از او، به خصوص باغ و باغچهٔ مخصوص او. گل‌های پیوندی او، خلاصه در زندگی‌ام غم‌انگیزتر از آن روز سراغ ندارم. مادر و مهرداد و من به خانهٔ جدید اسباب‌کشی کردیم. چه می‌شد اگر دولت آن باغ و خانه و کتاب‌های بهار را می‌خرید و آن را به موزه بدل می‌کرد. باغش پارکی می‌شد و خانه‌اش موزه‌ای و کتابخانه‌اش، کتابخانهٔ عمومی!!

افسوس که دشمنی حکومت پهلوی با او، باعث نابودی گنجینه‌ای گرانبها از فرهنگ این سرزمین شد. بعدها هم بر اثر مشکلات مالی و مسائل دیگر، مادر مجبور شد باغ و خانه و کتاب‌هایی که باقی مانده بود، بفروشد! و دیگر اثری از آثار آن هم بر جای نماند!

برادرم مهرداد یک سال بعد از فوت پدرم به خاطر فعالیت‌های سیاسی از طرف دولت بازداشت شد. بدبختی آن بود که ما نمی‌دانستیم در کدام محبس است. بیچاره مادرم که از یک طرف شوهرش را از دست داده بود، از طرف دیگر پسرش را بازداشت کرده بودند، با وضع بد مالی نمی‌دانست چه کند؟ مادرم آن‌قدر عزت نفس داشت که هیچ‌وقت حاضر نبود از کسی درخواست کمک کند.

آرزوی مادرم و همهٔ ما این بود که منزل و باغ و کتابخانه را نفروشیم و آن را برای نسل آینده به عنوان میراث فرهنگی حفظ کنیم. خواهرم چهرزاد بعد از فوت پدر بیش از چهارده سال نداشت. ننه که همهٔ ما را بزرگ کرده بود با مشهدی اصغر باغبان پیرمان که هر دو عضو خانواده بودند، وفادار نزد مادرم ماندند.

بعد از تولد پسرم بابک (که نام او را پدرم قبل از فوتش تعیین کرده بود که اگر پسر شد نامش را بابک بگذار) تصمیم گرفتم هر طور شده دیوان اشعار پدرم را منظم کنم. یزدان‌بخش قهرمان شوهر خواهر بزرگم ماه ملک به من پیشنهاد کرد که یکی از پسرعموهایش به نام محمد قهرمان حاضر است با من برای جمع‌آوری کامل اشعار پدرم همکاری کند. اولین پیشنهادی را که محمد قهرمان به من کرد، این بود که تمام کتابخانهٔ پدرم را برای پیدا کردن اشعار، کتاب به کتاب ورق بزنیم.

تمدن

شهرام انصاری

الغای کاپیتولاسیون

تاریخ اقتصادی خاورمیانه، چار از عیساوی-۶

نیازی به گفتن نیست که این فرایند از تحولات اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک کل جهان، از رویدادهای سیاسی منطقه، از جمله مبارزه با انگلیس و فرانسه و از پی آن جنگ‌های اعراب و اسرائیل و نیز از تلاطم‌های درونی و دگرگونی‌های اجتماعی کشورهای مختلف تأثیر بسیار می‌پذیرفت.

نخستین گام، الغای «کاپیتولاسیون» بود که از قرون وسطی تا آن زمان بیگانگان و اتباع بومی تحت حمایت آنان را از حقوق قضایی برون‌مرزی و معافیت از مالیات‌های محلی برخوردار کرده بود. ترکیه این مزایا را در سال ۱۹۱۴ با ورود به جنگ لغو کرد. بعد از متارکهٔ جنگ بار دیگر خود را گرفتار آن دید و سرانجام در سال ۱۹۲۳ خود را از این قید رها کرد، عراق در ۱۹۲۲، ایران در ۱۳۰۶/۱۹۲۸ هـ.ش، و مصر در ۱۹۳۷ همان راه را طی کردند. قیمومت فرانسه و بریتانیا بر سوریه، لبنان، فلسطین و اردن هیچ امتیاز برون‌مرزی برای خارجیان در برنداشت. این اقدامات نه تنها بر نظارت حکومت‌ها بر فعالیت بیگانگان در قلمروشان افزود، بلکه به آنها امکان داد مالیات بر درآمد و دیگر مالیات‌های مستقیم را به اجرا گذارند بی‌آنکه ناچار باشند اتباع خارجی را که بخشی چنان عمده از اقتصاد را در اختیار داشتند از مقررات قانونی خود مستثنی کنند.

آنچه اهمیتی باز هم بیشتر داشت، سرآمدن زمان پیمان‌های تجاری بود که آزادی حکومت‌ها را در گزینش سیاست‌های مالی و عمرانی سخت محدود کرده بود. بین سالهای ۱۹۲۸ و ۱۹۳۰ تونس، ترکیه، ایران و مصر نظارت کامل بر قلمرو خود را به دست آوردند و در مناطق تحت قیومت این حق سالها پیش از آن به دست آمده بود. کشورهای منطقه از آن پس می‌توانستند تعرفه‌های تبعیضی برای کسب درآمد و نیز برای تشویق برخی شاخه‌های صنعت و کشاورزی وضع کنند.

حکومت‌ها همچنین کوشیدند با اقداماتی چون تخفیف کرایه‌بهای راه‌آهن، معافیت مالیاتی و دادن اولویت به صنایع داخلی برای خریدهای حکومتی به این صنایع یاری رسانند. اقدام مهم دیگر تأسیس بانک‌های دولتی یا تحت حمایت دولت برای گسترش اعتبار به بخش‌هایی بود که نظام بانک‌های تجاری متعلق به بیگانگان تا آن زمان نادیده‌شان گرفته بود. این اقدام تأسیس بانک‌های مرکزی جدید، مثلاً در ترکیه و ایران، یا تقویت نهادهایی که کارکردی مشابه داشتند (مانند بانک ملی مصر و بانک سوریه و لبنان) و ایجاد انواع بانک‌های صنعتی و کشاورزی را شامل می‌شد. بانک‌های خصوصی مانند بانک مصر در مصر (۱۹۲۰) وایش بانک در ترکیه (۱۹۲۴) که هدف از ایجادشان گسترش دامنهٔ نظارت ملی و نیز انگیزش توسعهٔ اقتصادی بود، تشویق می‌شدند. ترکیه و ایران با ایجاد صنایعی با سرمایه و مدیریت دولتی دخالتی مستقیم‌تر در اقتصاد داشتند. در ترکیه این صنایع زیر پوشش دو شرکت دولتی دارندهٔ سهام، به نام‌های سومر بانک (۱۹۳۳) برای کشاورزی و اتی بانک (۱۹۳۵) برای معادن بودند.

اقدام دیگر حکومت‌ها در جهت پیشبرد وحدت سیاسی، افزایش نظارت مرکزی و توسعهٔ اقتصادی از طریق گسترش زیرساخت‌های ناکافی بود. در دورهٔ میان دو جنگ ترکیه شبکهٔ راه‌آهن خود را دو برابر کرد، عراق و مراکش خطوط راه‌آهن خود را که کمی پیش از جنگ جهانی اول ساخته شده بود گسترش دادند. ایران نخستین خط راه‌آهن عمدهٔ خود را ساخت و سودان خطوطی جدید بر آنچه داشت افزود. بعد از ۱۹۴۵ فعالیت ساختمانی چشمگیری در ایران، عربستان سعودی، اسرائیل، و سوریه انجام پذیرفت. ساختن بندر، فرودگاه و جاده در تمامی منطقه رایج بود و تولید نیروی برق، که تقریباً از صفر آغاز شده بود، به چند صد برابر رسید. حکومت‌ها علاوه بر ساختن تأسیساتی از آن خود، تأسیسات خدماتی متعلق به خارجیان را که در کشورهایشان فعالیت داشتند ـ مانند شرکت‌های راه‌آهن، تسهیلات بندری، تراموا، گاز، آب و برق ـ مصادره یا به قیمت ارزان خریداری کردند. در ترکیه این کار در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ به انجام رسید و در دیگر کشورها در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰. امروزه جز در چند مورد بی‌اهمیت، تمامی تأسیسات حمل‌ونقل و دیگر تأسیسات خدماتی و نیز تلگراف و رادیو و تلویزیون همه متعلق به دولت و زیر نظر آنند.

انتقال قدرت اقتصادی از دست خارجیان به مؤسسات ملی با مهاجرت وسیع اروپاییان و گروه‌های اقلیت از منطقه تسهیل شد و به نوبهٔ خود این مهاجرت را شتاب بخشید. در رویدادهای فاجعه‌آمیز ۲۳ـ۱۹۱۵ ترکیه جمعیت ارمنی و یونانی خود را از میان برداشت و اغلب یهودیان نیز رفته رفته مهاجرت کردند. جنگ دوم جهانی در مصر با توقیف دارایی‌های آلمانی‌ها و ایتالیایی‌ها همراه بود. جنگ‌های اعراب و اسرائیل به وجود اجتماعات یهودیان پایان داد و جنگ سوئز در ۱۹۵۶ انگلیسیان و فرانسویان را بیرون راند و دیگر اقلیت‌ها (یونانیان، سوری ـ لبنانی‌ها و ارمنیان) در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ از منطقه بیرون رفتند.

اجتماعات یهودی عراق و یمن در حدود ۱۹۵۰ به اسرائیل مهاجرت کردند. کم و بیش تمامی اروپاییان ساکن آفریقای شمالی، فرانسه و لیبی که نزدیک به دو میلیون نفر بودند و نیز صدها هزار یهودی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ مهاجرت کردند. انقلاب ۱۳۵۷/۱۹۷۹ هـ.ش در ایران سبب شد که کم و بیش همهٔ خارجیان آن کشور را ترک کنند. بدین سان تا سال ۱۹۶۰ کل فعالیت اقتصادی ـ جز یک مورد استثنایی مهم یعنی نفت ـ به حکومت‌های منطقه یا بورژوازی بومی منتقل شده بود. دو دههٔ بعد با موج پرتوان اجتماعی کردن همراه بود. به استثنای کشاورزی و خانه‌سازی، بخش خصوصی ملی در مصر، سوریه، عراق، سودان، الجزایر، لیبی، یمن جنوبی و در همین سالهای اخیر در ایران، به بخشی بی‌اهمیت تبدیل شد و در دیگر کشورها نیز سخت محدود گردید. به دست گرفتن صنعت نفت از سال ۱۹۷۳ این فرایند را تکمیل کرده است.

خاورمیانه از ۱۹۱۴ تاکنون به راستی راهی بس دراز پیموده است. حکومت‌های منطقه تا حد بسیار زیادی بر اقتصاد و جامعه نظارت دارند. زیرساخت منطقه گسترش بسیار یافته و به حد کفایت نزدیک می‌شود و نیز چنین است نهادهای مالی عمدهٔ آن. منابع انرژی آن در دنیا بی‌همتاست و منطقه دارای کانونی صنعتی و معدنی است که رشدی شتابان دارد. کوشش‌هایی برای بهبود بخشیدن به کشاورزی صورت گرفته، اما چندان موفق نبوده است. این منطقه در کل دارای منابع عظیم سرمایه است، اما توزیع این منابع میان کشورهای مختلف بسیار نابرابر است. منابع نیروی انسانی توسعه یافته است، با این حال کم و بیش همهٔ کشورهای منطقه از این لحاظ دچار کمبودند. و البته، فراوانند: انفجار جمعیت، رشد بی‌اندازهٔ شهرها، تولید نارسای مواد خوراکی، بارآوری پایین صنعتی، نیروی کار با تخصص ناکافی، هزینه‌های دفاعی هنگفت، نابرابری روزافزون، نااستواری سیاسی و چندپارگی اجتماعی.

در قیاس با دورهٔ پیش از جنگ اول جهانی فرصت‌ها و امکانات منطقه افزایش بسیار داشته و اهمیت سیاسی و اقتصادی آن در دنیا بسیار بیشتر شده است. اما دشواری‌هایی که فرا راه آن است نیز بسیار پیچیده‌تر و بدلگامتر است.

دیدار با برتراند راسل

نجف دریابندری: در میان نویسندگانی که کتابهایی را از آنها ترجمه کرده‌ام، با راسل ملاقات کرده‌ام. این ملاقات سالها قبل در انگلستان روی داد. وقتی به انگلیس رفته بودم، در آنجا نامه‌ای به راسل نوشتم و گفتم که کتابش را ترجمه کرده‌ام و اجازه هم نگرفته‌ام!

او هم در جاب من نوشت که: بسیار خوب! راسل آدم خیلی راحتی بود. یعنی گفت که: ترجمه کرده‌ای و اجازه هم نگرفته‌ای.

خب، حالا مهم نیست. من با قطار به شهری در بالای لندن رفتم. یک شب هم در هتلی ماندم و صبح به دیدار راسل رفتم. حدود یک ساعت پیش او بودم و راجع به مسائل مختلفی صحبت کردیم. من مقاله‌ای به انگلیسی در این باره نوشته‌ام که در روزنامه کیهان اینترنشنال چاپ شده است. بعدها به پیشنهاد دوستان مطلبی به فارسی در این باره نوشتم که در کتاب «در عین حال» چاپ شد.

راسل و لنین

جالب است که راسل در سال ۱۹۱۸ یا ۱۹۲۰ سفری به شوروی رفته و ملاقاتی هم با لنین کرده و صحبت‌های مفصلی با هم کرده‌اند. راسل بعدها شرح ملاقاتش بالنین را نوشت. می‌دانید که لنین آن موقع رئیس دولت شوروی بود.

راسل، لنین را آدم جالبی می‌داند. او دو سه جا دربارهٔ لنین و دیدارش صحبت کرده است.

به خصوص کتابی نوشته و در آن راجع به انقلاب شوروی قضاوت کرده است ولی قضاوتش راجع به لنین منفی است. راسل کتابی دربارهٔ ملاقاتش بالنین نوشته و صحبت‌های دو نفره شان را نقل کرده است.

لنین می‌گوید که مادر انقلاب گرفتار کولاک‌ها یعنی طبقه متوسط روستایی بودیم و فلان شعار و بهمان شعار را دادیم تا بالاخره موفق شدیم و یک روز بالاخره دهقان‌ها، کولاک‌ها را به دار کشیدند و قاه قاه می‌خندد. راسل از این جریان و این خنده، خیلی اوقاتش تلخ می‌شود و صحبت را ختم می‌کند.

سفرنامه/۷ غرور و فروتنی

در امپراطوی عثمانی به امیرهائی بر خورد می‌کنید که حتی بارربری می‌کنند، آنها از پشم سفید بز شال‌های بسیار ظریف و زیبا تهیه می‌کنند و با ابریشم رنگارنگ همه گونه پارچه می‌بافند، و از امتیاز خود بسیار مغرور به نظر می‌رسند ولی این غرور مانع از آن نیست که گاه گدائی کنند و من قبل از ادامه سفر مجبور شدم به همه صدقه بدهم.

فقط در ترکیه است که غرور و فروتنی بدین گونه توأماً دیده می‌شود، شخصی که نیم ساعت قبل با نظر تحقیرآمیز به من می‌نگریست بعداً برای دریافت یک پارا اضافه نیم ساعت التماس می‌کرد.

باید تذکر دهم که در ترکیه مسافرین باید برای احتیاط همیشه یک کیسه سکه یک پارائی همراه داشته باشند تا قبل از راه افتادن بین مردم تقسیم کنند، گاه این گونه بخشش‌ها اجباری است و اگر مسافرین مقداری سکه همراه نداشته باشند باید اسکناس تقسیم کنند و مبلغ آن بسیار گزاف می‌شود (۲۷ پارا یک فرانک است).

به دره رودخانه‌ای که آن را دورش و جیزارسو می‌گویند فرودآمدم که تحت حکومت چوپان اوغلو شاهزاده مستقلی قرار دارد. نامبرده در جوزگات اقامت دارد و چون بسیار مقتدراست دولت ترکیه و همسایگان از او می‌ترسند در صورت لزوم ۴۰,۰۰۰ سوار تحت فرمان دارد و بهترین اسبان ترکیه در ایلخی او عمل می‌آیند . ما به تاخت از این سرزمین‌های آباد و جالب توجه گذشتیم، چاپارخانه‌ها بسیار نامرتب بودند و من فرصت استراحت نداشتم و ناگزیر به جای شرح اوضاع این مناطق از ناراحتی‌ها و خستگی‌های سفر برایتان تعریف خواهم کرد.

یکی از عوامل ناراحت کننده کنجکاوی ترکها بود که هر چند مزاحمتی نبود ولی با بی‌ملاحظه‌گی انجام می‌گرفت. هر گاه به چاپارخانه‌ای می‌رسیدم و اگر منتظر اسب بودم و یا اگر اسب پیدا نمی‌کردم در عوض استراحت یا جمع‌آوری اطلاعات محلی عده‌ای بدور من حلقه می‌زدند و مزاحم می‌شدند و اطرافم می‌گشتند، لباس‌های من برای آنها تازگی داشت زیر قبل از من اروپائیانی که به این خطه آمده بودند لباس محلی میپوشیدند. کلاه سه گوش من بخصوص برای آنها جالب توجه بود و بعضی تصور می‌کردند که جزئی از بدن من است. لباس اروپائیان با مقایسه با لباس بلند و گشاد آنان بنظر کوتاه و ساده و فقیرانه می‌رسد. درضمن همیشه از من می‌خواستند که برای آنان طبابت کنم و قبول نمی‌کردند که من یک سرباز معمولی هستم و از طب اطلاعی ندارم، بالاخره مجبور می‌شدم که داروهای بسیار ملایمی را تجویز کنم که هر چند مریض را شفا نمی‌داد لیکن ضرری نداشت.

ادامه دارد

شرح

حسن طبایی

بازی های چرچیل با ترومن-۸

خط راهنما برای رئیس جمهور


آچسن

سرانجام در جلسه‌ای که روز ۸ اکتبر سال ۱۹۵۲ با حضور رابرت لاوت وزیر دفاع، جان اشنایدر وزیر خزانه‌داری، وزیر دادگستری جیمز مک‌گرانری، و ژنرال عمر برادلی رئیس ستاد مشترک تشکیل شد، آچسن نظریه خود را که ممکن بود به یک راه‌حل ممکن منجر شود، مطرح ساخت؛ به این ترتیب که اول ایران با پرداخت یک «مبلغ سرجمع» به عنوان غرامت، علی‌الحساب موافقت کند و دوم به مصدق باید کمک مالی فوری کرد و این کمک به صورت وام بوده و وثیقه بازپرداخت آن هم صدور نفت ایران در آینده قرار داده شود و بالاخره یک کمپانی بین‌المللی توزیع نفت، مرکب از شرکت‌های مهم نفتی آمریکا ـ انگلیس و هلند به وجود آید و نفت ایران را خریده، به (AIOC) و دیگران بفروشد. «برادلی» و اشنایدر با این پیشنهاد موافقت کردند ولی مک گرانری عقیده داشت که پیشنهاد مذکور قوانین «ضدتراست» آمریکا را نقض می‌کند و با رئیس‌جمهور است که برای رفع این مشکل اقدام کند. مشکل در اینجا بود که خود پرزیدنت ترومن از طریق وزارت دادگستری ابتکار تدوین قانون «ضدتراست» را بخرج داده و جلوی کنترل اعضای کمپانی‌های نفتی را بر تولید، قیمت‌ها و بازارهای نفت گرفته بود.

شورای امنیت ملی (NSC) یک خط راهنما برای رئیس‌جمهوری رسم کرد؛ به این شرح که «به لحاظ اهمیت وضع استراتژیک ایران و منابع نفتی آن کشور... و همچنین آسیب‌پذیری آن... از نظر مداخلهٔ اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی. ایالات متحده باید از هر راه ممکن به ایران کمک کند و آن را یاری دهد تا به فعال‌کردن صنایع نفت خود بپردازد. ایالات متحده نباید اجازه دهد انگلستان هیچیک از اقدامات آمریکا را وتو کند، بشرط آنکه این کار به قیمت قربانی‌کردن منافع مشروع انگلیس نباشد. گرچه رئیس‌جمهوری باید قانون «ضدتراست» را درنظر داشته باشد، ولی «هدف اصلی سیاست ایالات متحده آمریکا در ایران را باید جلوگیری از سقوط این کشور به دامان کمونیسم تشکیل دهد... (و ما باید) از سیاست‌هائی پیروی کنیم که در راه اجرای هدف اصلی‌مان مؤثرترین نتایج را به دست دهد.»

برای آغاز مجدد فعالیت‌های صنعت نفت، شورای امنیت ملی به رئیس‌جمهوری توصیه کرد، دست به تصویب موافقتنامه‌ها و برنامه‌های داوطلبانه‌ای، موافق «قانون تولیدات دفاعی» بزند ۳۴. روز ۲۰ نوامبر ۱۹۵۲ رئیس‌جمهوری، با استفاده از اختیارات خود به آچسن دستور داد او می‌تواند یک توافق داوطلبانه جلب کند که براساس آن یک یا چند کمپانی آمریکایی به همراه (AIOC) به خرید نفت ایران و ارسال آن به بازارهای جهانی بپردازند. به آچسن صریحاً مأموریت داده شد، در این مورد مذاکراتی فوری با کمپانیهای نفتی، والبته با مشورت وزیر دادگستری آمریکا، انجام دهد.

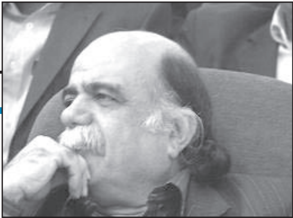
انگلیس‌ها نسبت به چنین ترتیباتی به هیچوجه علاقه‌ای نداشتند. به جای آن، آنها می‌خواستند یک کمپانی صادراتی ـ که صددرصد از شاخه‌های فرعی (AIOC) باشد، تشکیل شود و این کمپانی برای خرید ۷/۵ تا ۱۰ میلیون تن نفت، به قیمتی که عکس‌العمل‌های نامطلوب در دیگر نقاط خاورمیانه ایجاد نکند، با ایران قراردادی به امضا برساند. در مورد غرامت هم انگلیسها «مبلغ سرجمع و علی‌الحساب» را رد کردند و گفتند موضوع تعیین غرامت باید در دادگاه جهانی به حکمیت گذارده شود. آن‌طور که چارلز بوهلن سفیر وقت آمریکا در مسکو می‌گوید احساس وزارت خارجه ایالات متحده این بود که بریتانیا ترجیح می‌دهد «ایران کمونیست شود تا آنکه قراردادی با آن کشور ببندد که از نظر انگلیس به طور کامل رضایت‌بخش نباشد.»

در جلسه ملاقاتی میان ایدن و آچسن در نیویورک، آچسن به وزیر خارجه انگلیس گفت: «ایران در آستانهٔ انفجار قرار گرفته است و اگر آمریکا نتواند به پیداشدن راه‌حلی کمک کند، با ما نیز روابط خود را قطع خواهد کرد و به این ترتیب، ما به نقطه‌ای می‌رسیم که دیگر راه بازگشتی باقی نمی‌ماند.»

آچسن گفت: «در ۱۸ ماه گذشته آمریکا بیشترین مساعی خود را به کار بسته تا راههایی را مطرح سازد که بتواند به فرمول قابل قبولی برای طرفین برسد، اما از مساعی خود طرفی نبسته است.»

سفر

احمد یاوری


دکتر کزازی

سفرنوشت دکتر کزّازی از روزهای بارسلون

روزهای کاتالونیا

سفر، به گونه‌ای گشت و گذاری بود در تاریخ که به ما امکان داده بود که روزی چند، در دل جهان ترسا، راهی به گذشته‌های فرهنگ اسلامی بجوییم و روزگاران خاطره‌خیز سپری شده را دیگر بار بزییم.

اندیشه و داوری خویش را با بانو در میان نهادم. او نیز مرا استوار داشت و با من همداستان بود. می‌گفت: «آری! آنچنان بود که گویی زمان سده‌ای چند به واپس گراییده است. به واحه‌ای می‌مانست خرّم در دل شوره‌زاری تفته و عطشناک. آرامش و سکونی بود دل شوریده و سودایی ما را که چندی است از میهن و از خانمان به دور مانده‌ایم.»

سه‌شنبه ۱ تیرماه

امروز، دکتر دال المومن و بانو را همراه با آقای علیزاده و اِستِر و دو تن از استادان و مدیران دانشگاه، در خورشخانه‌ای با خوان و خوراک دریایی که در «پورت وی» جای دارد، به نهار فراخوانده بود. این میهمانی سور بدرود بود و واپسین دیدار من و بانو با آنانَ.

پس از برچیده شدن خوان، گفتم که: «به پیروی از رسم و راه، سخنرانی‌ای کوتاه می‌خواهم کرد.» سپس، از دکتر دال المو و میهمان‌نوازی وی سپاس نهادم و گفتم: «هرچند که دو سال و چند ماه را به دور از یار و دیار در بارسلون شهر زیبای شما گذرانیده‌ام، اما به هر روی از این سفر با انبانی آکنده از آزمون‌های نو و یادمان‌های نیکو به سرزمینم بازمی‌گردم و امید می‌برم که آنچه انجام گرفته است آغازی امیدانگیز و نویدبخش بتواند بود از تلاشی پایدار و همه سویه در شناخت ایران و اسپانیا از یکدیگر و پیوندی آگاهانه‌تر و تنگ‌تر در میانهٔ آن دو». دکتر دل‌المو نیز، پس از گفتار من، دمی چند سخن گفت و از تلاش‌هایم در آموزش زبان پارسی و ایران‌شناسی و دیگر پویایی‌ها و کوشایی‌های فرهنگی در بارسلون که از دیدِ وی در شناسانیدن ایران و فرهنگ و شهرآیینی آن سودمند و کارساز بوده است و پایه‌ای استوار در ایران‌شناسی در دانشگاه بارسلون نهاده است، سپاس گزارد و از اینکه من ناچارم به کار خویش پایان دهم و به ایران بازگردم، دریغ و غمناکی خود را باز نمود و مهربانانه افزود که: «شما، در چشم ما، نمونه و نماینده‌ای برجسته از فرهیختگان و دانشگاهیان ایران هستند.»

پس از این سخنان، دکتر دل المو، گواهی‌نامه‌ای را به امضای دکتر آدیه‌گو یکی از مدیران دانشگاه که در این سورِ بدرود در شمار میهمانان بود، به من ارمغان داشت. برگردان این گواهینامه که به اسپانیایی نوشته شده است و دیدگاه و ارزیابی رسمی دانشگاه بارسلون را از مأموریت انجام پذیرفته باز می‌نماید، چنین است:

دانشگاه بارسلونا بخش علوم انسانی و اجتماعی ـ آموزشکدهٔ میان دانشگاهی خاور نزدیک کهن ـ دبیرخانه

بارسلون ۱۶ ژوئن ۱۹۹۹

استاد دکتر م.ج. کزّازی از سال ۱۹۹۶، با دانشگاه بارسلونا از طریق آموزشکدهٔ آموزش‌های خاور نزدیک کهن (ایپوا) و مرکز آموزش‌های آسیایی، در اقدامی آموزشی و علمی بس پر اهمیّت، به همکاری پرداخته است.

از آن هنگام هرسال، بی‌آنکه از آموزش ادب و فرهنگ ایرانی غفلت ورزد، در رده‌ها و سطوح گونه‌گون، دوره‌های زبان پارسی را برگزار کرده است و بدین‌شیوه، گرایه و توجّه دانشجویان را نسبت به زبان و فرهنگی برانگیخته است که بدبختانه هنوز جایی در برنامه‌های آموزشی منظّم دانشگاهی ما ندارند.

در طول دورهٔ ۹۹ ـ ۱۹۹۸، افزون بر آن، با همکاری استاد مرسه ویلادریچ (دانشگاه بارسلونا) در دوره‌ای توسّعی و دانشگاهی به نام «شناخت آیین شیعی، از عرفان باستانی تا فلسفهٔ نبوی اسلام» شرکت جسته است و درس گفته است که حضوری بس مثبت برای دانشجویانی بوده است که در این دوره شرکت کرده‌اند.

به هر روی، بدین‌سان به پاس شایستگی‌های فوق‌العادهٔ او، نه تنها از دیدِ علمی، از دیدِ منشی و انسانی هم، این آموزشکده بر آن است که اشعار بدارد که کار و اقدام گسترش یافتهٔ استاد کزّازی در آموزشکدَهٔ خاور نزدیک کهن و مرکز آموزش های آسیایی، با اهمیتّی عظیم، حصول زمینه‌هایی آموزشی و پژوهشی را مستلزم بوده است که این دو نهاد دانشگاهی، از بدو پیدایی خویش، به انجام آنها همّت برگمارده‌اند.

ایگناسی ـ خاویر آدیه‌گو
دبیر آموزشکدهٔ آموزش‌های خاور نزدیک کهن دانشگاه بارسلونا

شنبه ۵ تیر

امروز، شامگاهان، در هتل «آرتس» Arts که بلندترین مهمانسرای بارسلون است و گران‌ترین و نوآیین‌ترینِ، با آقای شفتی سفیر ایران در اسپانیا دیداری برنهاده شده بود. سفیر که مردی است فرهیخته و فرهنگ‌دوست و زبان و ادب پارسی را نیک ارج می‌نهد، خواسته بود که در این دیدار، با دانشجویان پارسی‌آموز آشنا شود. اسکندر، خرّت، عبدالحق، میگل، خوسه، رامون، استر، بلن، سوسانا دانشجویانی بودند که در این دیدار، شرکت داشتند. همسر عبدالحق نیز به این جمع پیوسته بود.

پس از سخنانی کوتاه که من گفتم و آقای شفتی را در جریان آنچه انجام گرفته بود نهادم، او با یکایک دانشجویان سخن گفت و از اینکه پاره‌ای از آنان می‌توانستند پارسی را روشن و روان سخن بگویند، شکفته و شادمان شد؛ نیز از خبر بنیاد انجمنی که برای پژوهش‌های ایَرانی پی افکنده‌ایم. وی، استوار، زبان داد که سفارت ایران از هیچ یاری و همراهی و کمکی با این انجمن نوبنیاد که در گونهٔ خود نخستین در اسپانیاست، دریغ نخواهد ورزید. سپس، به مهر، از من که از پیشم می‌شناخت سخن گفت و کارهای انجام گرفته را ستود و هماهنگ با خواست تنی چند از دانشجویان که بهره‌مند از بورس وزارت فرهنگ و آموزش عالی به ایران می‌خواستند رفت و هنوز به آنان روادید داده نشده بود، به کارمندانی که همراه با وی به بارسلون و به آن جلسه آمده بودند، دستور داد که ظرف دو سه روز کارها را به انجام برسانند.

سفیر هُژیر و فرخنده‌وِیر ما در اسپانیا همچنانَ می گفت که: مایهٔ دریغ و اندوه است که من ناچارم به ایران باز گردم و مأموریّتم را به پایان آورم و کار را فرو گذارم. به هر روی، دیدار با سفیر اثری بس نیکو بر دانشجویان نهاده بود و سپاسگر و شادمان، می‌گفتند که: با وجود مردی فرهیخته و فرهنگ‌دوست چون او در رأس سفارتخانه، از این پس برای پیوند با ایران و رفتن بدان با دشواری و دیری و درنگ در کارها رویاروی نخواهند بود.

سفیر رفت و من دانشجویان را که پاره‌ای از آنان اشک در دیدگان داشتند، برای واپسین بار، بدرود گفتم و همراه با سوسانا به میدان کاتالونیا رفتم که بانو در آنجا چشم به راهم بود. او در این جلسه شرکت نجسته بود.

چهارشنبه دوم تیر

امروز، بامدادان، با ایبریا به فرانکفورت رفتم؛ تا از آنجا با هما به ایران پرواز کنم. آقای علیزاده برای بدرقهٔ من و بانو به فرودگاه آمده بود. بانو، ساعتی چند پس از پرواز من، می‌بایست با آلیتالیا به میلان می‌رفت و از آنجا به ایران می‌آمد.

بدین‌سان، بارسلون را بدرود گفتم؛ شهری که دو سال و دو ماه از زندگانی‌ام را در آن گذرانیده بودم. اینک آنچه به همراه می‌بردم کوله‌باری از آزمون‌ها و یادمان‌ها بود؛ یادمان‌ها و آزمون‌هایی که پاره‌ای از آنها روزهای کاتالونیا را پدید آورده است.

پایان

قلم

حمید مجتهدی

تواین؛ نویسنده‌ای از آمریکا

هفته‌ای سه دلار و نیم مزد


مارک‌تواین

می‌خواستم پایین بروم و هنری را تسلی بدهم، اما این کار بی‌خطر نبود؛ او فوراً شستش خبردار می‌شد. در هر صورت من این انتظار را داشتم که او به من سوءظن ببرد. ولی او تا دو سه روز دربارهٔ این موضوع به من چیزی نگفت. در عین حال، من برای اینکه خود را از خطر او در امان نگاه دارم مواظبش بودم. بالاخره باور کردم که او این مرتبه به من سوءظن نبرده، ولی از این خوش باوری کلاه سرم رفت.

این اشتباه بود. او فقط انتظار یک فرصت قطعی را می‌کشید. و در فرصت مناسب یک سنگ صاف را چنان به پهلوی سرم کوبید که ورم کرد و برآمدگی آن به قدری بزرگ بود که چاره نداشتم، جز اینکه در یک وقت دو کلاه به سرم بگذارم. شکایت چنین جنایتی را پیش مادرم بردم، چون من همیشه سعی داشتم کاری کنم که هنری کتکی از مادرم نوش جان کند، ولی همیشه سعی‌ام به هدر می‌رفت. فکر می‌کردم این مرتبه وقتی مادرم این برآمدگی کشنده را به سرم ببیند، یقیناً او را کتک خواهد زد. سرم را به او نشان دادم، ولی گفت اهمیتی ندارد. احتیاج به تحقیق دربارهٔ این موضوع نداشت. او می‌دانست که من مستحق آنم و بهترین راه برای من این است که آن را به عنوان یک درس ارزنده بپذیرم و از آن عبرت بگیرم.

در حدود سال ۱۸۴۹ یا ۱۸۵۰، اوریون ارتباط خود را با چاپخانه در سنت لوئیز قطع کرد و به هانیبال آمد و یک هفته نامه را به نام هانیبال جورنال با کارخانه‌اش به مبلغ پانصد دلار نقد خرید. این پول را از یک کشاورز پیر به‌نام جانسون که در پنج میلی شهر به سر می‌برد، با ربح صدی ده قرض کرد. بعد، وجه اشتراک آن هفته‌نامه را از دودلار به یک دلار تقلیل داد. بهای آگهی را نیز به همین نسبت پایین آورد و بدین نحو یک یقین مطلق و محکم به‌وجود آورد – یقین به اینکه انتشار آن هفته‌نامه یک سنت هم برایش منفعت نخواهد داشت.

او مرا از ادارهٔ مجلهٔ کوریر بیرون آورد و در دستگاه خودش به خدمت گماشت با فرد از قرار هفته‌ای سه دلار و نیم که مزد زیادی محسوب می‌شد، ولی اوریون همیشه دست و دل باز بود؛ همیشه دربارهٔ همه کس سخاوتمند بود جز دربارهٔ خودش. قضیهٔ من نفعی برایم نداشت، زیرا تا وقتی که با او بودم هرگز نتوانست یک شاهی به من مزد بدهد. در پایان نخستین سال، دریافت که باید صرفه‌جویی کند. کرایهٔ محل اداره ارزان بود ولی نه به‌حد کافی. او نمی‌توانست به هیچ نحوی کرایه را بپردازد، بدین جهت اداره را به خانه‌ای که ما در آن زندگی می‌کردیم منتقل ساخت و بی‌رحمانه جای ما را تنگ کرد. تا مدت چهارسال آن هفته‌نامه را زنده نگاه داشت، ولی الان نمی‌دانم چه‌طور آن کار را انجام داد. در پایان هر سال او مجبور بود بیاید و از این طرف و آن طرف پول جمع کند و روی هم بگذارد تا پنجاه دلار بابت بهرهٔ وام به آقای جانسون بپردازد و گمان می‌کنم این پنجاه دلار تقریباً تنها پولی بود که او در سراسر سال و تا مدتی که آن هفته‌نامه را داشت دریافت یا پرداخت می‌کرد؛ البته به استثنای پولهایی که برای مرکب چاپ یا کاغذ می‌پرداخت. انتشار این هفته نامه آخر با عدم موفقیت کامل روبه‌رو شد و می‌بایستی از اول این‌طور می‌شد.

بالاخره او آن هفته‌نامه را به آقای جانسون واگذار کرد و به شهر مسکاتین واقع در ایووا رفت و سهم مختصری از یک هفته‌نامه به‌دست آورد. این مالی نبود که آدم با اتکا به آن عروسی کند، ولی اهمیتی نداشت. او دختر دلربا و زیبایی پیدا کرد که در شهر کوئنسی واقع در استان ایلی نویز پنج میل پایینتر از کیوکوک به‌سر می‌برد، و باهم نامزد شدند. قبلاً همیشه عاشق دخترها می‌شد و اتفاقی می‌افتاد که پای خود را از مرحلهٔ نامزدی بیشتر نمی‌گذاشت. اما این مرتبه جز بدبختی چیزی به بار نیاورد، چون یکراست به دام عشق یک دختر کیوکوکی افتاد – یا لااقل تصور می‌کرد گرفتار این عشق شده، در صورتی که فکر می‌کنم دخترک این تصور را برایش ساخته بود. تا آمد متوجه خود بشود، یا این دختر نامزد شده و به حیرت و سرگردانی افتاده بود. نمی‌دانست که با این کیوکوکی ازدواج کند یا با دختری که در کوئنسی دارد؛ یا بکوشد که هر دو دختر را بگیرد و با تمام کسانی که به این قضایا مربوط هستند کنار بیاید. ولی دختر کیوکوکی زود قضیه را برای او حل کرد.

او تفوق روحی داشت و به او فرمان داد که: «به دختر کوئنسی بنویس و موضوع زناشویی خود را با او به هم بزن» او هم این کار را کرد. بعد با دختر کیوکوکی زناشویی کرد و تلاش خود را برای زندگی آغاز کرد که تلاش بسیار ناامیدکننده‌ای بود. کسب روزی در مسکاتین، صاف و پوست‌کنده باید گفت که غیرممکن بود.

مولانا و شمس به روایت فروزانفر



مولانا پس از طی مقامات از خدمت برهان محقق اجازهٔ ارشاد و دستگیری یافت و روزها به شغل تدریس و قیل و قال مدرسه می گذرانید و طالب علمان و اهل بحث و نظر و خلاف بر وی گرد آمده بودند و مولانا سرگرم تدریس ولم ولا نسلم بود. فتوی می‌نوشت و از یجوز و لایجوز سخن می‌راند. او از خود غافل و با عمرو و زید مشغول ولی کارداران غیب دل در کار وی نهاده بودند و آن گوهر بی‌چون را آلودهٔ چون و چرا نمی‌پسندیدند و آن دریای آرام را در جوش و خروش می‌خواستند و عشق غیور، منتهز فرصت تا آتش در بنیاد غیر زند و عاشق و طالب دلیل را آشفتهٔ مدلول و مطلوب کند و آن سرگرم تدریس را سرمست و بی‌خود حقیقت سازد. خلق به زهد و ریاضت و علم ظاهر که مولانا داشت فریفته بودند و به خدمت و دعاء او تبرک جسته، او را پیشوای دین و ستون شریعت احمدی می‌خواندند. ناگهان پرده بر افتاد و همه کس را معلوم شد که آن صاحب منبر و زاهد کشور، رندی لاابالی و مستی پیمانه به دست و عاشقی کف زنان و پای کوبان است و دستار، دانشمندانه و ردای فراخ آستین که نشان ظاهریان و بستگان حدود است، بر وی عاریت و جولانگاه او بیرون از عالم حد و نشیمن وی نه این کنج محنت آباد است.

مسلمانان چینی

ریچاردفولتز: اگرچه بسیاری از نخبگان مغول چند نسل بعد هم به سنت‌های بومی‌شان پای‌بند بودند، اما دیر یا زود آن‌هایی که بیشتر به تجارت علاقه‌مند بودند احتمالاً از مسلمانان پشتیبانی کردند، و بسیاری از آنان هم به اسلام گرویدند.



داعیان صوفی با حمایت یک فرمانروای نومسلمان توانستند در میان جمعیت‌های عام ترک و مغول سفر کرده آزاده‌تر موعظه کنند. بیشتر گروه‌های ایلی ترک افسانه‌هایی درباره خاستگاه‌شان ساختند که اسلامی شدن‌شان را به شخص صاحب کرامت خاصی از غرب مسلمان نسبت می‌دادند، به یکی از طبقه‌یی که بعدها به خوجگان (از «خواجه»، به معنی صاحب و مولی) معروف شدند.

بسیاری از داعیان آغازین صوفی که از ماوراءالنهر به حوضه تاریم (یا آلتی‌شهر، شش شهر، چنان که در منابع اسلامی به این نام معروف است) آمده بودند اکثراً اعضای یک فرقه یَسَوی ترک بودند. اما تا اواخر قرن چهاردهم فرقه نقشبندیه که بیشتر به شریعت پای‌بند و درگیر سیاست بود کم‌کم جای آنان را گرفت. سیره‌ها و تاریخ‌های قرن‌های شانزدهم و هفدهم اسلامی شدن بعدی خطه تاریم را بیشتر به شکل سرگذشت این مشایخ نقشبندی و اعمال و افعال الهام‌بخش و پارسایانه آنان تصویر می‌کنند که غالباً با ترک‌ها، مغول‌ها و چینی‌های نامسلمان جهاد می‌کردند تا از آن نامزدهای قدرت که موافق اسلام بودند حمایت کنند.

امروز در حدود پنج میلیون مسلمان در چین زندگی می‌کنند که از نظر قومی چینی و به هویی معروف‌اند. همچنان محل بحث است که هویی‌ها دقیقاً کی بودند و از کجا آمدند.

سوداگران ایرانی و عرب مسلمان از همان سرآغازهای جهان‌گیری مسلمانان به چین سفر می‌کردند. بنا بر افسانه‌های جدید سعد وقاص، عموی پیامبر، در حیات پیامبر اسلام را به چین آورد، اما این روایت سندیت ندارد. کهن‌ترین اشاره مکتوب به مسلمانانی که در جاده ابریشم به چین سفر می‌کردند در تاریخ نوی تانگ است، که بنابر آن، هیاتی که خلیفه عثمان فرستاده بود در ۶۵۱ به چانگ‌اَن رسید. در ۷۵۷ فعفور تانگ دست یاری به سوی گروه‌های گوناگونِ مزدور دراز کرد تا به او یاری کنند که قیام اَن لوشن را فرو بنشانند؛ گفته‌اند که علاوه بر اویغورهای بت‌پرست آن موقع، مسلمانان هم در شمار کسانی بودند که در بازگرداندن قدرت به تانگ یاری کردند. شماری از آنان آن‌جا ماندند و زن چینی گرفتند. در ۸۰۱ تبتی‌ها سپاه دیگری از اعراب و مسلمانان سغد را اجیر کردند که به یون‌نن در جنوب غرب چین حمله کنند. اگر چه تبتی‌ها و مسلمانان شکست خوردند اما تانگ به مسلمانان اجازه داد که آن‌جا بمانند وزن چینی بگیرند. فرض بر این است که هویی‌ها در اصل از این گروه‌های مزدور پیدا شده باشند.

زبانزد

«ر»

رو برو خاله
پشت سر چاله

* رفتم اصفهان برای کار آسان، کُپه روی سرم گذاشتند گفتند برو آسمان!
* رفتم بالاخانه ببینم انگوره، دیدم زنبوره!
* رفتم ثواب کنم کباب شدم.
* رفتم خانهٔ خاله دلم وا شه، خاله کاری کرد، دلم پوسید!
* رفتم شهر کورها دیدم، همه کور من هم کورا!
* رفتند قمر را بیاورند، نبود، بلبل خاکی را آوردند!
* رفتند قمر را بیاورند نبود، کلفتش را آوردند!
* رفتند و رویم و دگر آیند و روند.
* رفتن و نشستن به که دویدن و گسستن.
* رفتنی می‌رود و آمدنی می‌آید / شدنی می‌شود و غصه به ما می‌ماند.
* رفته رفته قشو قلمدان می‌شود!
* رفته‌ها پشیمانند و مانده‌ها سرگردان.
* رفیقان قدر یکدیگر بدانید / خدا کی می‌دهد عمر دوباره
* رقصش مال ماست، عرقچینش مال دیگران.
* رقص اندر خونِ خود مردان کنند.
* رگ به ریشه می‌کشد.
* رمّال اگر غیب می‌دانست گنج پیدا می‌کرد.
* رمّال و دعانویس که مفت شد برای موشهای خانه هم دعا می‌گیرند.
* رنج آورَد طعام که بیش از قدر بوَد.
* رنج آهو نه ز صیاد بوَد کز رسن است.
* رنج امروزین آسودن فردایین باشد و آسودن امروزین رنج فردا یین.
* رنج بر گاو است و ناله از گردون.
* رنج خود و راحت یاران طلب.
* رنج سخت کلید راحت است.
* رنج غربت به که اندر خانه جنگ.
* رنج مشو راَحت رنجور باش.
* رنج همدرد که داند؟ همدرد.
* رندیّ و هوسناکی در عهد شباب اولی.
* رنگِ رخساره خبر می‌دهد از سرّ ضمیر.
* رنگرز به ریش خود درمانده.
* رنگِی زردم را ببین احوال زارم را بپرس.
* رنگِ مداد علما افضل از خون شهداست.
* روا باشد که از پسِ شیر و اژدها فرا شوید و از پسِ زنان مشوید.
* رَوا نبوَد نمازی در دو محراب.
* روباه به دو دست به تله می‌افتد.
* روباه به سوراخ نمی‌رفت جارو به دُمش می‌بست.
* روباه تا تهِ چاه است کرباس خیر می‌کند!
* روباه زنده از شیر مرده باج می‌گیرد.
* روباه سیاه از کمر به تله می‌افتد!
* روباه شیر بسته را بتواند زدن.
* رو به رو بودنِ به از پهلو بوَد.
* رو به رو جانم جانت، پشت سر کاردم استخوانت!
* رو به رو خاله، پشت سر چاله!
* رو تا قیامت زاری کن / کی مرده را به زاری باز آری
* روح را صحبت ناجنس عذابی است الیم.

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه‌شنبه ۲۳ مرداد ۱۳۵۲، (برابر با ۱۵ رجب ۱۳۹۳، ۱۴ اوت ۱۹۷۳) نقل شده است

راه تهران ـ قم بی خطر میشود

جاده تهران ـ قم که بعلت وجود پیچهای خطرناک یکی از جاده‌های حادثه‌آفرین کشور بود با اصلاح پیچها و تعریض جاده بی خطر میشود.

یک مقام وزارت راه در این باره گفت: با توجه به خطراتی که تا به حال جان مسافران و رانندگان این راه را تهدید می کرد، تصمیم گرفته شد که ضمن تعریض نقاط مختلف جاده، اقدامات دامنه‌دار ساختمانی برای برداشتن پیچهای خطرناک و تسطیح آن بعمل آید.

برای انجام این امر اداره کل ساختمان وزارت راه از سال گذشته عملیات تعریض و برداشتن و تسطیح کوهها و تپه‌های خطرناک و پرپیچ و خم جاده را در نقاط مختلف آغاز کرد.

در حال حاضر شرکت مقاطعه‌کار مربوط ضمن تغییر مسیر موقت برای عبور وسائط نقلیه، سرگرم از بین بردن گردنه‌های حسن‌آباد و نعل‌بندان است که تابحال بیش از ۳۵ درصد عملیات ساختمانی آن پایان پذیرفته و با توجه به مساعد بودن هوا پیش بینی میشود که تا آخر سال متجاوز از ۸۰ درصد عملیات برداشتن این دو گردنه خطرناک و حادثه‌آفرین که تا به حال موجب تصادفات منجر به مرگ عده‌ای شده است پایان پذیرد. با پایان پذیرفتن عملیات ساختمانی، جاده تهران ـ قم در نقاط مذکور آسفالت و در اختیار وزارت راه گذاشته خواهد شد.

تمام افراد ایرانی از مزایای بیمه بهره‌مند میشوند

صبح امروز در محل هتل بیمه زنجان سمینار روسای شعب شرکت سهامی بیمه ایران که از ۲۳ تا ۲۵ مرداد ادامه خواهد داشت بوسیله آقای دکتر کاتوزیان مدیرعامل شرکت سهامی بیمه ایران افتتاح شد.

آقای دکتر کاتوزیان مدیرعامل شرکت سهامی بیمه ایران هنگام افتتاح سمینار اظهار داشت: بطور کلی همزمان با رشد سریع در تمام شئون مملکت بیمه در ایران نیز رشد نموده است. ولی این برای ما قانع کننده نیست و هدف از تشکیل این سمینار نیز این است، که هر چه بیشتر فکر بیمه برای افراد مملکت تفهیم شود و مزایای آن برای همه طبقات فراهم گردد. هنوز بازار بیمه ایران بسیار وسیع است و از همگی آنها بهره‌برداری نشده است.

در این سمینار اشکالات و امکانات موجود در نظر گرفته خواهد شد و سعی بر این میشود که تمام افراد ایرانی از مزایای بیمه برخوردار شوند.

رشد بیمه در سال گذشته ۲۸ درصد بود و خوشبختانه در سه ماهه اول سال ۵۲ این رشد به ۵۱ درصد رسیده است.

احتکار و بازار سیاه قند و شکر

صدها تن قند و شکر احتکار شده که چندی قبل در انبارهای مختلف تهران کشف گردیده بود امروز بوسیله اتحادیه قندریز در منطقه بازار در اختیار عاملین فروش گذارده شد. میزان کلی قند و شکرهای کشف شده را ماموران بیش از هزار تن اعلام کرده‌اند و معتقدند با توزیع این کالا و موجودی قبلی عاملین دیگر اکنون در تهران مسئله‌ای بنام کمبود قند و شکر یا گرانی قیمت وجود ندارد.

فروشندگان قند و شکر از طرف اتاق اصناف ملزم شده‌اند که آنرا بنرخ دولتی بفروش برسانند و اتاق اصناف نیز از مصرف‌کنندگان درخواست کرده است تا در مورد گرانفروشان اغماض نکنند و متخلفین را به بازرسان اتاق معرفی نمایند.

اتاق اصناف خاطرنشان ساخت که اگر مصرف‌کنندگان در مورد گرانفروشان گذشت نکنند و به معرفی آنان مبادرت نمایند ریشه احتکار و گرانفروشی در تهران قطع خواهد شد.

هواپیما با ۸۵ سرنشین منفجر شد

مادرید ـ خبرگزاری فرانسه: یک هواپیمای متعلق به شرکت اسپانیایی «آویاکو» روز دوشنبه در نزدیکی کورونی واقع در ایالت گالیسی اسپانیا سقوط کرد و تمام ۸۵ مسافر و سرنشین آن کشته شدند. این هواپیما قبلا در آسمان منفجر شده بود.

سخنگوی شرکت آویاکو ضمن اعلام این خبر اظهار داشت که در فهرست اسامی مسافران هواپیمای سرنگون شده نامهای عده‌ای خارجی نیز بچشم میخورد که فعلا مشخص کردن ملتهای آنان غیرممکن است.

سخنگوی مذکور همچنین درباره علل وقوع این سانحه اظهار بی‌اطلاعی کرد و حاضر نشد این گزارش را تایید و یا تکذیب کند هواپیمای سرنگون شده بیش از سقوط کردن در آسمان دچار انفجار شده است.

قاب امروز



زندگی سخت آوارگان سوری در اردوگاه های اردن / منبع: msnbc

داستان کوتاه

هدیه فارغ التحصیلی

مرد جوانی، از دانشگاه فارغ التحصیل شد. ماه ها بود که ماشین اسپرت زیبایی، پشت شیشه های یک نمایشگاه به سختی توجهش را جلب کرده بود و از ته دل آرزو می کرد که روزی صاحب آن ماشین شود. مرد جوان، از پدرش خواسته بود که برای هدیه فارغ التحصیلی، آن ماشین را برایش بخرد. او می دانست که پدر توانایی خرید آن را دارد. بلأخره روز فارغ التحصیلی فرا رسید و پدرش او را به اتاق مطالعه خصوصی اش فراخواند و به او گفت:...

من از داشتن پسر خوبی مثل تو بی نهایت مغرور و شاد هستم و تو را بیش از هر کس دیگری در دنیا دوست دارم. سپس یک جعبه به دست او داد. پسر، کنجکاو ولی نا امید، جعبه را گشود و در آن یک انجیل زیبا، که روی آن نام او طلاکوب شده بود، یافت. با عصبانیت فریادی بر سر پدر کشید و گفت: با تمام مال و دارایی که داری، یک انجیل به من می دهی؟ کتاب مقدس را روی میز گذاشت و پدر را ترک کرد. سال ها گذشت و مرد جوان در کار و تجارت موفق شد. خانه زیبایی داشت و خانواده ای فوق العاده. یک روز به این فکر افتاد که پدرش، حتماً خیلی پیر شده و باید سری به او بزند. از روز فارغ التحصیلی دیگر او را ندیده بود. اما قبل از اینکه اقدامی بکند، تلگرامی به دستش رسید که خبر فوت پدر در آن بود و حاکی از این بود که پدر، تمام اموال خود را به او بخشیده است. بنابراین لازم بود فوراً خود را به خانه برساند و به امور رسیدگی نماید. هنگامی که به خانه پدر رسید، در قلبش احساس غم و پشیمانی کرد. اوراق و کاغذهای مهم پدر را گشت و آنها را بررسی نمود و در آنجا، همان انجیل قدیمی را باز یافت. در حالیکه اشک می ریخت انجیل را باز کرد و صفحات آن را ورق زد و کلید یک ماشین را پشت جلد آن پیدا کرد. در کنار آن، یک برچسب با نام همان نمایشگاه که ماشین مورد نظر او را داشت، وجود داشت. روی برچسب تاریخ روز فارغ التحصیلی اش بود و روی آن نوشته شده بود: تمام مبلغ پرداخت شده است.

منبع: داستانک

سُرایه

امشب ای ماه به دردِ دلِ من تسکینی
آخر ای ماه تو همدردِ منِ مسکینی
کاهشِ جان تو من دارم و خود می دانم
که تو از دوریِ خورشید چه ها می بینی!

شهریار

پند بزرگان

● هیچ گلی عطر، رنگ و زیبایی مادر را ندارد.

همینگوی

● بر بالای در علم نوشته شده است که باید ایمان داشته باشی.

ماکس پلانک

● انسان برای برخورداری از شادی باید خودش را باور کند.

توماس پاین

● یک اراده قوی بر هر سد و مانعی هر قدر هم قوی، حتی بر زمان نیز غلبه می کند.

بالزاک

● انسان کامل آن است که دشمنان از او در امان زیست کنند نه آن که دوستان از او هراسان باشند.

سقراط

امروز در تاریخ

جعل وصیت شاه متوفی و انحطاط ایران

صدراعظم ایران (بزرگ وزیر) با تحریف مطلب به وصیت شاه متوفی اعتنا نکرد، مصالح ایران و ایرانیان را قربانی خودخواهی هایش ساخت، و سلطان حسین را که نه مدیر بود و نه مدبّر به شاهی برگزید. صدراعظم با این خیانت به امانت (تحریف و جعل توصیه متوفی) باعث جنگ داخلی ایرانیان و انحطاط ایران شد. این تجربه تلخ باید درسی برای همه نسل ها باشد.

شاه سلیمان صفوی که دارای هفت پسر بود پس از ۲۸ سال سلطنت درگذشته بود و پیش از آن، چنین وصیت کرده بود: "با این که سلطان حسین فرزند ارشد من است، به دلیل حُجب و کمرویی و علاقه مندی اش به عُزلت و تن آسایی (تن آسانی)، و عدم تبحّر در امور کشوری و نداشتن تجربه در سیاست و تنظیم امورات ارتش، به مصلحت مملکت و ملت است که سلطان مرتضی [پسر کوچکتر] شاه شود ...."، ولی وزیر اعظم و بیشتر درباریان وقت که مادرانشان گرجستانی بودند و احساس ایراندوستی نداشتند! به منظور رسیدن به مقاصد مادی خود و از دست ندادن قدرت، وصیت شاه متوفی را تحریف کردند و ۱٤ آگوست ۱٦۹٤ اعلام داشتند که شاه سلیمان وصیت کرده که بزرگان کشور از میان سلطان حسین صلحجو و آرام و سلطان مرتضی سختگیر و رزمی یکی را انتخاب کنند و از آنجا که سلطان حسین بزرگتر و مردی حلیم است وی را انتخاب کرده ایم!.... «تاریخ» نشان می دهد که این انتخاب مغرضانه، ایران را در آستانه نابودی قرار داده بود که نادر آن را موقتا نجات داد.

ضعف شاه سلطان حسین بویژه در مدیریت و انتصابات نادرست او از جمله سپردن فرمانداری قندهار به یک گرجستانی که آشنا به آداب و رسوم و خلق و خوی ساکنان محل نبود باعث وقوع جنگ داخلی خونینی شد که به زوال صفویه انجامید.

یادداشت های تاریخی سلیمان سیرافی از دیدار از چین

۱٤ آگوست ۱۸۱۱ ترجمه یادداشت های سلیمان سیرافی که در قرن نهم میلادی از چین دیدار کرده بود در پاریس انتشار یافت (سیراف یک بندر باستانی ایران در ساحل شمالی خلیج فارس است). این یادداشت ها در نیمه اول سده سوم هجری خورشیدی به زبان فارسی تنظیم شده بود. مترجم اروپایی این یادداشت ها، به کتاب عنوان تاریخ داده بود حال آن که عنوان اصلی آن «یادداشت های سفر به چین برای ماندن در تاریخ» بود. رفتن و برگشتن سیرافی (به استثنای زمانی را که در چین گذرانیده بود) پنج ماه طول کشیده بود. طبق ترجمه یادداشت ها، وی نوشته است که در زمان اشکانیان و ساسانیان، دولت ایران همیشه یکی از مقامات آگاه و مسلط بر علم اقتصاد و بازرگانی خود را به عنوان سفیر به چین می فرستاد و این مقام باید در عین حال آشنا به فرهنگ و روانشناسی و خوی تجارت پیشه گی (خرید و فروش) چینیان و کارشناس مسائل بازرگانی بین المللی بود، حال آن که سفیر اعزامی ایران به رم، از میان نظامیان و یا مقاماتی که عیاری (جاسوسی) می دانستند و بر زبان رومی (لاتین) تسلط داشتند و هوشمند بودند انتخاب می شد.

جنگ جهانی دوم در همه جبهه ها پایان یافت

۱٤ آگوست ۱۹٤٥ مصادف است با پایان جنگ جهانی دوم در همه جبهه ها. در این روز (ظهر ۱٥ آگوست به وقت توکیو) هیروهیتو امپراتور وقت ژاپن اعلامیه تسلیم بدون قید و شرط این کشور را امضاء کرد و جنگ در خاوردور نیز پایان یافت. شرایط تسلیم ژاپن در کنفرانس پوتسدام به تصویب سه فاتح ردیف یکم وقت (سران دولتهای واشنگتن، مسکو و لندن) رسیده بود. قرارداد نهایی تسلیم، دوم سپتامبر ۱۹٤٥ در عرشه ناو میسوری امضاء شد.

www.iranianshistoryonthisday.com

سودوکو ۸۵۱

۷	۸		۹			۵		
		۱		۸		۹	۳	
		۴						۶
			۴	۱				۲
	۹						۱	
۴				۵	۳			
۲						۱		
	۵	۹		۶		۲		
		۳			۵		۶	۷

حل جدول ۸۵۰

۹	۵	۳	۲	۱	۸	۶	۷	۴
۶	۷	۴	۹	۵	۳	۲	۱	۸
۲	۱	۸	۶	۷	۴	۹	۵	۳
۳	۹	۵	۸	۴	۲	۱	۶	۷
۱	۲	۶	۳	۹	۷	۸	۴	۵
۸	۴	۷	۵	۶	۱	۳	۹	۲
۷	۳	۹	۱	۸	۵	۴	۲	۶
۵	۶	۲	۴	۳	۹	۷	۸	۱
۴	۸	۱	۷	۲	۶	۵	۳	۹

جدول شرح در متن ۳۳۶۴

غلامحسین باغبان

	خون بها / بیماری ریوی	بدون امنیت / شاخه نوی درخت		باتری لاغر / جانب			افاده / سنگ عصاری	مقابل باطن / اندازه‌گیری		نویسنده مسخ	اثر دکتر صبور
						به هم نامه نوشتن / کلفت					گرو گذاشته شده / سنگی سخت
ورزش اول کشورمان	کیف سفری						رستاخیز / شیره انگور یا خرما				
				عابد و زاهد / دایره مانند	اسلوب				رشته مروارید / از جزایر ژاپن		درل
			کلام حسرت و آرزو / هولناک					دماسنج اقتصادی / خون			
		یار شلوار / زبان					از احشاء درون بدن / اندکی				
	باهوش‌ترین پرنده					ماه دهم قمری / شرم و حیا					تکیه‌گاه / انگور خشکیده
نام					خطرپذیری / گهواره پارچه‌ای			من و تو / آسان			وی / محصول صابون
				خواب کودکانه / نصف دشمن					فیلم منیژه حکمت / کافی		
			مردم قرآنی				فرصت طلب				روی هم انباشته
		غصه									تصویر آهسته

حل جدول ۳۳۶۳

ن	سلاح مار / پنهانی	ت	خمیدگی کاغذ / اتحادیه فوتبال اروپا	ایالتی در هند / عزیمت کرد	م	خاطر و حافظه	ی	نوعی اسباب بازی / زبان کوچک سر حلق	ک	دوختن زیور / آلات لباس	اثری از پل استر
ی	ی	ا	ی	ر	د	ی	ا	ل	و	ی	ه
ش	و	غوزه پنبه / زود شکن	و	ف	ر	ترمیم فرش / روز ازل	د	و	ک	ر	بی جنبشی / اندازه
رسیدن به آرزو	ا	ت	ف	ت	س	ا	طلب فتوی کردن / صدای درد	ز	ی	ا	س
ک	ش	ر	ا	مؤسس سلسله اشکانی / همراه وعده	کم پشت	ل	ا	ه	سرسرا / مرکز فرماندهی	ق	از حبوب ریز و گرد دانه
ا	ک	د	پیشوندی معادل ده / هر نوع فلز	و	ت	س	خ	اقرار کننده / حرف ندا	س	د	ع
م	ی	دریا / پرحرفی	م	ع	ن	ت	زندگانی آسان / دولت ها	ا	ت	و	ی
ر	پهلوانان	و	ت	ی	ک	پایتخت اکوادور / بازگشت	د	ی	ا	ز	ایالتی در آمریکا / اضافه
و	ی	ر	ا	د	شاعر اهل نیکاراگوئه / آش فروش	ر	و	طرف / مقیاس طول	د	ی	ص
ا	ل	ا	ل	خواب کودکانه / کارتن باز نشده	ا	ج	ل	م	پناهگاه / قیمت بازاری	سودای ناله	شکار / مهربانی
ی	ا	ج	محل و مکان	ا	ش	ع	از نمازهای یومیه	ت	ف	ا	ر
ی	ن	ی	تازه و جدید / آذری	ک	ی	ت	ا	ر	ی	ه	از خط های باستانی

اطلاعات
آذربایجان شرقی

چهارشنبه ۲۳ مرداد ۱۳۹۲ - ضمیمه شماره ۲۵۶۶۴

پزشکیان تاکید کرد:

پزشک خانواده؛ راه‌حل مشکلات درمانی اقشار ضعیف آذربایجان شرقی

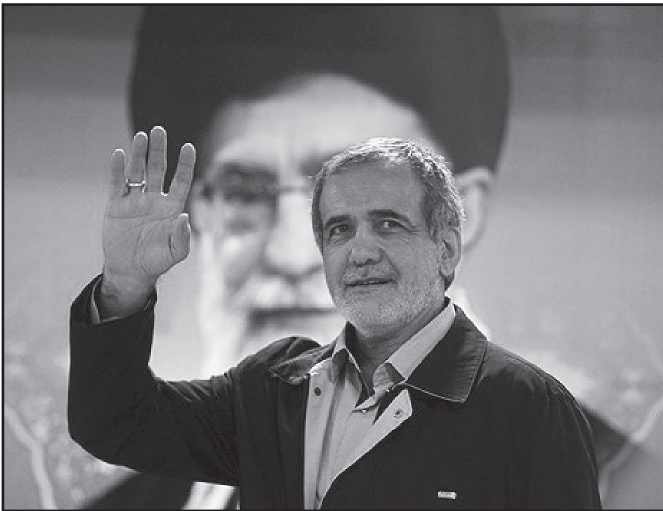
تبریز-خبرنگار اطلاعات: نماینده مردم تبریز، اسکو و آذرشهر گفت: کلانشهر تبریز مرکز یکی از استان‌های بزرگ کشور است اما در همین شهر که شهر اولین‌هاست، برخی از شهروندان تبریزی توانایی پرداخت هزینه درمان خود را ندارند در حالی که بر اساس عدالت نباید اجازه داد کسی به دلیل بی‌پولی از امکانات بهداشت و درمان محروم باشد.

دکتر مسعود پزشکیان افزود: برای تحقق عدالت در سلامت در تبریز و استان‌های مختلف کشور وعده‌های مختلف داده شده است، همچنین مصوباتی نیز در مجلس به تصویب رسیده است اما به قانون عمل نمی کنیم.

درحالی که اگر مسئولان تقوا را سرلوحه کاری قرار دهند و از باند بازی پرهیز کنند می‌توان به نحو احسن به شهروندان خدمت رسانی کرد.

پزشکیان اضافه کرد: این روزها شاهد واگذاری اکثر بخش‌ها در استان به بخش خصوصی هستیم اما این امر در بخش بهداشت و درمان رخ نداده است.

وی ادامه داد: بخش دولتی هم آنقدر ضعیف است که پاسخگوی جمعیت نیست؛ همچنین خدمات ارائه شده بی کیفیت است.



وزیر بهداشت دولت اصلاحات تصریح کرد: به هر حال دولت باید توجه جدی به تحقق عدالت در سلامت و رسیدگی به شهروندان تبریزی بخصوص اقشار محروم‌تر داشته باشد. درحال حاضر یکی از مشکلات اصلی که در حوزه سلامت با آن مواجه هستیم رانت‌خواری است که ریشه اصلی مشکلات موجود است، رانت‌خواران هیچ توجهی به مشکلات و دغدغه‌های شهروندان در حوزه بهداشت و درمان ندارند و تنها به منفعت خود فکر می کنند.

وی تاکید کرد: اگر همه تابع ضوابط و قانون وزارت بهداشت و درمان باشیم بسیاری از مشکلات حل خواهد شد، اما این روزها شاهد دخالت سهامداران و برخی رانت‌خواری‌ها در سیاست گذاری و تصمیمات وزارت بهداشت هستیم که همین‌ها به مشکلات در حوزه بهداشت و درمان دامن زده است. طرح پزشک خانواده در قانون توسعه چهارم پیشنهاد و در برنامه توسعه پنجم با تاکید و جدیت بیشتری پیگیری شد، با توجه به اینکه طبق ماده ۳۲ قانون برنامه اجرای طرح پزشک خانواده به وزارت بهداشت و درمان تکلیف شده است، برای تحقق عدالت در سلامت نیز می‌توان طرح پزشک خانواده را با اجرای صحیح، طی یک سال در کل کشور اجرا کرد که این امر با هماهنگی و همکاری دیگر نهادها و ارگان‌ها قابل تحقق صددرصدی است که در این صورت اقشار ضعیف حمایت خواهند شد زیرا در این طرح پزشک دیگر با بیمار ارتباط مالی نخواهد داشت.

وی خاطرنشان کرد: با توجه به اینکه طرح پزشک خانواده در کشورهای مختلف اجرایی شده است و قرار نیست که ما چرخه جدید ابداع و اختراع کنیم، کار چندان سختی پیش‌رو نیست و فقط کافیست در این راه از الگوهای موفق دنیا برداشت کرده و از تجربیات کشورهای با سابقه در حوزه بهداشت و درمان استفاده کنیم.

همچنین آموزش‌های لازم و فرهنگ‌سازی صحیح در این راه صورت گیرد تا با ساختاری نظام‌مند و هدفمند جایگاه بهداشت و درمان کشور بهبود یابد. با توجه به تعداد مراکز بهداشتی و درمانی که در سطح کشور وجود دارد می‌توانیم ۷۰ میلیون نفر را تحت پوشش این طرح ببریم. برای تحقق چنین طرحی باید زیرساخت‌ها، تجهیزات و روش‌ها مورد بازنگری قرار گیرد تا کار به نحو احسن صورت گیرد. با توجه به اینکه دولت جدید بر سر کار آمده است انتظار ما از وزیر بهداشت و درمان آینده این است که قانون را به درستی اجرا کند، زیرا با تحقق قانون بسیاری از مشکلات حل خواهد شد.

انهدام باند بزرگ سرقت های میلیاردی در تبریز

تبریز-خبرنگار اطلاعات: رییس پلیس آذربایجان شرقی گفت: باند بزرگ سارقان منزل با ۵۰ فقره سرقت و ۱۶ میلیارد ریال ارزش اموال مسروقه در تبریز منهدم شد.

سردار مسعود خرم نیا در گفت و گو با خبرنگاران افزود: در پی وقوع چندین فقره سرقت منزل در تبریز موضوع با توجه به حساسیت ویژه در دستور کار پلیس آگاهی استان قرار گرفت.

وی گفت: کارآگاهان پلیس آگاهی با استفاده از شگردهای خاص توانستند با سرنخ های بدست آمده سارق حرفه ای به هویت س – ص را شناسایی و دستگیر کنند.

سردار خرم نیا ادامه داد: در بررسی بعمل آمده معلوم شد نامبرده، سرکرده یک باند سرقت منزل در تبریز بوده به طوری که در اولین بازرسی از محل اختفای سارق، اجناس و اموال مسروقه از قبیل طلاجات، نقره جات، فرش، گاوصندوق، تابلو فرش، لب تاپ، دوربین های دیجیتالی و ساعت کشف شد.

وی اظهارکرد: در ادامه رسیدگی پرونده همدستان متهم به نامهای و – الف و الف – الف و الف – ش که اهل شهرستان های تهران بودند همگی شناسایی و طی عملیات غافلگیرانه دستگیر شدند.

رییس پلیس استان آذربایجان شرقی گفت: در بازجویی اولیه متهمان به ۵۰ فقره سرقت از منازل در شهرستان تبریز اعتراف کردند و تاکنون ۱۳ نفر از شکات این پرونده شناسایی و اقدامات اولیه برای تحویل اموال مکشوفه به آنان در دست اجراست.

موسسه آموزش عالی سراج تبریز جزء ۷ موسسه برتر آموزش عالی کشور انتخاب شد

تبریز–خبرنگاراطلاعات: رئیس موسسه آموزش عالی سراج تبریز گفت: دانشگاه غیرانتفاعی سراج سال گذشته در میان ۳۴۳ موسسه غیرانتفاعی آموزش عالی کشور، جزء ۷ موسسه برتر انتخاب شد و مورد تقدیر قرار گرفت.

دکتر نوروزی رئیس موسسه آموزش عالی سراج درمورد تاریخچه تاسیس دانشگاه وتعداد رشته های موجود گفت : این موسسه از سال ۱۳۸۴ با دورشته کاردانی کامپیوتر و الکترونیک آغاز بکار کرد و پس از ۸ سال ۳۲ رشته درمقاطع کاردانی ،کارشناسی ، کاردانی به کارشناسی و کارشناسی ارشد دراین دانشگاه دایر می باشد.

نوروزی با بیان اینکه این دانشگاه جزء معدود دانشگاههای غیر انتفاعی است که به طور تخصصی تنها رشته های فنی ومهندسی در آن تدریس می شود افزود: از مهرماه امسال برای نخستین بار در دو رشته برق قدرت و عمران سازه درمقطع کارشناسی ارشد دانشجو پذیرش خواهد شد.

وی بااشاره به اینکه درسال ۸۴ ، دانشگاه با ۱۸۶ دانشجو کار خود را آغاز کرد تصریح نمود هم اکنون ۳۵۰۰ دانشجو در این موسسه مشغول به تحصیل می باشند وامیدواریم درسال ۱۳۹۵ تبدیل به دانشگاه غیر انتفاعی شویم واین کار نیاز به بستر سازی و تامین امکانات نرم افزاری و سخت افزاری دارد .

دکتر نوروزی برگزاری کنفرانس بین المللی برق قدرت با حضور بیش از ۵۰ میهمان خارجی را از اقدامات مهم علمی این موسسه درسال گذشته عنوان کرد .

وی در پایان خاطر نشان کرد :این موسسه تمام تلاش خود را به منظور حمایت از دانشجویان به خرج می دهد ودراین راستا در سال گذشته نیز از ۴۸ نفر از دانشجویان مناطق زلزله زده متناسب با تخریب منزلشان شهریه گرفته نشد.

معاونت آموزشی پژوهشی موسسه آموزش عالی سراج تبریز با بیان اینکه تمامی دانشجویان این موسسه از طریق کنکور سراسری پذیرفته می شوند گفت : نزدیک به ۶۰۰ نفر دانشجو در ۷ رشته مقطع کارشناسی هم اکنون مشغول به تحصیل می باشند .

دکتر ملکی از وجود ۱۲ رشته درمقطع کاردانی به کارشناسی با ظرفیت ۱۳۰۰ دانشجو دراین موسسه یاد کرد و گفت : ۵ رشته کاردانی با بیش از ۳۰۰ دانشجو ، ۳ رشته فعال و یک رشته جدید فنی وحرفه ای با ۶۰۰ نفر دانشجو از دیگر ظرفیت های فعلی موسسه آموزش عالی سراج می باشد .

وی افزود: هم اکنون ۳۴ نفر درمقطع کارشناسی ارشد دراین موسسه مشغول به تحصیل می باشند که با افزوده شدن ۴ رشته جدید درسال ۹۲ ، ظرفیت موسسه دراین مقطع به ۸۰ نفر خواهد رسید .

رئیس پیشین دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز همچنین گفت : این موسسه هم اکنون از ۲۰ عضو هیئت علمی تمام وقت ، ۵۳ کارمند و ۹۲ هیئت علمی نیمه وقت برخوردار است و در آینده ودرجهت توسعه از ظرفیت های موسسه ، ۷ نفر برای پست هیئت علمی استخدام خواهند شد .

ملکی امکانات کارگاهی موسسه را مطلوب دانست وگفت : هم اکنون موسسه از ۴ سایت کامپیوتری مجهز و ۱۶ کارگاه و آموزشگاه تخصصی برخوردار است و در بودجه سال آتی نیز توسعه این امکانات مد نظر قرار گرفته است .

معاونت پشتیبانی موسسه آموزش عالی سراج نیز گفت : هم اکنون ۴۸۰ هزار دانشجو در ۳۴۳ موسسه کشور مشغول به تحصیل می باشند که موسسه ی ما توانست با کسب رتبه های مطلوب در شاخص های ارزیابی وزارت علوم ، جزء ۷ موسسه برترکشور شناخته شود.

دکتر صادقی افزود: موسسات غیر انتفاعی آموزش عالی کشور تنها ۴۰ درصد دانشگاههای آزاد شهریه می گیرند ، درحالیکه نرخ قبولی موسسه سراج درمقاطع بالاتر ، پس از دانشگاههای سراسری ما در رتبه دوم قرار دارد .

صادقی اضافه کرد : موسسه سراج نماینده و منتخب ۳۶ موسسه غیر انتفاعی درمنطقه شمالغرب کشور است که شامل ۵ استان می باشد .

وی تعداد موسسات غیر انتفاعی مجوز دار استان را ۱۶ موسسه اعلام کرد که ۱۳ مورد آنها فعال است و ۱۲ موسسه درتبریز قراردارد.

صادقی بااشاره به اینکه تنها، موسسه سراج دارای مالکیت چند بنا است و دیگر موسسات همگی استیجاری هستند تصریح کرد : باتوجه به اینکه اکثر موسسات با مشکلاتی در فضای آموزشی مواجه هستند از سال ۸۵ طرحی را مبنی بر ایجاد مجموعه ای برای استقرار شهرک دانشگاهی طراحی کردیم ولی به دلایل مشکلات کاغذ بازی تابه حال نتیجه نداده است .

معاون پشتیبانی موسسه آموزش عالی سراج گفت : هم اکنون ۵۶ هزار مترمربع فضا با ۱۴ هزار متر اعیانی در اختیار دانشگاه و برخی درحال ساخت است .

صادقی افزود: مکان شهرک دانشگاهی طراحی شده درشهرک ائل گلی (۲) به مساحت ۹۵ هکتار است که سهم دانشگاه سراج ۲۰ هکتار می باشد .

وی در پایان تاکید کرد : دانشگاه سراج پردانشجو ترین دانشگاه غیر انتفاعی شمالغرب کشور است.

آگهی حصر وراثت

آقای خلیل اسکندری دارای شناسنامه شماره ۹ به شرح دادخواست به کلاسه ۳۸۲ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان عیسی اسکندری به شناسنامه ۵ در تاریخ ۹۲/۲/۱۶ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به: فرزند(موارد ۱ تا ۵) ۱-خلیل اسکندری ۲-جلیل اسکندری ۳-ذالفقار اسکندری ۴-افتخار اسکندری ۵-نرگس اسکندری ۶- همسر: عادله اسکندری.
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در سه نوبت پی در پی ماهی یک مرتبه آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف سه ماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

شورای حل اختلاف شعبه ۲ شهرستان ورزقان

اخطاریه

آقای داود فرج زاده فرزند رضا که مجهول المکان می باشید درخصوص دادخواست تقدیمی خانم رقیه اخلاقی بطرفیت شما بخواسته طلاق مقرر است به عنوان خوانده پرونده کلاسه ۹۱۰۴۱۸بیست روزپس از انتشار این روزنامه یک نفر از ارقاب واجد شرایط خود را که مسلمان و آشنا به مسائل شرعی و خانوادگی واجتماعی و حداقل چهل سال تمام سن و متعهد وعدم اشتهار به فسق و فساد باشند را به عنوان داور انتخاب و با اخذ قبولی داوری از وی و با مشخصات کامل به این دادگاه معرفی نمائید و در صورت عدم معرفی داور به منزله انصراف از معرفی داور تلقی خواهد شد و دادگاه وفق مقررات نسبت به انتخاب داور اقدام خواهد نمود.

مدیر دفتر شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی هریس
ایمان زاده

آگهی فوت فرضی آقای ناصر نصیرزاده

به حکایت محتویات پرونده ۹۲۰۹۹۸۴۱۴۲۵۰۰۱۵۱ که در این شعبه دادگاه تحت رسیدگی می باشد اعلام گردیده متوفی فوت فرضی آقای ناصر نصیرزاده فرزند حسین از تاریخ ۱۳۵۸/۶/۶ غایت و ناپدید شده و هیچگونه خبری از نامبرده در دست نیست لذا بدین وسیله ضمن اعلام مراتب از کلیه کسانیکه خبری از غایب یاد شده دارند دعوت می شود اطلاعات خود را به نحو مقتضی در اختیار این دادگاه قرار دهند تا حقی از کسی تضییع نگردد. این آگهی سه نوبت متوالی هر یک به فاصله یک ماه در اجرای ماده ۱۰۲۳ قانون مدنی در امور مدنی منتشر می گردد بدیهی است چنانچه یک سال از تاریخ اولین اعلان (نشر آگهی) حیات غایب ثابت نشود حکم موت فرضی او صادر خواهد شد.

رئیس شعبه اول دادگاه عمومی (حقوقی) شهرستان سراب
خاطری

آگهی احضار متهم

بموجب محتویات پرونده کلاسه ۱د/ ۹۱۱۱۸۷ این دادیاری، آقای صابر فتحی گوروان فرزند یوسف اهل و ساکن عجب شیر با توجه به اعلام گزارش پلیس/ شکایت آقای ۱- داود علی نژاد ۲-بایرام اسماعیل پور ۳- حمید توکلی ۴- قربان قلمی ۵- جعفر فیضی متهم به شرکت در پنج فقره سرقت تعزیری می باشد. با عنایت به اینکه به علت عدم شناسایی و مجهول المکان بودن نامبرده ابلاغ احضاریه به واسطه معلوم نبودن محل اقامت ممکن نگردیده است و به طریق دیگری هم ابلاغ احضاریه به مشارالیه میسر نمی باشد لذا به استناد ماده ۱۱۵ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، مراتب یک نوبت بوسیله درج در روزنامه کثیرالانتشار آگهی می گردد تا متهم آقای صابر فتحی گوروان ظرف یک ماه از تاریخ نشر آگهی در شعبه اول دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان عجب شیر حاضر شود و از اتهامات وارده دفاع نماید والا مراتب ابلاغ شده محسوب و وفق مقررات قانونی اقدام خواهد شد.

دفتر شعبه اول دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب عجب شیر
باغبانی

آگهی حصر وراثت

مرحمت مهارتی کلوانق دارای شناسنامه شماره ۲۱۱۲ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۲ –۲۳۸ از این مرجع درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان کربلائی اسکندر شتردار کلوانق به شناسنامه ۱۶۳۳ در تاریخ ۱۳۲۹/۷/۱۵ در اقامتگاه دائمی خود درگذشته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به:

۱-علی شتردار کلوانق فرزند کربلائی اسکندر به شماره شناسنامه ۱۶۳۶ پسر متوفی .
۲-حسین شتردار کلوانق فرزند کربلائی اسکندر به شماره شناسنامه ۱۶۳۷پسر متوفی .
۳-رجبعلی شتردار کلوانق فرزند کربلائی اسکندر به شماره شناسنامه ۱۶۳۹ پسر متوفی .
۴-بیرامعلی شتردار کلوانق به شماره شناسنامه ۳۲ پسر متوفی .
۵-قربانعلی شتردار کلوانق فرزند کربلائی اسکندر به شماره شناسنامه ۱۹۹۳ پسر متوفی.
۶-دولت آقا شتردار کلوانق فرزند کربلائی اسکندر به شماره شناسنامه ۱۶۴۰ پسر متوفی .
۷-صدیقه شتردار کلوانق فرزند کربلائی اسکندر به شماره شناسنامه ۱۶۳۸ دختر متوفی .
۸-ایران بگو زیرک کلوانق فرزند کربلائی اسکندر به شماره شناسنامه ۱۷۴۹ دختر متوفی .
۹- کبری شتردار کلوانق فرزند اسکندر به شماره شناسنامه ۲۶ دختر متوفی.
۱۰-فاطمه شتردار کلوانق فرزند اسکندر به شماره شناسنامه ۱۶ دختر متوفی .

بغیر از افراد فوق ورثه دیگری ندارد.
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه ای از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف مدت یکماه به این مرجع تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

قاضی شعبه حقوقی شورای حل اختلاف هریس - شکرزاده

آگهی حصر وراثت

آقای حسن رجبعلی کلهری دارای شناسنامه شماره۵۸۷۱ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۲-۳۱۰ از این مرجع درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان الهویردی رجبی فرد به شناسنامه ۶ در تاریخ ۹۱/۵/۶ در اقامتگاه دائمی خود درگذشته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به:

۱- مریم اصل قهرمانی هریس فرزند محمد به شماره شناسنامه ۴۸۵۸ نسبت همسر متوفی.
۲- حسین رجبی کلاش فرزند الهویردی به شماره شناسنامه ۴۸ نسبت پسر متوفی.
۳- حسن رجبعلی کلهری فرزند الهویردی به شماره شناسنامه ۵۸۷۱ نسبت پسر متوفی.
۴- مجید رجبعلی کلهری فرزند الهویردی به شماره شناسنامه ۶۶۸۷ نسبت پسر متوفی .
۵- محمد رجبعلی کلهری فرزند الهویردی به شماره شناسنامه ۵۰ نسبت پسر متوفی.
۶- ابوالفضل رجبعلی کلهری فرزند الهویردی به شماره شناسنامه ۱۰۹۵۶ نسبت پسر متوفی.
۷- آسیه رجبعلی کلهری فرزند الهویردی به شماره شناسنامه ۸۲۳ نسبت دختر متوفی.
۸- منصوره رجبعلی کلهری فرزند الهویردی به شماره شناسنامه ۱۲۸۸۷ نسبت دختر متوفی.
۹- لیلا رجبعلی کلهری فرزند الهویردی به شماره شناسنامه ۱۲۶۶۸ نسبت دختر متوفی.
۱۰- سارا رجبعلی کلهری فرزند الهویردی به شماره شناسنامه ۱۶۰ نسبت دخترمتوفی.
۱۱- معصومه حسینعلی گل محمدی فرزند الهویردی به شماره شناسنامه ۱۷۳۰۱۷۶۹۶۸ نسبت دختر متوفی.

به غیر از افراد فوق ورثه دیگری ندارد.
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه ای از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف مدت یکماه به این مرجع تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

قاضی شعبه حقوقی شورای حل اختلاف هریس

احضار متهم آقای مصطفی افشار

نظر به اینکه آقای مصطفی افشار به اتهام مزاحمت تلفنی از طرف این دادسرا تحت تعقیب می باشد و ابلاغ احضاریه به واسطه معلوم نبودن محل اقامت او ممکن نگردیده بدین وسیله در اجرای ماده ۱۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری مراتب به نامبرده ابلاغ تا ظرف یک ماه از تاریخ انتشار آگهی در شعبه دوم دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب سراب جهت پاسخگویی به اتهام خویش حاضر شود درصورت عدم حضور پس از یک ماه از تاریخ انتشار آگهی اقدام قانونی معمول خواهد شد.

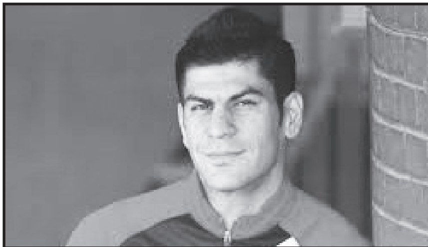
دادیار شعبه دوم دادسرای عمومی و انقلاب سراب
جمهوری

اصلاحیه آگهی حصر وراثت

بدینوسیله پیروآگهی روزنامه اعتدال به شماره ۲۳۵۲ مورخه ۹۲/۴/۱۹ بند۵
۵- سکینه عظامی آلقو به شماره شناسنامه ۱۶۹۴ متولد ۱۳۵۴ دختر متوفی صحیح می باشد.

ویژه نامه روزنامه اطلاعات در آذربایجان شرقی
• مسئول ویژه نامه: کاظم نیک رفتار
• پست الکترونیکی: tabriz@ostan.org
• نشانی: تبریز– خیابان آیت ا... طالقانی– پلاک ۱۳۹، کدپستی ۵۱۳۷۸/۵/۶۵۹۳
• تلفن: ۵۵۵۲۵۹۰ فاکس: ۵۵۶۳۱۴۱

مدیر عامل تیم تراکتور سازی :
کریمیان باید توضیح دهد



تبریز–خبرنگار اطلاعات: مدیر عامل تیم تراکتور سازی گفت:مهدی کریمیان باید در مورد حضور بی موقع در خیابان و تصادفی که منجر به مجروح شدنش شد توضیح دهد.

حمید زینی زاده در گفتگویی افزود:پرونده این بازیکن باز است و چون تصادف بوده است نیروی انتظامی پیگیر ماجرا است.با این حال وی به عنوان بازیکن حرفه ای باید توضیح دهد که چرا ساعت ۴ صبح در حال استراحت نبوده است.

وی با اشاره به بازی سپاهان و پیروزی های پیاپی تیمش گفت: گفته بودم موتور تراکتور دیزلی است و دیر گرم می شود ولی به هر حال سفر به اصفهان برایمان خوش یمن بود و به برکت تلاش کل تیم به نتیجه رسیدیم.

زینی زاده ادامه داد:برنامه های کادر فنی را دنبال می کنیم چرا که نتیجه داده است. به این ترتیب در پی کسب نتایج بهتر هستیم و از حالا خود را آماده بازی با مس در تبریز خواهیم کرد.

ضرورت گسترش امکانات ورزش حرفه ای در سطح آذربایجان شرقی

تبریز – خبرنگار اطلاعات: استاندار آذربایجان شرقی گفت: برای پیشرفت ورزش حرفه ای در کشور نیازمند گسترش امکانات در تمامی شهرهای استان هستیم.

احمد علیرضا بیگی اظهار داشت: با وجود اینکه جوانان امروز از کمبود امکانات ورزشی گلایه دارند اما زمانی قهرمانان ورزشی بدون کمترین امکاناتی موفق به پیشرفت های بزرگی می شدند که این کار آن ها قابل قدردانی است.

وی افزود : این استان همواره دارای استعدادهای ویژه ای در زمینه های مختلف همچون اقتصاد، علم و ورزش بوده است که در زمان های مختلف شاهد افتخار آفرینی جوانان در این عرصه ها بوده ایم.

بیگی با اشاره به اینکه رسم ورزش پهلوانی باید به نسل های آینده انتقال یابد ، گفت : خواسته ما از مدیریت ورزش استان این است که زمینه‌ای فراهم کنند تا افتخارات و خاطرات این عزیزان به نسل جدید منتقل شود.

وی با بیان این که سرمایه گذاری در حوزه ورزش، هزینه محسوب نمی‌شود، افزود: ورزش از جمله صحنه‌هایی است که می‌تواند برای مردم ما روحیه‌آفرین و برای دشمنان ما یاس‌آور باشد و زمینه شکوفایی استعدادهای جوانان ما را فراهم کند.

استاندار آذربایجان شرقی ادامه داد : هرچه به سمت حرفه‌ای شدن ورزش پیش می‌رویم علاقه و جذبه بیشتری برای حضور جوانان در این عرصه ایجاد می‌شود که البته در این زمینه باید جایگاه رشته‌های مختلف ورزشی بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

وی افزود : ورزش، یک زبان بین‌المللی است که در کنار تمام افتخارات آذربایجان شرقی در عرصه‌های مختلف که نماد بالندگی استعدادهای این استان است، وظیفه داریم از افتخارآفرینان ورزش نیز قدردانی و به وجود تک‌تک آنها افتخار کنیم.

بیگی همچنین موفقیت تیم دوچرخه‌سواری پتروشیمی در مسابقات چین را تبریک گفت و افزود: موفقیت چندین ساله تیم دوچرخه‌سواری پتروشیمی در عرصه‌های بین‌المللی، نمی‌تواند تصادفی باشد؛ بلکه از استعدادها و توانایی‌های ورزشی جوانان ما حکایت می‌کند.

در این آیین از ۳۲ پیشکسوت ورزشی استان با اهدای لوح سپاس از سوی وزیر ورزش و جوانان و سکه بهار آزادی و همچنین از ۱۳ رکابزن و کادر فنی تیم دوچرخه‌سواری پتروشیمی تبریز با اهدای تندیس یادبود استانداری و سکه بهار آزادی تجلیل شد.

به مناسبت سالگرد زلزله ورزقان، هریس و اهر

انگار همین دیروز نبود!

پری اشتری



می خواستم بنویسم انگار همین دیروز بود اما نه ، انگار همین دیروز نبود! یک سال پیش بود، ۳۶۵ روز به درازای یک عمر.

روزهایی پر از هراس و رنج و دلهره. روزهایی که هر لحظه همین زمین سخت زیرپا می توانست از زیر بار تحمل ما شانه خالی کند، همانطوری که ۳۶۵ روز پیش زیر پایمان را خالی کرد. یک سالی که در کلمه راحت می گنجد اما در تحمل گرمای هلاک کننده ی تابستان، سوز سرمای تازه از راه رسیده پاییز و برف استخوان سوز زمستان آذربایجان جای نمی گیرد. همین ۳۶۵ روز پیش بود که زلزله خانه خرابمان کرد و سال پیش رویمان را طولانی تر از هر سالی کرد. گرمای خانه را بر ما حرام کرد. شب ها در اندیشه چادرنشینان سر راحت بر بالش نگذاشتیم. صدها هموطن جان باختند و هزاران خانواده بی خانمان شدند.

واقعه ای بزرگ بود اما انسان بزرگ تر از هر واقعه ای ست. تحمل می کند، عادت می کند، فراموش می کند. می افتد، زخمی می شود اما دوباره برمی خیزد. همانطور که ساکنین خطه سرسبز اما ویران شده ی ارسباران برخاستند و پا به پای نیروهای امداد آواربرداری کردند، خانه ساختند وامید را بازگرداندند. اراده انسان بزرگ تر از هر واقعه ای ست. یک سال گذشت هر چند سخت. هر چند که مسئولان بسیاری از وعده ها را عملی نکردند و گزارش های خلاف واقع دادند اما این مردم غیور آذربایجان بودند که خود وارد صحنه شدند و رنگ زندگی را به ارسباران بازگرداندند.

امروز ۲۱ مرداد ۱۳۹۲ سالروز وقوع زلزله بزرگ آذربایجان است. زلزله ای که یادش به این زودی ها از ذهن و خاطره مردم آذربایجان پاک نمی شود. دو زلزله پیاپی به بزرگی بیش از ۶ ریشتر، پنج هزار و ۵۰۰ کیلومتر مربع از وسعت استان را تحت تاثیر قرار داد، حدود ۳۰ هزار خانه را تخریب کرد، بیش از ۲۵۳ نفر کشته و تعداد زیادی زخمی به جای گذاشت و ۹ هزار میلیارد ریال خسارت به دنبال داشت. پس از طی روزهای سخت اولیه وعده دادن های مسئولان شروع شد. معاون اول رییس جمهور، وزیر راه و شهرسازی، مدیر کل بنیاد مسکن آذربایجان شرقی، استاندار آذربایجان شرقی، رییس جمهور وقت، همه و همه از بازسازی چند ماهه مناطق زلزله زده خبر می دادند. بازسازی چند ماهه ای که امروز پس از گذشت یک سال هنوز به طور کامل پایان نگرفته است.

تنها خدا می داند که زلزله زدگان ارسباران در این یک سال با انواع مشکلات و کمبودها چطور زندگی کرده اند اما تنها انسان است که می تواند بایستد، مقاومت کند و نیافتد. داغ عزیز و آوارگی و تحمل سرما و گرما و بارندگی و ... راحت نیست اما، آفرین بر اراده انسان، آفرین بر اراده زن و مرد و کودک آذربایجان که تحمل کردند و دم برنیاوردند.

ای کاش دیگر زمین در هیچ جایی از خاک خود سر ناسازگاری نگذارد.

برای اولین بار

پذیرش دانشجو در رشته پیراپزشکی سراب

سراب – خبرنگاراطلاعات: طی مراسم جداگانه ای به مناسبت سالگرد شهادت شهید صارمی و روز خبرنگار، از خبرنگاران رسانه های مکتوب و فضای مجازی سراب تقدیر شد.

دکتر سعادتی فرماندار سراب ضمن دعوت خبرنگاران به افزایش دانش حرفه ای تبحر و ممارست در کار خبرنگاری، بیان نرم انتقادات و مسائل را لازمه کار خبرنگاری دانست و گفت: خبرنگار باید به حدی به حیطه کار خود مسلط باشد تا علیرغم بیان انتقادات موجب رنجش کسی نشده و اثر گذاری بیشتری داشته باشد.

خانم مهناز بهمنی نماینده مردم سراب در مجلس شورای اسلامی هم خبرنگاران را همدم و همراه نماینده و مردم معرفی کرده و گفت: خبرنگاران باید پل ارتباطی بین نماینده با مردم باشند تا همه بدانند که در شهرستان چه اتفاقاتی می افتد.

خانم بهمنی از پذیرش دانشجو در رشته پیراپزشکی دانشکده سراب در آزمون سراسری استان خبر داد و گفت: دانشکده فنی دختران نیز در رشته های آی تی، گرافیک ومعماری پذیرش خواهد کرد.

نماینده مردم سراب در مجلس از مطالعه ایجاد رشته پزشکی در شورای گسترش مراکز آموزش عالی و تاسیس دانشکده کشاورزی خبر داد.

وی از تلاشهای بعمل آمده جهت حل مشکلات بوجود آمده در تجهیز و احداث کارخانه تولید پودر آلومینا از نفلین سینیت در سراب خبر داده و از سفر قریب الوقوع دکتر اسحاق جهانگیری وزیر معاون وقت کلنگ زنی و تصویب احداث کارخانه به سراب خبرداد.

حسین پوری شهردار سراب نیز خواستار توسعه فضای دید خبرنگاران و توسعه آن به فرابخشی و بیان مسائل و مشکلات کلانشهرها و مقایسه آن با شهرهای کوچک مثل سراب پرداخت و گفت: شهرداری سراب در طول سالهای گذشته بیشترین جذب سرمایه گذار بخش خصوصی در توسعه امکانات شهری را داشته است.

داود رفیقی رییس اداره صنعت، معدن و تجارت سراب نیز، روز خبرنگار را فرصت مناسبی برای شناساندن نقش رسانه ها در جامعه و وظایف خطیر آنها در جامعه دانسته و ذات خبرنگار را مبتنی بر بی طرفی تعریف کرد.

وی از اجرای پنج طرح اساسی از محل مصوبات همایش سرمایه گذاری سرابیها در تهران خبر داده و مهمترین آنها را تولید برق به روش CHP ده کیلوواتی شهرک صنعتی و دو کیلوواتی شهرک گلها و تولید الیاف شیشه در این شهرستان اعلام کرد.

رحمان خاطری رییس دادگستری شهرستان سراب نیز طی سخنانی خبرنگاران را برگزیدگان خداوند و کارشان را پیامبر گونه تعریف کرده و گفت: اطلاع رسانی و تبلیغ در احکام الهی به مثابه اجرای حکم است تا مردم عبرت کنند.

وی گفت: جای مردم در رسانه ها خالی است و حضور مردم در رسانه ها باعث پررنگ تر شدن وظایف خودشان خواهد شد.

خاطری از رسانه هایی که نقش روابط عمومی ادارات دولتی را بازی می کنند انتقاد کرده خبرنگاران را نماینده افکار عمومی دانستند.

رییس دادگستری سراب این شهر را جزو سالمترین و امن ترین شهرهای استان اعلام کرده و میزان بروز جرایم خشن را نزدیک به صفر اعلام کرد.

خاطری علاوه بر رسیدگی به پرونده های مطروحه مهمترین وظایف دادگستری را احیای آزادیهای مردمی، احقاق حق، رسیدگی به حقوق عمومی مردم و پیشگیری از وقوع جرم بیان کرد.

وی از وضعیت فیزیکی نامطلوب زندان سراب انتقاد کرده و گفت: زندان سراب چهار برابر ظرفیت خود زندانی را در خود جای داده و جا دارد فکری اساسی برای اختصاص اعتبار و احداث زندان جدید در زمین خریداری شده بعمل آید.

در خاتمه از طرف هر یک از ادارات هدایایی همراه با لوح تقدیر به رسم یادبود به هر یک از خبرنگاران اهدا گردید.